

اجوبه المسائل المرعشيه آيت الله العظمى سيد حسين طباطبائي بروجردى

به كوشش: عبدالحسين طالعى *

مقدمه

۱. اين رساله كم برگ و پربار، شامل پاسخ هاى آيت الله العظمى سيد حسين طباطبائى بروجردى (۱۳۴۰ش) به آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره) در باب شش نص آيه و حديث است كه براى نخستين بار به صورت حروفى انتشار مى يابد. مبنای آن اصل دست خط آيت الله بروجردى است كه ضمن صدها نامه ارزشمند ديگر در كتاب نامه هاى ناموران منتشر شده بود (ص ۱۴۷ تا ۱۵۰ آن كتاب). كتاب يادشده گزيده اى است از نامه هاى كه بزرگان به خدمت مرحوم آيت الله سيد شهاب الدين مرعشى فرستاده اند و بسيارى از آن ها نكات مهمى در بردارند.

پيش از اين بخش هاى محدود از اين مجموعه نفيس به صورت حروفى انتشار يافته، مانند مكاتيب شيخ آقا بزرگ تهرانى، دكتور حسين على محفوظ، سيد عبدالحسين شرف الدين و ميرزا محمد تهرانى عسكرى.

۲. اين رساله را آيت الله بروجردى ظاهراً در دوره ميانسالى نوشته، به دليل آن كه معظم له در سال هاى آخر به دليل رعشه دست، كمتر به خط خود مى نوشته اند.

از متن رساله بر مى آيد كه پاسخى به پرسش هاى آيت الله العظمى مرعشى بوده كه متأسفانه به آن نامه و اصل آن پرسش ها دست نيافته ايم. لذا درونمايه آن نامه را بايد به قرينه پاسخ ها به دست آوريم.

* عضو هيئت علمى دانشگاه قم، دانشجوى دوره دكتورى واحد علوم و تحقيقات.

۳. براین اساس، مفصل‌ترین جواب، مربوط است به حلّ مشکل حدیث اول، یعنی روایت یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام که جناب خزاز قمی در کفایة الاثر (تحقیق سید عبداللطیف کوه‌کمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق) ص ۲۵۵ به بعد آورده است. البته حدیث را پیش از او ابن عقده به سند دیگر روایت کرده (فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام من کتاب ابن عقده ص ۱۶۴ ح ۱۶۱). ولی به سند خزاز را حلی در مختصر البصائر (ص ۲۷۹ ح ۳۵۴) آورده و به کتاب ابن بطریق نسبت داده است.

در هر حال محدثان به نقل از کفایة الاثر در دیگر جوامع روایی و منابع تفسیر مأثور آورده‌اند مانند: محدث بحرانی در: غایة المرام باب ۱۳ حدیث ۷۰؛ تفسیر البرهان ج ۴ ص ۶۸۴ ذیل آیه ۷۵ سوره ص؛ الانصاف فی النص علی الائمة الاشراف ص ۴۶۵ ح ۳۵؛ بهجة النظر فی اثبات الوصایة والامامة للائمة الاثنی عشر ص ۹۰ فصل ۱۰؛

شیخ عبدالله بحرانی در: عوالم مجلد نصوص، ص ۲۷۸ ح ۱۶ (با توضیح برخی از عبارات)؛ شیخ حرّ عاملی در: اثبات الهداة ج ۲ ص ۵۶۱ ح ۵۸۴؛ وسائل الشیعة ج ۲۴ ص ۶۹، ج ۲۸ ص ۳۴۶ (از چاپ بیست جلدی: ج ۱۶ ص ۲۹۴ و ج ۱۸ ص ۵۶۲)؛ الفصول المهمة فی اصول الائمة ج ۱ ص ۲۴۴ باب ۴۳ ح ۲۳۵؛

علامه مجلسی در: بحار الانوار ج ۳ ص ۲۸۷، ج ۶۳ ص ۲۶، ج ۷۰ ص ۲۵، ج ۳۶ ص ۴۰۳ (با توضیح و تبیین مفصل علامه مجلسی)؛

محدث نوری در خاتمه مستدرک ج ۹ ص ۲۴۴ ذیل ترجمه یونس بن ظبیان (شماره ۳۲۲۱) متن حدیث را با این توضیح می‌آورد: «فیه من الدلالة علی علو مقام یونس ما لا یخفی علی الناقد» و در ص ۲۴۷ پس از نقل خبر به طور کامل می‌نویسد: «تأمل فی هذا الخبر الذي رواه الأجلّاء وما فیه من جلاله قدر یونس»^۱

۴. متن حدیث شامل چهار بخش است: بخش اول حقایقی در مورد توحید و نفی تشبیه از حضرت باری تعالی است. بخش دوم به نوعی روش شناخت حقایق را نشان می‌دهد

۱. استخراج این موارد به کمک لوح فشرده جامع الاحادیث نورنسخه ۳/۵ انجام شد. سپاس‌گزاری از دست‌اندرکاران تهیه و تدوین این لوح فشرده، کمترین کاری است که در جهت حمایت از این تلاش خداپسندانه می‌توان کرد. از دیگر دوستان اهل قلم می‌خواهم که هر جا از این لوح یا دیگر لوح‌های فشرده بهره می‌گیرند، تلاش مجاهدان خاموش میدان نشر تراث حدیث را ارج نهند که شکر خالق در گرو تشکر از مخلوق است.

(و بیشتر بحث‌ها درباره همین بخش است). بخش سوم منبع اصلی علم صحیح را بیان می‌دارد که امامان معصوم علیهم‌السلام هستند. در این بخش نام مقدس دوازده امام به روشنی بیان شده‌اند و محدث خزاز به همین دلیل آن را در شمار احادیث نصوص آورده است. بخش چهارم اشاره‌ای است به این مطلب که امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به همین پرسش که فرد دیگری (عبدالله بن سعد یا سعید) مطرح کرده نکات دیگری فرموده‌اند که در این جا امام علیه‌السلام به عنوان معنوی بالای یونس بن ظبیان اشاره می‌کند و به او توصیه می‌فرماید که آن را از نااهلان پوشیده بدارد. در نقل دیگر از حدیث، امام علیه‌السلام به آیه «فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» (نحل، ۴۳) نیز اشاره می‌کند. بر همین اساس این حدیث در منابع تفسیر مآثور مانند تفسیر برهان، نور الثقلین، کنز الدقائق و مانند آن‌ها نیز آمده است

حدیث دوم - چنان که از محتوای جوابیه بر می‌آید - در باب اسماء و صفات الهی است.

پاسخ سوم ظاهراً به آیه شریفه «إِنَّ الظَّنَّ لَا یَغْنِی مِنَ الْحَقِّ شِئاً» بر می‌گردد.

پاسخ چهارم ظاهراً به این مبحث مربوط می‌شود که آیا اراده گناه را می‌توان گناه دانست یا نه.

پاسخ پنجم به حدیث مدینه العلم و بر مبنای آن بحث انسداد باب علم می‌پردازد.

پاسخ ششم به مبحث ربا اختصاص دارد.

۵. نکات مهمی در این مکتبه می‌توان یافت، از جمله:

نخستین نکته‌ای که در این پاسخ‌ها جلب نظر می‌کند، پی‌گیری دانشورانه آیت الله مرعشی

است که در سنین جوانی فرصت بهره‌وری از استادش آیت الله بروجردی را مغتنم می‌شمارد. و با

طرح سؤال به صورت مکتوب، این فرصت را در اختیار آیندگان نیز قرار می‌دهد. چه خوب

است که این درس را ما نیز فراگیریم و چنین باقیات صالحاتی از خود بر جای نهمیم.

نکته دوم، ژرف بینی و حوصله آیت الله بروجردی است که با وجود اشتغالات دیگر،

پاسخی موجز و مفید می‌نگارد.

نکته سوم این که مرحوم آیت الله بروجردی به محض یافتن نکات شگفت در حدیث یونس

بن ظبیان - که دیگران مانند علامه مجلسی نیز با آن برخورد کرده بودند - حکم به ضعف یا وضع آن

نمی‌کند و بایک بررسی سندی شتاب زده در مورد حدیث قضاوت نمی‌کند؛ بلکه اولاً آن را دارای

شائبه تشابه می‌داند، ثانیاً توضیحات خود را احتمالی و نه قطعی می‌خواند (و دو بار بر این

احتمالی بودن نظرات خود تأکید می‌کند)، و سرانجام علم آن را به اهل بیت علیهم‌السلام بر می‌گرداند.

و: چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار.



همین شیوه برخورد را در پاسخ دوم توضیح حدیثی در مبحث مهم و دشوار اسماء و صفات الهی - می بینیم.

این گونه روش مندی علمی که ضمناً تقوا و احتیاط شرعی آن زعیم عظیم را می رساند، باید درس آموز دانشجویان جوان باشد که درباره روایات، به سرعت نظر ندهند و جانب احتیاط را فرو نهند. و بدانند که هر کلامی از ما صادر می شود، نه تنها در کارنامه آخرتی ما ثبت می شود، بلکه به صورت مکتوب نیز برجای می ماند و در آینده بر اساس آن درباره گوینده قضاوت می شود؛ که به فرموده امیر کلام: «المرء مخبوء تحت لسانه».

۶. از فرصت

استفاده می کنم و از فرهیختگان بزرگوار می خواهم که با توضیحات بیشتر خود در مورد این رساله، به تبیین آن کمک کنند.

روح بلند این دو عالم و دیگر عالمان دانشور و پارسای شیعی بر خوان احسان اهل بیت نور مهمان باد. و دعای خیر حضرت بقیة الله شامل حال تمام خوانندگان باد. آمین!

بص

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله عن السؤال الاول نقول اول ان امثال هذه الاخبار وعليها شواهد
 وليست مما يمكن تفسيره على وجه القطع ونسب ذلك اليهم لكن تذكر شيئا على وجه
 ثم اقول ان هذه الاخبار يمكن ان تكون من اهل البيت لانهم كانوا في كل عصر من العصور
 الشريفة والادب على النبي واستعمل عليه السلام في ذلك منهم مع ان كان لهم حظ من
 عهدنا لسرد كما نوا يعطونهم باعتبار تعلمهم الحديث والهدى سره والفقه والتدبير
 للفقيه والحكمة وكان يصعب على الناس خلاف اقوالهم وكانوا يرون انهم
 الى المعرفة الا ما سلكوا من القلبيات و هم لا يدرى في غيره فالله اراد ان
 ان يتركها الى المعرفة غير ذلك الطرق التي سلكها هؤلاء فقد تفرغوا للعلم والهدى
 وهذا هو عظم اولياء الله فهم قد اشغلوا في اول امرهم فلو بهم وجوارهم
 بالعبادة فلو بهم بالفكره وجوارهم بالاعمال الصالحة فاذا رجع فيهم ذلك حصل
 فهم بذلك خصروا بالعبادة التي هي عبادة القلب حب الله تعالى في ذلك حصل له هذه
 كما في عهد الرسول صلى الله عليه واله الذي كان في كل عصر من العصور
 المرتبة ركن في صفات الدنيا بل هو ما دون الدنيا عنه وفرجت ثمراتها من عبادة
 من قلبه العكبة السداد عكبت في بدء فطرته وعظمت العكبة البيضاء التي لا تفسد
 والسد جسم اذنه قلبه الذي عكبت فيها الشيطان وانفتح اذنه الاخر كان
 فيها الملك وبالجملة نسبة الاجرام الى كانت لعكبة في العالم السفلي الظلمة في وقت
 الاجرام له يكون له الى العوالم العلوية فاستغنى قلبه بهذا النور اللامع في
 نور حبه الله تعالى فاذا صار القلب كذلك دخلهم من جنبته الظلمة التي استغنى
 بعون الاطراف الالوية فاستغنى الله له لانه لا يوجد المطلق والفضيلة من الله
 والا كما ان ينعيم من افاضه اللطيف عدم استعداد القلب بسبب جنبته الدنياوية الظلمة

بسم الله الرحمن الرحيم

الجواب عن السؤال الأول

نقول: أولاً أنّ امثال هذه الأخبار، عليها شوب التشابه؛ وليست مما يمكننا تفسيرها على وجه القطع ونسبة ذلك اليهم على سبيل الجزم، لكن نذكر شيئاً على وجه الإحتمال.

ثم أقول: يمكن ان يقال انّ ابن ظبيان لما حكى له عليه السلام ما سمعه من مالك وغيره، من الكلمات الشنيعة الدالّة على التشبيه واستعظم عليه السلام، قبح صدور ذلك منهم؛ مع انه كان لهم خطر وشأن عند الناس، وكانوا يعظّمونهم باعتبار تعلّمهم الحديث والقياس والفقه مدّة عمرهم وتصدّهم للفتيا والحكومة، وكان يصعب على الناس سماع خلاف اقوالهم؛ وكانوا يرون انه لا طريق الى المعرفة الاّ ما سلكوها من التعلّات؛ وهي لا تؤدّي الى غير ما قالوه، اراد عليه السلام ان يبيّن انّ هنا طريقاً الى المعرفة غير هذه الطرق التي سلكها هؤلاء وهي قد ترفع سالكها وقد تضعه وهذا هو طريق اولياء الله فهم قد اشغلوا في اول امرهم قلوبهم وجوارحهم بالعبادة، قلوبهم بالفكرة وجوارحهم بالأعمال الصالحة فإذا رسخ فيهم ذلك حصل فيهم بذلك خصوصاً بالفكرة التي هي عبادة القلب حبّ الله تعالى لأنّه يعلم انه خالقه ورازقه وولي نعمته اعطاه من غير استحقاق وانه الجميل الذي لا يشوبه ضدّه وانه الخير المحض ومبدأ كل خير.

فإذا حصل له هذه المرتبة ورسخت فيه، صغرت الدنيا بل ومادون الله تعالى عنده وخرجت شهواتها من قلبه فيزول عن قلبه النكتة السوداء التي كانت فيه في بدء فطرته وعظمت النكتة البيضاء التي كانت فيه وانسدّ اذن قلبه التي كان ينفث فيها الشيطان وانفتح اذنه الأخرى التي كان ينفث فيها الملك.

وبالجملّة انسدت الأبواب التي كانت لقلبه الى العالم السفلي الظلماني وفتحت الأبواب التي تكون له الى العوالم العلوية. فاستضاء قلبه بهذا النور اللامع فيه وهو نور حبّ الله تعالى.

فإذا صار القلب كذلك وخلص من جنبته الظلمانية استعدّ بذلك لقبول الألطاف الإلهية فاسرعت اليه؛ لأنّه هو الجواد المطلق والقيّاض الصرف وأتمّما كان يمنعه من إفاضة اللطف عليه عدم استعداد القلب له بسبب جنبته الدنيوية الظلمانية.

فإذا فرغ قلبه منها وزال المانع اسرع اليه ما هو مستعدّ له بذاته من اللطف الرباني؛ فلعلّ ما ذكرناه هو نكتة التعبير بالإسراع فنفظن لها.



واما اللطف فيحتمل ان يكون المراد به ما هو مناط انكشاف الأشياء وحضورها عند العالم، قال تعالى: ﴿وهو اللطيف الخبير﴾. وهذا هو المناسب للمقام. ويحتمل ان يكون ما هو المراد من قوله تعالى: ﴿الله لطيف بعباده﴾.

فإذا لطف القلب بإفاضة الله تعالى صار الإنسان من أهل الفوائد تزيد عليه الإفاضات العلمية وتنكشف هذه الأمور شيئاً فشيئاً ويتعالى امره مرتبة فمرتبة ويستلزم هذا حبه للإفاضة على غيره شيئاً مما يفاض عليه على قدر استعداد الغير واقتضاء المصلحة؛ فصار يتكلم بالحكمة لذلك.

فإذا صار ممن يفاض عليه العلوم ويزيد شيئاً فشيئاً ويفيض على الغير منها ما اقتضته الحكمة والمصلحة ووقف موقف الإستفاضة من الله تعالى والإفاضة على خلقه صار صاحب فطنة.

يحتمل ان يراد بذلك تكامل رقيقة العقل التي هي من الرقائق الكامنة فيه ومرتبته فوق مرتبة القلب. ويؤيد هذا الإحتمال ما في حديث العقل وجنوده حيث جعل فيه الفطنة من صفات العقل.

فإذا تكامل فيه القلب والعقل صار يعمل ويجاهد في تكميل ما في ذاته من الرقائق التي هي فوقهما مما هو من عالم القدرة والأمر، فبعد تكاملها جميعاً فيه، يعرف السماوات السبع أو العوالم العلوية السبعة أو المراتب السبع لنفس الإنسان في تكامله أو الحجب السبع.

وبعد ذلك كله فإن هذا العبد لفي شك من صدور هذا الكلام بأجمعه منه عليه الصلاة والسلام من دون زيادة ولا نقيصة؛ ثم في شك من كون المراد به ما ذكرته على تقدير صحة صدوره كذلك منه عليه السلام؛ ثم في تنزل من صحة بعض ما بنيت عليه ما ذكرته من المقدمات. وإنما ذكرت هذا على سبيل الإحتمال قضاء لحق السائل.

والأولى رد علم ذلك اليهم عليهم السلام.

الجواب عن الثاني

في هذا الحديث ايضاً شوب من التشابه، فما نذكره فيه إنما نذكره على سبيل الإحتمال لا الجزم. وفيه أربع فقرات: ثنتان منها في المعرفة وثنتان في العبادة.

اما الأولتان

فيحتمل أن يكون المراد بالأولى منهما أن من زعم أن ما يتوهمه قلبه هو الله، فقد أشرك فإن القلب أنزل مرتبة من أن يدرك الواحد الحقيقي بوحده. فما يتوهمه هو، يكون للاحتمال مركباً من اجزاء مختلفة. ووجوب وجود المركب معناه وجوب وجود أجزائه، والقول بوجوب وجود المتعدد هو الشرك.

وأما الثانية قوله فتحه فإن من لم يصل إدراكه الآلى الإسم لفظياً كان أو وجودياً لم يعرف الله تعالى فإن الإسم محدث.

وأما الثالثة فإن الإسم إذا لوحظ بالإستقلال بحيث كان له هوية غير المسمى وعُبد هو مع المسمى، كان العابد قد عبد مع الله شيئاً آخر، فأشرك في العبادة.

وأما الرابعة فإن من يكون بهذه المثابة يكون المعنى عنده مجهولاً والصفة معلومة يشير بها إليه فهو غائب عنه غير حاضر في عرفانه وهو قصور في المعرفة.

كيف يكون شىء أعرف منه وهو خالق السماوات والأرضين وما فيهن وما بينهن وفى كل ذرة منها علمه وحكمته وقدرته ظاهرة غاية الظهور.

وكيف يكون غائباً عن النفس من تكون النفس بنفسه من بدائع صنعه.

الجواب عن الثالث

الظاهر أن «من» في قوله تعالى «من الحق» للبدلية وقوله تعالى «شيئاً» مفعول مطلق لدلالته على المصدر أى شيئاً من الإغناء.

قال ابن مالك:

وقد ينوب عنه ما عليه دل كجد كل الجد وافرح الجزل

فالمعنى: إن الظن لا يغني الظان شيئاً من الإغناء بدل ما كان يحق له تحصيله من العلم، أو بدل ما هو الثابت في الواقع.

الجواب عن الرابع

الأقوى عدم الشمول، فإن مدلولها هو أن الطغيان على الله تعالى بتلك المرتبة -وهي مرتبة إرادة- ما هو عصيان له تعالى مغتقراً إما لعدم وصوله حداً يستحق به العقوبة أو لأن انصرافه عن العمل بما هم به مكفر له.

وعلى الوجهين لا تشمل الطغيان الذي وصل إلى منتهى درجته بإيجاده العمل بما يعتقد كونه محرماً.

وبالجملة فالعزم على فعل ما يعتقد تحريمه مع عدم كونه محرماً في الواقع على حد العزم على فعل ما يعتقد تحريمه مع كونه محرماً من حيث مرتبة الطغيان وفعله على حد فعله في الطغيان ومرتبته ومرتبته قبحة العقلى. وليس فعل هذا كالعزم على ذلك حتى يستدل بهذه الأخبار على العفو عنه كما صدر من صاحب الإشارات على ما بيالي.



الجواب عن الخامس

الذي حصلتموه رابعاً ثانياً وفي عبارة السؤال وهم كعدده فإن مدينة العلم في أذهان المسلمين باعتبار الحديث الدائر هو رسول الله ﷺ، وبإبها علي عليه السلام ثم أولاده المعصومون عليهم السلام. ولا معنى للسؤال عن انسداد ذاك. وإن أردتم انسداد باب العلم، فالجواب أن الأمور مختلفة، فباب العلم مفتوح بالنسبة إلى بعضها ومنسدد في بعض.

الجواب عن السادس

أنه يمكن الجمع بأن المذموم هو استحلال الربوا بما هو في صورة البيع عرفاً مع عدم كونه بيعاً شرعياً لعدم التقصد إليه أو لفقد سائر الشروط. وغير المذموم هو التوصل إلى فائدة الربوا بما هو بيع حقيقة. ففي الأول يكون مصداقاً للربوا حقيقة وسمها بيعاً واستحل به ما هو ربوا. وفي الثاني باع

واشترى حقيقة وحصل بهما فائدة الربوا من دون أن يكون مصداقاً له.

[الخاتمة]

بعد السلام والتحية اعترض إلى جنابكم، فإني زمان وصول الأسئلة كنت مشتغلاً بكتابة شيء فتأخرت كتابة الجواب إلى أن فرغت منها. والمرجو من جنابكم العالي أن لا تتسائي في أوقات التوجه والدعاء. والسلام عليكم ورحمة الله.

كتبه حسين الطباطبائي

البروجردي



لا تشمل الطغیان الذر وصل إلى منزهة رجته بما يحده العمل بما يعتقد كونه محرماً وبالجملة فالعزم على فعل ما يعتقد تحريمه مع عدم كونه محرماً في الواقع على حد العزم على فعل ما يعتقد تحريمه كونه محرماً بنفسه من حيث مرتبة الطغیان وفعله على حد فعله في الطغیان ومرتبته ومرتبته فتجبه العقيل وليس فعل هذا كالعزم على ذلك حيث يستدل به بعض الأئمة على العزم عنه كما صدر من صاحب الان رايت على ما يبال

الجواب عن السؤال انه يمكن الجمع بان المذموم هو استحلال الربوا بما هو في صورة البيع عرفاً مع عدم كونه بيعاً شرعياً لعدم التقصد إليه أو لفقد سائر الشروط. وغير المذموم هو التوصل إلى فائدة الربوا بما هو بيع حقيقة. ففي الأول يكون مصداقاً للربوا حقيقة وسمها بيعاً واستحل به ما هو ربوا. وفي الثاني باع واشترى حقيقة وحصل بهما فائدة الربوا من دون أن يكون مصداقاً له.

بعد السلام والتحية اعترض إلى جنابكم، فإني زمان وصول الأسئلة كنت مشتغلاً بكتابة شيء فتأخرت كتابة الجواب إلى أن فرغت منها. والمرجو من جنابكم العالي أن لا تتسائي في أوقات التوجه والدعاء. والسلام عليكم ورحمة الله.

كتبه حسين الطباطبائي البروجردي

به یاد شیفته کتاب

سید محمود مرعشی

مرحوم آیت الله سید مهدی حسینی لاجوردی قمی، در سال ۱۳۰۵ شمسی در قم زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در مدارس جدید طی کرد و تا سال آخر دبیرستان از شاگردان ممتاز و از نخستین گروه دیپلمه‌های آن دوره بود. وی پس از آن وارد حوزه علمیه قم شد و با جدّیتی کم نظیر به درس و بحث اشتغال یافت و از محضراستادانی چون آیات ثلاث سید محمد حجّت و سید محمد تقی خوانساری و سید صدرالدین صدر و آیت الله العظمی بروجردی و علامه طباطبایی کسب فیض کرد.

آن مرحوم در جنب تعلیم و تعلّم درس‌های حوزوی، به تحقیق و تألیف نیز رو آورد و به کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی علاقه‌ای وافر داشت. نه تنها خود به جمع‌آوری نسخه‌های خطی و احیای آثار قدماى شیعه اهتمام می‌ورزید، بلکه این جانب را نیز مددکار بود. مرحوم لاجوردی از بهترین همراهان من در سفرهای علمی برای ابتیاع نسخه‌های خطی بود و در طول بیش از پنجاه سال، با همکاری وی آثاری نفیس برای کتابخانه مرحوم والد، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رضوان الله تعالی علیه فراهم آمد. وی از آن مرجع بزرگ و دیگر مراجع نیز اجازه نقل حدیث دریافت کرد؛ از جمله: مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم، مرحوم آیت الله العظمی شیخ عبدالنبی عراقی، مرحوم آیت الله شیخ آقابزرگ تهرانی، مرحوم آیت الله سید محمد مهدی موسوی خوانساری اصفهانی کاظمی و برخی دیگر از مراجع. در اجازه مرحوم والد، از وی با تعبیر «العالم الجلیل والشریف النبیل فخر الأفاضل الشاخصین صفوة المدرّسین» یاد شده و تاریخ اجازه ۱۳۸۷ قمری است.



از مرحوم آیت الله
لاجوردی، کتاب‌هایی
گونگون (چاپ شده و
چاپ نشده) برجای
مانده است. آثار مطبوع
وی به شرح زیر است:

۱. تصحیح کشکول
شیخ بهاء‌الدین عاملی
با حلّ معضلات آن
۲. تصحیح و پاورقی
دارالسلام حاجی نوری

۳. تصحیح و پاورقی عیون أخبار الرضا علیه السلام در دو جلد

۴. تحقیق و تعلیق و فهرست کتاب فضائل السادات

۵. ترجمه و شرح معالم الاصول

۶. غوالی الدرر

۷. تصحیح الإثنی عشریه فی الردّ علی الصوفیة

۸. نهاية الأفكار: تعلیقات رشیقة أنيقة علی الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة

صدر المتألهین

۹. تحقیق و تعلیق بر دروس شهید اول

۱۰. تحقیق و تعلیق بر کتاب الفوائد الطوسیة صاحب وسائل

۱۱. تحقیق و تعلیق بر کتاب التنبیة بالمعلوم صاحب وسائل

۱۲. مقدمه و تقریظ بر چند کتاب.

آثار مخطوط مرحوم لاجوردی که برخی از آن‌ها برای چاپ آماده شده‌اند، تا آن جا که می‌دانیم، عبارت‌اند از: تقریرات مباحثات آیت الله العظمی بروجردی، شرح کفایه در دو جلد، ثلاثون مجلساً فی شهر رمضان، الکشکول به فارسی و عربی، خودآموز فلسفه به فارسی، تذکرة لاجوردی در تراجم شعراى قم، منتخب الرجال یا دانشمندان قم (در پنج جلد)، ترجمه



الحسين الزبيدي والشيخ محمد بن
 في الذين الذين الطاهري القمي والتبع
 الكلي القمي وغيرهم الا ان اطلاق العلم
 ورجال النسل في كل كسب تمييزاً
 علاه وزيد في وصفه وانه ان يروي
 الزنطها في هذه الجيرة المنسوبة
 احابنا بهذا القوي وفيها كان ان
 عني عن شيخنا من علم الاثر في
 والاضحى بالكتابة ما نقلت
 القم وسوي من عدة الاطالمة
 اراهم الرازي الغلابي والسدي
 من كرايلا على القمي غير القمي
 الشرفي وانه اراهم الرازي القمي
 في القمي في القمي وانه غير
 المطبق القمي والتبع يوسف البصري

الديوبندي والديوبندي القمي
 والسدي والديوبندي القمي والسدي
 محمد بن قاسم الطوسي القمي والديوبندي القمي
 الحنفية القمي والسدي والديوبندي القمي
 الكندي والسدي والديوبندي القمي
 الملا القمي والسدي والديوبندي القمي
 الكندي والسدي والديوبندي القمي
 وغيرهم من علماء العامة والسدي
 مدونة في اجازاتهم وانه في
 كتابي (المسلك في الاجالتي) و
 في النظام اشترط على الرازي السدي
 حاشية على من النعم والتفت في
 النقل وانه في القمي في القمي
 والسدي والسدي القمي في القمي
 والطن والافان بالاعتبار من



اهل القوم باهم كانوا بالسن فاه
 صاروا ليعوم واين كانوا خاليين
 صاروا وكيف كانوا فكيف هالوم
 والمتمس من الوداع في حلال الاجابه
 عصا البر والاريس الزلا والخطا في
 العترة والقول والاعمال في القدير
 على اذك حربه بيبانه وفاه بيبانه
 عبيد به الامم خادعون
 اهل الت شهاب الذين
 الحين العشي الخفي
 في ١٣٨٧
 بلدة تمشق
 حرم الامم

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله علونه والصلوة والسلام على محمد وآله وبمحمد وآله
 يخون على ارضهم ومن الغي السمع وهم شهاب وفالارين
 ساعد شرف العلم وفصله وسموه ونيله وكيف يخفي فضل ما
 يتصل العطل ونوازيه النالج حيث زفا فرث الوبان بتصرف
 منزلته ونوازيه الروايات بياهم فضيلة وحسبه شرفان
 الله فبارك وتعالى فذقتم في كتابه الجيد وفرقا في الحبيب شهاب
 العلماء بشهابه وشهابه ملائكة فقال عز وجل شهد
 ان لا اله الا هو والملائكة والروح اعلم انما بالالغسل ولذالك
 فذالك جمع كثير وختم على فخصمه في التصور وما من ويجرب
 في سبيله الا هلك والذخوان وتركوا الاوطان فصبروا فيما اعلم
 الشريعة ويدا اعلمهم لمبغته وجاهدوا بالجهاد الاكبر حتى
 الجهاد واجههوا غايته الجهاد حتى نالوا افضل النوازل
 فازيد ملك وزال ماهنالك استبدادهم واكرن العهد
 صاحب الفهم الوفا والاعمال فتاجد جامع العقول والمنقول
 حاو في العروج والوصول الورع النقي سيد مهدي بن ابي الفضل
 بن العباس بن محمد طاهر الحسيني الاصفهاني الاصل لما شان الامر
 وادامه



دامت بركاته ورحمت افادته النصفية الشريفة والى الابد القائل
 الجليل الواسع ومظنر من ههنا الحسيني الصنهايي الشهير بالكرم شقنا
 والمصالحات عياض الصغرى لنا الله برهانه وقد اجتمع معنا
 سيدنا المهدي المثلث اليه ونزار خزنة كنزنا حيدر بعضه وروى
 الفقهية وتكلمنا معه في مجالس ائمة الشريعة والعلما والفقهاء
 فوجدنا في جنابه اذما الله فضل وكبر في العالم مثل ملكة الوجود
 وقوة الاستنباط لا احكام من الاله والاعمال التي في العمل
 علما ما الاعداد اعطاه الله تعالى مقامهم في دار الكرام فله العمل
 مما يستنبط من الاحكام بالاداء وفلاسفا زان منا الحسن
 ظنينا تأسيها بالاعمال الكرام وروى في سلسلة مشايخنا
 العظام اعطاه الله مقامهم في دار الكرام وروى في سلسلة مشايخنا
 العلوية والدار وروى في الكرم والادب في احوالهم في حقهم
 اهلا للوجاهة وادع علم في الرواية طهارة ايمان بروي عن علي
 صحته في روايته وجزائركي ورواية كتب الاخبار وصحة
 البرار لو سبها الكافة والفقهاء والتهذيب والادب في الرواية
 والوسايل والهار وكما حوزة من لنا في فقهنا والفقول
 والعزج والاصول كسج القبول والحقن الرواية ورواية المشايخ
 ورواية فلاذ من الضميمة في ابحاث الرجعة ورواية بلال علي
 ورواية العلوم في منطق والعلوم البرهان الجليل ايمان زديت
 ووخازن المعقول في مباحث الاصول وصرف العائنة في حل رموز
 الكفاية وارشاد ائمة الطائفة ائمة الفروع والاربع في شرح الرسائل

فتراج الطامع وثورات الاجمات ونخبة الاعداء في احكام
 والمساجد وغير ذلك عن جماعت من اعظم العلماء واما الزينية
 افضلهم واعلمهم وانما هم سبهم وسندهم واستادهم ومن
 بعاد الله والرسول والائمة عليهم الصلوة والسلام والائمة
 الامام المعاد من الكبر والنجاة التي لهم اية الله العظمى في العالم والائمة
 المحض عن الامام علي بن ابي طالب بن ابي طالب بن ابي طالب
 ابا القاسم الموسوي الخراساني والحق في تاريخ نجاة العباد وطلابها
 عن مشايخنا المدققة اسماءهم الشريفة في احوالنا المطولة
 المتبرين من سيدنا المهدي المثلث اليه اديان اوينسانا من حال
 الدعوات فمبعض الصلوات وان اذترك من اية المشهور في
 ادريس فيه ولو عتوره في هجر هذه احوالنا الرجعي حضور
 الغيبة هم ههنا بن ههنا الموسوي الخراساني والاصح في الاطروحة
 في عترة في الصفة ٣٧٧٧٧٧ سبع وسبعين وثلاثا في ذلك
 من الحجوة في خزنة كنزنا حيدر بن الحسيني



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وكفى الصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد المصطفى
وعلى آله الطيبة الأئمة الاثني عشر المعصومين من أئمة أهل البيت والصدق
و بعد فقد استجارتني السيد الفاضل الكمال
البارع المنبثق الماهر الولي الوفي السيد محمد بن الحسين الفضل السيد بن
السيد محمد طاهر الشيرازي الكاشغري اللاجرودي وان قد تفرغ لزيارته حده مولد المولى
صلوات الله عليه وشرفه بلفياه في دار في الحنفية الاثر وذلك تاسبا
بالسلف الصالح المصون بالله عليهم في وطنهم ولما وجدوا أهل ذلك
استخروا الله تعالى واخترنا ان يروى عنهم جميع ما صح في وابتدع وصلى
بحق والبايع عن شايحي العظام وابتدع الزمان الكفاطين في العرا والفا
والعبيد والبن الحرام فله واما ما كان عنى عنهم جميع طرهم المغنبة الربا عليهم
واخص منهم بالذكر اول من الحنفى الشيخ ومخاتمة المحدثين والمحدثين
المبتدع علم حساره مكي آية بن ومن النسخ النسخ الحاج المزارع بن النوري الطي
المؤنف (١٣٢٠) بطور سنة المفصلة المسطورة في خاتمة المشرك والشيخة
في مواضع النجوم المطبوع اجانبه والسيد المصطفى بن الحسين وحدثت عمها المصطفى
مراجعة ثمانية سائر الرجال واعماله في الحياة وبعد الممات حرمها
بيدي كرمه في دار في يوم الاثنين الحادي عشر من شهر ربيع الثاني
فانا الاستبرق ثمانية انا بركة الله في غفر له ولوالديه



کتاب‌شناسی سخنان حضرت زهرا علیها السلام

ناصرالدین انصاری قمی

مقدمه

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام در طول عمر کوتاه و بابرکت خویش، سخنان فراوانی را القاء فرمود، که سراسر حکمت و پند و اندرز و ضامن سعادت هر دو جهان است. این احادیث در دو محدوده زمانی بیان شده است:

بخشی از آن‌ها در زمان زندگی کوتاهش، و بخش دیگر - خطبه فدکیه - در زمان اعتراض کوبنده و فریاد آتشینش بر سر خصم غاصب و ستمگرش بیان شد. این فرمایشات در طول زمان توسط برخی از علما گردآوری شد و گروهی از آن‌ها، از دست تطاول ایام و گردش روزگار مصون ماند و به دست آیندگان رسید و گروهی دیگر از آن‌ها، از میان رفت.

این مقاله، عهده‌دار معرفی و توصیف جوامع حدیثی موجود در شرح سخنان آن حضرت است. بخش نخست این مقاله، به معرفی کتاب‌هایی که احادیث حضرت را گردآورده، اختصاص یافته (۲۰ کتاب) و بخش دوم آن، به معرفی شرح‌های - عربی و فارسی - چاپی خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام (۷۰ کتاب) پرداخته است.

البته این مقاله در محدوده زمانی کوتاهی نگاشته شده است و طبعاً نمی‌تواند خالی از نقص و کمبود باشد. اما نویسنده، تمام سعی و تلاش خود را به کار گرفته تا کتابی از قلم نیفتد.

کتاب‌شناسی احادیث حضرت زهرا علیها السلام

۱. ادعیه فاطمیه: دعاهاى روزانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
گردآوری و ترجمه: محمد دشتی (۱۳۷۰-۱۴۲۰ق)
- چاپ پنجم، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۸ش، ۱۲۲ص، جیبی
۲. پاره پیامبر (ج ۴): علم و حکمت فاطمه علیها السلام
عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ش، ۳۲ص، وزیری
۳. چهل حدیث از سخنان حضرت زهرا علیها السلام
مؤسسه نشر حدیث اهل بیت علیهم السلام
تهران، خانه کتاب ایران، ۱۳۷۴ش، ۹۸ص، پالتویی
۴. خلاصه مسند فاطمه علیها السلام
مهدی جعفری
قم، انتشارات الهادی، ۱۳۷۴ش، ۷۹ص، جیبی
(در این کتاب، پس از شرح حال حضرت، مجموعه سخنان حضرت گردآمده است).
۵. دیوان فاطمه الزهراء علیها السلام
تحقیق: کامل سلمان الجبوری
بیروت، دارالمواهب، ۱۴۱۹ق، ۷۲ص، وزیری
(در این کتاب، پس از شرح زندگی حضرت (۲۰ص)، به گردآوری اشعار ایشان پرداخته است).
۶. دیوان فاطمة الزهراء رضی الله عنها
جمع و تحقیق: محمد عبدالرحیم
بیروت، دارقنیه، ۱۴۲۱ق، ۱۵۷ص، رقعی
۷. صحیفه فاطمیه
حمید احمدی جلفائی
قم، نشر زائر، ۱۳۸۱ش، ۳۱۵ص، وزیری
۸. صحیفه فاطمیه: اوج ملکوت دعا در نیایش‌های حضرت زهرا علیها السلام
جواد قیومی اصفهانی
قم، بی‌نا، ۱۳۷۲ش، ۱۶۰ص، رقعی
۹. صحیفه الزهراء علیها السلام
جواد قیومی اصفهانی
قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۳ش، ۳۵۶ص، وزیری
(در این کتاب، دعاها، خطبه‌ها، احادیث، استغاثه‌ها و اشعار حضرت گردآمده است).
۱۰. صحیفه الزهراء علیها السلام
اسعد عبود
بیروت، دارالارشاد، ۱۴۲۰ق، ۲۸۴ص، وزیری
(در این کتاب، دعاها، خطبه‌ها، کلمات، احادیث و اشعار حضرت گردآمده است).
۱۱. عرفان فاطمه: شرح دعاهاى روزانه حضرت زهرا علیها السلام
استاد علی صفایی حائری (۱۳۷۰-۱۴۲۰ق)
قم، انتشارات لیلۃ القدر، ۱۳۸۳ش، ۱۵۰ص، رقعی.



بیروت، دارالکتب الثقافية، ۱۴۱۳ق، ۱۲۰ص،
وزیری
(در این کتاب، ۲۸۲ حدیث از حضرت،
گردآمده است).

۱۸. مسند فاطمة الزهراء

جلال الدین عبدالرحمن سیوطی شافعی
مصری (۸۴۹-۹۱۱ق)

تحقیق و تخریج: فواز احمد زمزلی

بیروت، دارابن حزم، ۱۴۱۴ق، ۲۷۲ص، وزیری
(در مقدمه ۴۷ صفحه ای کتاب، به شرح
زندگی حضرت، حیات مؤلف و گزارشی از
مسند و مسند نویسی پرداخته است).

۱۹. من فقه الزهراء علیها السلام

آیت الله سید محمد حسینی شیرازی (۱۳۴۵-
۱۴۲۲ق)

قم، مؤسسه الرسول الاعظم، ۱۴۱۵ق، ۵ ج،
وزیری
(در این کتاب، احکام فقهی که از گفتار و
کردار حضرت زهرا علیها السلام استفاده می شود،
توضیح داده است).

۲۰. نهج الحياة

محمد دشتی (۱۳۷۰-۱۴۲۰ق)

قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیها السلام،
۱۳۷۲ش، وزیری، ۴۲۰ص
(در این کتاب، احادیث حضرت به صورت
موضوعی گردآمده است).

۱۲. فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیها السلام

محمد دشتی (۱۳۷۰-۱۴۲۰ق)

قم، مؤسسه امیرالمؤمنین علیها السلام، ۱۳۸۱ش،
۲۷۰ص، رقعی

۱۳. کوثریه: اشعار حضرت زهرا علیها السلام

میرعلی محمدنژاد

تهران، شجره طوبی، ۱۳۷۸ش، ۷۶ص، رقعی

۱۴. مسند فاطمه علیها السلام

مهدی جعفری

تهران، مؤسسه جلیل، ۱۳۷۳ش، ۴۹۶ص،
وزیری

(در این کتاب، تمام احادیث و سخنان
حضرت گردآمده است).

۱۵. مسند فاطمة الزهراء علیها السلام

عزیزالله عطاردی

تهران، نشر عطارد، ۱۴۱۲ق، ۶۱۲ص، وزیری
(در این کتاب، احادیث حضرت بر حسب
موضوع، گردآوری شده است).

۱۶. مسند فاطمة الزهراء علیها السلام

سید حسین شیخ الاسلامی تویسرکانی

قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،
۱۴۱۹ق، ۵۹۰ص، وزیری

۱۷. مسند فاطمة الزهراء علیها السلام

جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۸۴۹-
۹۱۱ق)

به اهتمام: حافظ عزیزبیک



کتاب‌شناسی خطبه‌های حضرت زهرا علیها السلام

الف) کتاب‌های چاپی عربی

۱. **اعلموا أنني فاطمة (ج ۴)**
 شیخ عبدالحمید مهاجر
 بیروت، دارالکتب و العترة، ۱۴۱۳ق، وزیری،
 ۷۵۹ص
۲. **البلاغة الفاطمية: خطب فاطمة الزهراء علیها السلام**
 سید جاسم حسن شبر
 نجف، ۱۳۷۱ق، جیبی، ۲۰ص
۳. **البلاغة الفاطمية**
 عبدالرضا بن محمدعلی مطبعی
 نجف، مطبعة الزهراء، ۱۳۶۸ق
۴. **خطب سيدة النساء فاطمة الزهراء: مصادرهما واسانيدهما**
 محمد جواد محمودی
 قم، دارالحبيب، ۱۴۲۹ق، وزیری، ۳۲۶ص
 (در این کتاب، خطبه حضرت رادرسایر کتب شیعه و سنی مصدريابی و توثيق سندی نموده است).
۵. **خطب فاطمة الزهراء**
 حلم حائری
 چاپ بیروت. جیبی، ۲۴ص
۶. **خطبة الزهراء وقصتها**
 بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۷ق، جیبی، ۵۴ص
۷. **خطبة الصديقة الكبرى فاطمة الزهراء علیها السلام**
۸. **الدرة البيضاء في شرح خطبة الزهراء علیها السلام**
 علامه سید محمدتقی رضوی قمی (۱۲۸۷-
 ۱۳۴۴ق)
 تهران، علمی، ۱۳۰۴ش/۱۳۴۴ق، خشتی،
 ۱۹۰ص
۹. **الزهراء وخطبة فدک**
 علامه مولا محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق)
 تقدیم و تحقیق: محمدتقی شریعتمداري
 تهران، گلستان کوثر، ۱۴۲۳ق، وزیری،
 ۲۵۵ص
 (متن، شرح، اسناد و منابع خطبه فدکیه).
۱۰. **شرح خطبة الصديقة فاطمة الزهراء علیها السلام**
 آیت الله محمد طاهر آل شبیر خاقانی
 (۱۳۲۹-۱۴۰۶ق)
 تحقیق: محمدکاظم خاقانی
 قم، انوار الهدی، ۱۴۱۲ق، وزیری، ۲۷۰ص
۱۱. **شرح خطبة الصديقة فاطمة الزهراء علیها السلام**
 آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری
 (۱۳۴۱-۱۴۳۲ق)
 چاپ قم

۱۲. شرح خطبة الزهراء واسبابها

شیخ نزیه قیحا

بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۱۵ق، وزیری، ۳۹۰ص

تبریزی (م ۱۳۱۰ق)

تحقیق: سیدهاشم میلانی

قم، نشر الهادی، ۱۳۸۰ش، وزیری، ۹۱۲ص

۱۵. کلمة الزهراء

سیدعباس مدرسی

قم، نشر عاشورا، ۱۴۱۴ق، رقعی، ۱۲۸ص

(در این کتاب، خطبه حضرت رابعه نظم

در آورده است).



ب) کتاب‌های چاپی فارسی

۱. احتجاج بانوی بزرگ

محمدعلی مردانی

تهران، ۱۳۵۴ش، رقعی، ۶۷ص

آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی

(۱۳۲۲-۱۴۰۲ق)

قم، دارالکتاب، ۱۳۷۳ش، رقعی، ۲ج،

۳۲۶+۳۲۶ص

۲. احتجاج الزهراء فاطمة

حجة‌الله رضوی امیری نجفی

تهران، نشر فرزنان، ۱۳۵۵ش، رقعی، ۲۲۵ص

۶. بوی گل یاس: متن و ترجمه خطبه

دادخواهانه حضرت زهرا

تقطیع و ترجمه: عبدالله رضاداد

مشهد، انتشارات تاسوعا، ۱۳۸۱ش، رقعی، ۱۰۰ص

۳. اسرار فدک: متن و ترجمه خطبه

حضرت زهرا

محمدباقر انصاری زنجانی و سیدحسین رجایی

قم، نشر الهادی، ۱۴۱۸ق، وزیری، ۲۳۰ص

۷. پاره پیامبر (ج ۷)

عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۷۵ش، وزیری، ۴۰ص

۴. بانوی بانوان سخن می‌گوید

(به ضمیمه سخنان آیت‌الله صافی گلپایگانی)

ترجمه و تدوین: مؤسسه فرهنگی هنری عاشورا

قم، اداره کل میراث فرهنگی، ۱۳۹۲ش،

پالتویی، ۴۵ص

۸. پیام فاطمه

حسن سعید تهرانی (۱۳۳۷-۱۴۱۶ق)

تهران، کتابخانه مدرسه چهلستون،

۱۳۵۰ش، جیبی، ۳۶ص

۵. بندگی راز آفرینش

۹. ترجمه خطبه فدک از بزرگ بانوی اسلام
 احمد معصومی، ۱۳۷۹ق، جیبی، ۸۰ص
۱۰. تنهایی مهر: دفاعیات فاطمه
 تحقیق: علی رضا غروی، مهدی امامی،
 مرتضی کارگر
 به قلم: مجید هوشنگی (کاظمی)
 تهران
۱۱. حدیث غربت: خطبه های حضرت زهرا
 در مسجد پیامبر و بستر شهادت
 مهدی جعفری
 تهران، مؤسسه صائب، ۱۳۷۵ش، رقعی، ۱۳۶ص
۱۲. حقیقت جاویدان: شرح خطبه یگانه
 بانوی با عظمت اسلام فاطمه زهرا
 محمد باقر ملبویی (۱۳۴۸-۱۴۱۵ق)
 تهران، انتشارات صدر، ۱۳۹۱ق، وزیری، ۴۴۰ص
۱۳. حکمت فاطمی
 آیت الله سید عزالدین حسینی زنجانی
 (۱۳۳۸-۱۴۳۴ق)
 (تلخیص کتاب شرح خطبه حضرت زهراء
 که در ۲ جلد و مفضل بوده است).
 چاپ مشهد
۱۴. حماسه ای بی نظیر در کنار بستر زهرا علیها السلام
 محمد حسین بروجردی (۱۳۵۴-۱۴۲۷ق)
 قم، انتشارات ناصر، ۱۳۷۰ش، رقعی، ۱۸۰ص
۱۵. حماسه بزرگ: خطبه تاریخی
 باشخصیت ترین بانوی جهان فاطمه زهرا
 آیت الله ناصر مکارم شیرازی
 مشهد، محبان الفاطمة، ۱۳۶۴ش/۱۴۰۶ق،
 رقعی، ۱۰۴ص
۱۶. حماسه جاوید کوثر
 تهران، اداره کل امور تربیتی وزارت آموزش و
 پرورش. رقعی، ۶۳ص
۱۷. خطابه بزرگ بانوی اسلام
 عبدالرضی ربانی
 جیبی، ۹۶ص
۱۸. خطابه فاطمه زهرا
 آیت الله حاج میرزا خلیل کمره ای (۱۳۱۷-
 ۱۴۰۵ق)
 تهران، کتابخانه سقراط، ۱۳۶۷ق، رقعی، ۱۳۳ص
۱۹. خطابه فدک
 محمد باقر انصاری زنجانی و سید حسین رجایی
 قم، نشر الهادی، ۱۳۷۶ش، رقعی، ۱۲۵ص
 (گزیده کتاب اسرار فدک و شامل: متن،
 ترجمه، سند و کتاب نامه خطبه فدک است).
۲۰. خطبه تاریخی بانوی بزرگ اسلام
 حضرت فاطمه
 سید علی سید نژاد
 قم، امور تربیتی آموزش و پرورش ناحیه ۲،
 ۱۳۷۱ش، وزیری، ۶۰ص
۲۱. خطبه حضرت زهرا (همراه با چهل
 حدیث در فضیلت آن حضرت)
 علی اکبر مهدی پور
 قم، انتشارات رسالت، ۱۳۷۳ش، جیبی، ۶۴ص



۲۲. **خطبه حضرت زهرا (ویژه نوجوانان)**
ساری، کنگره بین‌المللی حضرت زهرا،
۱۳۷۶ش، جیبی، ۶۰ص
۲۳. **خطبه حضرت زهرا**
سیدابوالفضل موسوی گرمارودی
قم، انتشارات الهادی، ۱۳۸۰ش
۲۴. **خطبه حضرت زهرا**
عبدالرحمن انصاری لاری
قم، انصارالمهدی، ۱۳۷۳ش، جیبی، ۱۲۸ص
۲۵. **خطبه حضرت زهرا**
استاد حسین عمادزاده (۱۳۲۵-۱۴۱۰ق)
تهران، مکتب قرآن، ۱۳۶۱ش، وزیری، ۸۶ص
(همراه با مقدمه در شرح واقعه و اسناد خطبه
در کتب شیعه و سنی).
۲۶. **خطبه حضرت فاطمه**
کریم کاظمی
شیراز، نشر کوشامهر، ۱۳۷۹ش، رقعی، ۱۷۵ص
۲۷. **خطبه حضرت فاطمه زهرا**
تهران، اداره ارشاد اسلامی شرق تهران،
۱۳۹۰ش، رقعی، ۲۵ص
۲۸. **خطبه حضرت صدیقه طاهره فاطمه
زهرا**
قم، بخش فرهنگی مجمع عاشقان بقیع،
۱۴۱۵ق، جیبی، ۶۴ص
۲۹. **خطبه حضرت فاطمه سند آسمانی
امامت و ولایت**
- سیدحمید فتاحی
چاپ چهارم: قم، میرفتاح، ۱۳۹۰ش، رقعی،
۲۸۰ص
۳۰. **خطبه حضرت فاطمه زهرا**
آیت‌الله حسینعلی منتظری (۱۳۴۱-۱۴۳۲ق)
قم، نشر بلاغت، ۱۳۷۴ش، وزیری، ۳۴۴ص
(به عربی وارد و ترجمه شده است).
۳۱. **خطبة الزهراء علیها السلام**
ناصر حسینیان
چاپ تهران
۳۲. **خطبة الزهراء**
ترجمه محمدرضا انصاری محلاتی
چاپ قم. رقعی، ۸۰ص
۳۳. **خطبة الزهراء**
سمنان، مؤسسه فاطمیه، ۱۳۶۵ش، رقعی، ۴۰ص
۳۴. **خطبه آتشین بانوی اسلام در بستر
شهادت**
آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
مشهد، محبان الفاطمة، ۱۴۰۹ق، رقعی،
۶۰ص
(به ترکی و فرانسه ترجمه شده است).
۳۵. **خطبه حضرت فاطمه اصیل و
جاودانه است**
محمدعلی شمشیری میلانی تبریزی
تبریز، انتشارات منشور، ۱۳۷۳ش، رقعی،
۴۸ص

۳۶. **خطبه فدک حضرت فاطمه زهرا**
تهران، انتشارات منیر، ۱۳۷۴ ش، رقعی،
ص ۱۰۶
۳۷. **خطبه فدکیه منظوم**
ترجمه فارسی و انگلیسی و نظم: اقدس
کاظمی قلی
قم، مثلث عشق، ۱۳۸۷ ش، رقعی، ۱۴۴ ص
۳۸. **خطبه فدک**
علی فصیحی
مشهد، نشر هوشیار، ۱۳۷۶ ش، جیبی،
ص ۷۲
(همراه با وضعیت جغرافیایی فدک).
۳۹. **خطبه منظوم ملکه اسلام، فاطمه زهرا**
محمد افتخاری ساوجی
چاپ قم، ۱۳۵۲ ش، جیبی، ۱۶ ص
۴۰. **خطبه‌های حضرت زهرا**
آیت‌الله سیدعلی علامه فانی اصفهانی
(۱۳۳۲-۱۴۰۹ ق)
قم چاپخانه اسلام، ۱۳۶۳ ش، رقعی، ۶۴ ص
۴۱. **خطبه‌های حضرت صدیقه کبری**
فاطمه زهرا
خط: فریبا مقصودی کرمانشاهی
تهران، انتشارات برگ زیتون، ۱۳۷۷.
رحلی، ۱۰۴ ص
۴۲. **خطبه‌های روشنگرانه حضرت فاطمه**
زهرا
- علی اسلامی
تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۶۶ ش، پالتویی، ۲۹ ص
۴۳. **دختران پیغمبر سخن می‌گویند**
مرحوم جواد فاضل (۱۳۵۵-۱۳۸۱ ق)
چاپ چهارم، تهران، انتشارات معرفت،
۱۳۶۳ ش، رقعی، ۱۰۰ ص
(بیشتر کتاب، ترجمه و شرح خطبه حضرت
زهرا است).
۴۴. **در ساحل کوثر: خطبه‌های حضرت**
فاطمه الزهراء
مریم حکمت‌نیا
قم، ۱۳۷۹ ش، رقعی، ۸۷ ص
(متن، شرح و واژه‌نامه).
۴۵. **در سایه سار خطبه حضرت زهرا**
استاد حسین عمادزاده
تکمیل و تحقیق: علی اکبر مهدی پور
اصفهان، حسینیه عمادزاده، ۱۳۹۱ ش،
رقعی، ۱۱۲ ص
(همراه با منابع و کتابنامه و تاریخچه فدک).
۴۶. **دفاع از حریم حق**
عمران علی زاده (۱۳۵۰-۱۴۳۰ ق)
قم، انتشارات خضراء، ۱۴۰۴ ق، جیبی، ۸۰ ص
۴۷. **رخساره خورشید**
محمدتقی خلجی
قم، انتشارات میثم قمار، ۱۳۸۰ ش، وزیری،
ص ۴۳۷



۴۸. **رساترین دادخواهی و روشنگری**
درس‌های: آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی
نگارش: عباس گرای
قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش،
وزیری، ۶۲۲ ص
۴۹. **روزهای فاطمه: شرح خطبه حضرت زهرا**
استاد علی صفایی حایری (۱۳۷۰-۱۴۲۰ق)
قم، انتشارات لیلة القدر، ۱۳۸۳ ش
۵۰. **سخنرانی حضرت فاطمه در مسجد پیامبر اکرم (ص)**
علیرضا الله یاری
تهران، مؤسسه انجام کتاب، ۱۳۶۷ ش،
وزیری، ۴۸۸ ص
۵۱. **سخنرانی فاطمه، جلوه‌گاه ایده‌آل اسلامی**
توران انصاری
تهران، رسالت قلم، ۱۳۵۶ ش، جیبی، ۸۸ ص
۵۲. **سوگنامه فدک**
آیت‌الله سید محمدتقی نقوی
پاورقی: مهدی جعفری
تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۲ ش، وزیری،
۶۳۱ ص
۵۳. **سیری در خطبه فدک**
فاطمه طاهایی مقدسی (م ۱۴۳۳ق)
چاپ سوم: مشهد، به‌نشر، ۱۳۸۹ ش،
وزیری، ۲۲۰ ص
۵۴. **سیری مختصر در ماجرای غم‌انگیز فدک**
سیداصغر محمودآبادی
چاپ تهران. وزیری، ۳۰۰ ص
۵۵. **شرح خطبه حضرت زهرا**
آیت‌الله سید عزالدین حسینی زنجانی
(۱۳۳۸-۱۴۳۴ق)
- قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه
علمیه قم، ۱۳۷۰ ش، رقعی، ج ۲،
۵۱۲+۵۰۰ ص
۵۶. **شرح خطبه حضرت زهرا**
الیاس شریفی اشکوری
قم، چاپخانه اسلام، ۱۴۰۵ ق، رقعی، ۶۴ ص
۵۷. **شرح خطبه حضرت زهرا**
احمد وحید تبریزی (م ۱۴۰۴ق)
تبریز: چاپخانه محمدی، ۱۳۴۸ ش، وزیری،
۴۳۹ ص
۵۸. **شرح خطبه فدک**
محمدتقی شریعتمداری
تهران، نشر منیر، ۱۳۷۹ ش، رقعی، ۹۴ ص
۵۹. **صدای فاطمی فدک**
محمدباقر انصاری زنجانی و سیدحسین رجایی
قم، دلیل ما، ۱۳۸۲ ش، رقعی، ۸۴ ص
۶۰. **غیرت عشق: خطبه حضرت زهرا در مسجد مدینه**
ترجمه: بنیاد فرهنگی فاطمة الزهراء
تهران، نوادر، ۱۳۸۰ ش، رقعی، ۳۲ ص

۶۱. فاطمه چه گفت؟ مدینه چه شد؟
محمد حسن زورق
مقدمه: محمدرضا حکیمی
تهران، سروش، ۱۳۸۱ش، وزیری، ۷۴۰ص
۶۲. فاطمه و فدک
محمد حسین ضیائی بیگدلی قسی (۱۳۳۰-
۱۴۳۱ق)
قم، دارالعلم، ۱۳۸۰ش، رقعی، ۱۶۰ص
۶۳. فروغ آفتاب: شرح خطبه حضرت زهرا
غلام علی عباسی
قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۲ش، رقعی، ۲۶۰ص
۶۴. فریاد یک انقلاب
محمدیوسف حریری
تهران، انتشارات بدر، ۱۳۵۴ش، رقعی، ۱۲۶ص
۶۵. فدک فاطمی
محمدرضا انصاری محلاتی
قم، دلیل ما، ۱۳۹۱ش، رقعی، ۸۰ص
۶۶. قطره‌ای از دریا
علی ربانی گلپایگانی
- قم، لوح محفوظ، ۱۳۸۰ش، رقعی، ۱۹۲ص
۶۷. لؤلؤ و مرجان
عباس حاجیانی دشتی
قم، موعود اسلام، ۱۳۹۱ش، رقعی، ۴۸ص
۶۸. مروری بر خطبه‌ای کم نظیر از بانویی
بی همتا
احمد بهشتی
تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش،
رقعی، ۲۴ص
۶۹. ملکه اسلام فاطمه زهرا (اولین
محکمه قضایی بعد از پیامبر)
آیت الله میرزا خلیل کمره‌ای (۱۳۱۷-۱۴۰۵ق)
تهران، اسلامیة، ۱۳۴۸ش، وزیری، ۲ج:
۲۱۰+۲۱۵ص
۷۰. منشور دادخواهی: نگاهی نو بر خطبه
حضرت زهرا
علی کرمی فریدنی
چاپ دوم: قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ش، وزیری،
۵۷۳ص



فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله سید عبدالحسین طیب - اصفهان

رحیم قاسمی

مقدمه

عالم ربّانی و فقیه و مفسّر جلیل آیت‌الله سید عبدالحسین طیب از علمای بزرگ اصفهان بود که پس از علم‌اندوزی در محضر اساتید اصفهان و نجف اشرف، سال‌ها در زادگاه خود اصفهان به ترویج دین و تألیف و تدریس اشتغال داشت و دو اثر ارجمند کلم الطیب در عقائد، و اُطیب البیان در تفسیر قرآن را از خود به یادگار گذاشت.

از این عالم محقق به جز تألیفات و تقریرات فراوان، کتابخانه‌ای مشتمل بر حدود ۲۵۰ جلد نسخه خطی برجای مانده که تاکنون در اختیار فرزند او، جناب دکتر سید محمدتقی طیب قرار دارد.

توفیق نگارش فهرستی اجمالی از کتاب‌های این کتابخانه نصیب این جانب گردید که در فرصتی محدود با همکاری جناب حجت الاسلام حاج شیخ محمد زاهد نجفی به انجام رسید.

باتشکر از جناب دکتر طیب و نیز ریاست کتابخانه بزرگ مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی، و صدیق ارجمند جناب حجت الاسلام حافظیان، حاصل تلاش و پی‌گیری یک ماهه تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

شرح حال آن عالم ربّانی رازینت بخش مقال قرار داده و از خداوند متعال برای آن مرحوم و نیز روح مطهر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی طلب مزید رحمت و علو درجات می‌نماییم.



آیت الله سید عبدالحسین طیب از سادات میر محمد صادقی در سال ۱۳۱۲ ق (۱۲۷۲ ش) در اصفهان متولد شد. سه ساله بود که همراه پدر به زیارت کربلای معلّا مشرف شد. آن مسافرت دو ماه به طول انجامید. عبدالحسین سه ساله پس از بازگشت از این سفر، با عنایات حضرت سیدالشهداء علیه السلام بسیاری از زیارات از جمله زیارت وارث و امین الله را بدون خطا از حفظ می خواند. او در دوازده سالگی پدر خود را از دست داد و

مادرش که بانویی بزرگواری و از شجره طّیبه ولایت بود تربیت او را به عهده گرفت. پس از گذراندن دوران قحطی ناشی از جنگ بین الملل اوّل به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از کسب مقدمات، دروس سطح را نزد حضرات آیات: سید مهدی درچه ای، آخوند ملا عبدالکریم گزی، میر محمد صادق خاتون آبادی و شیخ محمد علی مدرّس فتحی دزفولی آموخت. آن گاه در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: میر محمد صادق خاتون آبادی و میر محمد تقی مدرّس شرکت کرده، و به مدّت یازده سال از محضرات آیات الله العظمی سید محمد باقر درچه ای استفاده نمود.

ارمغان این یازده سال تنها کسب درجه اجتهاد نبود، بلکه از آن استاد بزرگ درس زندگی و اخلاق را فرا گرفته، و سیره حمیده و روش پسندیده زندگی او که عدم اعتنا به امور دنیوی و قناعت و تقوا و سادگی و صفای روح و نظم در زندگی از وجوه بارز آن بود در او تأثیری بسزا برجای نهاد؛ چرا که آن استاد را به راستی در ورع و تقوا آیتی عظیم بود و در عین سادگی از صفایی روح عجیبی برخوردار بود و در معیشت به حداقل ممکن قناعت می کرد.

آیت الله طّیب پس از آن قریب یک سال در قم از محضرات آیات الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره برد و سپس عازم نجف اشرف گردید. در آن حوزه پربار از درس اصول آیت الله العظمی شیخ محمد حسین غروی کمپانی، فقه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، و فقه و اصول آیت الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی استفاده کامل نموده، و علم کلام را نزد آیت الله علامه شیخ محمد جواد بلاغی آموخت.



- وی از بسیاری از فقها اجازه اجتهاد دریافت کرد که از آن جمله اند آیات عظام: آخوند ملا حسین فشارکی، محقق نائینی، آقا ضیاء‌الدین عراقی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدکاظم شیرازی، حاج آقا حسین قمی، میرزا محمود شیرازی و آقا میرزا اصطهباناتی.
- آیت‌الله طیب در پایان تفسیر *الطیب البیان* اساتید خود را بدین شرح یاد کرده است:
۱. ملا عبدالجواد لادری، صاحب دیوان کبیر به قدر مثنوی.
 ۲. حاج آخوند زفره‌ای، معلّم مقدمات تا معالم.
 ۳. سید آقا جان نوربخش، معلّم مطّول.
 ۴. سید احمد خوانساری، معالم.
 ۵. شیخ علی مدرّس یزدی، شرح لمعه.
 ۶. شیخ اسدالله قمشه‌ای حکیم، حکمت و حساب و جبر و مقابله و هیئت و نجوم.
 ۷. شیخ حسن یزدی، منطق.
 ۸. آقا سید مهدی درچه‌ای، قوانین و تقریرات کفایه.
 ۹. ملا عبدالکریم گزی، متاجر شیخ.
 ۱۰. میر محمد صادق مدرّس، فرائد و خارج اصول.
 ۱۱. شیخ محمد علی مدرّس دزفولی، کفایه.
 ۱۲. سید ابوالقاسم دهکردی، خارج فقه.
 ۱۳. میر محمد تقی مدرّس، خارج اصول.
 ۱۴. سید محمد باقر درچه‌ای، خارج فقه و اصول به مدّت ۱۱ سال.
 ۱۵. حاج شیخ عبدالکریم حائری درقم، خارج فقه.
 ۱۶. آشین جواد بلاغی، علم کلام.
 ۱۷. آقا سید ابوتراب خوانساری، رجال و درایه.
 ۱۸. آقا ضیاء‌الدین عراقی، منجزات مریض.
 ۱۹. شیخ محمد حسین کمپانی، خارج اصول.
 ۲۰. آقا سید ابوالحسن اصفهانی، خارج فقه.
 ۲۱. میرزا محمد حسین نائینی، خارج فقه و اصول.
 ۲۲. آقا حسین معروف به بلند، اخوی آقای رجائی، خارج اصول.
 ۲۳. حاج سید اسماعیل ریزی، خارج فقه.



آیت الله طیب پس از بازگشت از نجف اشرف، علی رغم اصرار فراوان بسیاری از علما مبنی بر اقامت در شهر مقدس قم، به انگیزه خدمت و تبلیغ دین به اصفهان آمد. از همان آغاز ورود به اصفهان به تشکیل حوزه‌های درسی برای مردم پرداخت. شروع این حرکت پربار قبل از مسئله کشف حجاب بود که تا سال ۱۳۶۲ش بدون وقفه به مدت پنجاه سال ادامه داشت و موانع بی شمار حتی استبداد رضاخانی نیز نتوانست موجب تعطیلی این حوزه درسی گردد.

وی در مقابله با تبلیغات مسیحیت در اصفهان در مسجد کازرونی که مقابل کلیسای حضرت لوقا قرار داشت شروع به تدریس کلام نمود که مورد استقبال فراوان جوانان و دانشجویان قرار گرفت، به طوری که غالباً حدود دو هزار نفر در آن شرکت می‌کردند، و در نتیجه دستگاه تبلیغاتی کلیسای لوقا به تدریج برچیده شد. این حوزه درسی از سال ۱۳۲۸ شروع شد و تا سال ۱۳۵۳ بدون وقفه ادامه داشت.

او در زمانی که منبر رفتن را برای علما و حتی ائمه جماعت سبک می‌شمردند با تصمیم به از بین بردن این سنت غلط به منبر رفت و به وعظ و خطابه پرداخت. بیش از بیست سال جلسه درس اخلاق و به مدت پانزده سال نیز کتاب اصول کافی را برای تعدادی از پزشکان و تجار اصفهان تدریس نمود.

ایشان درباره کتاب‌های خود فرموده است:

من از ابتدا سعی می‌کردم تقریرات درس‌های اساتید بزرگ را که محضر پربرکت ایشان را درک کردم به نحوه کامل بنویسم و تقریباً تقریرات تمام اساتید خودم را نوشتم از جمله: تقریرات بحث آیت الله محمد باقر درچه‌ای در فقه و اصول، تقریرات استاد میر محمد صادقی در اصول، تقریرات درس استادنا الاعظم مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی، تقریرات بحث آقا شیخ محمد حسین کمپانی و تقریرات درس بزرگانی دیگر، و حاشیه‌ای هم بر رساله استصحاب مرحوم آیت الله نائینی، و رساله‌ای در صلات جمعه، و حاشیه بر لباس مشکوک نائینی و آقا ضیاء عراقی و جزوات دیگر تالیف کرده‌ام که به طبع نرسیده است.

تألیفات مطبوع من حاصل همان جلسات حوزه‌های درسی است. من خود را در این زمینه مدیون برکات الهی می‌دانم که به واسطه آن جلسات شامل حقیر می‌شد. محتوای کتاب کلم الطیب را ابتداءً من برای آقایان طلبه‌ها درس گفتیم و به عربی هم نوشتیم؛ ولی بعد لازم شد برای عموم مردم در سطح گسترده‌تری بحث کنم. لذا آن را

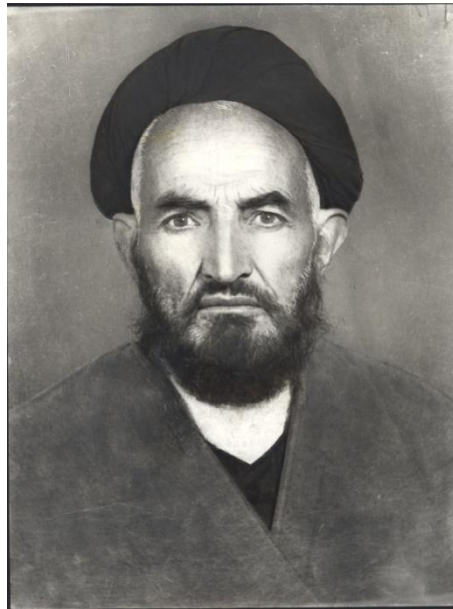


ترجمه می‌کردم و به صورت درسی بیان می‌کردم و بعد همین ترجمه چاپ شد. نگارش تفسیر را تقریباً از سال ۱۳۴۱ به صورت مداوم شروع کردم. علت نگارش هم سفارش حضرت حجّت اروحنا فداه بود که در عالم رؤیا به حقیر داشتند و به بنده امر فرمودند که این تفسیر را بنگارم، که آن زمان من بدون وقفه به نگارش آن مشغول شدم. با پایان گرفتن هر یک از جلد‌ها همان را منتشر می‌ساختم. به این ترتیب کار تألیف و انتشار تقریباً هم‌زمان به پیش می‌رفت. آخرین جلد کتاب یعنی جلد چهاردهم آن در سال ۱۳۵۹ منتشر گردید که به این ترتیب تألیف این دوره تفسیر ۱۸ [سال] به طول انجامید. کتاب عمل صالح همان حوزه درس اخلاق است که بیش از بیست سال ادامه داشت.

آیت‌الله طیب سالی چهارده مرتبه قرآن کریم را ختم می‌کرد. در ماه محرم و صفر هر روز زیارت عاشورا را با آداب کامل قرائت نموده و هر شب قبل از نماز شب زیارت چهارده معصوم را می‌خواند. وی از سن ۱۲ سالگی تا پایان عمر به تهجد و نماز شب اهتمام داشت و هیچ‌گاه آن را ترک نکرد.

این عالم عامل سرانجام در نهم محرم ۱۴۱۲ق در سن یک صد سالگی وفات یافت و در مسجد کازرونی مدفون گردید. شاعر ارجمند فضل‌الله اعتمادی (برنا) در وفات او چنین سروده است:

| | |
|----------------------------------|--------------------------------------|
| رو کرد سوی عالم باقی از این جهان | طیب فقیه نامور شهر اصفهان |
| محبوب صاحبان ولایت ز مرد وزن | منظور اهل علم و عمل پیر تا جوان |
| نهیش بسی زدود ضلالت از آن و این | امرش بسی فزود فضیلت بر این و آن |
| چون او فقیه مجتهد مفتی فهیم | کمتر محیط آورد و پرورد زمان |
| رحمان گلبنی ز گلستان فاطمی | ذریه‌ای ز حیدر و ختم پیمبران |
| از دودمان اعرج و سجاد و سیدین | اجداد او همه ز صنادید شیعیان |
| نجل جلیل میر محمد تقی که بود | فرخنده یادگار نیلی ز عالمان |
| هم مسجد و نماز او یافت رونقی | هم بحث و درس و نقد از او داشت سازمان |
| در اجتهاد خویش وی از هر که بیشتر | مأخوذ گشته بود به مکتوب از مهان |
| شخصی که در جواب مسائل چو او صریح | کمتر کسی پدید شود بین همگان |
| فحلی که گنج‌های تألیف او بود | مانند این قوافی ایات شایگان |



خواند اگر کسی عمل الصالح ورا بیند ره سعادتى از بهر دیدگران
نور سراج حق، کلم الطیبش بود باشد کلید وحى خدا طیب الیوان
کتر کسی قریب به یک قرن هم چو او شد صرف عمر وی پی ارشاد گمراهان
شد بر سر ریسدره سرمد از این سرا آسوده از سفاهت این سیر خاکدان
بر ناسه بیت گفت به تاریخ فوت او تا هر کدام سال وفاتش دهد نشان
طیب که بود عبد حسین او به نام و جان شد در مه محرم از این وادی جهان (۱۴۱۲)
عبدالحسین طیب عالم شد از جهان ساکن شده به مینوی وادی جاودان (۱۴۱۲)
طیب که بود عبد حسین و علی و آل هم چون حسین شد بمحرم از این جهان (۱۳۷۰)

بسم



بسم الامام الرابع
 المحترم اهل البيت وعلوهم في نور الهدى وادراسهم في نور الهدى
 وعلمهم في نور الهدى وعلوهم في نور الهدى وادراسهم في نور الهدى
 والهدى في نور الهدى وعلوهم في نور الهدى وادراسهم في نور الهدى
 السيد عبد الله بن الحسين الاصمعي في البيوت ابا دوى امام العالمين
 وشهد به فلم يفرغ في تحصيل العلم التميز وسمع عليه العلم
 وهو على علم من الاعيان وعندنا الخبر نظر صالحا من الزاوية
 باخا محققا مدققا محققا محققا من الاعيان وعلوهم في نور الهدى
 مرتبة الاجتهاد فلم يفرغ في تحصيل العلم التميز وسمع عليه العلم
 من الاعلام ولم يفرغ في تحصيل العلم التميز وسمع عليه العلم
 ولما سئل عن رجب الهم والحزن له ان يروي عنى ما روي عنى
 بالطرفا النظره المنيرة الى اهل البيت الصميم واصحابها
 مشايخ العظام وسبا يندى الكرام من سواد جادة الفقه
 ان ناديا في سماع الله حرموا الا بقراد كس المالكى

بسم الله الذي رفع درجات العلماء ونصبتهم في خلقنا منا وآلهم
 وبنات الانبياء والصلوة والسلام على اهل البيت محمد سيد
 الانبياء وعلى اهل بيته الاممة المعصومين الاصفى والفضل
 على اعدائهم لا اذنت الاخرى واتت آتوه بعد فلا يخفى ان جناب
 السطاب العالم العالم والفاضل الكاظم جمع الكمال والفضل
 عده العلماء الاعلام ملاذ الاطلس الام سيد عبيد الحسين
 الاصمعي في ام علاه نجل المرحوم الميرزا سيد السند
 السيد محمد تقى طاب ثراه عن قصد في التحصيل العلوم الفقيه
 وجد واجتهد حتى بلغ المرتبة الاجتهاد فله العمل بما استبط
 وجرم عليه التقليد فيه وله الصدق في الامور المرحمة
 الى الفقهاء والمجاهدين من التجديدات مع سلافة الاجتهاد
 فانه سبيل النجاة والمرجو منه ان لا ينسأ في صنائع الدعوات
 في جوارق وسيد المات كما الانسان ان شاء الله تعالى حور
 ذاتي الفاضل من شهر شعبان العظيم من عام 1300
 المحاصر على كالم شرا ذه
 محمداظم



صبراً، الصبر النجوى
 الحمد لله على نعم الله العظيمة على النبي الأكرم وعلى آله وآلهم من الان
 الى انقراض العالم بزهدنا من من الله الحكيم وعظمت اعطاهم بهم وجرده
 العلاء الاعلام والفضيلة البره الأكرم الذين هم مصابيح العلم ومعجزة الحج
 على العوام كآثار الله اثاره وشيد الله اركانهم وعن حد واحد وكل
 واجهدهم وكذلك في ذليلهم والنجوى والبرج في هذه الفريضة العلى
 وسأف لك ان تقول في شأنا من الحلال الا السلام والغضبة البره
 الكرام وادنى من خصصن العقيدة الى اوج الاجتهاد والسنن السنية
 العالم العالم الظلم القبل اناسك مناسك الصالحين والناجح منافع
 المتقين صاحب الفكر العموم والذهن السقيم والحد الرفيع والهم
 العلى والفضائل والحالف والكارم الجمله المرفوع من كل شيخ السد
 ميدلحين البيدا باء اعطاه الله الملك الجليل خزان الدنيا والدين فان
 هذه الفاضل الرشيد والحجر النجوى قد ضرب حجر الشرف في اعظم العلوم
 فصار حقا والمرتب الذوق والتحقق وهذا اعطاه الله الملك
 قدره الاستنباط ودوره الاجتهاد وودد العزوع الى الاصول النجوى عليه
 العمل بالسنن من الاحكام التوقيه وحرم عليه التقليد فيما اوضحه من
 الادلة لتذكر الله تعالى باعطاءه من الفقه الاجتهاد به وروايتنا القوة
 العداسية والملازمة القوة التوقير وسأف لك عذبة من التهجديين وولي
 اسطى نطق لمن طرف فاحرز به من ان النظام في سلك الترتيب فان
 حتى يجمع طرف الصوبه الى الظاهر من الاثر والدخال الى الات
 سطرها الا انها مضمونه لاجل انوارها واوصيه بالفوق وان لا
 نسا في من العجالة فالعجوة وبعد الثبات وانا المنقش للشيخ الترمذيين
 حفيظ الفارسي ٢١ شبان ١٧٠٤ هـ صين من وانا من صين

بهدية الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي رفع اقدار العلماء حتى جعلهم روضة الانبياء
 وفضل هادهم علامة الشهداء وفضل الصلوة والسلام على
 سيدنا محمد وخاتم الانبياء وعلى الائمة الامعاء سيما
 ابيه سيدنا ابراهيم والقعدة المبركة على اعدائهم وادناهم الارض
 والشاه وبعده فان صفوة العلماء العظام وقدرة الفقهاء الكرام
 العالم العالم المؤيد بالتأييد الرباني خراب السيرة عديدين
 الحينى لاصحها في ادمت افاضاتك قد بدل عهدة عهدة محمد
 الشريف في تشييد قواعد الدين الحنيف الان فاز بالراد
 وحاز ملكة الاجتهاد فله سيرة الله تعالى العمل بما استنبطت حكم
 عليه التقليد فيما جهده واوصيه وامن تأبهدا به بما عا
 الاحصا ط في جميع المقامات فانه طريق النجاة وان لا
 ينسأ في عز وعزة الصالحات حقا وقتنا والسلام عليه
 وعلى من تبع الهدى ووجهه الله وبركاته في نجاة من من
 سعيان العظم من سنة خمس واربعين بعد الالف ثلثة هجزة
 حرد عن الاخر اليها في صوم والذ



فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله سید عبدالحسین طیب

۱. الجوهر الثمین فی تفسیر القرآن المبین

از: سید عبدالله شبر حسینی (م: ۱۲۴۲ق)

جلد اول، نسخ زیبا، کاتب: احمد بن قاسم خلیفه کاظمی، ۱۲۴۱ق، قطع نیمه‌رحلی، با تملک میرزا یحیی مستوفی اصفهانی و یادداشتی از آخوند ملا علی میرزا.

۲. الحیدریة فی شرح الجعفریة

از: سید شاه طاهر بن رضی الدین حسینی کاشانی دهلوی (م: ۹۵۶ق)

تألیف: ۹۵۰ق.

آغاز: سبحانک ما عبدناک حقّ عبادتک فأیدنا بالقواعد الجعفریة.

کاتب: مصطفی بن حاج خضر، ۱۱۰۵ق، از روی خط مؤلف. در حاشیه تصحیح شده است.^۱

۳. زوائد الفوائد فی أعمال السنة والآداب المستحسنة

از: سید ابوالقاسم علی بن رضی الدین علی بن طاوس،

آغاز: الفصل العشرین عن الباقر علیه أفضل الصلاة والسلام قال: من أنعم الله علیه.

انجام: فكان صدقة مولانا علی وفاطمة علی المسکین والیتیم والأسیر.

نسخ، ۱۱۲۱ق، قطع نیمه‌رحلی.

۴. مجموعه

۱. انیس المؤمنین

از: فاضل الدین محمد بن اسحاق حموی

در تاریخ و فضائل ائمه معصومین علیهم‌السلام، تألیف: ۹۳۸ق.

نسخ زیبا، کاتب: عبدالرحیم بن ملا علی اصفهانی، ۱۰۷۷ق.

۲. رساله فارسی معراج سلطان بارگاه لی مع الله أعنی محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۳. رساله پنجاه موقف



۱. از این کتاب تنها دو نسخه موجود در کتابخانه‌های آستان قدس و لوس آنجلس است. مقدمه‌ای بر فقه شیعه، حسین مدرّسی، ص ۱۷۳. در الذریعة ج ۷ ص ۱۲۵ نام آن با آغازی متفاوت ذکر شده، که عبارات آن در صفحات بعدی نسخه ما موجود است.

از: مولانا محمد تقی مجلسی (م: ۱۰۷۰ق)

کاتب: ملا علی بن جلالا میرک اصفهانی، ۱۰۷۷ق.

۵. براهین النظر في فضل محمد والأئمة الاثني عشر على البشر

از: سید هاشم بن سلیمان بحرانی (م: ۱۱۰۷ق)

آغاز: الحمد لله الذي فضّل محمداً والأئمة الاثني عشر على البشر، وطهرهم من الرجس كما في القرآن المطهر.

انجام: فتوى رسول الله أن لا فتى / إلا على بن أبي طالب. والحمد لله رب العالمين...

نسخ زیبای معرب، کاتب: محمد بن یوسف بن احمد النجیل الحمیری الأوالی، ۱۱۰۷ق. از روی نسخه مصنف.

نسخه را علامه العلماء وزبده الفقهاء حاج سید محمد ابن حاج میر محمد علی شهیر به حاج میرزا کوچک کتاب فروش بر حسب وصیت حاج میرزا جلال الدین ابن اخ حاج میرزا کوچک مزبور در سال ۱۲۵۲ق وقف کرده است.

۶. انوار التنزيل

از: قاضی ناصرالدین بیضاوی (م: ۶۸۵ق)

از سوره کھف تا آخر قرآن کریم. کاتب: ابواسحاق بن ابوسعید کازرونی، ۸۳۵ق.

۷. نهج البلاغة

از: شریف رضی (م: ۴۰۶ق)،

کاتب: محمد بن عمر بن عبداللطیف، ۹۲۷ق.

۸. تذكرة الفقهاء

از: علامه حلّی (م: ۷۲۶ق).

کاتب: جمال الدین بن فیاض، ۹۲۲ق. جلد اول و دوم. با تملک فخرالدین علی شهیر به فاضل کاشانی.

۹. مجموعه:

۱. مهج الدعوات ومنهج العنايات

از: سید رضی الدین علی بن موسی بن طاوس (م: ۶۶۴ق).

آغاز افتاده: عليه رجل متغير اللون، فقال: يا أمير المؤمنين! إني رجل مسقام.



۲. المجتبی من الدعاء

از: سید رضی الدین علی بن موسی بن طاوس (م: ۶۶۴ق).
نسخ زیبا، کاتب: عبدالله بن علیرضا خادم نجفی، ۱۰۸۱ق. دربیلاق محمدیه از توابع
اصفهان، مجدول.

۱۰. خلاصة الاقوال في علم الرجال

از: علامه حلی (م: ۷۲۶ق)

کاتب: حسین بن احمد بن فخرالدین بن محمد انصاری حسینی، ۱۰۰۵ق، با مقابله و تصحیح.

۱۱. سراج القاریء المبتدی وتذكرة المقریء المنتهی فی حل قصيدة الشاطبی

از: ابن قاصح ابوالبقاء علی بن عثمان عذری بغدادی (م: ۸۰۱ق)

آغاز: قال مؤلفه الشيخ الإمام علی بن عثمان بن محمد بن احمد بن القاصح رحمة الله عليه:
الحمد لله الذي علم القرآن وزين الانسان بنطق اللسان فطوبى لمن يتلو كتاب الله حق تلاوته.
انجام افتاده: والمسك معروف والمندل العود الرطب.
نسخ خوانا، از قرن ۹ق، متن قصیده با خط شنکرف بر فراز آن مشخص شده است.

۱۲. مجموعه

۱. اصول قراءة ابن كثير بروایتی البری وقتبل

۲. اصول قراءة الكسائی بروایتی الدورى وأبى الحارث

۳. اصول قراءة ابى عمرو بروایتی الدورى والسوسى

۴. اصول قراءة ابن عامر بروایتی ابن ذكوان وهشام

از: عماد الدین علی قاری استرآبادی (زنده در اوایل سده ۱۱ق)

کاتب: محمد بن امیر علیهمدانی نجفی، ۹۸۲ق.

۷. تحفه شاهى، در تجويد، به فارسى

از: عماد الدین علی قاری استرآبادی (زنده در اوایل سده ۱۱ق)

آغاز: ای که تو برتر از شناسایی ما... و بعد، چنین گوید اضعف عباد الله الهادی عماد
الدین علی الشریف القاری الاسترآبادی... این رساله ای است در بیان مخارج حروف و صفات
وقواعد تجویدی و اختلاف قراءات عشره در فاتحه و اخلاص، مسما به تحفه شاهى، مرتب بر
مقدمه و دوازده باب و خاتمه.



انجام: به معصیت گرفتارند و قرآن ایشان را لعنت کند.

کاتب: محمد مؤذن، قرن ۱۰ ق.

۱۳. مجموعه:

۱. الفوائد الفناریة فی المنطق^۱

از: شمس الدین محمد بن حمزه فناری، شرح ایساغوجی اثیرالدین ابهری است. نسخه از آغاز افتادگی دارد.

۲. الفرائد البرهانیة فی تحقیق الفوائد الفناریة

از: برهان الدین بن کمال الدین بن حمید

آغاز: الحمد لله الذي زين الأذهان باكتساب التصوّر والتصديق.

انجام: فالاستثناء اسم من الوضع أى الايجاب ومن الرفع أى السلب.

۳. صغری در منطق

از میرسید شریف جرجانی (م: ۸۱۶ ق)

آغاز: بدان که هرچه در ذهن درآید اگر خالی از حکم باشد آن را تصور خوانند.

انجام: و یا بگوید که لکنه لیس بفرد فهو زوج.

۴. حاشیه بر شرح تصریف تفتازانی

از: مولانا محمد معلم

آغاز: قال عمدة العلماء المحققين وزبدة الحكماء الراسخين حاوى الفروع والأصول جامع المعقول والمنقول شمس الملة والدين مولانا محمد البيسى (؟) الفومنى المعروف بمعلم أعلى الله تعالى شأنه... إن أسنى مدارج الكمال وأحرى معارج يستحق بأن تنصرف الجهد في توشيح المفتتح من المقال... أما بعد، فهذه حواش على الشرح الذي ألفه أفضل المحققين وأكمل المدققين سعد الملة والدين التفتازانى... للمختصر الذي صنفه الإمام الفاضل الكامل قدوة المحققين عز الملة والدين الزنجانى رحمة الله تعالى عليه في علم الصرف كمت قیدتها عليه متفرقة حين ما قرأه بعض إخوانى.

نسخ، کاتب: محمود بن محمد کیلاکجانی، ۹۷۰ ق. در مدرسه مولانا محمد بن مولانا حاجی

لشتشائی نودهی، قطع جیبی.

۱۴. الفرائد البرهانية في تحقيق الفوائد الفنارية

از: برهان الدين بن كمال الدين بن حميد
نسخ خوانا، كتابت: قرن ۱۰ق، قطع جيبى.

۱۵. حاشية شرح المواقف

از: حسن چلبى بن محمد شاه فنارى رومى حنفى
آغاز افتاده: خلاف المراد في عالم الشهادة دون عالم الغيب، فتأمل.
انجام: فالتسمية باعتبار هذا المتضمن. وليكن هذا آخر ما أردنا إيراده في حواشى شرح المواقف.
كاتب: شمس الدين بن عبد الملك بن عبد الرحمن، ن ۹۵۹ق.

۱۶. مجموعه

۱. حاشية حاشية الخطائى على شرح المختصر
از: ملا عبد الله بن حسين يزدى (م: ۹۸۱ق)
آغاز: الحمد لمن خلق الإنسان وعلمه البيان.
۲. حاشية حاشية الجلالية على تهذيب المنطق = الحرارة في شرح العجالة (منطق-عربى)
از: ملا عبد الله بن حسين يزدى (م: ۹۸۱ق)
آغاز: غاية تهذيب الكلام بمحمد العزيز العلام.
التراث العربى: ۲۵۵/۵.

۳. تحقيق مبحث الموضوع من حاشية ملا عبد الله
كاتب: مقصود بن اسماعيل، قرن ۱۰ق.

۱۷. حاشية المطول

از: ابوالقاسم بن ابى بكر ليشى سمرقندى
آغاز: الحمد لله الذي أنعمنا بتلخيص دقائق المعانى بيدايع البيان.
كتابت در قرن ۱۰ق. با تملكى در ۱۱۸۷ق.

۱۸. شرح توحيد مفصل

از: فخرالدين ماوراء النهرى ساكن قم
آغاز: آفرين جان آفرين پاك را / آن كه ايمان داد مشتى خاك را
نسخ خوانا، كاتب: محمد مقيم بن محمد باقر اصفهانى، ۱۰۸۶ق.

۱۹. گوهر مراد

از: ملا عبد الرزاق لاهيجى (م: ۱۰۷۲ق)

کاتب: حسین بن خلیل الله بافقی، ۱۰۸۴ق.

۲۰. شمع یقین

از: حسن بن عبدالرزاق لاهیجی (م: ۱۱۲۳ق)
نستعلیق زیبا، تاریخ کتابت: ۱۲۷۹ق.

۲۱. شرح شافیه

از: محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی (م: ۱۱۲۰ق)
تألیف: ۱۰۹۲ق.

نسخ زیبا در زمان حیات مؤلف، حواشی به نستعلیق با امضای "منه دام ظلّه العالی". با
تملک محمد علی واعظ تلواسکانی در ۱۳۴۰ق.

آغاز افتاده: که یاء نسبت گاه ملحق می شود به نام های اعضاء از برای مبالغه.

۲۲. منهاج الوصول إلى علم الاصول

از: قاضی ناصرالدین بیضاوی (م: ۶۸۵ق)
آغاز: تقدّس من تمجّد بالعظمة والجلال.
کاتب: محمد زمان بن صفرقلی، ۱۰۷۶ق.

۲۳. حاشیة شرح التجريد

از: شمس الدین محمد خفّری (م: ۹۵۷ق)
با حواشی مفصّل سلطان العلماء در کنار صفحات.
نستعلیق، کاتب: محمد باقر جرفادقانی، ۱۰۲۵ق، قطع جیبی.

۲۴. حاشیة شرح مختصر الاصول

از: ملا میرزا جان باغنوی (م: ۹۹۴ق)
نسخه از آغاز افتادگی دارد.
کاتب: محمد مؤمن بن قطب الدین جرفادقانی، ۱۰۹۰ق.

۲۵. مجموعه

۱. فوائد الشرائع

از: شیخ نورالدین علی محقق کرکی (م: ۹۴۰ق)
۲. حاشیة الاثنی عشریة الصلّاتیة
از: شیخ بهاء الدین محمد عاملی (م: ۱۰۳۰ق)



التراث العربي: ۲۰۳/۴.

آغاز: قوله: تكبيرة الإحرام وهي ركن. قد يعرف الركن بما تبطل الصلاة بتركه عمداً أو سهواً.
انجام: وأيضاً صدق اسم التصفيق على ضرب بطن احدی الكفین علی ظهر الاخری موضع
كلام، فتدبر.

۳. المسائل

از: شیخ بهاء الدین محمد عاملی (م: ۱۰۳۰ق)

آغاز: هذه مسائل نقلتها من خط أستاذی وقوله عندی استنادی مولانا علی الباقری، وهو
يسمع من الشيخ الأجل الأكرم الأعلّم الأكمل بهاء الدین محمد العاملی.

۴. صیغ العقود

شیخ نورالدین علی محقق کرکی (م: ۹۴۰ق)

کاتب: حاجی محمد بن شاهمیر مازندرانی، ۱۰۲۸ق. در اصفهان.

۲۶. مجموعه

۱. الارشاد في معرفة حجج الله على العباد

از: محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید (م: ۴۱۳ق)

کاتب: بهاء الدین بن محمد علی بن حماد حلّی حائری، ۱۰۳۸ق در کربلا.

۲. الافصاح في الامامة

از: شیخ مفید (م: ۴۱۳ق).

کاتب: رضی الدین بن علی جامعی عاملی، در نجف اشرف.

با تملک محمد شریف بن محمد رضا لاهیجی.

۲۷. تفسیر منهج الصادقین

از: ملا فتح الله شریف کاشانی (م: ۹۸۸ق)

نسخ زیبا، کاتب: محمد نصیر بن محمد علی ابهری جی اصفهانی، ۱۰۹۰ق. جلد سوم، از

سوره یس تا کھف.

۲۸. تفسیر منهج الصادقین

از: ملا فتح الله شریف کاشانی (م: ۹۸۸ق)

نسخ زیبا، کاتب: محمد نصیر بن محمد علی ابهری جی اصفهانی، ۱۰۹۱ق. جلد پنجم.

۲۹. وسیله نجات^۱

شرح چهل حدیث در فضائل امیرالمؤمنین (علیہ السلام)
از: علیرضا بن فتح الله شریف کاشانی، قرن ۱۲ق.
آغاز افتاده: وایم الله لولاهم لما خلق الله السماء والأرض... افقر العباد إلى الله اللطيف على
بن فتح الله الشريف الشهير برضا غفر الله بفضله ذنوبهما...
انجام: تؤذن خروجاً منها وقت علة الشمس فقلنا بالعجب كذا.

۳۰. الصحيفة الكاملة السجادية

نسخ زیبا، ترجمه ادعیه به خط نستعلیق و با شنگرف در زیر سطور به خط شرف الدین
علی بن میرزا محمد حسین گلستانه، قرن ۱۱ق.

۳۱. معراج الشریعة فی شرح منهاج الهدایة

از: محمد مهدی بن حاج محمد ابراهیم کلباسی (م: ۱۲۷۸ق)
نسخ زیبا، کاتب: محمد رضا نجف آبادی، ۱۲۷۱ق، جلد سوم، رحلی، با مقابله و تصحیح.

۳۲. أنوار الرياض (فقه استدلالی)

از: سید محمد بن عبدالصمد شهبهانی (م: ۱۲۸۷ق)
کاتب: محمد تقی بن محمد حسن خوانساری، ۱۲۹۳ق. جلد دوم، نسخ زیبا، قطع رحلی.

۳۳. رضوان الأمین فی حاشیة القوانین

از: سید محمد بن عبدالصمد شهبهانی (م: ۱۲۸۷ق).
حاشیه بر قوانین الاصول میرزای قمی است.
نسخ زیبا، کاتب: اسدالله اصفهانی، ۱۲۹۴ق، قطع رحلی، با مقابله و تصحیح.

۳۴. غایة القصوى (اصول فقه)

از: سید محمد بن عبدالصمد شهبهانی (م: ۱۲۸۷ق)
نسخ زیبا، قرن ۱۳ق. جلد دوم کتاب است، قطع رحلی.

۳۵. بشارات الاصول

از: میرزا ابوالعالی کلباسی (م: ۱۳۱۵ق)
آغاز: الکلام فی الأدلة الشرعية، وفيه مقاصد.
انجام: وللتقرير فيه وجه، فكان على المستدل الشهيد الاستدلال به، والله العالم.

نسخ زیبا، کاتب: محمدباقر بن محمد حسن بروجنی، قرن ۱۳ق، عناوین باشنگرف در حاشیه. قطع رحلی.

۳۶. جامع المعجزات

از: محمد واعظ خاکسار اصفهانی (قرن ۱۳ق)

جلد دوم، نستعلیق زیبا، ۱۲۶۹ق.

در صفحه آغاز، نسب سید محمد جعفر خلیفه سلطانی در سال ۱۲۷۰ق، و در پایان کتاب، فهرست کتاب غایة المرام سید هاشم بجرانی در سال ۱۲۷۵ق نگاشته شده است.

۳۷. ریاض الاحزان

از: محمد هاشم بن محمد حسین (قرن ۱۳ق)

جلد دوم کتاب است، شامل نه مجلس، در احوال حضرت زین العابدین علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام که به امر سید حجت الاسلام سید محمدباقر شفتی نوشته شده است.^۱

نسخ زیبا، قرن ۱۳ق، قطع نیمه رحلی. (فهرستواره کتاب‌های فارسی ۱۶۶۸/۳)

۳۸. منتخب التعزیه

از: ابراهیم ارباب اصفهانی فرزند حاج محمد حسین خبوشانی

آغاز: الحمد لله الذي أقرب بوحدانيتها أحاد المحدودات.

مؤلف درسی و یکمین سال مجاورت در نجف اشرف، این کتاب را در ۱۱۰ مجلس ترتیب داده است.

تاریخ کتابت: ۱۲۷۵ق در نجف اشرف.

۳۹. ترجمه اصلاح العمل

از: حسن بن محمد علی یزدی (قرن ۱۳ق)

ترجمه رساله عملیه سید محمد مجاهد صاحب مناهل است.

کاتب: محمد اسماعیل بن محمد کاظم اصفهانی، ۱۲۴۰ق. «وکان مدة کتابته أربع وثلاثون يوماً».

۴۰. ترجمه اصلاح العمل

از: حسن بن محمد علی یزدی (قرن ۱۳ق)

نستعلیق، تاریخ کتابت: ۱۲۴۰ق، قطع جیبی.

٤١. مجموعه

١. القصيدة الهائية الازرية، (قرآن الشعر الاكبر وفرقان الفصل الازهر)

از: شيخ كاظم ازرى (م: ١٢١١ق)

كاتب: محمد جابر كاظمى، ١٢٨١ق. به امر عمدة الاخيار حاج محمد كاظم اصفهانى غفورى. در پايان، برخى اشعار عربى به انتخاب كاتب آمده است.

٢. توضيح الاشتباه والاشكال في ضبط أسامى الرواة وألقاب الرجال

از: محمد على بن محمد رضا ساروى مازندرانى (قرن ١٢ق)

آغاز: الحمد لله المحمود المتعال.

انجام: أنصارى ذكر له الشيخ قصة حسنة. هذا آخر ما أوردناه، والحمد لله وحده.

٣. هداية المحدثين إلى طريق المحمدين

از: محمد امين بن محمد على كاظمى (بعد ١١١٨ق)^١

آغاز: الحمد لله الذي أنقذنا من شفا جرف الظنون والأوهام.

انجام: وفيه كفاية لمن رام الاطلاع على رواية هذا الوضع، والحمد لله أولا وآخرا.

كاتب: محمد مهدى بن زين العابدين نجف آبادى، ١٢٥٩ق (دو كتاب اخير).

٤٢. منهاج الكرامة في معرفة الامامة

از: علامه حلى (م: ٧٢٦ق)

انجام اقتاده: الخامس إخباره بالغائب والكائن قبل كونه. فأخبر بأن طلحة والزبير...

نسخ زيبا، قرن ١٠ق. (التراث العربي ١٢/٤٢٣)

٤٣. قواعد الاحكام

از: علامه حلى (م: ٧٢٦ق)

كاتب: محمود حسيني گرمرودى، ١٠٢٤ق در اصفهان.

٤٤. روض الجنان في شرح ارشاد الازدهان

از: شهيد ثانى (م: ٩٦٥ق)

كاتب: نعمة بن عبد فاضل، ١٠٩١ق، جلد اول، قطع نيمه رحلى.

٤٥. منهاج الفلاح

از: على بن شاه محمود باقى (قرن ١١ق)

کاتب: محمد مؤمن بن حاجی کاظم مشهدی، ۱۰۸۷ق، در شاه جهان آباد.

۴۶. روضة المتقين

از: مولانا محمد تقی مجلسی (م: ۱۰۷۰ق)

کاتب: محمد مؤمن قهجاورستانی، ۱۰۶۹ق.

جلد اول و دوم، در حاشیه تصحیح شده است.

۴۷. روضة المتقين

از: مولانا محمد تقی مجلسی (م: ۱۰۷۰ق)

کاتب: ابوالحسن بن محمد معصوم خاتون آبادی، ۱۰۹۱ق، از کتاب زکات تا آخر حج.

۴۸. بحار الانوار

از: علامه ملا محمد باقر مجلسی (م: ۱۱۱۰ق)

آغاز: باب ما ورد في كفر معاوية وعمرو بن العاص وأولياءهما لعنهم الله.

کاتب: محمد بن علی بن ثابت حسینی، ۱۱۱۳ق، جلد آخر از کتاب فتن.

۴۹. مجموعه

۱. سؤال و جواب

از: علامه ملا محمد باقر مجلسی (م: ۱۱۱۰ق)

آغاز افتاده: سنی و شیعه در کتاب‌های خود نقل کرده اند که رسول خدا ﷺ امت عیسی را

به مباحله طلبید.

انجام: و پانزده سال درست می شود و شیخ هم این چنین فرمودند.

۲. سؤال و جواب

از: فاضل هندی بهاء الدین محمد بن حسن اصفهانی (م: ۱۱۳۳ق)

آغاز: سؤال: غسل جنابت واجب بنفسه است یا واجب لغیره؟

انجام: سؤال ایشان بشود و در وقت دیگر ممکن است که بشود.

۵۰. مقباس المصایب

از: علامه ملا محمد باقر مجلسی (م: ۱۱۱۰ق)

نسخ زیبا، کاتب: عبدالصمد بن احمد، ۱۲۶۱ق.

۵۱. سفینة النجاة (فقه استدلالی)

از: سید حسین بن علی قائنی اصفهانی (قرن ۱۳ق)



آغاز: الحمد لله المتفرد بأزليته، فكلّ شيء خاضع لربوبيته.
كاتب: مهدي خراساني كدكي، ١٢٥٠ق، جلد اول^١.

٥٢. وسائل الشيعة إلى أحكام الشريعة

از: سيد محسن اعرجي كاظمي (م: ١٢٢٧ق).
آغاز: التجارة في اللغة التكتسب بالبيع والشراء كما صرح به غير واحد.
انجام: ومات برأماً فوقه فكيف بإحضار من كفل وهكذا.
تاريخ كتابت: ١٢٥٧ق.

٥٣. مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة

از: سيد جواد حسيني عاملي (م: ١٢٢٦ق)
تاريخ كتابت: ١٢٦٠ق. جلد اول، بانسخه اصل مقابله شده است.

٥٤. تذكرة الفقهاء

از: علامه حلي (م: ٧٢٦ق)
آغاز: كتاب الأمانات وتوابعها وفيه مقاصد.
انجام: فيحكم له به. تمّ الجزء الحادي عشر من تذكرة الفقهاء ويتلوه في الثاني عشر المقصد السابع في الإجارة.

كاتب: براتعلي بن محمد حسن نجف آبادي، ١٢٥٥ق.

٥٥. شرح وافية الاصول

از:؟

آغاز افتاده: شارعاً كان أو متشرعاً... وقوله: غايته أنك تقول: هذا التبادر.
انجام: والمرجو من نظري إلى هذا التعليق أن يمين على هذا الضعيف...
نسخ زيبا، كاتب: احمد بن نادعلي خوانساري، ١٢٤٠ق.

٥٦. حاشية القوانين

از: سيد علي قزويني (م: ١٢٩٨ق)
كاتب: محمد علي كواري من محال كزاز، ١٣٢٩ق، در مدرسه الماسيه اصفهان.

٥٧. شوارق الالهام

از: ملا عبدالرزاق لاهيجي (م: ١٠٧٢ق)

١. مجلدات ديگر اين كتاب در کتابخانه هاي آية الله حجي وآية الله رياضي در نجف آباد اصفهان موجود است.

کاتب: سید بشیر بن سید کریم موسوی زیتون رودباری، قرن ۱۳ق.

۵۸. نجات در ضروریات عباد

از: سید حسین بن سید قلندر بن سید رمضان موسوی بربری (قرن ۱۳ق)
از فتوای سید المحققین و قدوة المدققین و محیی شریعة سید المرسلین آقا میر محمد حسینا.

۵۹. حدیقة الاصول

از: محمد مهدی بن محمد اصفهانی (قرن ۱۳ق)

شرح بحث مقدمه واجب از کتاب اشارات الاصول حاجی کلباسی است.
آغاز: الحمد لله الذي هدانا إلى قوانین الإسلام وأرشدنا إلى إشارات قواعد الأحكام.

۶۰. عدة الداعی

از: ابن فهد حلی (م: ۸۴۱ق)

کاتب: محمد رضا بن محمد حسین استرآبادی، ۱۲۳۱ق، دربار فروش، مدرسه میرزا زکی.

۶۱. عدة الداعی ونجاح الساعی

از: ابن فهد حلی (م: ۸۴۱ق)

کاتب: ابن عماد الدین حسینی طالقانی، ۱۰۷۹ق. وقف علامة العلماء زبدة الفقهاء حاج
سید محمد ابن حاج میر محمد علی شهیر به حاج میرزا کوچک کتابفروش بر حسب وصیت حاج
میرزا جلال الدین ابن اخ مرحوم حاج میرزا کوچک در ۱۲۵۲ق.

۶۲. ترجمه عدة الداعی

از: محمود بن محمد تقی فلاورجانی

نسخه از آغاز افتادگی دارد.

۶۳. اصول الكافی

از: ثقة الإسلام کلینی (م: ۳۲۸ق)

نسخ زبیا، کاتب: اسماعیل بن محمد حسینی مازندرانی شهیر به قزوینی، قرن ۱۱ق، با
مقابله و تصحیح.

این نسخه را محمد تقی بن الله قلی شهیر به ملا پروانه عباسی صفوی در ۱۰۵۳ق وقف کرده است.

۶۴. الاستبصار

از شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ق)

نسخ زیبا، کاتب: عبدالواحد بن محمد امین شیرازی، ۱۰۸۴ق، با مقابله و تصحیح. وقف
علامی میرسید علی تفرشی.

۶۵. کنز اللغة

از: محمد بن عبدالحالق بن معروف (قرن ۹ق)
نستعلیق، تاریخ کتابت: قرن ۱۲ق.

۶۶. تهذیب الاحکام

از: شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ق)
کاتب: عطاء الله بن جعفر حسینی، ۱۰۸۳ق.

۶۷. تهذیب الاحکام

از: شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ق)
کاتب: محمد کاظم شریف ابن شمس الدین، ۱۱۲۵ق. بخشی از کتاب الجنائز است با مقابله و تصحیح.

۶۸. الصافی فی شرح الکافی

از: ملا خلیل قزوینی (م: ۱۰۸۹ق)
تاریخ کتابت: ۱۰۶۳ق. از اول کتاب تا آخر کتاب فضل العلم، مقابله باقر بن طاوس حسینی.

۶۹. مجموعه

۱. شجره الهیه

از: میرزا رفیع الدین محمد نائینی (م: ۱۰۸۰ق)

۲. رساله فی الاخلاق

از:؟

آغاز: أما بعد فلما كانت السعادة التي هي مطلوب الأولين والآخرين لا تنال إلا بالعلم والعمل.

۳. ترجمة الفصول النصيرية

از: رکن الدین محمد بن علی جرجانی

آغاز: أما بعد حمد الله الواجب وجوده الفائض على سائر القوابل جوده.

تاریخ کتابت: ۱۱۲۳ق. کتاب اول تصحیح و مقابله شده است. با تملک محمد علی بن محمد

رفیع بن محمد ابراهیم مدعوبه سید میرزا ابن محمد رفیع بن محمد علی بن میرزا زین العابدین بن

میرزا ابوالحسن بن میرزا رفیعا نائینی.



۷۰. مجموعه

۱. مشکاة الانوار

از: علامه ملا محمدباقر مجلسی (م: ۱۱۱۰ق)

کاتب: محمد موسوی، قرن ۱۳ق.

۲. سراج منیر

از: قاضی محمد شریف شیرازی (قرن ۱۱ق)

آغاز افتاده: ذات تو دانش‌گداز، کنه تو بینش‌گسل / وصف تو اندیشه‌گاه، حیرت تو غم‌فزا

۳. رساله ذوقیه و شوقیه

از: مولانا ادهم بن قاضی بیک قرشی واعظ خلخالی

مشمول بر مقدمه و سه روضه و یک خاتمه.

آغاز: سبحان الله كلما سبح الله شیء... اما بعد، چنین گوید: اقلّ الخلیقة بل اللاشیء فی الحقیقة، فانی برحق و معدوم مطلق، و نمود بی بود، خاک پای علمای دین و محبّ اهل حقّ و یقین، ادهم قرشی واعظ.

انجام: اگر گبرم بخوانی ورمسلمان / به هرملت که هستم ایشتم یار

۴. رساله فتحیه

از: مولانا ادهم واعظ خلخالی

آغاز: حمدات نامحدود و ثنوات نامعدود مفتّح الأبواب و مسبّب الأسبابی رامی رسد و

درخور است...

اما بعد، این رساله ایست مستی به فتحیه، در بیان آداب سلوک... این نمود بی بود ادهم واعظ

قرشی خلخالی متخلص به عزلتی دستورالعملی جهت فرقه ای از طفلان راه سلوک نوشت.

انجام: عزلتی از دعویم زان نام من شد عزلتی / نقد عزلت رایگان زان زرکان آورده ام

۵. رساله محیی الاموات

از: مولانا ادهم واعظ خلخالی

آغاز: من بیچاره سودازده سرگردانم / که به اوصاف خداوند سخن چون رانم

... اما بعد، این رساله ایست مستی به محی الاموات چه سبب حیات دل‌های مرده

می‌شود در بیان تعقیبات نماز و عوذات و مناجات و اذکار و غیرها من المواعظ والنصایح والآداب

که اقل الخلیقة بل اللاشیء فی الحقیقة مقهور نفس اماره مغلوب هوا و هوس ادهم بن قاضی بیک القرشی الواعظ از کتب معتبره چون مصباح کبیر و مفتاح الفلاح و عدة الداعی و أنیس العابدین و غیرها من التفاسیر المعترية و الکتب المعتمدة انتخاب نموده بوجه اختصار.

انجام: خدایا چنان کن که پایان کار / تو خوشنود باشی و مارستگار
نسخ زیبا، کاتب: حسن بن حسین الطولی، قرن ۱۱ ق.

٧١. مجموعه

١. لؤلؤة البحرين

از: شیخ یوسف بجرانی (م: ۱۱۸۶ ق)

٢. شرح الشجرة النعمانية في الدولة العثمانية

از: شیخ اکبر محی الدین بن عربی طائی آندلسی (م: ۶۳۸ ق)
آغاز: الحمد لله الذي بين البيان لأهل العرفان في كل زمان وأوان.
انجام: والغاصب محروم وسره غير مكتوم. وفي جوف الدائرة.

٧٢. مجموعه

١. البيان

از: شهید اول (م: ۷۸۶ ق)

انجام: الفصل الثاني في الإمساك وفيه مطالب، الأول فيما يمسك عنه، وهو أقسام. القسم الأول في الاستمتاع، يجب. إلى ههنا انتهى خط المصنف رحمه الله.

٢. الرسالة الرضاعية

از: شیخ نورالدین علی محقق کرکی (م: ۹۴۰ ق)

آغاز افتاده: أعنى اخوتها له إماماً بالنسب وإمماً بالرضاع فإن ثبوت العمومة المذكورة تابع.
انجام: وذلك غير مقتض للتحريم بوجه من الوجوه، والله أعلم.

٣. صيغ العقود

از: شیخ نورالدین علی محقق کرکی (م: ۹۴۰ ق)

آغاز: الحمد لله حمداً كثيراً كما هو أهله... وبعد، فهذه جملة كافية ببيان صيغ العقود والإيقاعات.
انجام افتاده: وأما الإقرار فليس من العقود والإيقاعات في شىء...
تاریخ کتابت: ۹۵۴ ق.



۷۳. مجموعه

۱. الاعتقادات

از: شیخ صدوق (م: ۳۸۱ق)

۲. الاثنی عشریات الخمس

از: شیخ بهائی (م: ۱۰۳۰ق)

کاتب: فتح الله بن عین الله طالقانی، ۱۰۳۴ق، در مشهد مقدس.

۷۴. مجموعه

۱. معراج اهل الکمال الی معرفة الرجال

از: شیخ سلیمان بجرانی (م: ۱۱۲۱ق)

آغاز: الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا ما أرسلناك به يا أحمد... والذى يظهر لى أنّ الكلّ واحد. إلى هنا كان موجوداً

انجام: بکر بن صالح الرازی له کتاب... والذى يظهر لى أنّ الكلّ واحد. إلى هنا كان موجوداً

في نسخة مصححة من معتمد.

۲. ترجمة حماد بن عيسى

از: حجت الاسلام سيد محمد باقر شفتی (م: ۱۲۶۰ق)

تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق.

۷۵. التمهيد في اصول الفقه

از: جمال الدين عبدالرحيم اسنوى شافعى (م: ۷۷۲ق)^۱

تألیف: ۷۷۸ق.

آغاز: الحمد لله مزيل أعدار المكلفين بإرشاد العقول وتمهيد الأصول... فلذلك سميته بالتمهيد.

والله المسؤول أن ينفع به مؤلف وكتابه والناظر فيه وجميع المسلمين بمنه وكرمه. ثم شرعت في أثناء

ذلك في كتاب آخر على هذا الاسلوب بالنسبة إلى علم العربية مسمى بالكوكب الدرّي.

انجام: كذا ذكره الرافعى في كتاب القضاء، والله أعلم. قال مصنفه: فرغت من تحريره في

أواخر سنة ثمان وسبعة وسبعمائة سوى أشياء ألحقها به بعد ذلك...

تاریخ کتابت: ۱۲۵۷ق.

۱. هدیه العارفین ج ۱ ص ۵۶۱. شیخ احمد بیان در آغاز نسخه به اشتباه آن را «تمهید الوصول إلى علم الأصول» از علامه حلّی دانسته است.

۷۶. تحفة القراء

ملا مصطفی بن ابراهیم قاری تبریزی (زنده در ۱۰۷۸ق)^۱
کاتب: عبدالله بن عبدالرزاق حسینی، ۱۱۲۱ق.

۷۷. الحدائق الناظرة

از: شیخ یوسف بحرانی (م: ۱۱۸۶ق)
کاتب: کاظم بن صفرعلی اصفهانی، ۱۲۲۵ق. کتاب الصلاة، قطع رحلی.
وقف علامة العلماء وزبدة الفقهاء حاج سید محمد بن حاج میر محمدعلی شهیر به حاج میرزا کوچک کتابفروش، بر حسب وصیت آقا میرزین العابدین اخ وصی واقف در ۱۲۵۲ق.

۷۸. المزار

از: شهید اول (م: ۷۸۶ق)
آغاز افتاده: یا نورالله الذي يستضاء به. السلام عليك وعلى أهل بيتك.
نسخ زیبا، کاتب: زمان بن محمد نخجوانی، ۱۱۶۱ق.

۷۹. حاشية المختصر النافع

از:؟

آغاز: فهذه فوائد علقها على كتاب النافع مختصر الشرائع لبيان ما يعتمد عليه في الفتوى.^۲
انجام افتاده: وتكره الصلاة على الجنابة الواحدة...

۸۰. المختصر النافع

از: محقق حلّی (م: ۶۷۶ق)
آغاز افتاده: القرآن ونسخه وكسب القابلة مع الشرط.
کاتب: سراج بن جلال الدین، ۱۰۹۶ق.

۸۱. مجمع الفائدة والبرهان

از: مقدّس اردبیلی (م: ۹۹۳ق)
کاتب: حسین بن احمد مسلماوی، ۱۲۴۶ق، نجف اشرف. از شرائط الاصطیاد تا آخر قصاص.

۸۲. المهذب

از: قاضی ابن البراج (م: ۴۸۱ق)

۱. الذریعة ج ۳ ص ۴۶۱.

۲. الذریعة ج ۱۴ ص ۶۰.



کاتب: حسین بن حسن بن علی بن علی بن علی شوشتری واعظ، ۱۲۴۰ق. و ابوالقاسم بن حاج حسینعلی تاجر قزوینی ساکن نجف اشرف، ۱۲۴۰ق.

۸۳. بحار الانوار

از: علامه ملا محمدباقر مجلسی (م: ۱۱۱۰ق)

جلد سوم، تاریخ کتابت: قرن ۱۲ق. با یادداشتی از میرزا محمد کاظم نائب‌الصدر در ۱۲۳۰ق مبنی بر این که جدش (سید محمدباقر پیش‌نماز عاملی) در سال ۱۱۲۳ق نسخه را وقف کرده است.

۸۴. مفاتیح الشرائع

از: ملا محسن فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ق)

نسخ زیبا، کاتب: محمد حسین بن محمد صادق هزارجریبی ملقب به سالار، ۱۲۱۳ق.

۸۵. مجموعه رسائل فیض کاشانی

۱. الاصول الاصلية

۲. تطهیر السّر

۳. جهاز الاموات

۴. غنیة الاثام فی معرفة الساعات والایام

از: ملا محسن فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ق)

نسخ زیبا، کاتب: جلال‌الدین محمد بن محمد ابراهیم طهرانی ملقب به صمت، ۱۰۷۳ق، با مهر لطف‌الله.

۸۶. القاموس المحيط

از: فیروزآبادی (م: ۸۱۷ق)

کاتب: محمد عظیم بن ابو محمد نیشابوری، ۱۰۹۹ق، قطع رحلی بزرگ.

۸۷. فروع الکافی

از: ثقة الإسلام کلینی (م: ۳۲۸ق)

کاتب: محمد حسین بن محمد شاه‌حسینی مرعشی شوشتری، ۱۰۵۴ق. از کتاب طلاق تا آخر.

۸۸. فروع الکافی

از: ثقة الإسلام کلینی (م: ۳۲۸ق)

تاریخ کتابت: ۹۷۱ق. با مقابله و تصحیح. تملک محمد رسول بن عبدالعزیز کاشانی در ۱۲۴۱ق.

۸۹. شرح الحكمة العرشية

از: شیخ احمد احسائی (م: ۱۲۴۱ق)

آغاز: الحمد لله... أما بعد، فيقول العبد المسكين أحمد بن زين الدين الأحسائي: إن جناب المحترم الممجد... قد التمس مني أن أشرح الرسالة المسماة بالعرشية للعالم الجليل الفاخروالحكيم المتوغل الماهر...

نسخ زيبا، تاريخ كتابت: قرن ۱۳ق، جلد اول.

۹۰. شرح الحكمة العرشية

از: شیخ احمد احسائی (م: ۱۲۴۱ق)

آغاز: أما بعد، فيقول العبد المسكين... هذا الجزء الثاني من شرح العرشية لصدرالدين الشيرازي الشهير بملا صدرا. قال: المشرق الثاني في علم المعاد.

نسخ زيبا، تاريخ كتابت: قرن ۱۳ق، جلد دوم.

۹۱. شرح الحكمة العرشية

از: شیخ احمد احسائی (م: ۱۲۴۱ق)

نسخ زيبا، تاريخ كتابت: قرن ۱۳ق، جلد دوم.

۹۲. شرح شرائع الاسلام

از: سيد اسدالله بن محمد باقر موسوي شفتي (م: ۱۲۹۰ق)

كتاب الصلاة، مباحث اعداد صلاة و مواقيت و قبله و لباس مصلّي، نسخه اصل به خط مؤلف.

۹۳. شرح شرائع الاسلام

از: سيد اسدالله بن محمد باقر موسوي شفتي (م: ۱۲۹۰ق)

كتاب الصلاة، از بحث ركوع تا قنوت، نسخه اصل به خط مؤلف.

۹۴. شرح شرائع الاسلام

از: سيد اسدالله بن محمد باقر موسوي شفتي (م: ۱۲۹۰ق)

كتاب الزكاة، نسخه اصل به خط مؤلف.

۹۵. مفاتيح الاعجاز در شرح گلشن راز

از: شمس الدين محمد لاهيجي (م: ۸۹۲ق)

تاريخ كتابت: قرن ۱۰ق. با تملك محمد معصوم بن محمد زمان در ۱۱۸۷ق در قزوین.



۹۶. تفسیر مواهب علیه

از: ملا حسین کاشفی سبزواری (م: ۹۱۰ق)

تاریخ کتابت: قرن ۱۰ق. از تفسیر سوره مریم تا آخر قرآن کریم. قطع رحلی.

۹۷. شرح تجرید

از:؟

کاتب: باقر بن هاشم حسینی، ۱۰۸۹ق، اصفهان مدرسه درب کوشک.

۹۸. ترجمه و شرح الفیه شهید^۱

از:؟

تألیف: قرن ۱۱ق. در متن از شیخ بهائی با تعبیر «أمد الله أيامه» یاد شده است.

آغاز افتاده: ...وتیقن الحدث والشک فی الوضوء یعنی دهم از موجبات وضو یقین بودن

است در حدث در وقتی از اوقات با شک در حصول طهارت بعد از آن.

انجام: آن نماز را مجازاً قضا می‌گویند و اگرچه فی الحقیقه قضا نیست... دامت الغبراء وما دارت

الخضراء وسلم تسليماً.

کاتب: محمد بن شاه علی، ۱۱۲۲ق، در مزرعه بجزآباد.

۹۹. ترجمه مصباح المتبهج صغیر

از:؟

آغاز افتاده: فصل در عبادات شبانروز. عبادات شبانروز بر دو قسم است.

انجام افتاده: المحرم، این ماه آخر شهر الحرام بود، و حرمت او در جاهلیت و اسلام بزرگ بود...

تاریخ کتابت: قرن ۱۲ق.

۱۰۰. احیاء علوم الدین

از: امام محمد غزالی (م: ۵۰۵ق)

انجام: ذم الغرور، و به تم ربع المهلكات والحمد لله رب العالمین.

نستعلیق، کاتب: حسن بن محمد بن عیسی، ۱۱۰۷ق.

۱۰۱. القواعد والفوائد

از: شهید اول (م: ۷۸۶ق)



کاتب: نظام الدین هروی، ۹۶۷ق. نسخه فرسوده.

۱۰۲. الصافی

از: ملا محسن فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ق)

کاتب: نورالله بن عبدالحسین حسینی، ۱۱۰۰ق. از تفسیر سوره کهف تا آخر قرآن کریم.
با مقابله سید محمد مؤمن بن سید محمد در ۱۱۷۲ق.

۱۰۳. غایة المرام فی شرح أحادیث الائمة الکرام

از: سید نعمة الله جزائری (م: ۱۱۱۲ق)

آغاز: الحمد لله الذي أرسل رسوله بالحق بشيراً ونذيراً، وأمره بنصب أعلام الهداية وطهرهم تطهيراً.
تاریخ کتابت: قرن ۱۲ق، از کتاب المزار تا آخر کتاب المکاتبة.

۱۰۴. فتح الباب، شرح فارسی باب حادی عشر

از: عبدالوحيد بن صفی الله واعظ لاهیجانی (شاگرد شیخ بهائی)^۱

آغاز افتاده: ونور ضریحه، که با وجود آن که الفاظش کم است معانیش بسیار است...
بعضی از برادران دینی و دوستان یقینی، از این بنده جانی، عبدالوحيد واعظ بن صفی الله
لاهیجانی التماس کردند که می خواهیم که ما را به فتح این باب راه نمایی، و این در به روی ما
گشایی، تا ما نیز چون سایر یاران عزیز، در خانه معرفت در آییم.

انجام: فصل نهم در بعضی از سرائر امام نهم... یعنی می دانم که چند کس از بنی آدم.

۱۰۵. حاشیة فرائد الاصول

از: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (م: ۱۳۲۸ق)

کاتب: عبدالله (علی) رویدشتی اصفهانی نجفی، ۱۲۹۵ق - ۱۳۰۳ق. با حواشی مفصل از
کاتب و تقریراتی در اصول فقه با عنوان فیض غروی.

۱۰۶. مفاتیح الشرائح

از: ملا محسن فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ق)

کاتب: ابراهیم بن محمد مقیم لنگرودی، ۱۲۰۴ق.

۱۰۷. سؤال و جواب (ریاض الاحکام)

از: میرزا ابوالقاسم گیلانی قمی (م: ۱۲۳۱ق)

تدوین: محمد حسن بن محمد صالح نوربخشی.

آغاز: جواهر حمدی که جواهرشناسان جواهرخانه بیان از تحدید بهای آن قاصر... و از جمله آن سه مجلد کتاب جواب مسائل که حدائق نواریس راهریک حاوی و شامل بودند این مجلد شریف است که مجلد سیم است موسوم شد به ریاض الأحكام که فی الحقیقه حدائق سعادات انام است.

نسخ، تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق، قطع رحلی.

۱۰۸. ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین

از: سید علیخان مدنی شیرازی (م: ۱۱۲۰ق)

نسخ زیبا، از روضه ۱۶ تا آخر روضه ۲۸. قرن ۱۳ق.

آغاز: الحمد لله مقیل عثرات المذنبین و راحم عبرات المنینین.

۱۰۹. الزهرات الزویة فی الروضة البهیة

از: شیخ علی بن حسن بن زین الدین عاملی (م: ۱۱۰۴ق)

نسخه حاضر حاشیه بر طهارت شرح لمعه است.

آغاز: قوله قدس سره: الباء للملابسة والظرف مستقر.

تاریخ کتابت: قرن ۱۱ق. با تملک محمد حسین بن محمد صالح حسینی در ۱۱۴۷ق.

۱۱۰. مجموعه

۱. الزهرات الزویة فی الروضة البهیة

از: شیخ علی بن حسن بن زین الدین عاملی (م: ۱۱۰۴ق)

از کتاب العتق تا آخر دیات شرح لمعه.

۲. حاشیة حاشیة السلطان علی شرح للمعة

از: شیخ علی بن حسن بن زین الدین عاملی (م: ۱۱۰۴ق)

انجام افتاده: ویصح الرهن فی زمن الخیار. کتب هنا الظاهر أن المراد رهن المشتري للمبیع.

نسخ زیبا، کاتب: اسماعیل اصفهانی، ۱۲۰۳ق.

۱۱۱. شرح المکنونة (در اصول عقائد)

از: شیخ عبدالجواد بن عبد الرحیم باغبانادارانی اصفهانی

تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق. نسخه اصل، قطع جیبی.

۱۱۲. التنبیہات العلیة علی وظائف الصلاة القلیبة

از: شهید ثانی (م: ۹۶۵ق)



کاتب: محمد عتیق، قرن ۱۲ ق.

۱۱۳. تهذیب الاحکام

از: شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق)

تاریخ کتابت: ۱۰۹۶ ق. از کتاب الطلاق تا آخر دیات، با حواشی به نقل از علامه مجلسی.

۱۱۴. تذکرة الفقهاء

از: علامه حلّی (م: ۷۲۶ ق)

تاریخ کتابت: قرن ۱۲ ق. با تملک در ۱۱۱۳ ق. از کتاب قرض تا آخر حواله.

۱۱۵. مجموعه

۱. قانونچه در طب

از: محمود بن محمد چغمینی خوارزمی (قرن ۹ ق)

۲. نان و حلوا

از: شیخ بهائی (م: ۱۰۳۰ ق)

۳. شیر و شکر

از: شیخ بهائی (م: ۱۰۳۰ ق)

نستعلیق زیبا، کاتب: محمد علی بن محمدرضا هرنندی، ۱۲۸۰ - ۱۲۸۱ ق. قطع جیبی.

۱۱۶. تجرید الکلام

از: خواجه نصیرالدین محمد طوسی (م: ۶۷۲ ق)

نسخ زیبای جلی، تاریخ کتابت: قرن ۱۳ ق، قطع نیمه رحلی. اوایل کتاب دارای حواشی مفصل.

با تملک عبدالنبی بن محمد مفید.

۱۱۷. هدایة الطالبین

از: میرسید حسن مدرّس (م: ۱۲۷۳ ق)

تاریخ کتابت: قرن ۱۳ ق. تصحیح شده و حواشی با نشان "س" دارد.

۱۱۸. الرعاية

از: شهید ثانی (م: ۹۶۵ ق)

کاتب: سید علی حسینی، ۱۰۸۳ ق.

۱۱۹. الرسالة النفلیة

از: شهید اول (م: ۷۸۶ ق)



نسخ درشت، تاریخ کتابت: ۱۰۲۵ق، قطع جیبی.

۱۲۰. اللمعة الدمشقية

از: شهید اول (م: ۷۸۶ق)

کاتب: محمد لایذ آل شیخ ناصر، ۱۰۷۹ق.

۱۲۱. زبدة البیان

از: مقدّس اردبیلی (م: ۹۹۳ق)

تاریخ کتابت: ۱۲۲۶ق.

۱۲۲. المناهل

از: سید محمد بن علی طباطبائی مجاهد (م: ۱۲۴۲ق)

تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق. کتاب الزکاة.

۱۲۳. شرح الهدایة الاثیرية

از: صدر المتألهین شیرازی (م: ۱۰۵۰ق)

آغاز نونویس، تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق.

۱۲۴. منبع الحیة فی عبارات الاحیاء والاموات (در اصول فقه)

از: محمد بن حاج محمد ابراهیم کلباسی

جلد دوم.

آغاز افتاده: ... وفي العدة: فصل الأمر عبارة عن قول القائل لمن هو دونه افعّل.

انجام: وإنما أطنبنا الكلام في مسألة إنّ الأمر هل للوجوب أم لا لكونها من المهمات. قد تمّ

المجلد الثاني...

تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق. نسخ، قطع رحلی.

۱۲۵. منیة الراغب فی شرح بغیة الطالب

از: شیخ موسی بن جعفر کاشف الغطاء (م: ۱۲۴۳ق)

تألیف: ۱۲۳۴، جلد اول.

۱۲۶. مجموعه

۱. اصول دین

از: محمد باقر بن میر محمد اسماعیل واعظ اصفهانی (قرن ۱۳ق)

آغاز: الحمد لله... چنین گوید محتاج فیوضات ربانی و توفیقات سبحانی... که این مختصری است در اصول دین که حسب الخواش بعضی از برادران دینی قلمی گردید.

۲. تجوید قرآن

از: حافظ طاهر قاری اصفهانی (قرن ۹ ق)

آغاز: الحمد لله... اما بعد، چنین گوید حقیر فقیر جانی حافظ طاهر اصفهانی عفی عنه که این مختصر مشتمل است بر قاعده و ضابطه چند در تجوید و تصحیح قرآن عظیم.

انجام: قیاس نتوان کرد و بروی اشکالی باقی نماند، والله أعلم.

تاریخ کتابت: ۱۲۱۵ ق (کتاب اول) ۱۲۱۸ ق (کتاب دوم).

۱۲۷. مائده سماویة

از: آقازری الدین خوانساری (قرن ۱۲ ق)

نسخ، کاتب: سید محمد صادق بن زین العابدین خوانساری، ۱۲۴۱ ق، قطع جیبی.

۱۲۸. مجموعه

۱. الباب الحادی عشر

از: علامه حلی (م: ۷۲۶ ق)

۲. الخلاصة في الكلام

از: قطب الدین سبزواری

آغاز: الحمد لله رب العالمین... اعلم أنّ هذا الكتاب يشتمل على مسائل تتعلق بعلم الأصول.

انجام: واحشرنا معهم وأثبتنا ثوابهم في الدنيا والآخرة.

۳. اصول الدین

از: شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق)

التراث العربي: ۹۶/۲.

آغاز: إذا سألك سائل وقال ما الإيمان قل هو التصديق بالله وبالرسول.

انجام: فثبت إعادة الأجسام وهو المطلوب.

۴. رسالة في الايمان

از:؟

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم اگر سؤال کنند که ایمان چه عبارتست؟ قل الإيمان عبارة عن

التصديق النبي.



انجام: و خزاینه قلب المؤمن لا شک ومن شک فهو کافر.

۵. الرسالة الالفية

از: شهید اول (م: ۷۸۶ ق)

۶. ثلاثون مسألة

از: شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (م: ۴۶۰ ق)

۷. الجعفرية

از: شیخ نورالدین علی محقق کرکی (م: ۹۴۰ ق)

۸. الاثنی عشرية الصلواتية

از: شیخ بهائی (م: ۱۰۳۰ ق)

۹. الاثنی عشرية الصومية

از: شیخ بهائی (م: ۱۰۳۰ ق)

۱۰. الاثنی عشرية الحجية

از: شیخ بهائی (م: ۱۰۳۰ ق)

کاتب: محمد مراد بن محمد مهدی کشمیری، ۱۰۵۰ ق (کتاب اول)، ۱۰۵۶ ق، فی صحن
الرضا علیه السلام عند جلسة سيدنا محمد طال الله عمره، من نسخة مولانا فضيلت پناه ملا محمد رضا
الهی (کتاب سوم)، ۱۰۵۷ ق (کتاب سوم).

۱۲۹. مجموعه

۱. رساله در توحيد

از: محمد بن محمود دهدار (قرن ۱۱ ق)

آغاز: حمد و سپاس بی قیاس مر خداوندی را که در مشکاة دل انسان چراغ و لکن یسغنی
قلب عبدی المؤمن بر افروخت.

انجام: جامی که نه مرد خانقاه است و نه دیر/ نه باخبر از فقه و نه آگاه ز سیر/ هم فاتحه
هم خاتمه اش جمله به وی / فاتح بالخیر رب و اختتم بالخیر.

۲. ده قاعده

از: میرسید علی همدانی (م: ۷۸۶ ق)

آغاز: حمد و ثنای نامتناهی پروردگاری را که استحکام قواعد اسلام را... اما بعد بدان ای
عزیز که راه‌های طالبان حق به جانب بارگاه احدیت بیشتر از آن است که آن را حصر توان کرد.

انجام: وازلذت حلاوت میوه حکمت و ولایت محروم مانده. جعلنا الله وایاکم ممن بعد بطاعته وفاز بحبته إنه قریب مجیب.

نستعلیق، تاریخ کتابت: ۱۳۰۱ق، قطع جیبی.

۱۳۰. کفایة الاحکام

از: ملا محمد باقر سبزواری (م: ۱۰۹۰ق)

نسخ زیبا، تاریخ کتابت: قرن ۱۲ق نیمه اول، در حاشیه تصحیح شده است.

۱۳۱. حاشیة شرح مختصر الاصول

از: ملا میرزا [شیروانی یا باغنوی!]

ناقص الطرفین. نیمه اول تصحیح شده است، با حواشی به نستعلیق.

۱۳۲. شرح المختصر النافع

از: سید علی بن محمد علی طباطبائی (م: ۱۲۳۱ق)

کاتب: محمد بن حسن بن علی بن علی شوشتری، ۱۲۲۰ق در اصفهان.

۱۳۳. ریاض المسائل

از: سید علی بن محمد علی طباطبائی (م: ۱۲۳۱ق)

کاتب: محمد رفیع بن حاج ابراهیم ندوشنی یزدی، ۱۲۵۶ق.

۱۳۴. الدرر البهیة

از: ملا محسن بن محمد سمیع کرمانشاهی (قرن ۱۳ق)

آغاز: سبحانه من لا یزال محسناً.

نسخ زیبا، تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق.

۱۳۵. صراط النجاة

از: علامه ملا محمد باقر مجلسی (م: ۱۱۱۰ق)

کاتب: محمد هاشم بن سید علی حسینی شیرازی، ۱۲۱۹ق.

۱۳۶. مجموعه

۱. کبری در منطق

از: میر سید شریف جرجانی (م: ۸۱۶ق)

۲. صغری در منطق

از: میر سید شریف جرجانی (م: ۸۱۶ق)



۳. النافع يوم المحشر في شرح الباب الحادى عشر

از: فاضل مقداد سيورى (م: ۸۲۱ق)

۴. الالفية في فقه الصلاة اليومية

از: شهيد اول (م: ۷۸۶ق)

تاريخ كتابت: ۱۱۱۶ق و ۱۱۱۰ق، ابراهيم بن محمد، (كتاب اخير).

۱۳۷. مجموعه

۱. حاشية معالم الاصول

از: سلطان العلماء حسين بن رفيع الدين مرعشى (م: ۱۰۶۴ق)

۲. أنموذج من علم البلاغة وتوابعها

از:؟

کاتب: جعفر خوانسارى، ۱۲۲۵ق، کتاب دوم، قطع جیبی.

۱۳۸. تلخيص المفتاح

از: خطيب قزوینی (م: ۷۳۹ق)

کاتب: ميرزا عبدالحسين بن ميرزا محمد مسيح طيب، ۱۲۲۵ق.

۱۳۹. الوافية في الاصول

از: عبدالله بن حاجي محمد بشروى تونى (م: ۱۰۷۱ق)

نسخ، کاتب: محمد کاظم موسى، ۱۲۳۸ق. قطع جیبی.

۱۴۰. حاشية شرح التجريد

از: ملا عبد الرزاق لاهيجى (م: ۱۰۷۲ق)

نسخ، تاريخ كتابت: قرن ۱۳ق. قطع جیبی.

۱۴۱. شرح الاشارات والتنبيهات

از:؟

تاريخ كتابت: ۱۱۰۴ق - ۱۱۰۵ق.

۱۴۲. مطالع الانظار في شرح طوابع الانوار

از: شمس الدين محمود اصفهانى (م: ۷۴۹ق)

تاريخ كتابت: ۸۶۸ق، ناقص الأول.

۱۴۳. حاشیة الشمسية

از: سعدالدين تفتازانى (م: ۷۹۳ق)
آغاز: الحمد لله الذي بصرنا بنور الهداية.

۱۴۴. شرح العقائد النسفية

از: سعدالدين تفتازانى (م: ۷۹۳ق)
آغاز: الحمد لله المتوحد بجلال ذاته وكمال صفاته.
تاريخ كتابت: قرن ۹ يا ۱۰ق. تمه ملا احمد بن ملا على.

۱۴۵. مختلف الشيعة

از: علامه حلى (م: ۷۲۶ق)
نسخ زيبا، تاريخ كتابت: ۱۱۰۷ق. از كتاب النكاح تا كتاب القضاء، قطع نيمه رحلى.

۱۴۶. كتاب من لا يحضره الفقيه

از: شيخ صدوق (م: ۳۸۱ق)
نسخ زيبا، تاريخ كتابت: ۱۰۹۹ق. مجدول، دارى حواشى بسيار به نستعليق.

۱۴۷. الوافى

از: ملا محسن فيض كاشانى (م: ۱۰۹۱ق)
نسخ زيبا، تاريخ كتابت: قرن ۱۲ق. از كتاب الحج تا مكاسب.

۱۴۸. ذكرى الشيعة

از: شهيد اول (م: ۷۸۶ق)
نسخ خوانا، تاريخ كتابت: قرن ۱۱ق، مجلد قطور.

۱۴۹. نيل المرام في مذهب الأئمة عليهم السلام

از: عبدالرحيم بن معروف (قرن ۱۱ق)
آغاز: حمد وافر وثنای متكاثر حضرت خالق را...
انجام افتاده: باب پنجم در عاقله و تعيين محل و كيفيت تقسيط و بيان لواحق.

۱۵۰. شرح مختصر الاصول

از: قاضى عضدالدين ايجى (م: ۷۵۶ق)
آغاز: الحمد لله الذي برأ الأئام وعمهم بالإكرام والدعوة إلى دار السلام.
كاتب: حسين بن على خوئى، ۱۲۳۷ق، اصفهان.



۱۵۱. حاشیة الكشاف

از: میرسید شریف جرجانی (م: ۸۱۶ ق)
آغاز: قال جار الله العلامة أحسن الله إكرامه في دار المقامة الحمد لله الذي أنزل القرآن... دَلَّ
بلامى الجنس والملک على اختصاص الحمد به ثم وصفه بإنزال القرآن.
انجام: بل هي في أنفسها رزق. لك الحمد يا ذا الجود والعلى على تيسير تميم النسخة الشريفة.
تاریخ کتابت: ۱۰۵۱ ق، در مدرسه نواب آصف جاهی.

۱۵۲. وسائل الشيعة

از: شیخ حرّ عاملی (م: ۱۱۰۴ ق)
کاتب: حسن بن ابراهیم، ۱۲۳۶ ق. کتاب الصلاة، قطع رحلی.

۱۵۳. تفسير خلاصة المنهج

از: ملا فتح الله شریف کاشانی (م: ۹۸۸ ق)
تاریخ کتابت: قرن ۱۱ ق، خطوط مختلف.

۱۵۴. تفسير خلاصة المنهج

از: ملا فتح الله شریف کاشانی (م: ۹۸۸ ق)
کاتب: محمد تقی بن محمد علی معلّم همدانی، ۱۰۷۰ ق. جلد اول.

۱۵۵. تعليق على حاشية السيد السند على المطول

از:؟

آغاز: الحمد لله فاتح الوجود، وأستعين به مبدأ كل شاهد ومشهود.

۱۵۶. ریحانة الناظرین

از: عبد الجواد بن عبد الرحیم باغبانادارانی اصفهانی (قرن ۱۳ ق)
نسخه اصل، قطع جیبی.

۱۵۷. مجموعه

۱. مفاتيح الشرائع

از: ملا محسن فیض کاشانی (م: ۱۰۹۱ ق)
بخش مفاتيح الأكل والشرب است.

۲. شرح منهاج الهداية

از:؟



آغاز: القول في الجمالة. قوله: الجمالة ثابتة بالنص والإجماع جائزة من الطرفين... أقول:
الجمالة مثلثة الجيم عقد دال على الإذن.

۳. صیغ العقود

از: علامه ملا محمد باقر مجلسی (م: ۱۱۱۰ق)

آغاز: الحمد لله الذي أحلّ النكاح وندب إليه.

۴. شرح مفاتيح الشرائع

از: محمد هادی بن مرتضی کاشانی (قرن ۱۲ق)

آغاز: بسم الله... قال المصنّف ره مفاتيح النذور والعهد... أقول: قد اتفقت كلمة الأختيار
واستفاضت الآيات والأخبار على مشروعية النذر.

کاتب: محمد بن عبدالله موسوی شاهاندشتی لاریجانی، ۱۲۱۵ق، مدرسه میرزا حسین
اصفهان. قطع رحلی.^۱

۱۵۸. صحاح اللغة

از: اسماعیل بن حماد جوهری (م: ۳۹۳ق)

از باب الهمزة تا باب الجیم ماده العوج.

نسخ زیبا، تاریخ کتابت: قرن ۱۲ق، قطع رحلی.

۱۵۹. قواعد الاحکام

از: علامه حلی (م: ۷۲۶ق)

از کتاب النکاح تا پایان کتاب.

تاریخ کتابت: قرن ۱۱ق، در حاشیه تصحیح شده و بلاغ علامه مجلسی در آن دیده می شود.

۱۶۰. لطائف الطوائف

از: عبد الجواد بن عبد الرحیم باغباندارانی اصفهانی (قرن ۱۳ق)

نسخه اصل، قطع جیبی.

۱. در آغاز کتاب تفصیل سیاهه کتب کاتب (که از علمای اصفهان و جدّ آیه الله شهید سید ابوالحسن شمس آبادی است) ذکر شده و تصریح نموده که این کتب به خط او است: نان و حلوا، شرح آقا هادی بر مفاتیح دو جلد، معالم الأصول، شرح دروس، حاشیه ملا محمد صالح بر معالم، حاشیه ملا میرزا بر معالم، بیاض زیارت دوره، علم نجوم، مرثیه محتشم.

۱۶۱. موازين القسط

از: محمد حسین بن آقا محمد علی نجفی هزارجریبی (قرن ۱۳ ق)

آغاز: الحمد لله ملهم الحقايق ومعلم الدقايق والمنعم المفضل على كل راقد ورامق... وبعد فهذه عنوانات زاهرات باهرات صدرت بها هذا الكتاب، وكلمات تامات شارقات بارقات باقيات صالحات رسمتها ورقمتها قبل المباحث والأبواب... فاعلم أنّ لهذا الكتاب عنوانات ثلاثة: الحان قدوسية جبروتية، وألوان طواويسية ملكوتية، وتقديسات كروية لاهوتية. أما الألحان القدوسية الجبروتية فهي في تعداد ما كشف لي من الحقايق والمطالب التي نختمها بعد ما كشف لي في ردّ تفاصيل مذاهب الفلاسفة والحكماء والصوفية والشعراء والشيخية... ثمّ ردّ كلمة واحدة من كلماتهم الجامعة في وحدة الوجود، وهو قولهم: بسيط الحقيقة كلّ الأشياء، بكلام واف من الشيخ أحمد، ردّا منهم عليهم بكلام قرنائهم وإن كان من خصمائهم وأحسن منهم، ويستطرد فيه عدّ مؤلفاتي وذكر مؤلفات والدي العلامة أعلى الله مقامه.

وأما الألوان الطواويسية الملكوتية فهي في بيان زلات وقعت في بيان جواهر الكلام وكلام العلامة المجلسي ره من شرح أربعينه في مبحث الكر... وأما العنوان الثالث... ففي بيان حقيقة نبذ من الآيات والأخبار التي تأولوها الحكماء والصوفية في إثبات قولهم بوحدة الوجود.^۱
تاريخ کتابت: ۱۲۷۷ ق، نسخه اصل، قطع جیبی.

۱۶۲. سند الموحّد وحجة السالك

از: محمد بن عبدالله زنجانی

آغاز: زیباترین کلامی که مشائیان مسلک توحید را به کشف دقایق و اشراق حقایق در افتتاح معانی و بدایع نکته دانی شیرین بیان سازد، حمد واجب متکلمی است جلّ شأنه... این مختصری است در اصول دین... اقلّ الطلاب والمشتغلین محمد بن عبدالله زنجانی تألیف نموده.
نستعلیق، تاریخ کتابت: قرن ۱۳ ق.

۱۶۳. فوائد الشرائع

از: شیخ نورالدین علی محقق کرکی (م: ۹۴۰ ق)

۱. مؤلف در اوایل کتاب سائر آثار خود را بدين شرح نام برده است: روح العبادة در اسرار الصلاة، سدرة المنتهى في تفسير سورة الإخلاص، رساله ماء الذهب و خلاصة المذهب در مسائل مياه وغيرها، رساله البوارق در عدم جواز تدخّل اسباب و ردّ فاضل نراقی در عوائد.



تاریخ کتابت: قرن ۱۲ق، با تملک حجت الاسلام سید محمد باقر شفتی، قطع جیبی.

۱۶۴. انوار التنزیل

از: قاضی ناصرالدین بیضاوی (م: ۶۸۵ق)

جلد اول کتاب است.

تاریخ کتابت: ۱۱۰۶ق، ثلث اول کتاب دارای حواشی فراوان است.

۱۶۵. انوار التنزیل

از: قاضی ناصرالدین بیضاوی (م: ۶۸۵ق)

جلد اول کتاب است. انجام افتاده: قالاً ربنا ظلمنا أنفسنا ضررنا.

تاریخ کتابت: قرن ۹ یا ۱۰ق.

۱۶۶. حاشیة أنوار التنزیل

از:

آغاز افتاده: ... والقرآن في اللغة مصدر بمعنى الجمع.

انجام: کشف عنها غطاءه بقوله وتنزله أى حطّ هذا الكلام من درجته التي هو فيها إلى

مرتبتة الأولى ...

تاریخ کتابت: قرن ۱۰ق.

۱۶۷. ریاض المسائل

از: سید علی بن محمد علی طباطبائی (م: ۱۲۳۱ق)

تاریخ کتابت: ۱۲۵۲ق. از موارث تا پایان دیات.

۱۶۸. حاشیة الشمسیة

از: عصام الدین اسفراینی (م: ۹۴۴ق)

آغاز: خیر منطوق یعصم عن الخطأ سهام الدعاء ویتنظم في صدر کلّ كلام بطلت له حسن الانتهاء.

تاریخ کتابت: قرن ۱۰ق.

۱۶۹. کشف الظلام عن وجوه شرائع الاسلام

از: شیخ محسن بن حاج مرتضی اعسم نجفی (م: ۱۲۳۸ق)

بخش هایی از جلد چهارم در طهارت تراویه و جلد ششم در افعال صلاة است.

۱۷۰. سجاوندی قرآن کریم

از:



آغاز افتاده: الظلمات إلى النور مدنی الأول وعدد كلماتها ستة ألف كلمة ومائة واحدی وعشرون كلمة.

انجام: جملة القرآن على عدّ أهل البصرة وهو قول عالم الجحدري.

نسخ زیبا، تاریخ کتابت: قرن ۱۰ق.

۱۷۱. الصافی فی شرح الکافی

از: ملا خلیل قزوینی (م: ۱۰۸۹ق)

نستعلیق زیبا، تاریخ کتابت: قرن ۱۱ق، از کتاب طلاق تا اطعمه و اشربه.

۱۷۲. حاشیة وافیة الاصول

از: ؟

آغاز: الباب الرابع في الأدلة العقلية المعروف بين أهل الأصول.

تاریخ کتابت: قرن ۱۳ق. عناوین نانوشتہ، قطع رحلی.

۱۷۳. مسالک الافہام

از: شهید ثانی (م: ۹۶۵ق)

کتاب النکاح. آغاز افتاده: إلى المجاز أمکن حمله هنا على حقیقته ومجازه.

تاریخ کتابت: قرن ۱۲ق.

۱۷۴. حاشیة شرح التصریف

از: سراج الدین محمد بن عمر حلبی (م: ۸۵۰ق)

کشف الظنون: ۱۱۴۰/۲.

آغاز: نحمد الله على أن وقفنا صرف المهمة نحو المعاني والبيان.

تاریخ کتابت: قرن ۱۱ق. وقف بهرام بیگ.

۱۷۵-۱۷۷. البواقیت الحائریة فی مدح آل خیر البریة

از: عبدالجواد بن عبدالرحیم باغبابادارانی اصفهانی (قرن ۱۳ق)

جلد اول و دوم و سوم، نسخه اصل به خط مؤلف.

۱۷۸. وجیزة فی شجرة مبارکه

از: عبدالجواد بن عبدالرحیم باغبابادارانی اصفهانی (قرن ۱۳ق)

نسخه اصل، قطع جیبی.

۱۷۹. مجمع القصص

از: سید محمد باقر طباطبائی جندقی

فارسی در موعظه و مجالس منبری.

به خط نستعلیق زیبا، بایادداشت تملک محمد باقر در ۱۳۰۹ق.

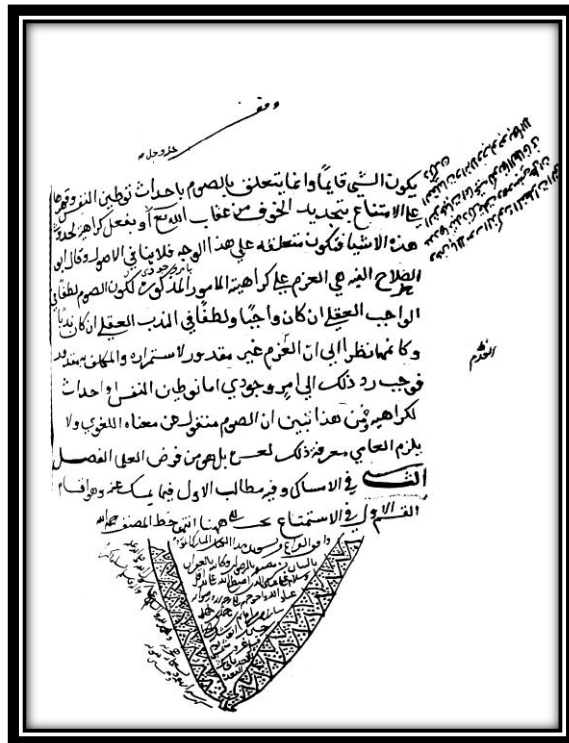
۱۸۰. رساله عملیه

از: میر سید حسن مدرّس (م: ۱۲۷۳ق)

در مسائل روزه و زکات و صیغ عقود و ایقاعات و نماز مسافر.

تاریخ کتابت: ۱۲۷۰ق. در حاشیه تصحیح شده است. با تأیید و مهر مؤلف در چند مورد،

قطع جیبی.



انجام نسخه‌ال بیان شهید اول مورّخ ۹۵۴ق

رسالة الجهاد في شرح المحقق
صحة معتقدات الامام الزبير السجستاني
اهم من الامام رضا

بسم الله الرحمن الرحيم والاعتماد على الله
 سبحانه كما عهدنا كثر عبادا ذكرا وذكرا بالقول المعصومين ولا يعرفون بحرف
 نرفقنا بالشرع الجهد. يا اولاد جنتي فوظفوا من يدركنا والهادوا واولاد
 منج يا سيدك من يعرف مناه السعاد تزيلا وتزكيا من يدركنا فاعلموا
 سبلها ولا اعلمكم رفض الغيرة فغير علمها وهذا لا يدركنا فاعلموا
 لهم من الذين سبوا الجاهل واليه وظلالنا والآة والطين وحطت به علم
 من لا يريدون به على صفة الصدوق واليقين إلا ان العسر يأتنا
 بالسوء فغير بهم. يترددون على جهنم يتشددون في توتون على
 شرف شوق ولكن الذين غير الجاهل لا يفي نظوي من هتدي يفي
 واقفكي با حله وويل لمن استنك عن ناصر علمه بل ذلك الجاهل على
 الهداية وكال الضالفة فان الهدى من تشا وتضل من تشا وتؤمن باليقين
 على انفسنا فاننا انما العتبات الموت وحدنا على علمنا والهدى والتقى
 او متصل
 اهل بيت

سبح محضره وشكره بلغة من الحجج النبوية صلوات الله عليه وشكرها بشهد
 سيني ومن لا ذمنا الايمان الاطهار ابو الحسن علي بن موسى الرضا
 عليه وعلى آله واولاده العصوة من افضل الصلوة واللام حاملا
 ومصليا ومسلما وقد عرف من تاليف هذا شرح مخاريم المحمدين
 من مجادي الثاقب ليد تحمين وتسميهم من الجاهل واليه علمها
 الصلوة واليقين وانا العبد الراجي حجة ربه العتيق لها هراين رضي
 الدين الحسيني ختم الله له بالخسوك جاملا الله مصليا مسلما على
 محمد واهل الطاهرين مستقياه الجيدة في شرح الجعفرية قدس في
 من تحريه هذا الكتاب في يوم السن كسبح عن شرحه في بيان العظم
 كسنة ثلاث خمسين وتسعين من الحجج النبوية
 وصلى الله عليه وآله وسلم في يوم الجمعة والهدى
 اجمعين الطيبين الظاهرين زينهم
 بالرحمة الرحمن الرحيم
 لا اكرمهم من اللام

آغاز و انجاء الحيدرية في شرح الجعفرية شاه طاهر حسيني



در تحقیق و تحقیق احوال و آثار و فضائل ایشان نشان غایت سعی
 و اهتمام بجای آورد و حاصل آنجا دادند انوی تجویزین اصغر و محمد
 الحوی که در حق بنیامین علی بن ابی طالب و ابی طالب علی بن ابی طالب
 الله تعالی بخیر منزه الفضلین که کاتب بیت عثمان بر در این امر است
 انما اقر عثرو بر یهون بطلان امامت غیر ایشان و منجم القیامه
 و فخرتست محموی بر بسیاری از اخبار و آثار و معجزات و کرامات
 ائمه معصومین علیهم صلوات الله المملک المبین و اعلی ان زمان
 ایشان استغفار یافت تا هر کسی که مطالعه نماید شناخت آن در وقت
 رفیع الایضات حاصل کرده بجانب ایشان گردید و از عتق ان ایشان
 بیز کشته بخیر کان اقبال کوی سعادت بر باید و چون سفر القیامه
 خالی از بسطی نبود و انتیخ آن بر بعضی از اهل ایمان بسبب غایب
 و معاصر روزگار مستغیر را مستغیره بود و خواست که کم کیفیت بخیر
 محضی تا لطف نایب که جمال حال چهارده معصوم آن اهل ایمان
 معلوم گردد بر هر مان شروع نمود و انهم انی بین من من سلخصت
 بر منزه و جلوه باب و طاقه متذکره در ذکر و تجلی از احاطت

انحر عقلی استم گفت
 کمال نپس منی من است
 تمت سدا کتاب جمونا الکا کوماب
 و بنصف بر عبان لعظرس متع
 معالف من الجرمین بل اعز جلیه
 العی بعد الخیر من لای علی العی
 عفر قدردونها بجای احمد
 والاک صی حسنا
 ۱۰۰
 ۹۰
 ۸۰
 ۷۰
 ۶۰
 ۵۰
 ۴۰
 ۳۰
 ۲۰
 ۱۰
 ۰

انیس المؤمنین در فضائل ائمه معصومین فاضل الدین حموی



مؤلفه ای که در کتاب مذکور است در مورد علمای اهل بیت علیهم السلام است و در آنجا آمده است که این علمای اهل بیت علیهم السلام در علوم دینی و فقهی و فلسفی و کلامی و ادبی و تاریخی و جغرافیایی و نجومی و طب و صنایع و معادن و سایر علوم و فنون که در آن زمان در دسترس بودند، کاملاً آشنایان و متخصصان بودند. و در این کتاب نیز به تفصیل در مورد این علمای اهل بیت علیهم السلام در این زمینه ها بحث شده است.

و در این کتاب نیز به تفصیل در مورد این علمای اهل بیت علیهم السلام در این زمینه ها بحث شده است. و در این کتاب نیز به تفصیل در مورد این علمای اهل بیت علیهم السلام در این زمینه ها بحث شده است. و در این کتاب نیز به تفصیل در مورد این علمای اهل بیت علیهم السلام در این زمینه ها بحث شده است.

آغاز و انجام براهین النظر فی فضل محمد و الائمة الاثنی عشر علی البشر، سیدهاشم بجرانی

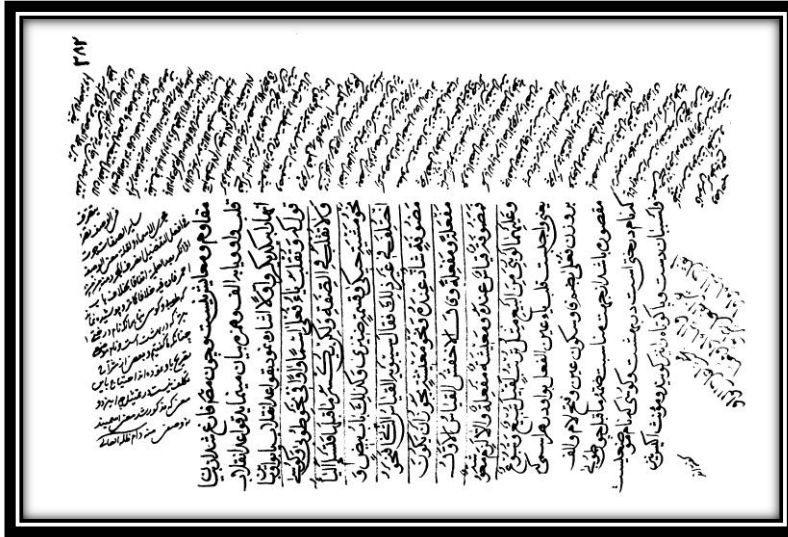




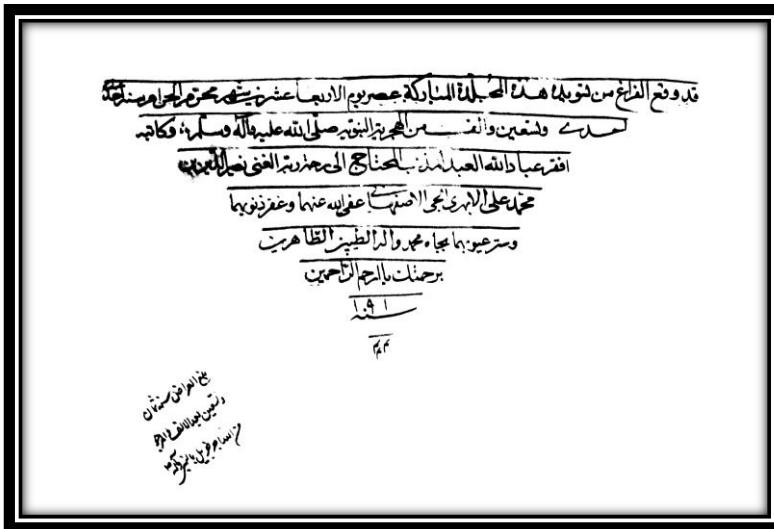
نسب نامه سید محمد جعفر خلیفه سلطانی



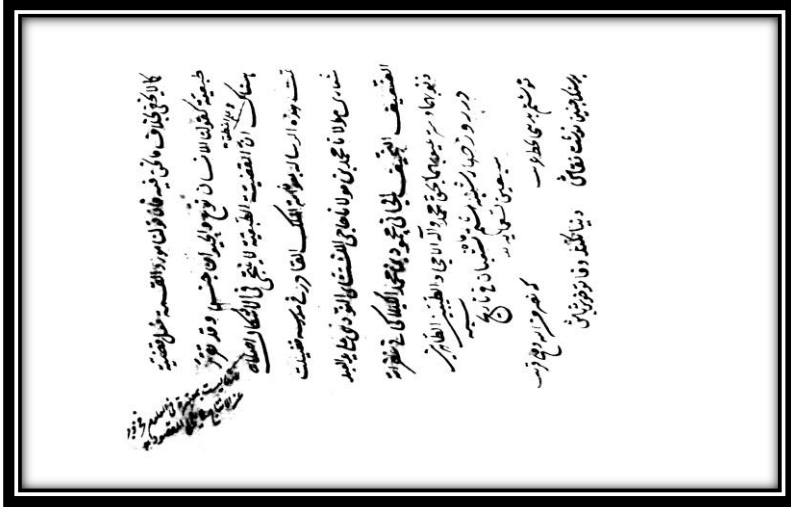
وقف نامه اصول کافی از ملا پروانه عباسی صفوی در ۱۰۵۳ق



برگی از شرح شافیه آقاها دی مترجم، نسخه عصر مؤلف



انجام منهج الصادقین ملا فتح الله کاشانی به خط نصیرالدین ابهری جی اصفهانی در ۱۰۹۱ق با نشانی بلاغ عرض در ۱۰۹۸ق



انجام حاشیه شرح تصریف، مولانا محمد معلم، نسخه مورخ ۹۷۰ق در مدرسه مولانا محمد نودهی



سراج القاری، ابن قاصح، نسخه از قرن ۹ و ۱۰ق



یا مخلص الابرار

هذه الرسالة الفخية لمولانا الشيخ محمد باقر

هيات كمدود و نوات احمد و فتح الابواب بسبب آية بيده راني نزد دروازه
 كونيست غنيت از تقويتنا و انت از ابواب قلوب عب و برسيره در باب اول
 و فرستى بت سري باطل اين را ياد بيايد و بصورت سبب بايست برات بخند
 و هم همان ناهى صورت را از اجزات و نكته صورت و چنانچه صحت بديهي
 تا رخ جو عين ازان صورت و عمل ن خطوط و جيوه و ازان بيات حالت ازان
 نمودا كرد و بچون ملاك و نسي اخلاق جيوه او و صفيه سويه ازان طاهر نمود
 بر صفت تا بزيه زوي قوت تربيتي نكي كلاه و برون اعل باطن آية ايت
 روح را در او با حقيقت نهاده از چه ميگويي كدامي كرد و مبروفت برده و نكته
 و تفرع كذا از نفع مصلحت تقويت ازان كذا روي درو در نيم و مصلحت مصلحت

آغاز رساله فتحيه مولانا ادهم واعظ خلخالى

آدمي هرگز آن نظر صراحتي ننهاد تا سنا و اذاع
 القسطن في كتاب الكفر و نظر بطرفي افسوس كل امرئ
 فتنه به و بجهل و كذا القدر انا و هو و قوت القدر انا و هو
 و انا انظر في جنب الملاك القادر القوي بالقدرة علي
 القادي و انظر في الما انا مملك علامه علي و انا انظر
 انظر في القادر ليجانته و دعوى اذن و جهل الكافر
 عوف و عصبه بعد انا انا هلك و بعد انا الله و عني
 آيين ربي القادر و قولي حقه و جنب القدر القادر
 ان امره و قولي العجز تا استحسنه لي و بجز بجز
 انظر في القادر القادر القادر القادر القادر القادر
 فلها لك و اذوت في هذا الكتاب تا يصلح و اذاع
 و انا انظر في القادر و هو هذا القادر
 قال **بصم** في وصف القادر و اذاع
 بصر طلع البوت انا من كذا كذا كذا كذا
 و كذا كذا كذا كذا كذا كذا كذا كذا

بسمه

قصيده هائيه شيخ كاظم ازري



دوامة بالدوام الیوم القیام قد خلصت فیها
 خلاصة الدلائل واشرب الی زورن المسائل غیر
 تطریحاً ولا یجالیحاً وسمتها مناجاة الکرامة
 بمعرفه الامامة ولله الوفاء والید الرحمة
 والماب وربتها علی صولہ المفضی الی الامامة
 ففعل المناجیة فی هذه المسئلة ذهبت الی الامامة
 الی الله تعالی عدل حکیم لا یفعل فیما ولا یحکم
 بواجب وینها الله نعمه لیس فی حجه وکعبه وانه
 لا یفعل الاقام ولا العتق ولا یفعل حجه وکعبه وانه
 یفعل بهم ما هو الاصل لهم ولا یفعل وانه تعالی کلهم
 یفعل بهم ما هو الاصل لهم ولا یفعل وانه تعالی کلهم

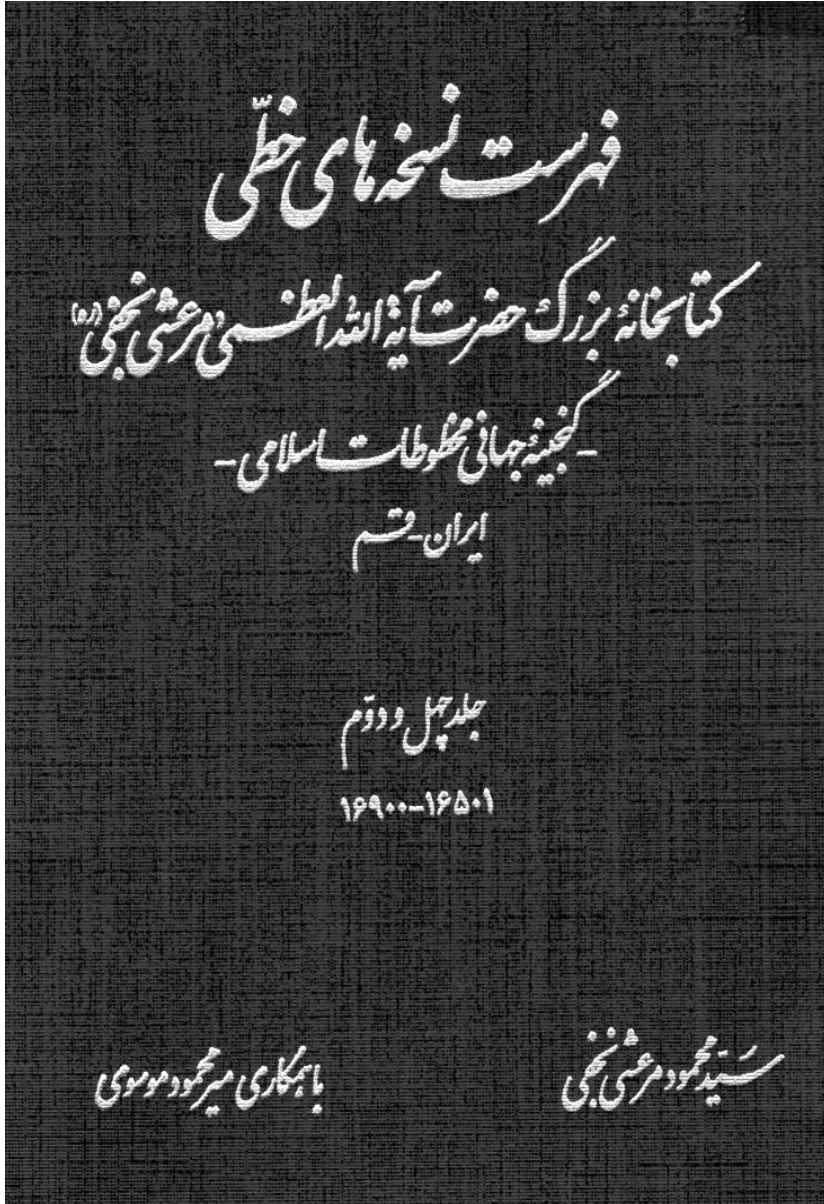
منهاج الکرامة فی معرفة الامامة علامه حلی، نسخه از قرن ۱۰ ق

هذا العزیم الحکمة من الله تعالی الیوم القیام قد خلصت فیها
 خلاصة الدلائل واشرب الی زورن المسائل غیر
 تطریحاً ولا یجالیحاً وسمتها مناجاة الکرامة
 بمعرفه الامامة ولله الوفاء والید الرحمة
 والماب وربتها علی صولہ المفضی الی الامامة
 ففعل المناجیة فی هذه المسئلة ذهبت الی الامامة
 الی الله تعالی عدل حکیم لا یفعل فیما ولا یحکم
 بواجب وینها الله نعمه لیس فی حجه وکعبه وانه
 لا یفعل الاقام ولا العتق ولا یفعل حجه وکعبه وانه
 یفعل بهم ما هو الاصل لهم ولا یفعل وانه تعالی کلهم
 یفعل بهم ما هو الاصل لهم ولا یفعل وانه تعالی کلهم

آغاز شرح الحکمة العرشية شیخ احمد احسائی



کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی منتشر کرده است



ابن العودی و کتاب بغیة المرید*

محمد کاظم رحمتی

مقدمه

سنت شرح حال نگاری و ویژگی های ادبی آن از مسائلی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته. با این حال بررسی ادبیات تراجم نگاری، خاصه تک نگاری ها، برخی خصوصیات خاص حاکم بر این شکل ادبی را نشان می دهد. در سنت تک نگاری شیعی، آثار اندکی تألیف شده و سنت مذکور تقریباً در میان شیعیان متأخر است.^۱ از میان چند اثر تألیف شده در سنت تک نگاری شیعه، کتاب بغیة المرید من / فی الكشف عن احوال الشیخ زین الدین الشهید

* دوست عزیزم، دون استوارت، یادداشت های خود درباره شرح حال نگاری شهید ثانی را در اختیارم قرار داد که در نوشتار حاضر از آن بهره برده ام. جای آن دارد تا به رسم ادب ضمن اشاره به این مطلب، سپاس خود را از ایشان بیان کنم.

۱. از معدود آثار تک نگاری نوشته شده در سنت تراجم نگاری شیعه در قرن دوازدهم، می توان به کتابی در شرح حال شیخ بهایی نوشته ملا مظفرالدین علی بن حسین بن حیدر بن حسین کرکی اشاره کرد که به فارسی بوده و افندی، منتخباتی از آن را در ضمن ریاض العلماء به عربی ترجمه کرده است. پس از آن می توان به السلافة البهية فی الترجمة المیثمیه شیخ یوسف بحرانی اشاره کرد که متن اثر اخیر را در ضمن کشف کول خود آورده است. مفصل ترین تراجم نگاری خاندانی در سنت شیعه، کتاب بغیة الراغبین فی سلسله آل شرف الدین تألیف سید عبدالحسین شرف الدین است. برای بحثی درباره سنت شرح حال نویسی در فرهنگ اسلامی با تکیه بر اهل سنت بنگرید به:

Dwight F Reynolds, ed., *Interpreting the Self: Autobiography in the Arabic Literary Tradition*. (Berkeley: University of California Press, 2001).

نوشته بهاء الدین محمد بن علی بن حسن عودی جزینی، اهمیت خاصی دارد. متن مذکور به صورت کامل به دست ما نرسیده و حتی دقیقاً دانسته نیست آیا ابن عودی موفق به اتمام آن شده یا خیر. آن چه که از متن این کتاب در اختیار ما قرار دارد، نقل قول‌هایی است که علی بن محمد بن حسن بن زین الدین عاملی جبعی مشهور به شیخ علی کبیر (متوفی ۱۱۰۳ق) در ضمن کتاب *الدرر المشرور من المأثور و غیر المأثور* خود از آن آورده است. شیخ علی کبیر ضمن نقل بخش‌هایی در دست از کتاب ابن عودی، مطالب دیگری که خود در اختیار داشته را در ضمن آن نقل کرده است.^۱

۱. در خصوص متن *بعیة المرید*، به دلیل همین ناقص بودن، چند خطابه به متن راه یافته است که شایسته است تا به آن‌ها اشاره‌ای داشته باشیم. در هنگام مطالعه متن *بعیة* به چند نکته برخوردیم. این نکات چنین است: در جایی از شرح حال خود نوشت به قلم شهید در ضمن *بعیة*، شهید درباره سفرش به مصر نوشته است: «ورحلت إلى مصرفی أول سنة ۹۴۲ لتحصیل ما أمکن من العلوم واجتمعت فی تلك السفرة بمجاعة کثیرة من الافاضل، فأول اجتماعی بالشیخ شمس الدین ابن طولون دمشقی الحنفی وقرأت علیه جملة من الصحیحین وأجازنی روایتها مع ما يجوز له روايته فی شهر ربيع الاول من السنة المذكورة.»

در ادامه ابن مطلب ابن عودی متذکر شده است که: «قلت: وكانت قراءته علیه فی الصالحية بالمدرسة السليمية وکت أنا اذ ذاک فی خدمته...». در این جا چند اشتباه رخ داده است. نخست آن که ابن طولون فقیه و عالم مشهور حنفی در دمشق سکونت داشته است و شهید برای رفتن به مصر نخست به دمشق سفر کرده و از آن جا به مصر رفته است. بنابراین عبارت باید این چنین اصلاح شود: «ورحلت الی دمشق وکت ارید مصر...». مطلب دیگر درباره مدرسه سلیمیه است. کنجکاوای درباره مدرسه‌ای که ابن طولون در آن جا به تدریس مشغول بوده، مرابه یافتن اطلاعاتی در خصوص آن واداشت. به نحو طبیعی به سراغ کتاب *المدارس فی تاریخ المدارس* عبدالقادر نعیمی (متوفی ۹۲۷ق) رقتم که اطلاعات بسیار مهمی درباره مدارس دمشق در برهه مورد بحث دارد. با کمال تعجب دیدم که چنین مدرسه‌ای وجود ندارد. از سوی دیگر ابن طولون دمشقی در شرح حال مشهور خود *الفلك المشحون فی احوال محمد بن طولون* درباره تدریس خود گفته که مدتی به جای عمویش در مدرسه عمریه که در بخش صالحیه قرار داشته، به تدریس مشغول بوده است (بنگرید به: شمس الدین محمد بن علی بن طولون صالحی، *الفلك المشحون فی احوال محمد بن طولون*، تحقیق محمد خیر رمضان یوسف (بیروت، ۱۴۱۶/۱۹۹۶)، ص ۶۷).

از سوی دیگر ابن طولون در کتاب *القلائد الجوهريّة فی تاریخ الصالحية* اشاره کرده که سلطان سلیم عثمانی (متوفی ۹۲۶ق) پس از فتح مصر در راه بازگشت و در سال ۹۲۳ در بخش صالحیه دمشق دستوره ساخت جامعی داد که به جامع سلیمیه شهرت یافت و امامت آن جا در ایامی که شهید ثانی به دمشق رفته، در اختیار ابن طولون بوده است (محمد بن طولون، *القلائد الجوهريّة فی تاریخ الصالحية*، تحقیق محمد احمد دهبان (دمشق، ۱۴۰۱/۱۹۸۰)، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۸). بنابراین عبارت ابن عودی را می‌توان چنین اصلاح کرد: «...وكانت



زین الدین بن علی عاملی در ۱۳ شوال ۹۱۱/۹ مارس ۱۵۰۶ در روستای جُبع در نزدیکی شهر ساحلی صیدا (صیدون) دیده به جهان گشود و نخست نزد پدرش علی بن احمد (متوفی ۹۲۵ق/۱۵۱۹م) در جبع تحصیل نمود و سپس برای ادامه تحصیل به روستای مَیس رفت و نزد شوهرخاله خود علی بن عبدالعالی میسی (متوفی ۹۳۸ق/۱۵۳۱-۱۵۳۲م) به ادامه تحصیلات خود پرداخت و ظاهراً در همین ایام با دخترخاله خود نیز ازدواج کرد. زین الدین پیش از ۹۳۶ق به روستای کرک نوح رفت و در آن جا نزد سیدحسن بن جعفر کرکی (متوفی ۹۳۶ق/۱۵۳۰م) برخی متون را خواند که خود در اجازه بلندش به حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی به نام برخی از آثاری که نزد کرکی خوانده، اشاره کرده است.^۱ وی پس از آن دو بار، یعنی در ۹۳۷-۹۳۸ق/۱۵۳۰-۱۵۳۱م و ۹۴۲ق/۱۵۳۵م، به دمشق سفر کرد و نزد برخی از عالمان آن جا هم چون ابن طولون دمشقی به تحصیل پرداخت و اجازه روایت برخی از آثار را از وی اخذ نمود.^۲

زین الدین در ۹۴۲-۹۴۳ق/۱۵۳۵-۱۵۳۷م به قاهره سفر کرد و یک چندی در آن جا و نزد برجسته ترین عالمان سنی عصر خود به تحصیل پرداخت. ایشان پس از انجام حج در ۹۴۴ق/۱۵۳۷م به جبع بازگشت و پس از تعمیر خانه خود، در کنار آن مسجدی بنا کرد و در آن جا به تدریس فقه شیعه پرداخت. او در ۹۵۲ق/۱۵۴۵م به استانبول سفر کرد و توانست از مقامات دربار سلطان سلیمان قانونی (۹۲۶-۹۷۴ق/۱۵۲۰-۱۵۶۶م) اجازه تدریس در

لله قراءة عليه في الصالحية بالمدرسة العمرية وهو كان امام جامع السلمية وكتبت انا اذ ذاك في خدمته...». آن چه که این گمان را تقویت می کند، سوای نبود مدرسه ای به نام سلیمیه در دمشق در آن زمان، عبارتی است از ابن عماد حنبلی (متوفی ۱۰۸۹ق) در کتاب *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب* (ج ۸، ص ۲۹۸) که در شرح حال ابن طولون (متوفی ۹۵۳ق) نوشته است: «...وكان ماهراً في النحو، علامة في الفقه، مشهوراً بالحديث وولّي تدریس الحنفية بمدرسة شيخ الاسلام أبي عمرو امامة السلمية بالصالحية...».

۱. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۲. شیخ حسن صاحب معالم، بخش هایی از اجازه ابن طولون را به نقل از یکی از مجموعه های شهید ثانی در ضمن اجازه کبیره خود نقل کرده است. بنگرید به: مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۶، ص ۷۴-۷۸. درباره مجموعه های شهید ثانی اطلاع روشنی در دست نیست؛ اما یکی از مجموعه های وی در اختیار مجلسی بوده است (بنگرید به: *بحار الانوار*، ج ۷۲، ص ۳۶۶ «ووجدت في كراس بخط الشهيد الثاني...»).

مدرسه نوریه شهر بعلبک را به دست آورد.^۱ شهر بعلبک در آن هنگام از نظر جمعیتی، از مراکز مهم حنبلیان و شافعیان بود. گزارشی از حضور شیعیان در آن شهر در دست نیست.^۲

زین الدین حدود دو سال در شهر بعلبک به همراه شاگردانش هم چون حسین بن عبدالصمد حارثی، حسین بن مسلم بن حسین بن محمد (ابن شعیر عاملی)،^۳ سلمان بن محمد بن محمد جباعی^۴ و ملا محمود بن محمد بن علی بن حمزه لاهیجانی به تدریس فقه شافعی در عیان و فقه شیعه در خفا مشغول بود.^۵ زین الدین بدون اشاره به علت خاصی، سمت تدریس در مدرسه نوریه را در اواخر سال ۹۵۴ق / فوریه ۱۵۴۸ رها کرد و به زادگاهش جبع بازگشت.^۶

۱. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۰-۱۷۸ که گزارش سفر خود به استانبول را آورده است.

۲. حسن نصرالله در جلد دوم کتاب تاریخ بعلبک (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م) اطلاعات جامعی درباره رجال بعلبک گردآوری کرده و بر اساس آن می توان گفت که مذهب حنبلی در قرن ششم و پس از اقامت عبدالله بن عبدالعزیز بن جعفر یونینی (متوفی ۶۱۷ق) در آن جا رواج یافته است. یونینی هر چند به صراحت بیان نمی کرده، اما خود را از اعیان امام صادق علیه السلام می دانسته است (فرزند او قطب الدین یونینی، سلسله نسب خود تا امام صادق علیه السلام را به نقل دست خطی که در اختیار برادرش بوده، نقل کرده است. ذیل مرآة الزمان، ج ۲، ص ۵۶-۵۷). میان حنابله شهر و شافعیان، خاصه بر سر تصدی موقوفات مدارس، منازعات وجود داشته؛ به ویژه مدرسه نوریه که شافعیان از حضور حنابله در آن جا جلوگیری می کردند و تا مدت ها وقف نامه را که در آن به تدریس مذاهب چهارگانه اهل سنت در آن جا تصریح شده بود پنهان کرده و مدعی بودند که در وقف نامه مدرسه تنها اجازه تدریس فقه شافعی داده شده است (حسن نصرالله، تاریخ بعلبک، ج ۲، ص ۶۹۶-۶۹۹).

۳. آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: اعیان الدائر من القرن العاشر، ص ۶۷.

۴. طبقات اعلام الشیعة: اعیان الدائر من القرن العاشر، ص ۹۷.

۵. سید نعمت الله جزائری (متوفی ۱۱۱۲ق) در کتاب شرح غوالی اللالی خود آورده که یکی از اولاد شهید ثانی (به احتمال قوی شیخ علی کبیر منظور است) به او گفته است که شهید ثانی در ایامی که در بعلبک به تدریس مشغول بوده، روزها فقه شافعی و شب ها فقه شیعه را تدریس می کرده است. بنگرید به: یوسف بن احمد بحرانی،

الکشکول، ج ۲، ص ۱۰۹.

۶. زین الدین ظاهراً در بعلبک با مشکلی روبه رو نبوده؛ چرا که در شرح حال خود نوشت خویش در اشاره به ترک تدریس در مدرسه نوریه نوشته است که تصمیم گرفت آن جا را ترک کند و علت آن را پیروی از دستور خداوند و عهدی سخن گفته که وی در مشاهد شریفه (مراد مشاهد ائمه علیهم السلام در عراق است) و مشهد شیت علیه السلام در موصل با خدا بسته و از زمان ترک بعلبک در ۹۵۴ تا ۹۵۵ در جبع اقامت داشته و مشکلی برای او رخ نداده است. ابن عودی نیز در تکمله ای ایام اقامت در بعلبک را یکی از بهترین ایام حیات خود ذکر کرده و از معاشرت بسیار خوب با مردم آن جا سخن گفته است. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۸۲.



در سال ۹۵۶ق/ ۱۵۴۹م زین الدین به دلیل برخی دشواری‌ها مجبور به زندگی پنهانی شد، هرچند در خصوص مشکلات رخ داده برای او، اطلاع روشنی نیامده است. سال‌ها بعد یعنی حدود ۹۶۴ق/ ۱۵۵۷م در دمشق دستگیر شد و به نزد قاضی القضاة شهر حسن بیگ افندی برده شد که همو دستور دستگیری زین الدین را پس از سعایت گروهی از وی داده بود. به حسن بیگ افندی گفته شده بود که زین الدین از عالمان برجسته شیعه است. با این حال زین الدین توانست خویشتن را با تقیه از خطر مذکور برهاند. او خود را عالمی شافعی معرفی کرد و با در دست داشتن شواهدی در تأیید گفته و ادعای خود، توانست از مهلکه بگریزد.

پس از آزادی شهید ثانی، سعایت‌کنندگان به حسن بیگ افندی اطلاع دادند که وی بر اساس آن چه که در مذهبشان هست، تقیه کرده و او در واقع عالم برجسته‌ای از شیعیان است. حسن بیگ دستور دستگیری مجدد شهید ثانی را داد؛ اما شهید شهر دمشق را ترک کرده بود.

زین الدین به همراه کاروان‌های حج که دمشق را در ماه شوال ۹۶۴/ ۱۵۵۷م ترک می‌کردند، دمشق را به سمت مکه ترک کرده بود. او مناسک حج را در ذی‌الحجّه ۹۶۴/ اکتبر ۱۵۵۷ به جا آورده و در همان هنگام در مکه به عالمی امامی به نام تاج الدین علی جزائری در ۱۴ ذی‌الحجّه ۹۶۴/ ۸ اکتبر ۱۵۵۷ اجازه‌ای داده بود. زین الدین در ضمن اجازه، اشاره کرده بود که در ایام مذکور، به تألیف کتاب *مسالک الأفهام* مشغول بوده است.

با توجه به کامل بودن کتاب *مسالک الافهام* می‌توان دریافت که شهید پس از انجام حج هم چنان در مکه اقامت داشته و نگارش بخش‌های پایانی کتاب *مسالک* را در آن جا به اتمام رسانده است.^۱

چند ماه بعد و در حدود ۵ ربیع الاول ۹۶۵/ ۲۶ دسامبر ۱۵۵۷ زین الدین به دستور حسن بیگ افندی که به مقام قضاوت شهر مکه منصوب شده بود دستگیر شد. او در یکی از خانه‌های مکه به مدت چهل روز زندانی بود. در ایام حبس او، گروهی از شیعیان نسبت به آزادی وی اقدام کرده و سعی نمودند با پرداخت رشوه، او را از حبس برهاند. از جمله این افراد، نام شاگرد شهید، ملا محمود بن محمد بن حمزه بن محمد لاهیجانی (متوفی پس از ۹۹۴ق/ ۱۵۸۶م)، دانسته است.

۱. افندی، *ریاض العلماء*، ج ۲، ص ۳۸۲؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۱۴۳-۱۴۴ (ومن أهمها کتاب *مسالک الأفهام فی تنقیح شرایع الإسلام*، وفق الله تعالی لاکماله فی سع مجلدات کبیره...).

تلاش گروه‌های مذکور بی نتیجه ماند و لاهیجانی، خود نیز به حبس افتاد. در حدود ۱۵ ربیع الثانی ۱۵/۹۶۵ فوریه ۱۵۵۸ زین الدین در غل و زنجیر و تحت الحفظ به قاهره و از آن جا به اسکندریه فرستاده شد. سپس از راه دریایی و در حالی که برخی مقامات رسمی عثمانی هم چون کدخدای جده همراهی اش می کردند، سوار بر کشتی به استانبول فرستاده شد.

در ۸ شعبان ۲۶/۹۶۵ مه ۱۵۵۸ به دستور صدراعظم عثمانی، رستم پاشا که حکم قتل او را صادر کرده بود، نخست کف پای او را با شمشیر شکافتند و سرانجام در حالی که هنوز نیم جانی در بدن داشت، سرازتش جدا کردند. زین الدین به دلیل شهادتش، پس از آن به شهید ثانی شهرت یافته است.^۱

درباره شرح حال زندگی زین الدین، عمده دانسته‌های ما، حوادث زندگی او تا سال ۹۵۵ ق را در بر می‌گیرد و در خصوص ده سال بعدی زندگی آن عالم بزرگ، اطلاعات جسته و گریخته بسیار اندکی در دست است. شرح حال پراهمیت زین الدین که توسط یکی از شاگردان نزدیک او به نام ابن عودی تألیف شده، مهم‌ترین منبع برای بررسی زندگی اوست. بررسی اثر مذکور می‌تواند تفاوت ساختاری شرح حال نویسی اولیاء در سنت شیعیان با آن چه که در میان اهل سنت و صوفیان رواج داشته را نمایان کرده و برخی نکات مبهم زندگی زین الدین را روشن سازد. شهادت شهید و نحوه گزارش‌های ارایه شده در خصوص آن، ویژگی‌های خاص شرح حال نویسی در سنت شیعه را نشان می‌دهد.

احتمالاً کهن‌ترین نمونه از گزارش‌های مربوط به شهادت شهید ثانی، مطلبی باشد که سید علی صائغ در انتهای یکی از مجلدات مسالک الافهام ذکر کرده است. در گزارش ابن صائغ، به نحو کلی در اشاره به شهادت شهید ثانی گفته شده:

شهید هنگامی که مشغول انجام طواف خانه کعبه بود دستگیر شد و در روز جمعه ماه رجب در حالی که قرآن می‌خوانده، به شهادت رسیده است.^۲

درباره منابعی که ابن صائغ اطلاعات خود درباره کیفیت شهادت شهید ثانی را از آن‌ها به دست آورده، اطلاعی نداریم. تنها می‌دانیم که در وقایع‌نامه‌های عصر صفوی، به دوشنبه

1. Devin J. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Din al-Āmilī," *Die Welt des Islams* 48 (2008), pp.289-347.

۲. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۰. افندی (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۶) نیز همین مطالب را به واسطه از الدر المنثور نقل کرده است.

پانزدهم ماه رجب ۹۶۵ به عنوان زمان شهادت شهید ثانی، و استانبول به عنوان مکان شهادت اشاره شده است.^۱

ابن صائغ در گزارش خود اشاره‌ای به سال ندارد. علی کبیر در حاشیة بغیة المرید از متنی که اشاره‌ای به نام آن نکرده، پرسشی و پاسخی را که با حسین بن عبدالصمد در هنگام حضورش در مکه به تاریخ ۱۸ ذوالحجّة ۹۸۳ درگرفته، نقل کرده است.^۲

در پرسش مذکور، فردی از حسین بن عبدالصمد در خصوص قول مشهور: «شهید ثانی در هنگام حضورش در استانبول از جایی گذر نمود و رنگ رخساره‌اش دگرگون شد و چون علت را از او پرسیدند گفت: در آن جا فردی برجسته به قتل خواهد رسید یا مطلبی نزدیک به این گفته» پرسید که صحت دارد یا خیر؟

پاسخ حسین بن عبدالصمد جالب توجه است. او نخست اشاره می‌کند فردی که پرسش مذکور را از شهید پرسیده، خود اوست و در ادامه صحت مطلب را تأیید کرده است.

گزارش‌های نقل شده، به وضوح تلاش جهت بیان برخی کرامت‌های شهید ثانی است. گزارش تفصیلی نقل شده از حرّ عاملی که او آن را به نقل «بعض المشائخ» آورده و گفته است که آن را به خطی یکی از عالمان امامی دیده نیز، جالب توجه است. هرچند گزارش مذکور نادرست است؛ اما مطالب آمده در ضمن آن، تلاش جهت شبیه‌سازی مسائل منجر به شهادت زین الدین با برخی مطالب متداول در خصوص زندگی شهید اول را نشان می‌دهد. در داستان مذکور گفته شده:

شهید در آثامی که مشغول نگارش شرحی بر لعمه (الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة) بود، دوتن نزد او می‌آیند که در مسئله‌ای با هم اختلاف داشته‌اند.^۳

۱. قاضی احمد قی، خلاصة التواریخ، ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۹.

۲. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۰، پاورقی ۱.

۳. شهید ثانی در پایان شب یکشنبه، بیست و یکم جمادی الاولی سال ۹۵۷ از تألیف کتاب شرح اللمعة فراغت حاصل کرده بود. افندی (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۸۳) تاریخ مذکور را به نقل نسخه‌ای از شرح لمعه که به خط علی بن احمد بن ابی جامع عاملی شاگرد شهید ثانی بوده، نقل کرده؛ تاریخی که خود شهید در پایان الروضة البهیة (ج ۱۰، ص ۳۲۹) نیز به آن تصریح کرده است. هم‌چنین بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۹۰-۲۹۲ که فهرستی از نسخه‌های مهم کتاب که پیش از ۹۶۰ ق کتابت شده را ارائه کرده است. هم‌چنین برای نسخه‌های الروضة البهیة که پیش از ۹۶۵ ق کتابت شده و محل نگهداری آن‌ها بنگرید به: سید احمد حسینی، التراث العربی المخطوط فی مکتبات ایران العامة (قم، ۱۴۳۱)، ج ۶، ص ۲۳۱؛ مصطفی درایتی، فهرست وارثه ۹۵

شهید به نفع یکی و علیه دیگری حکم می دهد و فردی که علیه او حکم شده، علیه شهید به نزد قاضی معروف (متوفی ۹۷۱ق) شکایت می برد. قاضی کسانی را برای احضار شهید در پی او می فرستد و شهید برای رها شدن خود از حضور نزد قاضی معروف، به حج می رود که البته پیش از آن نیز چندین بار به حج مشرف شده بود. قاضی معروف به سلطان روم خبر می دهد که در نواحی او فردی مبتدع حضور دارد که خارج از مذاهب چهارگانه فتوا می دهد. سلطان کسانی را به آن جا می فرستد و به آن ها تأکید می کند که زین الدین را زنده نزد او بیاورند تا عالمان دربار در حضور او با وی گفت و گو کنند.

زمانی که فرستادگان سلطان به جیل عامل می رسند، درمی یابند که زین الدین به حج رفته. پس در تعقیب زین الدین به مکه می روند و او را در راه مکه دستگیر می کنند. زین الدین از آن ها می خواهد که حج را انجام دهند و سپس او را به استانبول ببرند. مردان مذکور موافقت کرده و پس از انجام حج وی را به استانبول می برند. در راه، فردی از آنان درباره زین الدین پرس و جو می کند و آن ها به او می گویند که زین الدین از عالمان امامی است. فرد مذکور، فرستادگان را بیم می دهد که مبادا زین الدین به دلیل رفتار سوء آنان نزد سلطان از ایشان شکایت کند و به آن ها پیشنهاد می دهد که زین الدین را به قتل برسانند و سر او را برای سلطان ببرند. فرستادگان پیشنهاد مرد بیگانه را پذیرفته و زین الدین را همان جا به قتل رسانده و سرش را نزد سلطان می برند.

شب هنگام قبایل ترکمن در آن نزدیکی نوری سربه آسمان کشیده می بینند و چون در جست و جوی ماهیت آن نور بر می آیند، با جنازه بی سر زین الدین روبرو می شوند. آنان جنازه را با احترام دفن کرده و بارگاهی بر آن بنا می کنند.^۱

^۱ دست نوشته های ایران، ج ۵، ص ۹۹۷-۹۹۸. برای نسخه موجود الروضة البهية به خط شهید ثانی در مجموعه مشکات در دانشگاه تهران به شماره ۷۱۰ بنگرید به: محمدتقی دانش پزوه، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳، بخش سوم، ص ۱۹۰۳-۱۹۲۰.

۱. ساخت بنا در پی خواب دیدن و کشف مقام بر اساس خواب، پدیده بسیار متداولی بوده است. در کتاب الحوادث منسوب به ابن فوطی در ذیل وقایع سال ۶۷۷ق آمده که در شب نهم ماه رمضان در بغداد نوری متصل از آسمان به زمین دیده شد و در فردای آن روز در محله هروییه بغداد، قبری عیان شد که گفته می شد از اولاد آن

فرستادگان مذکور نیز چون نزد سلطان می‌رسند، با عتاب سلطان روبرو می‌شوند که چرا برخلاف دستورش زین‌الدین را به قتل رسانده‌اند. در این میان سید عبدالرحیم عباسی (متوفی ۹۶۳ق) از سلطان می‌خواهد تا خاطیان را مجازات کند و سلطان دستور کشتن آن‌ها را می‌دهد.^۱

تلاش ابن عودی در نشان دادن شباهت‌های زندگی شهید ثانی با زندگی شهید اول،^۲ از نکات بارز در شرح حال شهید ثانی است. به واقع همان‌گونه که در گونه‌ی ادبی شرح احوال نویسی اولیاء می‌توان دید، همواره سعی می‌شود تا شرح حال فرد مورد نظر، به گونه‌ای در جمیع جهات با شرح حال شیخ او مشابه نشان داده شود، امری که در سنت‌های دیگر

للّه امام حسن علیه السلام است. مردم به زیارت آن جا شتافته و به سرعت اخبار فراوانی در خصوص آن مکان رواج یافت و خواب‌هایی که در خصوص آن دیده می‌شد، دهان به دهان می‌گشت. سرانجام صاحب دیوان قبرهای موجود در آن جا را به مشهد امام کاظم علیه السلام منتقل کرد و ماجرا بیان یافت *کتاب الحوادث*، تحقیق بشار عواد معروف و عماد عبدالسلام رؤوف (بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۷)، ص ۴۴۱). یوسف راعب و کریستوفر تیلور این گونه بناکردن مشاهد را مشاهد الرؤیا نامیده و شواهدی بر آن در مطالعات خود در خصوص مشاهد مصر و شام ارایه کرده‌اند. بنگرید به:

Yūsuf Rāghib, "al-Sayyida Nafisa, sa légende, son culte et son cimetière," *Studia Islamica* 44 (1976): 61-86," esp. 61-64; Christopher S. Taylor, *In the Vicinity of the Righteous: Ziyāra and the Veneration of Muslim Saints in Late Medieval Egypt* (Leiden: Brill, 1999), 32-33, 44-45, 88.

۱. امل الآمل، ج ۱، ص ۹۰-۹۱؛ افندی، *ریاض العلماء*، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۵. داستانی که شیخ حرّ عاملی (متوفی ۱۱۰۴ق) آورده، در تمام کتاب‌های بعدی بدون تردیدی در اصالت آن تکرار شده است (برای نمونه بنگرید به: علی مروه، *تاریخ جباع: ماضیها و حاضرها* (بیروت: دار الاندلس، ۱۳۷۸/۱۹۶۷)، ص ۴۶-۴۷)، تنها جعفر مهاجر در اصالت بخشی از داستان تردید کرده است (*سنة فقهاء الابطال*، ص ۱۶۲-۱۷۰). اکنون دانسته است که تمام خبر نادرست است. علت ذکر نام سید عبدالرحیم عباسی (متوفی ۹۶۳ق) به عنوان شخصی که در صد مجازات عاملان قتل شهید آمده، بر اساس شهرت داشتن روابط بسیار نزدیک و دوستانه میان او و شهید ثانی بوده که تفصیل آن را شیخ حسن در اجازه کبیره خود آورده و برای عالمان عاملی نیز شناخته شده بوده است. بنگرید به: مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۶، ص ۷۹.

۲. درباره شهید اول، اثری به نام *نسیم السحرفی حیاة الشهید الأول من حین مولده حتی قتل در دست است* که هویت اصلی مؤلف آن شناخته نیست و از حیث سبک و محتوا نیز با کتاب *بغیة المرید* تفاوت‌های جدی دارد. برای متن *نسیم السحرفی* که با تحقیق یوسف طباجه منتشر شده است، بنگرید به: رضا مختاری، *الشهید الاول حیاة و آثاره* (قم، ۱۴۳۰)، ص ۴۹۷-۵۶۱.

و ادیان دیگر نیز تداوم دارد. اخبار و مطالبی که ابن عودی در این خصوص گرد آورده، جالب توجه است. او در جایی از رساله بعیة المرید بر این نکته تأکید کرده و علت توجه شهید ثانی به نگارش شرح بر آثار شهید اول را امر الهی دانسته و آن را تقدیر الهی رقم خورده بر سرانجام شهید ثانی بر شهادت دانسته است.^۱

کتاب بعیة المرید من الکشف عن احوال الشیخ زین الدین الشهید، همان گونه که گفته شد، مهم ترین منبع برای بیان شرح حال شهید ثانی بوده و مشتمل است بر مطالبی شرح حال نگارانه و خودنوشت از شهید ثانی که مشتمل بر بخشی از زندگی او یعنی از تولد تا ۹۵۵ق - زمانی که شهید ثانی از بعلبک به جبع بازگشته - می شود. ابن عودی در تذکری، زمان مذکور یعنی سال ۹۵۵ق را پایان ایام آسودگی و راحتی شهید ثانی ذکر کرده و بدون اشاره به تفصیل مطالب، گفته است که پس از تاریخ مذکور شهید ثانی با حوادثی روبرو شد که در نهایت به شهادت او ختم شد (و هذا التاريخ كان خاتمة أوقات الأمان والسلامة من الحدیثان، ثم نزل به ما نزل...).^۲

ابن عودی در ادامه مطلب اخیر بیان می دارد که احوال شهید در سال های پس از ۹۵۵ق، بر اساس اطلاعات شخصی خود که به شکل گفت و گو با خود شهید به دست آورده یعنی زمانی که شهید ثانی مدتی در خانه او و در روستای جزین پنهان شده بود - و آن چه که از گفته های شاگردان شهید شنیده بیان خواهد کرد. هم چنین اشاره نموده که شهید مطالبی را در شرح احوال خود در شب دوشنبه یازدهم ماه صفر ۹۵۶/۱۱ فوریه ۱۵۴۹ برای او بیان کرده است در حالی که از دست دشمنانش در جزین پنهان شده بود.^۲ دلالت گفته اخیر آن است که

۱. الدر المشور، ج ۲، ص ۱۸۴-۱۸۵. ابن عودی از توجه شهید ثانی به میراث علمی شهید اول و بهره گیری از اقوال و آراء او در تألیف آثارش نیز اشاره کرده است. مسئله مشابهت سازی میان شهید اول و شهید ثانی ظاهراً از همان ایام زندگی شهید ثانی آغاز شده باشد. شیخ بهایی از قول پدرش نقل کرده که او روزی به خدمت شهید ثانی رسید و او را غرق در تفکر یافت. از او علت را پرسید. شهید ثانی پاسخ داد خوابی دیده که در جمعی از عالمان امامیه حضور دارد. در آن مجلس سید مرتضی از شهید ثانی خواسته بود که در کنار شهید اول بنشیند. شهید ثانی خواب مذکور را به شهادت خود تعبیر کرده است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۶؛ خوانساری، روایات الجنات، ج ۳، ص ۳۸۳؛ علی مروه، تاریخ جباع، ص ۴۹. آن چه که شباهت میان شهید اول و شهید ثانی را معنی دار می کرده، برخی تألیفات شهید ثانی نیز بوده است. شهید ثانی هم چون شهید اول اثری در قواعد فقه با عنوان تمهید القواعد دارد که در سنت شیعی از معدود آثار نگاشته شده در این حوزه است.

۲. الدر المشور، ج ۲، ص ۱۸۳. ابن عودی (الدر المشور، ج ۲، ص ۱۵۶) بجای درباره تألیفات زین الدین در ایام زندگی پنهانی و بیم و ترس (فی زمان الخوف) آورده، اما به نام اثر خاصی اشاره نکرده است. به واقع

ابن‌العودی خود شاهد بخشی از حوادث سال‌های پایانی شهید نبوده و دلیل آن نیز همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، باید در ترک جبل عامل از سوی شهید و اقامت او در شهر دمشق و شاید هم اقامت ابن‌العودی در ایام مذکور در جایی غیر از جبل عامل باشد، هرچند در خصوص مطلب اخیر شواهد کاملاً روشنی در دست نیست.^۱

درباره بهاء‌الدین محمد بن علی بن حسن‌العودی عاملی جزینی، شاگرد و ملازم شهید ثانی، که از دهم ربیع‌الاول سال ۹۴۰ تا دهم ذوالقعدة سال ۹۶۲ که برای انجام سفر به خراسان از شهید ثانی جدا شده و به ایران سفر کرده، اطلاع چندانی در دست نیست و دانسته‌های ما درباره او بسیار اندک است.^۲ زمانی که ابن‌العودی به جبل عامل و جزین بازگشته،

للّه زین‌الدین مهم‌ترین کتاب‌های فقهی خود یعنی شرح لمعه (تاریخ فراغت از تألیف آن ۲۱ جمادی‌الاولی ۷/۹۵۷ ژوئن ۱۵۵۰) و مسالک الافهام را در همین سال‌ها تألیف کرده و به تدریس کتاب دیگر خود الروضة الیهیة نیز مشغول بوده است. زین‌الدین در سال‌های اخیر خود به جزین رفت و آمد فراوانی داشته است. ابن‌العودی گزارش کرده که در شب چهارشنبه دهم ربیع‌الاول ۹۶۰ از حادثه‌ای که هنگام سفرش به قاهره، در رمه برایش رخ داده، خاطره‌ای تعریف کرده است. الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۶۱.

۱. الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۳. ابن‌العودی تاریخی از زمان فرار شهید از زادگاهش ارایه نکرده، اما گفته که در شب دوشنبه یازدهم صفر ۹۵۶ از شهید ثانی مطالبی درباره سال‌شمار زندگی‌اش شنیده و آن زمان بوده که شهید ثانی نزد او پنهان شده است (وکان فی منزلی بجزین متخفياً من الاعداء). الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۸۳. بنابراین تاریخ فرار شهید از جبع باید پیش از زمان مذکور بوده باشد. درباره علت فرار شهید از جبع نیز اطلاعی در دست نیست؛ تنها بر اساس گفته‌های ملا محمود لاهیجانی که در سال‌های مذکور همراه شهید بوده و مطلبی که شیخ حسن در ضمن اجازه کبیره خود آورده (مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۱۰۶، ص ۷۴)، دانسته است که در فاصله بازگشت شهید از بعلبک به جبع تا زمانی که او به جزین رفته، خانه‌اش در جبع مورد غارت قرار گرفته و بخشی از کتابخانه او نیز از میان رفته است. در هر دو گزارش اشاره روشنی درباره علت حمله به خانه شهید نیامده است.

۲. برای شرح حال ابن‌العودی بنگرید به: حرّ عاملی، امل‌الامل، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ افندی، ریاض‌العلماء، ج ۵، ص ۱۳۱-۱۳۲. آقا بزرگ (الذریعة، ج ۳، ص ۱۳۶-۱۳۷) مطالبی درباره کتاب بغیة المرید آورده که همان مطالب متداول دانسته درباره کتاب است. در خصوص گفته آقا بزرگ (الذریعة، ج ۳، ص ۱۳۶) که ابن‌العودی از دهم ربیع‌الاول سال ۹۴۵ تا دهم ذی‌القعدة ۹۶۲ همراه شهید بوده و این مطالب در منابع دیگری نیز تکرار شده (نیز در الذریعة، ج ۸، ص ۷۶) و اصل آن را نیز خود ابن‌العودی در ضمن بغیة المرید آورده (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۵۱). این نکته را باید افزود که سال ۹۴۵ نادرست است و صحیح آن ۹۴۰ است. دلیل آن نیز این مطلب است که ابن‌العودی (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۰) از همراهی خود در سفر زین‌الدین به دمشق در ۹۴۲ ق سخن گفته و در جایی دیگر (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۶۸) گفته که در صفر ۹۴۴ در جبع شاهد تعمیر خانه شهید و ساخت مسجدی در کنار آن بوده و اشعاری در ستایش زین‌الدین سروده که شهید با شنیدن آن‌ها شادمان می‌شده است.

احتمالاً پس از ۹۶۵ ق و شهادت شهید ثانی بوده باشد؛ به دلیل آن که بهاء الدین مطالب مربوط به حوادث ایام پایانی زندگی زین الدین را به واسطه نقل کرده است.

شرح حال شهید ثانی که در *الدر المنثور* آمده، در حقیقت مشتمل بر سه بخش است. بخش نخست مطالب خود شهید ثانی درباره شرح حال خویش است که حوادث زندگی زین الدین را به قلم خود او تا سال ۹۵۵ ق در بردارد. از اشاره زین الدین به این مطلب که «سلطان سلیمان قانونی دو تن از فرزندان خود یعنی شاهزاده امیرالزمان (جهانگیر خان) و شاهزاده مصطفی را که والی حلب بودند، در زمان حمله به ایران کشته است»، می توان تاریخ نگارش این بخش را پس از ۹۶۰ ق دانست؛ زیرا در همین سال بود که سلطان سلیمان دو فرزند خود را به قتل رساند.^۱

با توجه به این مطلب، بسیار شگفت آور است که چرا زین الدین تنها به بیان حوادث زندگی خود تا ۹۵۵ ق پرداخته در حالی که او سال ها بعد و پس از ۹۶۰ ق مطالب زندگی نامه خود نوشت خویش را تنظیم کرده است؟ احتمالاً زین الدین بیم داشته مطالب مکتوبش که به بیان دشواری های او در سال های ۹۵۵ ق به بعد می پرداخته، به عنوان شواهدی علیه خودش مورد استناد قرار گیرد.

بخش دیگر نوشته، تألیف ابن عودی است. در متن نوشته ابن عودی دو تاریخ ذکر شده است که می توان یکی از آن ها را زمان احتمالی نگارش و دیگری را زمان تقریبی پایان تألیف کتاب دانست. ابن عودی در جایی از متن خود به حسین بن عبدالصمد حارثی (متوفی ۹۸۴ ق) به عنوان فردی ساکن در خراسان یاد کرده است: «... ارتحل الی خراسان واستوطن هناك الآن اذ ادم الله توفيقه». بر اساس مطالب منابع دیگر می دانیم که حسین بن عبدالصمد از ۹۷۰ تا ۹۸۳ در خراسان بوده است.^۲

۱. *الدر المنثور*، ج ۲، ص ۱۷۳. درباره قتل دو امیرزاده بنگرید به: بورینی، *تراجم الاعیان*، ج ۱، ص ۲۳۴ (در ضمن شرح حال بایزید فرزند دیگر سلطان سلیمان قانونی اشاره کرده که سلطان مصطفی قصد بر تخت نشستن داشته و خراج مصر را مصادره کرده و به قصد استانبول در حرکت بوده و می گفته که خراج مذکور نفقه مادرم هست. اخبار مذکور به احتمال قوی بخشی از شایعات رواج یافته پس از قتل سلطان مصطفی بوده است)؛ محمد بن ابی السرور بکری صدیقی، *المنح الرحمانية فی الدولة العثمانية*، تحقیق لیلی صباغ، ص ۱۰۶.

۲. *الدر المنثور*، ج ۲، ص ۱۹۱. ابن عودی اشاره کرده که حسین بن عبدالصمد پس از جدایی از شهید ثانی نخست به عراق رفته و مدتی در آن جا ساکن بوده و سپس به خراسان سفر کرده است. برای سال شمار زندگی حسین بن عبدالصمد بنگرید به: افندی، *ریاض العلماء*، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۰؛

Devin J. Stewart, "The First Shaykh al-Islam of the Safavid Capital Qazvin," *Journal of the American Oriental Society* 116 (1996): 387-405, esp. p.394.



تاریخ مذکور دیگر در نوشته ابن عودی، اشاره به محمد بن محمد حرّ عاملی و سید علی بن حسین صائغ به عنوان افرادی در قید حیات است که می دانیم هر دو در سال ۹۸۰ ق/ ۱۵۷۲ م درگذشته اند.^۱ از این رو می توان گفت که ابن عودی اثر خود را پیش از این تاریخ و پس از ۹۷۰ ق/ ۱۵۶۳ م به اتمام رسانده است. متأسفانه درباره خود ابن عودی اطلاع بیشتری در دست نیست؛ تنها می دانیم به جبل عامل بازگشته و در همان جا درگذشته است.

آخرین بخش بغیة المرید، اضافات محمد بن علی بن حسن بن زین الدین نواده شهید ثانی است که متن بغیة المرید را که در نسخه ای ناقص در اختیارش بوده، در ضمن کتاب الدرّ المشور من المأثور و غیر المأثور نقل کرده است. متأسفانه تا به حال نسخه ای دیگر از کتاب الدرّ المشور یافت نشده است. متن بغیة المرید نیز تا کنون به صورت مستقل به دست نیامده و دانسته های ما درباره این کتاب محدود به همان مطالبی است که علی بن محمد بن حسن بن زین الدین مشهور به شیخ علی کبیر (متوفی ۱۱۰۳ ق/ ۱۶۹۲ م) در ضمن کتاب الدرّ المشور خود که در حدود ۱۰۷۸ ق/ ۱۶۶۸ م از نگارش آن فراغت حاصل کرده، آورده است.

علی عاملی در بخشی از کتاب خود از دست یافتن به نسخه ای ناقص از کتاب بغیة المرید سخن گفته و پس از آن تمام متنی را که در اختیار داشته، نقل کرده و در ادامه آن نیز مطالبی درباره دیگر اعضاء خانواده خود آورده است.^۲

۱. دلال عباس از نگارش متن پس از ۹۶۶ ق سخن گفته است. اشاره ابن عودی به حسین بن عبدالصمد در الدرّ المشور، ج ۲، ص ۱۹۱ آمده است. حسین بن عبدالصمد در اواخر سال ۹۶۰ و اوایل ۹۶۱ از عراق عرب به ایران مهاجرت کرده و در فاصله سال های ۹۶۳-۹۷۰ ق/ ۱۵۵۶-۱۵۶۳ م در اصفهان و قزوین (عراق عجم) سکونت داشته و در حدود ۹۷۰ ق/ ۱۵۶۳ م به خراسان رفته و تا سال ۹۷۴ شیخ الاسلام مشهد و سپس در حدود ۹۷۴-۹۸۳ ق/ ۱۵۶۷-۱۵۷۵ م شیخ الاسلام هرات بوده است. تاریخ درگذشت سید علی بن حسین بن صائغ بر اساس آن چه که بر سنگ قبر او آمده، ۱۱ رجب ۹۸۰/ ۱۷ نوامبر ۱۵۷۲ است. ابن عودی (الدرّ المشور، ج ۲، ص ۱۹۲) از ابن صائغ با عبارت «ادام الله توفیقه» یاد کرده است. به نوشته امین (اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۲۰۵) قبر ابن صائغ در روستای صدیق شرق تبین است و او تاریخ مذکور را از روی سنگ قبر وی گزارش کرده است.

۲. محمد بن علی عاملی، الدرّ المشور، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۹۸. پس از پایان یافتن مطالبی که در خصوص شرح حال شهید ثانی آمده، شیخ علی از فرزند شهید ثانی، شیخ حسن صاحب معالم (متوفی ۱۰۱۱/ ۱۶۰۲) (الدرّ المشور، ج ۲، ص ۱۹۹-۲۰۹)، نوّه شهید محمد بن حسن (متوفی ۱۰۳۰/ ۱۶۲۱) (الدرّ المشور، ج ۲، ص ۲۰۹-۲۲۲) و زین الدین بن محمد (متوفی ۱۰۶۴/ ۱۶۵۴) (الدرّ المشور، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۳۸) و شرح حال خودش (الدرّ المشور، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۵۹) سخن گفته است.

ناقص بودن متن در دسترس بعیة المرید، پرسش های فراوانی را به ذهن متبادر می کند. نخست آن که آیا ابن عودی تألیف خود را بر اساس طرحی که در آغاز کتاب ذکر کرده و قرار بوده در ضمن فصول مختلفی به بیان مطالب مرتبط با شهید بپردازد، به پایان رسانده است؟ اگر این گونه است، آیا عالمان صفوی با این نوشته آشنا بوده اند؟ مشکل اصلی این است که این پرسش ها را به راحتی نمی توان پاسخ داد. هر چند عالمان عصر صفویه، خاصه در همان روزگار حیات پربرت شهید ثانی، به جیل عامل و نزد شهید رفت و آمد داشته اند، با این حال ظاهراً توجه اصلی آن ها اخذ اجازه یا به دست آوردن نسخه ای از آثار شهید ثانی و شهید اول بوده است. پس از شهادت شهید ثانی و با توجه به مهاجرت شاگردان شهید به عراق و ایران نیز اطلاع چندانی از رفت و آمد عالمان ایرانی به جیل عامل در دست نیست، هر چند در بعد می دانیم که کسانی چون ملا عبدالله بن حسین شوشتری، عالم و فقیه برجسته عصر شاه عباس، مدتی در جیل عامل اقامت داشته است. با این حال شاهدی در دست است که نشان می دهد عالمان ایرانی عصر صفویه احتمالاً به نسخه ای کامل تر از کتاب بعیة المرید ابن عودی دسترسی داشته اند.

در جایی از فصل سوم کتاب ابن عودی که آخرین بخش در دسترس کتاب او نیز هست، خوابی که یکی از شاگردان شهید به نام محمد بن علی جبائی در ۲۶ ذو الحجة ۱۱/۹۶۵ اکتبر ۱۵۵۸ دیده، نقل شده است. شیخ علی کبیر قبل از نقل این خواب متذکر شده که نسخه ای از کتاب بعیة المرید که در دسترسش بوده، در این جا مطالبش به صورت متصل به هم پایان یافته^۱ و پس از آن چند برگ الحاقی است. البته این می تواند موجب شک گردد که آیا اساساً این خواب بخشی از کتاب ابن عودی بوده یا خیر؟^۲ در هر حال با فرض آن که خواب نقل شده

۱. علی بن محمد عاملی، الدر المنثور ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. در نسخه خطی شماره ۱۳۲ با عنوان مجموعه که در کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام در شهر اردکان یزد موجود است، در بین رساله سوم و چهارم خواب محمد بن علی حیاتی نقل شده و گفته شده که خواب به نقل از کتاب الدر المنثور بوده که کاتب آن را در ۶ ربیع الاول ۱۱۲۹ کتابت کرده است. بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه حوزه علمیه امام صادق علیه السلام (اردکان - ایران)، ج ۱، ص ۱۲۰. درباره جبائی اطلاع چندانی در دست نیست. نسخه ای از کتاب تحفة الفتی فی تفسیر سورة هل اتی از غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی (متوفی ۹۴۹ق) در دست است که جبائی آن را در روز شنبه ۲۰ ربیع الاول ۹۵۷ در مدرسه غیاثیه منصوریه در شهر شیراز کتابت کرده که دلالت دارد جبائی فردی ایرانی و از اهالی خوزستان عراق



البته در نسخه‌ای که در اختیار شیخ علی کبیر بوده، آغازش افتادگی دارد. شاهی از این که در دسترس عالمان عصر صفویه نسخه‌ای احتمالاً از کتاب بغیة المرید بوده. (؟؟)

مجموعه‌ای ارزشمند در دانشگاه تهران به نام دستوره شماره ۲۱۴۴ است که در بخشی از آن خواب جبائی نقل شده است. البته خواب محمد بن علی جبائی را افندی در شرح حال شهید ثانی در ریاض العلماء نیز نقل کرده است؛^۲ اما تفاوت‌های میان نقل او و نقل آمده در مجموعه دستوره گردآوری تاج‌الدین حسین واعظ طوسی (متوفی ۱۰۰۰ق) وجود دارد که نشانگر آن است که منبع این دو، متفاوت بوده و افندی مطالب خود را از مأخذی دیگر نقل کرده است. درباره مجموعه دستور می‌دانیم که هر یک از علمانی که تاج‌الدین خود با آن‌ها دیدار داشته، مطلبی را برای او نگاشته‌اند که البته این در بیشتر موارد است و احتمالاً در مواردی تاج‌الدین، خود، مطالبی را در مجموعه خویش یادداشت کرده باشد. به احتمال قوی خواب جبائی که بخشی از فصل پایانی کتاب بغیة المرید بوده، به صورت جداگانه نیز در دست بوده است و تفاوت متن افندی و شیخ علی کبیر این را تأیید می‌کند که چنین فرقی در دسترس بودن نسخه‌ای کامل از بغیة المرید در اختیار عالمان امامی عصر صفویه را متفی می‌کند.

خواب جبائی برخی از نکات مبهم زندگی شهید در سال‌های پایانی او را نیز تا حدی مشخص می‌کند و تأکید بر جزین نشان می‌دهد که شهید ثانی در سال‌های اختفای خود، در جزین حضور درازمدتی داشته است.

لایه باید باشد (برای توصیف نسخه و برگ آخر نسخه که دست خط آن با دست خط آمده در مجموعه دستور یکسان است، بنگرید به: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) (قم، کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۹ش/۱۴۲۱ق)، ج ۲۸، ص ۳۶۵-۳۶۶، ۷۶۹. بر این اساس نظر امین (عیان الشیعة، ج ۷، ص ۱۵۸) که جبائی را تصحیف حیانی- در اشاره به روستای حیان نزدیک طلوسه- دانسته نادرست است. دوست گرامی استوارت نیز در مقاله‌ای منتشر نشده درباره شرح حال نگاری شهید ثانی به دو مطلب درباره این که جبائی اهل جبل عامل نبوده، اشاره کرده است. جبائی از خود به عنوان فردی غریب در جبل عامل (بلاد الغریبة) یاد کرده و از متداول بودن خوراک خرما و شیر در زادگاهش سخن گفته است (بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۷، ۳۸۰). استوارت نیز بر این اساس جبائی را فردی اهل جنوب عراق دانسته است

۱. برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۸۰۴-۸۳۲.

۲. عبدالله بن عیسی افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۷-۳۸۱.

ابن عودی که در سال ۹۶۲ق/ ۱۵۵۵م برای سفر به خراسان از شهید جدا شده بود، ظاهراً بعد از بازگشت به جزین نتوانسته با شهید دیداری داشته باشد.^۱

۱. الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۵۱. این مطلب که ابن عودی به ایران سفر کرده، با تذکر خود او که در قزوین نسخه‌ای از تهجد القواعد شهید ثانی را به کسی داده و فرد مذکور به کتابت آن پرداخته، تأیید می‌گردد (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۸۵). شیخ حرّ عاملی در امل الآمل (ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷) شرح حال کوتاهی از ابن عودی آورده است. بر اساس گفته وی که از ابن عودی به لقب جزینی یاد کرده می‌توان گفت که وی در همان شهر اقامت داشته و ظاهراً در همان جا از دنیا رفته باشد. شیخ حرّ اشاره کرده که بخشی از رساله بغیة المرید وی رادیده است. احتمالاً مراد شیخ حرّ، همان بخش منقول از رساله بغیة المرید در کتاب الدرالمشور باشد که وی خود نسخه‌ای از آن را برای استفاده خود کتابت کرده و نسخه‌ای تلخیص شده است و در کتابخانه سنا سابق موجود است. شیخ حرّ بخشی از قصیده ابن عودی در زینای شهید را نقل کرده و اطلاع دیگری درباره‌ی وی ذکر نکرده است. سفر عالمان عاملی به ایران برای رفتن به جهت زیارت امام رضا علیه السلام بسیار متداول بوده است. نسخه‌ای از کتاب منتهی المطلب فی تحقیق المذهب علامه حسن بن یوسف حلی (متوفی ۷۲۶) در دست است که شخصی به نام محیی الدین بن حسین ابن ابی الحسن الحسینی العاملی (فرزند سید حسین بن ابی الحسن موسوی نیای خاندان شرف‌الدین، صدر و نورالدین که در سال ۹۶۳ق در صیدا درگذشته و در جبع به خاک سپرده شده است) آن را با نسخه‌ای که از روی نسخه اصل کتاب کتابت شده مقابله کرده است. تاریخ اتمام و فراغت از مقابله ۹۸۳ و در مشهد الرضا علیه السلام ذکر شده است (برای توصیفی از این نسخه بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های گلپایگان (گلپایگان-ایران)، ص ۴۴). زین الدین بن محسن بن حسین بن محمد عاملی نگارنده کتاب ایضاح البیان فی تحقیق الایمان که نامت‌ها با عنوان حقائق الایمان و اثری منسوب به زین الدین بن علی عاملی مشهور به شهید ثانی (متوفی ۹۶۵ق) شناخته شده، دیگر عالم عاملی است که دانسته است به مشهد سفر کرده و مدتی در آن جا مجاور بوده است. شخصی به نام علی بن محمد بن احمد بن ابراهیم جباعی در مشهد مقدس و به تاریخ ۲۲ صفر ۹۸۴ از تعلیقه نویسی بر نسخه‌ای از کتاب ایضاح البیان فراغت حاصل کرده و نزد مؤلف خوانده است (برای توصیف این نسخه بنگرید به: محمد برکت، فهرست نسخه‌های خطی بنیاد فارس شناسی، ص ۱۳۳-۱۳۴). هم چنین در مشهد در آغاز روز جمعه ۲۷ ذی القعدة ۹۸۲ علی بن علی فقیه فرزلی عاملی از کتابت نسخه‌ی الاربعین شهید اول فراغت حاصل کرده و از زین الدین اجازه‌ی روایت اثر مذکور را در ۱۹ رجب ۹۸۳ در همان مشهد دریافت کرده است (برای مطالب دیگر در خصوص دو فقیه مورد اشاره بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، پیام بهارستان، دوره دوم، شماره ۳ (پاییز ۱۳۸۹ش)، ص ۷۰۹). یکی از شاگردان شهید ثانی به نام محیی الدین بن احمد بن تاج الدین میسی عاملی در ۹۵۳-۹۵۴ق در مشهد اقامت داشته و در آن جا چهار رساله از آثار شهید ثانی را کتابت کرده است. در شرح حال این عالم عاملی اشاره‌ای دال بر مهاجرت یا اقامت وی در ایران نیست، اما وجود این مجموعه خطی (که به شماره ۲۶۱۶ عربی در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود) شاهد قاطعی از اقامت یک ساله وی در شهر مشهد است (حسب الله عظیمی، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۳، ص ۲۹-۳۱). برای شرح حال وی بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۰۶؛ سید حسن صدر، تکلمة امل الامل، ج ۱، ص ۳۶۶. برای نام برخی از عالمان عاملی که از سفر آن‌ها به مشهد در منابع سخنی رفته است بنگرید به: حرّ عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۶۵-۶۶، ۶۹.



ده سال آخر پايانی عمر شریف شهید ثانی با ابهاماتی روبروست. به جز تاریخ تألیف برخی آثار شهید در سال‌های مذکور، مطلب چندانی درباره سال‌های مذکور حیات شهید ثانی دانسته نیست.^۱ نکته مهم دیگر درباره شهید ثانی، مرادوات گسترده او با جامعه شیعیان عراق و ایران است. این مرادوات هم به صورت مکتوب بوده و مجموعه‌هایی از پرسش و پاسخ‌های رد و بدل شده میان شهید ثانی و برخی عالمان عراق، حجاز و ایران در دست است. تاریخ این مکتوبات در دوره آرامش حیات شهید ثانی و پیش از ۹۵۶ ق است.

شکل دیگر مرادوات شهید ثانی، دیدار و سفر عالمان شیعه به نزد اوست. برخی از عالمان به قصد دیدار شهید به محضر او می‌رفته‌اند و برخی دیگر در هنگام سفر حج در مسیر رفت یا بازگشت از حج دیداری با شهید داشته‌اند. دلیل این امر تغییر کردن راه حج پس از سقوط ممالیک و قطع اعزام کاروان‌های حج از بغداد بوده و تنها راه حج برای حجاج ایرانی و عراقی، رفتن به دمشق و پیوستن به کاروان‌های حج بوده است که در ماه شوال، دمشق را به قصد حجاز ترک می‌کرده‌اند. فرصت مذکور زمانی مناسب برای عالمان شیعه فراهم می‌آورد که دیداری با شهید داشته باشند.^۲

۱. به عنوان مثال شهید ثانی شرح مزجی خود بر کتاب البدایة فی علم الدراریة با عنوان الرعاية فی علم الدراریة را در شب سه شنبه، پنجم ذی‌الحجه ۹۵۹ به پایان رسانده است (آقابزرگ طهرانی، الدرریة الی تصانیف الشیعة، ج ۳، ص ۵۸). در ۱۵ شعبان ۹۶۰ بدون اشاره به مکانی که در آن با سید علی بن صائغ حسینی دیدار داشته اجازه‌ای به او داده و برخی از آثاری که ابن صائغ نزد او خوانده که کتاب‌هایی در دانش ریاضیات متداول آن عصر بوده - را نیز به وی داده است. ظاهراً محلی که شهید با ابن صائغ دیدار داشته جزین باشد. در شانزدهم رمضان ۹۶۱ شهید ثانی اجازه‌ای به احمد بن شمس‌الدین حلی داده و در متن اجازه از سفر حلی به نزدش سخن گفته، اما اشاره‌ای به محلی که در آن تاریخ در آن اقامت داشته نکرده و گفته که حلی نزد او کتاب الرعاية فی علم الدراریة را خوانده است. در صفر ۹۶۲ شهید اجازه روایت کتاب الرعاية را به سید علی بن صائغ داده، اما اشاره‌ای به مکان اعطای اجازه نکرده است. در ۱۴ ذی‌الحجه ۹۶۴ شهید در مکه مکرمه اجازه عام به تاج‌الدین بن هلال جزائری داده است. برای اجازات مذکور بنگرید به: الشیخ زین‌الدین بن علی‌العالمی، رسائل الشهید الثانی (قم: مرکز الأبحاث والدراسات الإسلامية، ۱۴۲۲/۱۳۸۰ ش)، ج ۲، ص ۱۱۵۵-۱۱۶۳.

۲. نمونه‌ای از این عالمان شخصی به نام فضل‌الله بن محمد کعبی است که مجموعه‌ای از پرسش و پاسخ‌هایی که در جلسات گفتگوهای خود با شهید ثانی، داشته فراهم کرده است. این مجموعه مشتمل بر دو بخش است. بخش نخست پرسش و پاسخ‌هایی است که میان شهید و کعبی در ۹۵۲ ق پس از بازگشت شهید از سفر استانبول رد و بدل شده است و بخشی دیگر پرسش و پاسخ‌هایی که کعبی تصریح نموده پس از انجام حج و در راه بازگشت به عراق در جبل عامل از شهید شنیده است (وَأَمَّا الْمَسْئَلُ الَّتِي فِي جَبَلِ عَامِلَةَ بِالسَّفَرِ الَّذِي كَانَ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ) ۶۸

هم چنین بر اساس برخی گزارش‌ها، دانسته است که شهید ثانی به دلیل مشکلاتی که در جزین و جبع برای او پیش آمده بود، مجبور شد تا آن جا را در حدود ربیع الاول ۹۶۳ یا اندکی بعدتر ترک کند و دست‌کم^۱ تا پیش از شوال ۹۶۴ می‌دانیم که شهید در دمشق بوده و در آن جا به دلیل سعایت برخی دشمنانش مورد تعقیب قرار گرفت و در نهایت مجبور به ترک آن شهر شده و به مکه سفر کرد.^۲

لله که آن‌ها را در عید قربان ۹۶۵ به خواهش فردی به نام سید اسماعیل که باید از علمان برجسته شیعه آن زمان باشد، تدوین کرده است. برای متن این پرسش و پاسخ که *الرسالة المجموعة فی القوائد المسموعة* نام دارد، بنگرید به: زین‌الدین بن علی‌عاملی، *رسائل الشهيد الثانی*، ج ۲، ص ۱۱۸۹-۱۲۴۷. اجازه‌ای از شخصی به نام سیف‌الدین خادم بن مخدوم حسینی به جعفر بن امام‌الدین طهرانی در ۹۶۰ ق موجود است که در آن حسینی از خواندن برخی آثار نزد شهید ثانی سخن گفته است. هرچند در اجازه اخیر سخنی از سفر حسینی به دمشق نیامده، اما گمانم آن است که وی شهید را در راه رفتن به حج یا بازگشت حج دیده است. برای اجازه اخیر بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «چند اطلاع کوتاه درباره شهید ثانی»، *متون و پژوهش‌های تاریخی (مقاله‌ای درباره تاریخ اسلام و تشیع)* (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ ش)، ص ۲۹۷-۲۹۹.

۱. بر اساس اطلاعات خانوادگی شرف‌الدین که باید مبتنی بر اسناد خانوادگی باشد، نیای آن‌ها سید حسین بن ابی‌الحسن موسوی در ۹۶۳ ق هنگامی که در شهر صیدا بوده، مسموم شد و جنازه او را به جبع برده و پس از آن که شهید ثانی بر او نماز خواند در همان جا دفن شد. شهید ثانی به احتمال قوی از نگارش جزء سوم کتاب *مسالك الافهام* خود در ۲۴ ربیع الاول ۹۶۳ هنوز در جبع یا جزین بوده است. اندکی بعد یعنی پنج ماه بعد، شاگرد وی یوسف بن محمد شامی در ۳۰ شعبان همان سال ۹۶۳ نسخه‌ای از روی جزء اخیر کتاب شهید ثانی کتابت کرده است. وی تا سال ۹۶۸ ق در جزین اقامت داشته و در تاریخ مذکور نسخه‌ای از *خلاصة الاقوال* علامه حلی را با علی بن حسین بن ابی‌الحسن موسوی عاملی مقابله و تصحیح کرده است. بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر*، ص ۱۶۴-۱۶۵، ۲۷۶-۲۷۷؛ سید عبدالحسین شرف‌الدین، *بعیة الراغبین فی سلسلة آل شرف‌الدین*، تحقیق سید عبد‌الله شرف‌الدین (بیروت، ۱۴۱۱/۱۹۹۱)، ج ۱، ص ۱۱۵، ۱۲۳-۱۲۴.

۲. نسخه‌ای از کتاب *الروضه المبهیة* (شماره ۲۱۸۱ دانشگاه تهران) با تاریخ تملک ۲۱ جمادی الاولی ۹۵۹ از شخصی به نام فضل‌الله حسینی در دمشق درست است. متأسفانه در نسخه مذکور اشاره‌ای نشده که آیا وی کتاب را به روایت و اجازه شهید در اختیار داشته یا خیر (معنی الله به و بامثاله ووقفنی للعلل بما فیہ حرره مالکه فضل‌الله الحسینی افضل الله الیه ۹۵۹ فی بلدة دمشق). بنگرید به: محمد تقی دانش‌پژوه، *فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش/۱۹۶۱)، ج ۹، ص ۸۷۱. احتمالاً فضل‌الله حسینی، فضل‌الله بن محمد حسینی باشد که کتابی به نام *الامتی عشریة فی فضائل امیر المؤمنین* دارد که در سال ۹۴۵ ق در نجف از کتابت اثر مذکور فراغت حاصل کرده است. برای شرح حال وی بنگرید به: شیخ آقابزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر*، ص ۱۸۱. با این حال ظاهرأ در گزارش آقابزرگ خطایی رخ داده باشد، چرا که نسخه‌ای از کتاب *الامتی عشریة* در کتابخانه گوهرشاد در ضمن مجموعه ۶۵



به درستی، دربارهٔ مشکلات شهید در دمشق اطلاعی در دست نیست. تنها می دانیم که مخالفانش وی را به دلیل رفض به نزد قاضی دمشق، حسن بیگ افندی، کشانده بودند. شرف‌الدین موسی بن قاضی جمال‌الدین یوسف بن احمد بن یوسف انصاری شافعی در کتاب تذکره خود اطلاعات کوتاه اما جالبی دربارهٔ قضات دمشق آورده است. صلاح‌الدین منجد بخشی از کتاب اخیراً همراه کتاب *الثغر البسام فی ذکر من ولی قضاء الشام* که با عنوان *قضاة دمشق* چاپ شده، آورده است. شرف‌الدین دربارهٔ قاضی حسن بیگ افندی (متوفی صفر ۹۸۵) نوشته است که پس از عبدالکریم زاده در سال ۹۵۹ به قضاوت دمشق منصوب شد. اما در سال ۹۶۰ از منصب خود عزل شد. وی مملوک و بندهٔ وزیر اعظم رستم پاشا، صدراعظم سلطان سلیمان قانونی، بوده که قاضی عسگر آتاتولی قاری زاده وی را به رستم پاشا هدیه کرده بود و حسن بیگ در اصل فردی آلمانی تبار بود.

حسن بیگ روابط بسیار نزدیکی با شیخ بدرالدین غزی (متوفی ۹۸۴) داشته است. وی بار دیگر به قضاوت دمشق منصوب شد؛ ولی در سال ۹۶۴ از آن عزل شد. در بار دوم که

الله ۱۶۵۴، رساله سوم در دست است که حسینی تاریخ فراغت از کتابت را ربیع الاول ۹۶۲ ذکر کرده و گفته که رساله مذکور را از روی خط زبده السادات ... صفدر حسینی کتابت کرده است (بنگرید به: فهرست نسخه های خطی چهار کتابخانه مشهد، ص ۲۰۴-۲۰۵). مجموعه ۱۶۵۴ که مشتمل بر چندین رساله از جمله *تحریر العقاید* خواجه نصیرالدین طوسی (رساله اول)، *المنعنه فی العقاید* از خواجه و مطالب دیگری است، جملگی توسط فضل الله حسینی در ۹۶۲ ق کتابت شده است (فهرست نسخه های خطی چهار کتابخانه مشهد، ص ۲۳۲؛ براتعلی غلامی مقدم، *فهرست کتب خطی کتابخانه مسجد جامع گوهر شاد* (مشهد: سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ ش)، ج ۵، ص ۶۷-۷۰). شاگرد شهید ثانی، یوسف بن محمد بن محمد بن محمد بن زین‌الدین حسینی عاملی شامی در ۲۴ ربیع الاول ۹۶۳ در دمشق کتابت بخشی از *مسالك الافهام* شهید ثانی را به پایان رسانده و گویا شهید نیز همراه او در دمشق بوده است (بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، *طبقات اعلام الشیعة: احیاء الدائر من القرن العاشر*، ص ۲۷۶). شوال ۹۶۴ نیز بر اساس گزارش نهروالی است که از حضور شهید در ۹۶۴ در دمشق و سپس خبر مسافرت شهید به مکه در همان سال خبر داده که با توجه به حرکت کاروان های حج در آن سال می توان از حضور شهید در شوال ۹۶۴ در دمشق سخن گفت. افراد برای به موقع رسیدن به کاروان حج شامی که در اواخر شوال دمشق را ترک می کرده، خود را عموماً در ماه رمضان به دمشق می رسانده اند. حجاج ایرانی شیعه عمدتاً در محله های شیعه نشین خراب و سویقه اقامت می گزیده اند. بنگرید به: عبدالکریم رافق، «قافلة الحج الشامي وأهميتها فی العهد العثماني»، *دراسات تاریخیة*، ذو الحجة ۱۴۰۱، العدد ۶، ص ۵-۲۸.

حسن بیگ به قضاوت دمشق منصوب شده بود، ماجرای شکایت از شهید ثانی رخ داد و وی دستور دستگیری شهید ثانی را صادر کرد. شهید در همان سال دمشق را ترک کرده و در ایام موسم حج ۹۶۴ (۱۴ ذی الحجه) در مکه بوده است.^۱

برخی جنبه‌های شرح حال نگارانه بغیة المرید

هر چند متن کامل کتاب ابن عودی در دست نیست، اما ابن عودی در آغاز کتاب فهرستی از محتویات کتاب آورده است. بخش‌های موجود کتاب بغیة المرید تنها سه فصل نخست کتاب را در بر می‌گیرد و از فصل چهارم تا دهم کتاب و خاتمه در دست نیست. فصل چهارم که به بحث از کتابت و استتساخ توسط شهید ثانی پرداخته، احتمالاً فصل مفصلی نبوده است. فصل پنجم اطلاعات به بحث درباره همسران شهید و فرزندانش پرداخته و مشتمل بر اشعاری در رثای فرزندان شهید بوده که احتمالاً بخشی از اشعار مذکور سروده خود شهید ثانی بوده است. چند فصل آخر، یعنی از فصل ششم تا دهم، مطالبی درباره سال‌های آخر حیات شهید ثانی در برداشته است؛ برهه‌ای از حیات شهید که در خصوص آن، مطالب دانسته ما بسیار اندک است.

فصل ششم به نامه‌هایی که شهید به افراد مختلف نوشته اختصاص داشته که ابن عودی در ضمن آن برخی از پاسخ‌های افراد به شهید را نیز نقل کرده است. در خصوص این بخش اطلاع مشخصی در دست نیست؛ اما نامه‌نگاری‌های مذکور، دست کم باید پس از ۹۴۸ق، باشد؛ یعنی زمانی که شهید، مجتهد بودن خود را علنی کرده بود. تبادل نامه نیز میان او و برخی افراد دیگر، خاصه شاگردش حسین بن عبدالصمد که بعلبک را در ایام تشریق (ذی الحجه) ۹۵۵ ترک کرده، بوده است.

از نامه‌هایی که حسین بن عبدالصمد به استادش فرستاده، متن دو نامه در دست است. آیا نامه‌های مذکور از نسخه‌ای از کتاب بغیة المرید که مشتمل بر نامه‌های مذکور بوده،

۱. بنگرید به: شرف‌الدین موسی بن ایوب الانصاری دمشقی، ذیل قضاة دمشق حتی سنة الألف للهجرة، ص ۳۲۷. در تاریخ ۱۴ ذی الحجه ۹۶۴ شهید اجازه نسبتاً مفصلی به تاج‌الدین بن هلال جزائری داده است. برای متن اجازه بنگرید به: زین‌الدین بن علی العاملی، رسائل الشهید الثانی، ج ۲، ص ۱۱۶۱-۱۱۶۳؛ افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳ بخشی از اجازه را نقل کرده است.



اخذ شده؟ متأسفانه در متن نامه‌های موجود هیچ اشاره‌ای در این خصوص نیامده است.^۱ ظاهراً شهید پس از ۹۵۵ تا ۹۶۵ با برخی از شاگردانش به صورت مکتوب ارتباط داشته است. ابن‌عودی در فصل هفتم، شعرهایی که در مدح شهید سروده شده را گرد آورده است. شاید در این بخش اشعاری از عالمان غیر شیعی که شهید راستوده‌اند نیز ذکر شده باشد که در صورت یافت شدن، می‌تواند نوع روابط شهید با آن‌ها را نشان دهد. خاصه این‌که آیا عالمان مذکور شهید را به عنوان عالمی شیعی می‌شناخته‌اند یا شهید از آن‌ها تقیه کرده و خود را به آن‌ها عالمی شافعی معرفی می‌کرده است؟

فصل هشتم به ذکر دشواری‌ها و مشکلات شهید پرداخته و باید مشتعل بر حوادث زندگی او از ۹۵۵ تا ۹۶۵ باشد. ابن‌عودی در فصل مذکور به بیان علت بیم و ترس شهید و شرح پنهان شدن او پرداخته که نشانگر جدی بودن تهدید زندگی شهید در آن سال‌هاست. ابن‌عودی از مخالفان شهید با عنوان دشمنان و سعایت‌کنندگان از شهید نام برده (الاعداء و اهل السعایات)؛ اما هویت آن‌ها را به روشنی بیان نکرده است.

از گفته ابن‌عودی که اشاره به مکاتبات خود با شهید در آن سال‌ها کرده، می‌توان دریافت شهید در سال ۹۵۶ ق مدتی در جزین و خانه ابن‌عودی پنهان بوده و جزین یکی از مهم‌ترین مخفی‌گاه‌های شهید ثانی در ایام مذکور بوده است و شاید به هنگام خطر جزین را ترک کرده و پس از رفع خطر به آن‌جا بازمی‌گشته؛ چرا که دانسته است او در سال‌های مذکور به دلیل آن‌که گروهی در تعقیب او بوده‌اند، در مناطق و روستاهای دیگر جبل عامل گریزان بوده است؛^۲

۱. در خصوص نامه‌های مذکور بنگرید به: رضا مختاری، «نامه‌ای از پدر شیخ بهایی خطاب به شهید ثانی»، نسخه پژوهی، به کوشش ابوالفضل حافظیان (تهران: ۱۳۸۵ش)، دفتر سوم، ص ۶۲۵-۶۲۶؛ یوسف طباجه، «رسالة الشيخ حسين بن عبدالصمد العاملي والد البهائي، الي أستاذة الشهيد الثاني»، المنهاج، العدد التاسع والعشرون، ربيع ۱۴۲۴/۲۰۰۳، ص ۱۵۲-۱۹۵؛ همو، «تتمة الرحلة العراقية»، كتاب شيعه، شماره ۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۰ش)، ص ۴۷-۵۹. نامه مورد اشاره مختاری فاقد تاریخ است، اما طباجه بر اساس محتوای نامه معتقد است که نامه مذکور پس از نگارش شرح لمعه (پایان تألیف شب یکشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۹۵۷) نوشته شده و شهید پس از تألیف شرح لمعه، نسخه‌ای برای شیخ حسین حارثی که در آن تاریخ در عراق ساکن بوده، فرستاده و از وی خواسته تا نظرات خود را در خصوص آن بیان کند. بنگرید به: یوسف طباجه، «من رسالة للشيخ حسين بن عبدالصمد والد الشيخ البهائي»، كتاب شيعه، شماره ۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۰ش)، ص ۶۰-۶۲.

۲. شهید ثانی در روز پنج‌شنبه آخر جمادی الاولی ۹۵۸ اجازه‌ای به سیدعلی صائغ داده، اما اشاره‌ای به مکان اجازه نکرده و تنها گفته او اجازه را پس از آن‌که سید علی کتاب الروضة البهية را نزد او خوانده، به وی داده است. ۹۵.



نکته‌ای که لاهیجانی نیز به آن اشاره کرده است. از اشاره لاهیجانی که شهید مجبور به ترک مکان خود بوده، می‌توان دریافت که کسانی در جستجوی او بوده‌اند.

فصل نهم کتاب *بعیة المرید* به بحث از گزارش‌های موجود درباره شهادت شهید ثانی اختصاص یافته و به بیان علت دستگیری او و کسانی که در دستگیری شهید نقش داشته‌اند، پرداخته است (و سبب القبض علیه و من سعی فی تعجیل الحتف الیه). ابن عودی هم چنین به بحث از مکان و جایی که شهید دستگیر شده پرداخته و شرح چگونگی دستگیری و قتل شهید را نیز آورده است. نکته جالب توجه این است که ابن عودی در عنوان فصل اخیر اشاره به نامه‌هایی در شفاعت از شهید کرده اشاره کرده است که اعیان اهل شام که احتمالاً مقصود او دمشق است. و دیگر عالمان آن عصر در حمایت و شفاعت از شهید نوشته‌اند. ابن عودی به هویت و یا حتی مذهب عالمان مذکور اشاره نکرده، اما می‌توان دریافت که نویسندگان نامه از عالمان سنی شام بوده‌اند.^۱

فصل آخر به تناقضات و اخبار مختلف درباره سرانجام شهید پرداخته؛ اما عنوان فصل دلالت دارد که شهید پس از دستگیری در مکه به استانبول (الروم) فرستاده شده است. هم چنین فصل اخیر نشانگر آن است که عالمان جبل عامل درباره سرانجام شهید اخبار مختلفی شنیده بودند و همان گونه که در گزارش ابن صائغ نیز آمده، اطلاعات آن‌ها چندان دقیق نبوده است. ابن عودی در خاتمه، برخی اشعار و مراثی در سوگ شهید را نقل کرده است.^۲ مطالب نقل شده با آغاز افتاده به عنوان روایی شیخ محمد جبائی و قصیده‌ای در سوگ زین الدین که ابن عودی سروده، به احتمال فراوان از بخش اخیر کتاب *بعیة المرید* است.^۳

لله در آغاز اجازه شیخ حسن اشاره نموده که شهید اجازه را به ابن صائغ پس از قرائت و کتابت نسخه *الروضه* داده است (مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۱۳۹-۱۴۲). بخشی از نسخه‌ای که ابن صائغ کتابت کرده در کتابخانه مجلس شورای اسلامی باقی مانده است. بنگرید به: *احیاء الدائر من القرن العاشر*.

۱. در کتاب‌های تراجم شام در قرن دهم و یازدهم که تا کنون به چاپ رسیده، ذکری از شهید ثانی نیست. محمد امین بن فضل الله محبی (۱۰۶۱-۱۱۱۱ق) در کتاب *نفحة الريحانة و رشحة طلاء الحانته*، تحقیق عبدالفتاح محمد حلوق (قاهره، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۸م)، ج ۲، ص ۳۰۲ در ضمن شرح حال شیخ حسن صاحب معالم در عباتری کوتاه به شهید ثانی اشاره کرده و در خصوص او نوشته است: «و أبوه زین الدین ممن كان له صيت يفلق الصخر، وتقدم فيما بينهم يفلق عنه فجر الفخر، إلا أن الأيام غالت بطوارقها ونازلته برواعدها و بوارقها على جهد في قتله جهيد حتى ألقى السمع وهو شهيد». عبارت اخیر موضع برخی عالمان شافعی دمشق در خصوص شهید و مخالفت آن‌ها با قتل او را نشان می‌دهد.

۲. *الدر المنثور*، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۳. *الدر المنثور*، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۷، ۱۹۷-۱۹۸.

از نکات مهم دیگر آمده در کتاب بغیة المرید، کرامت‌های نقل شده درباره شهید ثانی است که برخی از آن‌ها به شکل متداول در سنت تراجم‌نگاری یعنی بیان خواب نقل شده است.^۱ خواب‌هایی که ابن عودی نقل کرده، برخی از جنبه‌های زندگی شهید ثانی را نیز روشن می‌کند. عالم برجسته معاصر شهید ثانی، محقق کرکی (متوفی ۹۴۰ق) است که شهید علی‌رغم معاصر بودن، دیدار مستقیم با او نداشته است و بر اساس اشاراتی که در ضمن شرح حال شهید آمده، می‌دانیم که شاگردان محقق کرکی در سال‌های مذکور نفوذ و اقتدار فراوانی داشته‌اند. هم‌چنین بنا بر رسم متداول در نظام مرجعیت، پس از درگذشت مرجع، مرجع جدید از میان حلقه شاگردان او انتخاب می‌شود و شاید دلیلی که شهید ثانی سال‌ها مجتهد بودن خود را پنهان می‌کرده یا در مواجهه با شاگردان محقق کرکی، در ابتدا تمایلی به بیان مجتهد بودن خود نداشته، ناشی از این امر باشد. سنّ اندک شهید در هنگام درگذشت محقق کرکی نیز قابل توجه است: جوانی ۳۳ ساله در مقابل شاگردان میانسال محقق کرکی؛ بیان اجتهاد توسط شهید، چندان مقبول نبوده است.

ابن عودی بدون آن‌که اشاره‌ای مستقیم به این مسئله داشته باشد، خوابی نقل کرده که مربوط به این مشکل است. او اشاره کرده که در سال ۹۴۲ق یکی از مؤمنان به نام زین الدین فقعی در خواب هنگامی که همراه با گروهی بوده، دیده بود که فردی با هیبت بر آن‌ها وارد شده بود و کوزه‌ای آب در دست داشته است. در همان خواب که تفصیل آن نقل نشده، زین الدین نیز حضور داشته و احتمالاً جمع مذکور، مجلس درس زین الدین بوده باشد. زین الدین

۱. درباره اهمیت خواب در سنت اسلامی به نحو عام بنگرید به:

Leah Kinberg, "The Legitimization of *MadhĀhib* through Dreams," *Arabica* 32 (1985): 47-79; idea, "The Standardization of QurĀn Readings: The Testimonial Value of Dreams," *The Arabist: Budapest Studies in Arabic* 3-4(1991): 223-38; idea, "Literal Dreams and Prophetic ĪdĪth in Classical Islam--A Comparison of Two Ways of Legitimization," *Der Islam* 70 (1993): 279-300; Joseph E. Lowry, "Time, Form, and Self: The Autobiography of AbŪ ShĀma," *EdebiyĀt: Special Edition--Arabic Autobiography* NS 7(1997): 313-25; Jonathan G. Katz, "Visionary Experience, Autobiography, and Sainthood in North African Islam," *Princeton Papers in Near Eastern Studies* 1 (1992):85-118; idem, *Dreams, Sufism, and Sainthood: the Visionary Career of Muġammad al-ZawĀwĪ* (Leiden: E.J. Brill, 1996).



پوشش کوزه را کنار زده و به نوشیدن آب پرداخت در حالی که کوزه در دست فرد مذکور بود. فقحانی پرسیده بود که شخص کوزه به دست کیست؟ و در پاسخ به او گفته شد بود که آن فرد محقق کرکی است. ابن عودی در ادامه اشاره دارد که شهید ثانی به واسطه از محقق کرکی اجازه روایت دارد.^۱ نقل خواب مذکور در حقیقت تلاشی جهت پاسخ دهی به مشکل مذکور بوده و مقام بالایی نیز برای شهید ثانی در مقابل محقق کرکی تصویر کرده است.

برخورد تند شاگردان محقق کرکی با شهید در جایی دیگر از شرح حال زین الدین و در بحث از تعیین قبله عراق در سال ۹۵۶ آمده است. چنان که شهید ثانی نیز در برخی آثار خود که در سال های آغازین بیان اجتهاد خود تألیف کرده، به تندی از نظرات محقق کرکی انتقاد کرده بود؛ هرچند در آثار بعدی خود به نحو ملایمی به نقد نظرات محقق کرکی پرداخت.^۲

۱. *الدرالمشور*، ج ۲، ص ۱۶۰. اهمیت نقل خواب اخیر از قول زین الدین فقحانی در این است که او از شاگردان محقق کرکی بوده و از وی اجازه نیز داشته است. به مطلب اخیر محیی الدین بن احمد میسی در اجازه خود به ملا محمود لاهیجانی در اوایل ربیع الاول ۹۵۴ (در کربلاء) اشاره کرده است. بنگرید به: مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۱۷۳-۱۷۴. حرّ عاملی (*امل الآمل*، ج ۱، ص ۹۲) تنها اشاره کرده که فقحانی از شاگردان علی بن عبدالعالی میسی (متوفی ۹۳۸) بوده است. نیز بنگرید به: افندی، *ریاض العلماء*، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲. *الدرالمشور*، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۱. زین الدین در سال ۹۴۶ ق سفری به عراق داشته و در نجف با شرف الدین سماکی که ابن عودی از وی به عنوان یکی از شاگردان محقق کرکی یاد کرده، دیداری داشته است. نکته جالب توجه این است که سماکی در کنار بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام از شهید پرسیده بود آیا مجتهد است یا خیر و در پرسش خود قصد خیر دارد (... واجتمع علیه فضلاء العراق، وکان منهم السید شرف الدین السماک العجمی احد تلامذة المرحوم الشیخ علی بن عبدالعالی، وأخذ علیه العهد عند قبة الامام امیر المؤمنین علیه السلام الا ما اخبره ان کان مجتهداً واقسم له انه لا یرید بذلك الا وجه الله سبحانه). *الدرالمشور*، ج ۲، ص ۱۶۹. تعابیر به کار رفته در اشاره به محقق کرکی حتی توسط برخی شاگردان شهید ثانی و نوع تعابیر استفاده شده در معرفی شهید ثانی نیز جایگاه محقق کرکی را در میان شاگردان او و معاصرانش نشان می دهد. ملا محمود لاهیجانی که پیش از اول رجب ۹۵۳ به جبل عامل رفته و تا آخرین روزهای اقامت شهید در ۹۶۵ همراه او در مکه بوده، نمونه ای مهم برای نشان دادن مطلب اخیر است. لاهیجانی در چند اجازه خود در سال ۹۹۴ ق از محقق کرکی با عبارات های «الشیخ الأجل الأکمل المحقق المدق، فقیه أهل البيت فی دهره، ومفتی الإمامیة فی عصره» و از شهید ثانی با تعابیر «الشیخ السعید والفقیه النبیة الشهدیة أسوة أهل التحقیق وقدوة ذوی التدقیق» یاد کرده است. بنگرید به: مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۵، ص ۱۸۲، ۱۸۶. لاهیجانی در اجازه های دیگر در تاریخ ۹۷۴ ق تعابیر را به گونه ای دیگر به کار برده است. او در اجازه اخیر از شهید ثانی به «الشیخ السعید والمحقق الشهدیة خاتمة المجتهدین» و از محقق کرکی به «الشیخ الأجل والعالم الأکمل فقیه أهل البيت فی زمانه ووحید عصره وأوانه» یاد کرده است. (مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱۰۶، ص ۱۷۶). برای تعابیر دیگری که لاهیجانی از شهید ثانی و محقق کرکی یاد کرده هم چنین



الدَّرَامَةُ شُورٌ مِنَ الْمَأْثُورِ وَغَيْرِ الْمَأْثُورِ

تأليف

الفقيه المحدث المفسر
على بن محمد بن الحسن بن زين الدين
الجبعي العاملي

(الجزء الثاني)



للغ بنگرید به: محمد برکت، «اجازة روایتی محمود بن محمد لاهیجانی به علی بن حسن گیلانی»، هدیة بهارستان به زنده یاد استاد میرجلال الدین محدث ارموی، به کوشش عبدالحسین طالعی (تهران، ۱۳۸۶ش)، ص ۴۴۸-۴۴۹. شهید ثانی خود نیز از محقق کرکی با عنوانی چون «الشیخ الإمام، المحقق المنقح، نادرة الزمان، ویتیمة الأوان» «الشیخ الامام ملک العلماء والمحققین» یاد کرده است (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۵۱، ۱۵۶)؛ هرچند تعابیری که شهید برای استادش علی بن عبدالعالی میسی (بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۱۴۹) به کار برده، برتر از تعابیری است که او در اشاره به محقق کرکی به کار برده است (... شیخنا الامام الأعظم بل الوالد المعظم شیخ فضلاء الزمان ومربی العلماء الأعیان الشیخ الجلیل الفاضل المحقق العابد الزاهد الورع التقی نورالدین علی بن عبدالعالی المیسی العاملی رفع الله مکانه فی جنته وجمع بینه وبین أحبته...). شهید ثانی در تألیف برخی از آثار خود به نگاشتن محقق کرکی توجه داشته است. برای بحثی در خصوص مطلب اخیر بنگرید به: رضا مختاری، «تأثر المحقق الكرکی بالشهید الأول وتأثیره علی الشهید الثاني»، جمع پیریشان (قم: نشر دانش حوزه، ۱۳۹۱ش)، ج ۳، ص ۴۲۸-۴۳۶.

کتابخانه آستانه حضرت ابوالفضل (ع) در کربلا منتشر کرده است



مکتبۃ العباسیة المقدسیة
کربلاء العباسیة المقدسیة

۸

فَهْرَسْتُ مَخْطُوطَاتٍ

مِکتبۃ العَبَّاسِیَّةِ المَقَدِّسیَّةِ

العِرَاق - کربلاء المقدسیة

المجلد الثالث

إعداد وفهرسة

السیدة حنین الموسوی البرزجی



مناقب حضرت فاطمه رضي الله عنها تأليف دانشمندی از اهل سنت

به کوشش: حسین شهسواری

مقدمه

در شبی باصفا، دوست گرمی و بافضیلت، جناب مستطاب، آقای حسین متقی زنجانی، تحفه و هدیه‌ای از کشور کهن و باسابقه که زمانی مرکز امپراتوری بزرگ اسلامی بود - ارائه کردند که نام بی بی دو عالم دخت نبی و جفت ولی و امام حسنین علیهم السلام در عنوان آن می‌درخشید. تصویر نسخه خطی چهاربرگی که متشکل از جلد و شش صفحه بود، به غایت زیبا از ظاهر و منور به نور الهی فاطمی که از مشکاة نبوی پرتو افشاند و به جان تیره و تار مشتاقان تابیده است.

چون سخن از نسخه‌ای بسیار نادر در فضائل و مناقب دُر دانه هستی به میان آمد که عالمی مشهور از مذهب مخالف گرد آورده و تألیف نموده بود، فرمودند: «نسخه چند برگی نیز در مناقب ناموس دهر، ام ابیها، فاطمه زهرا علیها السلام، در دست دارم که به زبان فارسی است؛ شایسته است در نشر آن اهتمام گردد.» اظهار لطف نموده، تحویل حقیر دادند. بنده ناچیز آن را پس از حروف چینی و عنوان گذاری، به صورتی که مشاهده می‌شود در آوردم.

در این متن دو روایت اصلی آمده و در ضمن شرح آن، دو حدیث دیگر نیز آورده است. هم چنین پس از ذکر اقوال متعدد درباره برتری وجود مبارک صدیقه طاهره علیها السلام بر دیگر زنان، صحیح ترین نظر و قول را یاد آور شده است.

نسخه‌شناسی

نسخه مذکور در کتابخانه دانشگاه استانبول ترکیه که دارای منابع و مصادر فراوانی از دست‌نوشته‌های عالمان مسلمان است، نگهداری می‌شود.

نویسنده اثر مذکور و هم‌چنین کاتب آن نامعلوم است. نسخه چهار صفحه‌ای، دارای خط نستعلیق و به ظاهر متعلق به قرن یازدهم هجری است. ۲۰.۵×۱۲ / متن ۱۴۳×۶۷ میلیمتر، ۶۴ برگ، ۱۱ سطر، کاغذ زرد آهارزده، جلد تیماج سرخ مطلا با ترنج و سرترنج و لچکی و لولادان آرایش: مجدول طلایی و لاجوردی و مشکی، روی عبارات عربی خط بریده قرمز کشیده‌اند، دوسر لوحه مذهب (درب ۱ و ب ۵)، شماره مجموعه ۱۲۹۴ (IUK.FY).^۱



۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، ص ۵۶۰، گردآورندگان: توفیق هاشم‌پور سبحانی و حسام‌الدین آق‌سو، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

تا عوم فضل وی بر تمامه مشایخ عالم تا بست
 شده و اقدار علم و بعضی از علمای عایشه را
 فضل نه مندر بر خاطر از جمله آنکه عایشه با پیغمبر
 صلی الله علیه و سلم در بهشت باشد و خاطر با علی
 و لا بد تمام و مکان پیغمبر صلی الله علیه و سلم اعلی
 و اشراف باشد از تمام علی ولیکن در احوال
 واقع شده است که آنحضرت با خاطر خطاب کرد
 من و تو علی و حسن و حسین رضی الله عناهم
 در یک مکان و یک مقام و نام بود
 اصح مذکور است که خاطر رضی الله عناهما در دنیا
 افضل است از عایشه رضی الله عنها و پیغمبر و اولاد

و چون مالک از آن پرسید مذکور است که
 بعثت من الله صلی الله علیه و سلم خاطر بکار
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم و لا افضل علی ما بعثت
 من رسول الله صلی الله علیه و سلم احد افضل منی
 نه هم بر حکم بار که پیغمبر بکنس را اما مسیلمی
 که آنچه خیار است و دین ماست آنست که خاطر
 افضل است و بعد از وی و در شرح دیگر بعد از آن
 عایشه رضی الله عنهن اجمعین و در تفسیر و تفسیر
 نیز اختلاف دارد و حق آنست که نسبت اختلاف
 و سخن در فضیلت همین گفته خواهد است که علمای ائمه
 کرده اند ولیکن بکنس شرف ذات و طهارت

طیبت و پاکیزگی و نور بنام حسن و حسین
 رضی الله تعالی عنهم نیز رسد و الله اعلم
 بالصواب و نیز گفته آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم در وقت استماع آنحضرت بعد از
 آنکه رفت پیش پسر محمد بن خاطر رضی الله
 عنهما **یا فاطمه! لا ترصدین ان تکلمی سیدة**
بنسأ و اهل الجنة گفت آنحضرت ای فاطمه
 راضی نیستی که باشی بهترین زنان
 از میان زنان بهشت **أوفی العارین**
یا کنت سیدة نساء العالمین یعنی دل آنک
باشی و از هزاران و شاکر باشی که خدا ترا

این قدر مرشد علی داده است که هیچ کس نماند
 غیر از تو و نیز بدانند که وقتی که حضرت
 در روز محشر مشرف شود بمذخر العین از بهشت
 بر پیش خاطر ایستد از روی تعظیم و توقیر آن
 و همان حالت هر اهل طهارت میدرخد و بطبع
 آنکه ای بهشت و این تعلیم غیر خاطر هیچ کس نبوده
 و سعادت غنیمی است که بر آن دختر معصوم که آن
 حضرت خاطر رضی الله عنها نام دارد شده بر
 موجب الهام ربانی که تسبیح فرزند آن
 در حق پدر و مادر محض الهام است و عین
 رحمت و نور است **الله اعلم بالصواب**

مناقب فاطمة رضي الله عنها

۱. وعن المسور بن مخرمة: ^۱ ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: «فاطمة بضعة مني فمن اغضبها اغضبني [وفي رواية: يريني ما اراها] ويؤذيني ما آذاها.»
"متفق عليه." ^۲

[ترجمه و شرح]

وعن المسور بن مخرمة: ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: «فاطمة بضعة مني.» ^۳
فاطمه كوشت پاره منست.

و سهیل استدلال کرده است به این که هر که دشنام کند فاطمه را، کافر شود.
«فمن اغضبها اغضبني»: بس کسی که در خشم آرد او را، در خشم می آرد مرا.
از جهت مکان جزئیّت و اتحاد.

وفي رواية: ^۴ «يريني ما اراها»: بد می آید و ناخوش می گرداند او را. «ويؤذيني ما آذاها»:
آزار می کند مرا، چیزی که آزار می کند او را.
"متفق عليه."

[فاطمه افضل زنان مؤمنات]

بدان که فاطمة زهرا افضلیت دارد بر تمامه نساء مؤمنات حتی مریم و آسیه و خدیجه و عایشه، هم چنین گفته است سیوطی. و در حدیث دیگر آمده که: مثل فاطمه درین امت، مثل مریم است در قوم خود.

و تواند که خلاف این اخبار بجهت اطلاع آن حضرت بود صلى الله عليه وآله وسلم بر فضیلت فاطمه بوحی و اعلام پروردگارتا عموم فضل وی بر تمامه نساء عالم ثابت شده. والله اعلم.

۱. وهو أبو عبد الرحمن المسور بن مخرمة بن نوفل بن أهب القريشي البصري ولد ق. ۲. خاله عبد الرحمن بن عوف قتل في فتنة ابن الزبير ۶۴ ق.

۲. قال حاكم في المستدرک على الصحيحين: حدثنا أبو سهل أحمد بن محمد بن زياد القطن ببغداد ثنا إسماعيل بن إسحاق القاضي ثنا إسحاق بن محمد الفروي ثنا عبد الله بن جعفر الزاهري عن جعفر بن محمد عن عبد الله بن أبي رافع عن المسور بن مخرمة رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ: «إنما فاطمة شجنة مني يبسطني ما يبسطها ويبضني ما يبضها» هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه.

۳. صحيح البخاري: الجزء الخامس باب مناقب فاطمة ؑ ص ۲۹.

۴. صحيح مسلم: الجزء السابع ص ۱۴۰.

[فاطمه عليها السلام افضل است يا بعضی همسران پیغمبر صلى الله عليه وآله?]

بعضی از علماء عایشه را فضل نهند بر فاطمه، از جهة آن که عایشه با پیغمبر صلى الله عليه وآله علیه [وآله] و سلم در بهشت باشد و فاطمه با علی و لابد مقام و مکان پیغمبر صلى الله عليه وآله علیه [وآله] و سلم اعلى و اشرف باشد از مقام علی.

ولیکن در احادیث واقع شده است که آن حضرت با فاطمه خطاب کرد که: من و تو و علی و حسن و حسین رضي الله تعالى عنهم در يك مکان و يك مقام خواهیم بود. اصح مذهب آنست که فاطمه رضي الله تعالى عنها افضل است از عایشه رضي الله تعالى عنها و بعضی در توقف مانده.

و چون مالك را ازان پرسیدند، گفت: «فاطمة بضعة من النبي صلى الله عليه وآله علیه [وآله] و سلم.» فاطمه جگرپاره پیغمبر است صلى الله عليه وآله علیه [وآله] و سلم. «ولا افضل علی ما بضعة من رسول الله صلى الله عليه وآله علیه [وآله] و سلم احد.» افضلیت نمی نهم بر جگرپاره پیغمبر، هیچ کس را. امام سیبکی فرموده است که: آن چه مختار است و دین ما است، آنست که فاطمه افضل است و بعد از وی مادرش خدیجه، بعد ازان، عایشه رضي الله عنهم اجمعین.

و در خدیجه و عایشه نیز اختلاف دارند و حق آنست که حیثیات مختلف اند و سخن در افضلیت بمعنی کثرة ثواب است که علماء اعتبار کرده اند و لیکن هیچ کس بحسب شرف ذات و طهارت طینت و پاکی جوهر، بفاطمه و حسن و حسین رضي الله تعالى عنهم نمی رسد. والله اعلم بالصواب.

۲. [آن حضرت صلى الله عليه وآله علیه و آله و سلم در وقت انتقال حضرت بعالم آخرت، بمشاهده حزن فاطمه رضي الله تعالى عنها قال: يا فاطمة الاترضين ان تكوني سيّدة نساء اهل الجنة او نساء العالمين؟]

۱. قال حاكم في المستدرک على الصحيحين: زكريا بن أبي زائد عن فراس عن الشعبي عن مسروق عن عائشة رضي الله عنها ان النبي صلى الله عليه وآله قال وهو في مرضه الذي توفي فيه: «يا فاطمة الاترضين ان تكوني سيّدة نساء العالمين وسيّدة نساء هذه الأمة وسيّدة نساء المؤمنين؟» هذا اسناد صحيح ولم يخرجاه هكذا.

در این باره به منابع و مصادر زیر مراجعه شود: صحيح بخاري، جزء پنجم، باب مناقب فاطمة عليها السلام، ص ۲۹. صحيح مسلم، جزء هفتم، باب فضائل فاطمة عليها السلام، ص ۱۴۲-۱۴۳. مناقب ابن مغازلي، ص ۳۹۹، در حاشیه آن مصادر فراوانی ذکر شده است که شایسته مراجعه می باشد. و نیز صحيح ترمذی، ج ۵، ص ۷۰۰ باب فضل فاطمة عليها السلام؛ خصائص أميرالمؤمنين عليه السلام، احمد نسائی، ص ۳۴؛ الجمع بين الصحاح الستة، رزین العبدري در قسمت پنجم از آخر و جزء دوم از اجزاء دوگانه ها از نصف در باب مناقب فاطمة عليها السلام از صحيح أبي داود سجستانی که همان کتاب سنن می باشد. رج عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، ابن بطريق رحمته الله

و نیز گفت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در وقت انتقال حضرت بعالم آخرت، بمشاهده حزن فاطمه رضي الله تعالى عنها قال: «يا فاطمة الا ترضين ان تكوني سيّدة نساء اهل الجنّة؟» گفت آن حضرت: ای فاطمه! راضی نیستی که باشی بهترین زنان از میان زنان بهشت؟ «او نساء العالمين؟» یا گفت: سيّدة نساء العالمين یعنی دل تنك مباش و از خدا راضی و شاکر باش که خدا مرا این قدر مرتبه علیا داده است که بهیچ کس نداده غیر از تو.

و نیز بدان که وقتی که حضرت فاطمه در روز محشر حشر شود، همه حورالعین از بهشت به پیش فاطمه می آیند از روی تعظیم و توقیرایشان و بهمان حالت همراهی فاطمه بجنّت می روند و بانواع حلّ های بهشت. و این تعظیم بغیر فاطمه بهیچ کس نبوده. و سعادت عظمی است که بر آن دختر معصومه که بنام حضرت فاطمه رضي الله تعالى عنها نام دار شده است بر موجب الهام ربانی که تسمیة فرزندان در حق پدر و مادر محض الهام است و عین رحمت و نور است. الله اعلم بالصواب.



رساله در طريق تحصيل علم محمد جعفر خراسانی (۱۰۸۰-۱۱۵۲ق)

به کوشش: محمد علی عیوضی

مقدمه

آدمی در انجام هر کاری به دنبال هدفی است و مهمترین وسیله نیل یا عدم نیل به اهداف آگاهی یا عدم آگاهی به راه و مسیر رسیدن به هدف می باشد. از این رو امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

ما من حركة الا وأنت محتاج فيها الى المعرفة.^۱

وامثال این خبر در مصادر حدیث بسیار یافت می شود. هر قدر اهمیت هدف بالاتر باشد خطر عدم آگاهی نسبت به مسیر آن نیز بیشتر است.

تحصیل علم هم از حیث تقدّم آن بر عمل^۲ و هم بالأصله از اهمّ مسائل در تکامل انسان و جامعه بشری است. لذا باید عمل به آداب آن به بهترین وجهی مورد ملاحظه طالبان علم قرار گیرد و کسانی که ادعای سمّت تعلیم دارند، هم نسبت به آداب تحصیل آگاهی داشته باشند و هم عامل و آمر به آن باشند. بسیاری از اعلام دین و علمای راستین در نامه ها، رسائل مفرده یا در ضمن آثارشان به این مسئله پرداخته اند که از مهم ترین آن ها می توان به منیه المرید

۱. بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، (ط-القدمية)، وصية أمير المؤمنين عليه السلام لجميل بن زياد رضي الله عنه، ص ۲۴.

۲. العلم أمام العمل والعمل تابعه. الخصال، «باب: في العلم تسع وعشرون خصلة...». ج ۲، ص ۵۲۲؛ الأمامي، شيخ طوسي، ص ۴۸۸، المجلس السابع عشر؛ مجموعة ورام، ج ۲، ص ۷۰؛ عدة الداعي ونجاح الساعي، ص ۶۶؛ إرشاد القلوب إلى الصواب، ديلمی، ج ۱، ص ۱۶۵، الباب التاسع والأربعون في الأدب مع الله تعالى.

فی ادب المفید والمستفید اثر شهید ثانی اعلی الله مقامه و آداب المتعلمین منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی رحمته اشاره نمود. اثر حاضر نیز رساله مختصری است که نام آن در تنها نسخه شناخته شده از آن رساله در تحصیل کردن علم ذکر شده است. مؤلف اثر نیز یکی از دانشی مردان بزرگ عصر صفوی است. نظریات خاص مؤلف و هم چنین گزارش وی از متون درسی اواخر عصر صفوی بر اهمیت این اثر می افزاید. ما در ذیل به بررسی احوال و آثار مؤلف خواهیم پرداخت و مطالب مربوط به رساله را در حواشی ذکر می نماییم.

محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی

محمد جعفر بن محمد طاهر بن عبدالله خراسانی طوسی^۱ در سال ۱۰۸۰ در خبوشان (قوچان کنونی) زاده شد.

وی ابتداءً برای تحصیل علم به مشهد مقدس رضوی - علی هاجرها آلاف التحية والسلام - مهاجرت و موفق به دریافت اجازه از شیخ حرّ عاملی صاحب وسائل گردید^۲. سپس در ۲۷ شعبان سال ۱۱۰۳ جهت ادامه تحصیل به اصفهان کوچید. در اصفهان ابتدا در مدرسه ای و سپس به جهت سرمای هوا به مسجدی نقل مکان نمود و هفت سال؛ یعنی تا سال ۱۱۱۰ در آن جا به سر می برد، سپس در جمعه ۱۷ جمادی الاولی همان سال به حجره ای در مدرسه ملا عبدالله منتقل گردید.

همان گونه که خود می نویسد در ۱۱۱۲ هنگام خروج از مدرسه دارای مقبولیت اجتماعی بوده است، لکن به جهت استفاده از دسترنج خویش به شغل کرباس فروشی در بازار نیم آورد اصفهان روی می آورد. این کار تا سه شنبه ۷ ربیع الثانی سال ۱۱۲۵ ادامه می یابد و از این زمان است که وی به عزلت گزینی می گراید. ظاهراً تا زمان شورش افغانه و سال ۱۱۳۴ در اصفهان سکونت داشته و در این سال به کوپا از قرای اصفهان می گریزد.^۳

۱. نام جدّش مأخوذ از اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب: ۸. و نسبت وی به خراسان مأخوذ از عموم مصتفات وی و به طوس مأخوذ از کتاب تباشرمی باشد. نیز به جهت اقامت در اصفهان بعض ارباب تراجم وی را اصفهانی و به جهت امرار معاش از راه بیع کرباس، کرباسی گفته اند. نیز به جهت اقامت در یزد عنوان یزدی هم به وی داده شده است. هم چنین وی را کرمانی نیز گفته اند اما وجه آن معلوم نیست.

۲. رک: اکلیل المنهج: ۹.

۳. اعیان الشیعه: ۴: ۱۱۴.



در سال ۱۱۴۳ صاحب فرزندى به نام عبدالکريم مى شود. احوال او از اين سال تا ۱۱۵۱ مشخص نيست؛ همين قدر مى دانيم که در سال مذکور وى در يزد بوده و رساله تباشير را در آن جا نوشته است.

از شاگردان وى مى توان به ملا اسماعيل خواجويى (درايه و رجال)^۱ محمد بن على مقابى بجرانى^۲ و صاحب جامع الرواة^۳ نام برد.

فرزندان وى عبارت اند از عبدالرزاق^۴ که گوهر مراد را براى وى تأليف نموده است^۵ و عبدالکريم که تاريخ ولادت او را در ظهر نسخه اکليل المنهج نوشته است^۶ و محمد حسين که نسخه شماره ۲۷۱ ط کتابخانه مجلس شورى اسلامى (ادراک المدارک) را به وى هديه کرده است^۷ و ابراهيم که همان نسخه را بعداً به او هديه کرده است^۸.

سال وفات وى را بايد بعد از ۱۱۵۱ ق دانست؛ زيرا رساله تباشير را در اين سال نگاشته است. البته تاريخ سنگ مزار وى مخدوش مى باشد.^۹ در ظهر نسخه ۸۹۰۱ مجلس شورى اسلامى

۱. روضات الجنات: ۳: ۲۶۱.

۲. الذريعة الى تصانيف الشيعة: ۱: ۲۴۲.

۳. تلامذة العلامة المجلسي: ۸۸.

۴. اکليل المنهج: ۲۸. در ظهر نسخه شماره ۸۹۰۱ کتابخانه مجلس شورى اسلامى اين کلمات به خط مؤلف موجود است: «بسم الله الرحمن الرحيم. هذا الكتاب لولدي عبدالرزاق (وقفه الله لما يحب ويرضى) كتبه: محمد جعفر بن محمد طاهر (عفى عنهما).»

۵. رساله چهارم از مجموعه شماره ۲۷۹۳ کتابخانه مجلس شورى اسلامى ص ۹۸ نيز رک: الذريعة: ۱۸/ ۲۵۰.

۶. اکليل المنهج: ۲۸.

۷. عبارت وى اين است: «بسم الله الرحمن الرحيم. هذا الكتاب لولدي محمد حسين (وقفه الله لما يحب ويرضى) كتبه محمد جعفر بن محمد طاهر خراساني.»

۸. عبارت وى چنين است: «اين كتاب به ابراهيم برادر محمد حسين منتقل است. كتبه محمد جعفر بن محمد طاهر الخراساني.»

۹. اين است صورت سنگ مزار وى: «هذا مغرب مشرق الولاية ومغيب نجم مطلع الهداية قطب الفلك الكمال ومدار دياره الافضل مجدّد جهات الحقايق ومحيط اقطار الدقايق فالذي رقى سماء العرفان ببراق الرياضه وعرج عراش الايقان تقدم له قد ماقت كرامته كرامات الاقطاب وغلبت خلوته خلوات الطناب صاحب المقامات السنينة وكاسب الحالات العلية الخيرة الاعظم والتحرز المعظم وبرز عصره وكميل دهره المولى الكامل الكمل والمقتدى الفاضل المفضل العابد الزاهد فخر... مولانا محمد جعفر ملقب بکرباسى الذى واصل الى الرضوان بالتاسى اسكنه الله فى الجنان وآمنه من المخاوف والاحزان وكان ارتحاله قدس سره الذى الفانية الى عالم البقاء فى خمسين سنة بعد المائة والالف من هجرة سيد الانبياء عليه وآله آلاف التحية والثنا وكتبه العبد المذنب من الغايه سنة ۱۲۱۱.

که مشتمل بر چهار اثر از مؤلف می باشد (نوادر الأخبار، کراسه در شرح حدیث عن علیؑ لایزاله آتیه قضا فی امر آق... به خط مؤلف، رساله در موجبات نزح، رساله الی اهل کتاب) عبارتی این چنین نقش بسته است:

قد توفي المرحوم المغفور المبرور العالم الصالح المتقي مؤلف هذا الكتاب المسمى بنوادر الاخبار... وهو مولانا واستادنا ومقتدائنا مولانا محمد جعفر الخراساني رحمه الله في عشية ليلة الاربعاء الرابع والعشرون من شهر ربيع المولود سنة ۱۱۵۲ ودفن في صبيحة يوم في قبرستان جوی هرهر شهر. اللهم اغفر له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات إنه هو المغفور الرحيم. نیز ذیل عنوان کتاب که این گونه نوشته شده است: «کتاب نوادر الأخبار للعالم المتقی المولی محمد جعفر الخراسانی أعلى الله مقامه بخطه الشريف» آمده است:

وفات مؤلف هذا الكتاب المستطاب سنة ۱۱۵۲.

خراسانی در کتاب تباشیر (نسخه خطی مجلس) تاریخ درگذشت خود را در سال ۱۱۷۵ ق پیش بینی کرده بود.

اکنون آرامگاه وی با نام بقعه آخوند کرباسی در یزد زیارتگاه مؤمنان است.^۱



۱. این آرامگاه در محله جوی هرهر، خیابان مهدی، مقابل پارک وحشی باقی قرار دارد.

نسخه‌یابی آثار محمد جعفر خراسانی

۱. رساله در طریق تحصیل علم (رساله حاضر)

تنها یک نسخه از آن به شماره ۴۰۵۱/۱۴ در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود می‌باشد که در فهرست آن جا (ج ۱۰ ص ۷۷) به عنوان «آداب المتعلمین» معرفی شده است. مجموعه مذکور به خط کاتبان مختلف در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری کتابت شده و این رساله در میان برگ‌های ۱۲۸ تا ۱۳۰ قرار دارد.

۲. اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام

۳. اصحاب النبی صلی الله علیه و آله

محقق فاضل سید جعفر حسینی اشکوری احتمال می‌دهد که این اثر همان تلخیص سیر السلف باشد که مؤلف آن را به اکلیل المنهج الحاق نموده است.^۱

۴. اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب که نسخه اصل آن به خط مؤلف به شماره (۳۸۳۰/۲) در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی در قم نگهداری می‌شود. و از روی همان نسخه با تحقیق استاد سید جعفر حسینی اشکوری در قم به چاپ رسیده است.^۲

۵. اهل الکتاب

نسخه‌ای از آن به خط مؤلف به شماره ۸۹۰۱/۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.^۳

۶. الحاشیه علی تهذیب الأحکام

وی در این اثر حواشی استادش علامه مجلسی رحمته الله بر تهذیب را تبویب نموده و نیز در بعضی موارد که نیاز به توضیح عبارت دیده به شرح پرداخته است. نسخه‌ای از آن به شماره ۷۹۵/۱ - طباطبایی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می‌باشد.^۴

۷. الحاشیه علی کفایة المقتصد

در تتمیم امل الآمل والذریعة این اثر به وی نسبت داده شده است لکن نسخه‌ای از آن نمی‌شناسیم.^۵

۱. اکلیل المنهج: ۱۵.

۲. قم. دارالحديث لطباعة والنشر. چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش. ۶۴۷ ص. وزیري.

۳. فهرست مختصر مجلس: ۳۹۲.

۴. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ۹۴/۲۳.

۵. تتمیم امل الآمل: ۹۷ والذریعة: ۱۸۹/۶ تحت رقم ۱۰۳۳.

۸. الحاشیة على الروضة البهیة في شرح اللمعة الدمشقیة

این اثر را حسین مدرس طباطبایی در مقدمه‌ای بر فقه شیعه به وی نسبت داده و از وجود نسخه‌ای از آن به شماره (۲۷۱ طباطبایی) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی خبر می‌دهد.^۱

۹. حقیقت منی و وودی و وودی

نسخه‌ای از آن به شماره ۴۰۵۰/۲۲ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود می‌باشد.

۱۰. خمسه ضروریه

رساله‌ای است که مؤلف در آن به بررسی پنج مسئله ضروری فقهی (ارث، رضاع، طلاق، قضاء، نکاح) پرداخته است.

سه نسخه از آن می‌شناسیم:

۱. نسخه شماره ۶۴ کتابخانه مسجد جامع کبیر یزد.^۲

۲. نسخه شماره ۲۷۸۲/۱ کتابخانه ملی ملک.^۳

۳. نسخه شماره ۱۳۲۵ کتابخانه وزیری یزد.^۴

۱۱. رسائل اصولی

نسخه به خط مؤلف به شماره ۱۸۴۲۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می‌باشد.^۵

۱۲. الرضاع

نسخه به خط مؤلف به شماره ۳۸۳۰/۱ در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود می‌باشد.

۱۳. رسالة في الرضاع المحرم

نسخه‌ای از آن به خط مؤلف به شماره ۳۸۳۰ در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.

۱۴. شرح الكتب الاربعة

اول کسی که این کتاب را به وی نسبت داده است شیخ عبدالنبی قزوینی در تتمیم‌امل الامل است. وی می‌نویسد:

وله مؤلفات، منها شرحه على الكتب الأربعة على طرز عجيب وطور غريب.

به نسخه‌ای از آن اطلاع نیافتیم.

۴. مقدمه‌ای بر فقه شیعه: ۱۹۳.

۲. نشریه نسخه‌های خطی: ۳۸۳/۴.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک: ۲۷۸۲/۱.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد: ۹۲۹/۳.

۵. دنا: ۷۶۰/۵.



۱۵. صحف ادریس

یک نسخه از آن به شماره ض ۱۴۶۹۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.^۱

۱۶. التباشیر

نسخ ذیل را از کتاب مذکور می‌شناسیم:

۱. ش: ۲۵۰۹ کتابخانه مسجد اعظم.^۲
۲. ش: ۴۶۴۹ دانشگاه تهران.^۳
۳. ش: ۲۹۰ کتابخانه ملی ملک.^۴
۴. ش: ۵۱۲/۳ ط مجلس شورای اسلامی.^۵
۵. ش: ۱۹۲۹/۳ عکسی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.^۶
۶. ش: ۱۶۳۷۸/۶ آستان قدس رضوی.^۷
۷. ش: ۴۰۸۱ وزیری یزد.^۸
۸. ش: ۳۳۹۰/۵ کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.^۹
۹. ش: ۶۴۶/۴ مدرسه غرب همدان.^{۱۰}

۱۷. الغناء

نسخه شماره ۴۰۵۰/۲۴ مرکز احیاء میراث اسلامی.

۱۸. فوائد الأخبار للأصدقاء والأخبار

از آن دو نسخه می‌شناسیم:

۱. نسخه ش ۱۶۰۱ در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.^{۱۱}

۱. فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی: ۳۸۰.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم: ۱۳۴۶/۳.

۳. فهرست کتابخانه دانشگاه تهران: ۳۵۹۱/۱۴.

۴. فهرست: ۸۰۴/۴.

۵. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ۲۲۳/۲۲.

۶. فهرست نسخه‌های عکسی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی: ۵۸/۱.

۷. فهرست: ۴۴۴/۱۷.

۸. نشریه نسخه‌های خطی: ۳۶۳/۱۳.

۹. فهرست نسخ خطی کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله: ۱۹۶/۹.

۱۰. فهرست رشت و همدان: ۱۴۲۲.

۱۱. فهرست نسخ خطی کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله: ۳/۵.

۲. نسخه شماره ۶۷۸۶ دانشگاه تهران.^۱

۱۹. قاعدة الجمع بين الأخبار المختلفة

نسخه‌ای از آن به شماره ۴۰۵۰/۲۵ در مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است.

۲۰. گوهر مراد

سه نسخه از آن می‌شناسیم:

۱. نسخه شماره ۲۰۵/۶ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.^۲

۲. نسخه شماره ۲۷۹۳/۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.^۳

۳. نسخه شماره ۴۲۷۹۳ کتابخانه مجلس.^۴

۲۱. مدارک (اداراک) المدارک

نسخه‌ای از آن به خط مؤلف به شماره ۲۷۱-ط در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می‌باشد که در انتهای آن اجازه روایتی به خط علامه مجلسی رحمته الله علیه برای مؤلف آمده است. علامه در صدر اجازه از وی این گونه نام می‌برد:

المولى الأولی الفاضل الكامل العالم العامل المتوقد الزکی الأملعی میرزا محمد جعفر بن
مولى محمد طاهر...

۲۲. مسائل آیادی سبا

مجموعه اسئله و اجوبه‌ای است که بعضی از ثقات از حضرت علامه مجلسی رحمته الله علیه پرسیده‌اند و توسط خراسانی موبّ گردیده است. این اثر به تصحیح استاد سید مهدی رجائی به همراه ۲۴ رساله فارسی دیگر از علامه مجلسی در قم به طبع رسیده است.^۵
و اما نسخه‌های خطی آن:

۱. ش: ۱۲۷۴۷/۴ کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه.^۶

۱. فهرست دانشگاه تهران: ۳۰۶/۱۶.

۲. فهرست دانشکده ادبیات دانشگاه تهران: ۳۴/۳.

۳. فهرست مجلس: ۵۰/۱۰.

۴. همان: ۳۵۸/۳۷.

۵. بیست و پنج رساله فارسی. مجلسی، محمد باقر. تحقیق سید مهدی رجائی. قم. انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی. ۶۵۴ ص. (۷۰۰-۵۴۷). وزیرى.

۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه: ۴۰۰/۳۲.



۲. ش: ۶۸ کتابخانه علمی یزد.^۱
۳. ش: ۱/۱۴۳۹۰ مجلس شورای اسلامی.^۲
۴. ش: ض ۱۳۵۶۶ کتابخانه آستان قدس رضوی.^۳
۵. ش: ۱۹۶۷۲ همان مرکز.^۴
۶. ش: ۶/۲۲۸ کتابخانه علامه طباطبایی شیراز.^۵
۷. ش: ۴/۶۰۲ کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.^۶
۸. ش: ۱۸۹ مدارک فرهنگی.^۷

۲۳. المعاد

نسخه شماره ۴۰۵۰/۲۰ مرکز احیاء میراث اسلامی.

۲۴. المواعظ والاخلاق

نسخه به شماره ۳/۹۴۴۰ کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.^۸ خراسانی
این اثر را به هنگام سفر به عتبات برای میر شکرالله الهی نوشته است.

۲۵. موجبات النزح

نسخه ای از آن به شماره ۲/۸۹۰۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.^۹

۲۶. نوادر الاخبار

نسخ ذیل را از آن می شناسیم:

۱. ش: ۱/۸۹۰۱ مجلس شورای اسلامی (به خط مؤلف).^{۱۰}
۲. بدون شماره در موزه پارس شیراز.^{۱۱}
۳. ش: ۲۱۱۸ مرکز احیاء میراث اسلامی.

۱. نشریه نسخه های خطی: ۴/۴۴۹.

۲. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ۳۸/۵۲۰.

۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی: ۲۰/۴۴۷.

۴. همان: ۲۱/۱: ۱۶۸.

۵. نسخه پژوهی: ۳/۸۴.

۶. فهرست نسخه ۶۷۱ خطی کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله: ۲/۱۹۵.

۷. فهرست نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی: ۱۷۰.

۸. فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله: ۲۴/۲۰۳.

۹. فهرست مختصر مجلس: ۸۳۶.

۱۰. همان: ۸۷۰.

۱۱. نسخه پژوهی: ۱/۵۸.

۴. ش: ۱۰۹۱۹ در کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.

۲۷. کراسه ای در تفسیر روایت عَنِ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّهُ قَضَى فِي امْرَأَةٍ تُؤَفِّي زَوْجَهَا وَهِيَ حُبْلَى وَتَزَوَّجَتْ قَبْلَ أَنْ تَمُضِيَ الْأَرْبَعَةَ الْأَشْهُرَ وَالْعَشْرَةَ قَالَ يَفْرَقُ بَيْنَهُمَا وَلَا يَحْطُبُهَا حَتَّى يَنْقُضِيَ آخِرَ الْأَجَلَيْنِ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام هَذَا إِذَا لَمْ يَكُنْ دَخَلَ بِهَا فَأَمَّا إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فِي عِدَّتِهَا وَكَانَ قَدْ دَخَلَ بِهَا فَرَفَّقَ بَيْنَهُمَا وَلَمْ يَحِلَّ لَهُ أَبَدًا وَهَذَا صَدَقَ بِمَا اسْتَحَلَّ مِنْ فَرْجِهَا فَإِنْ لَمْ يَكُنْ دَخَلَ بِهَا فَرَفَّقَ بَيْنَهُمَا فَإِذَا انْقَضَتْ عِدَّتُهَا تَزَوَّجَهَا إِنْ شَاءَ وَشَاءَتْ هَذَا إِذَا كَانَا عَالِمَيْنِ بِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَحِلُّ فَإِنْ جَهَلَا ذَلِكَ وَكَانَ قَدْ دَخَلَ بِهَا فَرَفَّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهُمَا ثُمَّ يَتَزَوَّجُهَا إِنْ شَاءَتْ وَشَاءَ قِيلَ لَهُ فَإِنْ كَانَ أَحَدُهُمَا تَعَمَّدَ ذَلِكَ وَالْآخَرَ جَهَلَهُ قَالَ الَّذِي تَعَمَّدَهُ لَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى صَاحِبِهِ وَقَدْ يَعْدُرُ النَّاسُ فِي الْجَهَالَةِ بِمَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْ هَذَا.

این کراسه در میان اوراق نسخه نوادر الاخبار شماره ۸۹۰۱ مجلس شورای اسلامی موجود می باشد. خراسانی در این کراسه روایت را به نقل از کتاب دعائم الإسلام فی معرفة الحلال والحرام نقل می نماید و آن را به محمد بن احمد بن جنید اسکافی رحمته الله نسبت می دهد و در توثیق وی می کوشد، در حالی که این کتاب از ابن حنیون نعمان بن محمد مغربی - حشره الله مع من أحبه - است^۲ و این روایت در آن موجود می باشد.^۳

۲۸. رساله در بیان کیفیت وضوء و غسل کسیر^۴ و صاحب قروح و جروح

نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۳۹۰/۲ موجود است.^۵

۲۹. معرفة السلوک

یک نسخه از آن به شماره ۷۱۹/۱۵ در مدرسه مبارکه حجّتیّه موجود می باشد^۶ و به تصحیح مجید غلامی جلیسه در ضمن دفتر معرفت و اخلاق (۱) زیر نظر استاد صدرایی خوبی به طبع رسیده است.^۷



۱. میراث شهاب: س ۹ ش ۲ ص ۲۶.

۲. رک: الذریعة: ۱۹۷/۸.

۳. دعائم الإسلام: ۲۳۶/۲.

۴. صفت مشبه به معنی اسم مفعول؛ یعنی: شکسته.

۵. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی: ۵۲۱/۳۸.

۶. فهرست نسخ خطی مدرسه مبارکه حجّتیّه: ۱۲۶.

۷. دفتر معرفت و اخلاق (۱)، صدرایی خوبی، علی و دیگران (مجید غلامی جلیسه)، قم، نورالسجاد، ۱۳۸۶.

۱۴۴ ص (۱۲۹-۱۴۴). وزیری.



ناده و از جمله طبیعی مشله بنظر نموده که مقتدا و دی و خزل
 بنوده و اصول فقه نیز از مثنیات و احاطه با اول کسی که در این
 فن تصنیف نموده شیخ مصیبات و بعضی از مباحث آن چون
 قیاس و رای و استخار تا و اشغال آنها در نزد علمای امامیه
 از رجوع اعتبار سزا و نظر و مسا ئل امری نه بخیر احتیاج است و بنا
 مباحث آن در فائده و لا طائل و قد ضروری چون احادیث
 و تقیید و طریق عمل در نزد فقها رضی الله عنهم احتیاج میکند
 این نوع نیست و بنا بر آنکه مسالت جناب مشایخ را لایق است که
 طریق تحصیل که در این زمان مرعی است مذکور کرده و اینها
 مترجم در این مذهب **مختصر فی ال در بیان الفقه**
مختصین را و استنبیست بدانه و فغانا الله تعالی که اول
 باید نفس ناطقه را یعنی بعضی اهل و مسترا از اول اهل **عهد**
 نموده و طریق عبادت که معین توفیق است از نجوم و جغیثات
 و بنی ناطق و عبادت و تشیع و غیرها بپود و هر قدر در این
 وقت را با نام زمان می ساخت و عبادت و صلحا است بنگاره

میراث شهاب

و ساطره داشت و انصاف را از دست نیامی داشت و چون خواهد
 که شروع در مطالعه عربی نماید باید که مروری با جمالی نماید تا
 معروضات را بشناسد پس مکرر تا معروضات نمایند تا معنی
 کلمات و وی را بداند پس جمله معانی را تا بشناسد بعد
 از معنی است او را در مضمون سال از جمله چون مطالعه نماید
 که بداند که صد را صل کلام است اول جمله معانی را
 مصد و کلام هر یک چه معنی دارد قیاس مرتبه دوم بر کتب
 مله خطه نماید جمله صد است که کلام حاصل می شود یا
 مصد و جو اسطر یا بدونه واسطه قیاس مرتبه سوم مله خطه
 نماید که در این مضمون **مختصر** یا نه و بگویند که مثل آنرا
 کلام هست و مصد را صل دی نیست جمع و جواب مله خطه
 نموده بگویند که مراد آنست که در اغل و قوافل اصل کلام
 و معنی نموده باشد که **مختصر** اگر نتواند که جزو معنی را از
 نظر دارد و بداند که مباحثه را بر مطالعه ترجیح دهد
 می بیند در وقتیم بعضی بر معنی باید است که چون متعلم

زیدم



بنفق شيئا في العتق كرتف وبرا امثله بايد كهت بس شرح
 ليس صرف ميريس عوامل بس شرح عوامل باقرين وبعيد
 از تقريب كبرى ولسي از شرح عوامل هبله بخرو ولسي از كبرى
 حاشيه ملا عبدالصده ولسي زهدل بخرو حاشيه حاشيه
 ودر اين وقت بايد رس التحصيل و تقطيل ما ايند پس در
 تقطيل شرح نظام و محقق تخفيض زنجبند اسديه ولسي ز
 حاشيه ملا عبدالصده شرح ششمه ولسي از شرح حاشيه اسديه
 محقق تخفيض يا حاشيه خطاي و حاشيه محقق تخفيض شرح
 يا اريشا و بعد از شرح نظام در سوي حديثي و بعد از شرح
 ششمه عوامل اصول و بعد از تخفيض تجويد جواهر و اعراض
 شرح تجويد شرح حكمه العين و شرح و بعد از نشاء شرح لمعه
 و بعد از نما اصول شرح تجويد شرح حكمه العين و شرح
 مطالع بعد از شرح حكمه العين و شرح مطالع شرح محقق
 اصول و حاشيه قديم و بعد از زين و شرح الشارات و شرح
 لمعه در عرض شرح تجويد رياضى و اسطرلاب و غيرها

بجو

و بعد از شرح الشارات در تحصيله اعاد و در مقام ايند ١٠٨
 مع ملا خطه رجال و در تقطيل شفا را ما حاشيه و آخر الامر
 اوقات حوت در امر و تفسير حديث و بيان مقتضيات الرتاله
 ههنا و بيان حشيم الله الرحمن الرحيم من ايمان المسلمين
 في ترتيب العلوم بسببى لطا الي اعلم ان يستغل في اول
 عمر و حفظ كتاباته تقطيل و تجويد على الوجه المستعمل
 صالحا و معتبرا راجحا و ليست يراى الغلبه ويستعمل بسبب اول
 ادراك باقى العلوم فاذا فرغ من استغفال بقوله العلوم
 العربيه فاذا اول الالات القوم و اعظم اسباب العلم الترتيبى
 بغير اول اعلم القوم و يتدرج في كنه من لاسهل الى
 الاصعب و لاصعب الى الاكبر حتى يقفند و يحيط به علماء
 يستغل الى القوم يستغل في هذا الوجه و يزيد فيه بالجد
 و الحفظ فان لرا اعظما في فهم الكتاب و بعد من جليله في
 امتقان كتاب و الشتره انما علمت ان ثم يستغل من الى
 بغيره العلوم العربيه فاذا فرغ منها الشغل بالسطح و

تأليف
 شيخنا
 رحمه الله عليه

رساله در تحصیل کردن علم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين

معروض اخ گرامی و موفق به توفیقات سبحانی میرزا محمد می دارد: داعی احقر این محمد طاهر، محمد جعفر که چون واضح و لائح است که مقصود اصلی و منظور کلی از تعلم و تفهم تحصیل تفصیل معرفت فطری اجمالی و احکام شرعی فرعی کمالیست و این نتیجه کبری و صغری کتاب و سنت است، پس دائم الاوقات باید که اوقات شریف در تفاسیر آیات قرآنی که مأخوذ باشد از ائمه اطهار و احادیث شریفه ایشان خصوصاً احادیث کتب اربعه اخبار مصروف گردد و این ذره بی مقدار را عقیده آن است که در دانستن این علم نامی^۱ صرف و نحو و لغت فی فی الجملة کافی است و کلام و منطق و طبیعی که از جمله محدثات ز[عهد] مأمون عباسی است محتاج الیه نیست، چه معرفت اجمالی صانع موهوبی است^۲ و منطق اگر عاصم بودی هر آینه خطا از ائمه میزان^۳ زیاده نبودی و اگر عاصم نیز بوده باشد از جهت صورت است نه ماده و از مسئله طبیعی مسئله ای به نظر ننموده که مقدمات وی مدخول^۴ نبوده و اصول فقه نیز از محدثات [است] و اصحاب ما اول کسی که در این فن تصنیف نموده شیخ مفید است و بعضی از مباحث آن چون قیاس و رأی و استحسانات و امثال آنها در نزد علمای امامیه از درجه اعتبار ساقط [است] و مسائل اعرابی آن به نحو لاحق است^۵ و باقی مباحث آن بی فائده و لاطائل و قدر ضروری چون اطلاق و تقیید و طریق عمل در نزد تعارض ادله را احتیاج به کتب مدونه این فن نیست.

و بنابر آن که، مسألت جناب مشارالیه آن است که طریق تحصیل که در این زمان مرعی است مذکور گردد، اینک مقرر می داریم در دو منهج:

۱. ظاهر آن است که در این جا به معنی ناجی است. رک: (فرهنگ نفیسی: ۳۶۵۷/۵)

۲. اشاره به فطری بودن توحید.

۳. مراد از میزان علم منطق است؛ زیرا که ترازوی سنجش درست از نادرست و سره از ناسره است.

۴. به معنی مورد اشکال است.

۵. ظاهراً مراد مباحث الفاظ است.



منهج اول: در بیان آن چه محصلین را دانستنی است بدان و فقک الله تعالی که اولاً باید نفس اماره را محلاً به فضائل و معرّاً از ذرائع نمود و طریقه عبادت که معین توفیق است از جمعه و جماعت و نوافل و عیادت و تشییع و غیرها پیمود و هر قدری از وقت را نامزد امری ساخت و با عباد و صلحاء مجالست و مذاکره و مناظره داشت و انصاف را از دست نباید گذاشت و چون خواهد که شروع در مطالعه نماید باید که مروری اجمالاً نمایند تا مفردات را بشناسند، پس مکرراً معاودت نمایند تا معنی مرکبات وی را دریابند، پس ملاحظه نمایند تا شاید که بعضی از مقدمات او را مدخول سازند؛ مثلاً: چون مطالعه نمایند که: بدان که مصدر اصل کلام است، اول ملاحظه نمایند که مصدر و کلام هر یک چه معنی دارد، پس مرتبه دوم ترکیبی را ملاحظه نمایند، خلاصه این است که کلام حاصل می شود با مصدر به واسطه یا بدون واسطه، پس مرتبه سیم ملاحظه نمایند که در این حرف خلل هست یا نه و بگویند که مثل زید أخوک کلام هست و مصدر اصل وی نیست، پس در جواب ملاحظه نموده و بگویند که مراد آن است که در اغلب اوقات اصل کلام است و مخفی نبوده باشد که محصل اگر نتواند که خود معنی را لفظ درآورد باید که مباحثه را بر مطالعه ترجیح دهد.

منهج دوم: در تقدیم بعضی با بعضی

باید دانست که چون متعلم به نقوش کتابی الفت گرفت وی را امثله باید گفت، پس شرح امثله،^۱ پس صرف میر،^۲ پس عوامل،^۳ پس شرح عوامل^۴ با تصریف^۵ و بعد از تصریف، کبری^۶

۱. امثله رساله مختصری در علم اشتقاق عربی به زبان فارسی است. این رساله مبسوطاً به فارسی شرح گردیده است و منسوب به میر سید شریف جرجانی م ۸۱۶ ق می باشد.

۲. رساله مختصری در صرف عربی به فارسی است که آن نیز منسوب به میر سید شریف جرجانی می باشد. رک: الذریعة الی تصانیف الشیعة: ۴۱/۱۵.

۳. رساله مختصری در علم نحو اثر عبدالقادر بن عبدالرحمن جرجانی متوفی ۴۷۱ ق.

۴. عوامل مذکور دارای شروح متفاوتی است اما آن ها که به عنوان متن کلاسیک مورد استفاده قرار می گیرند یکی شرح ملا محسن بن ملا محمد طاهر قزوینی رحمته الله م ۱۲۵۰ ق و دیگری شرح فاضل هندی رحمته الله م ۱۱۳۷ ق است.

۵. اثر محمد بن عبدالوهاب زنجانی.

کبری^۱ و پس از شرح عوامل، هدایه^۲ نحو و پس از کبری، حاشیه ملا عبدالله^۳ و پس از هدایه نحو، شرح جامی^۴ از مبحث فعل و در این وقت باید درس را تحصیل و تعطیل نمایند، پس در تعطیل شرح نظام^۵ و مختصر تلخیص^۶،^۷ از مبحث مسندالیه و پس از حاشیه ملا عبدالله، شرح شرح شمسیه^۸ و پس از شرح جامی، ابتدای مختصر تلخیص^۹ با حاشیه خطایی^{۱۰} و به جای مختصر تلخیص، شرایع^{۱۱} یا ارشاد^{۱۲} و بعد از شرح نظام، درس حدیثی و بعد از شرح شمسیه، معالم اصول^{۱۳} و بعد از مختصر تلخیص، جواهر و اعراض شرح تجرید^{۱۴} و بعد از ارشاد،

۱. رساله‌ای مختصر در علم منطق منسوب به میرسید شریف جرجانی.

۲. در الذریعة (۱۶۶/۲۵) می نویسد: الهدایه فی النحو المطبوع مکرراً ضمن جامع المقدمات و غیرها اوله: [الحمد لله رب العالمین وآله أجمعین والعاقبة للمتقین ورتبته علی مقدمة وثلاثة أقسام وخاتمة وسميته بالهدایة] نقل فی معجم المطبوعات ص ۳۰۸ و ۲۰۲۴ عن أحمد أبوعلی أمين مكتبة الإسكندرية إنها تأليف أبي حيان الأندلسي محمد بن يوسف نزيل القاهرة (۶۵۴-۷۴۵) ومؤلف منطق الخرس في لسان الفرس وقال مشار: قد تنسب إلى الزبير البصري ابن أحمد الشافعي، أو إلى عبد الجليل بن فيروز الغزنوي أو إلى ابن درستويه عبد الله بن جعفر كما في كشف الظنون أقول: رأيت منها نسخة عند الشيخ قاسم محيي الدين في النجف، ونسخه عند (السماوي) وهي بخط علي محمد بن الحسن النجف آبادي ۱۲۶۰ مع الجمل للخليل وغيره ضمن مجموعة كلها بخط واحد.

۳. مراد حاشیه ملا عبدالله بن شهاب الدین حسین یزدی رحمته الله م ۹۸۱ ق بر بخش منطق تهذیب المنطق والكلام تفتازانی است.

۴. مراد شرح نورالدین عبدالرحمن جامی ۸۹۸ ق بر کافیه ابن حاجب به اسم الفوائد الضیائیة در نحو می باشد.

۵. مراد شرح نظام الدین نیشابوری زنده در ۸۵۰ ق بر شافیه ابن حاجب در صرف می باشد.

۶. عطف بر شرح است.

۷. مراد شرح مختصر تفتازانی م ۷۹۲ بر تلخیص خطیب قزوینی م ۷۳۹ از بخش بلاغت مفتاح العلوم سکاکی م ۶۲۶ است.

۸. رساله شمسیه در منطق از دبیران کاتبی قزوینی م ۶۷۵ ق و شرح آن که به عنوان کتاب درسی است از قطب الدین رازی.

۹. به حذف مضاف؛ یعنی: شرح مختصر تلخیص.

۱۰. نظام الدین عثمان خطایی ۹۰۱ ق.

۱۱. شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام اثر گرانسنگ فقهی نجم الدین جعفر بن حسن المشتهر بمحقق الحلّی رحمته الله م ۶۷۶ ق.

۱۲. ارشاد الاذهان الی أحكام الإیمان اثر حسن بن یوسف بن مطهر المشتهر بعلمه حلّی رحمته الله م ۷۲۶ ق.

۱۳. معالم الدین وملاذ المجتهدین اثر حسن بن زین الدین الشهید الثانی رحمته الله م ۱۰۱۱ ق.

۱۴. تجرید العقائد اثر خواجه نصیرالدین طوسی رحمته الله م ۶۷۲ است که دارای شروح بسیاری است که مهم ترین آن ها که

شرح لمعه^۱ و بعد از معالم اصول و شرح تجرید، شرح حکمة العین^۲ و شرح مطالع^۳، بعد از شرح حکمة العین و شرح مطالع، شرح مختصر اصول^۴ و حاشیه قدیم^۵ و بعد از این دو شرح اشارات^۶ و شرح لمعه و در عوض شرح لمعه چون ریاضی و اسطرلاب و غیرها و بعد از شرح اشارات در تحصیلات احادیث مقابله نمایند مع ملاحظه رجال و در تعطیلات شفا^۷ را مباحثه و آخر الامر اوقات خود را صرف تفسیر و حدیث فرمایند.

تمت الرسالة



۱. اللعة دمشقیة اثر شهید اول علیه السلام م ۸۷۶ ق و شرح آن که به عنوان کتاب درسی مطرح بوده و هست الروضة البیة اثر شهید ثانی علیه السلام م ۹۶۵ می باشد.
۲. حکمة العین اثر دبیران کاتبی قزوینی ۶۰۰-۶۷۵ ق و شرح کلاسیک آن از مبارک شاه بخاری است.
۳. مطالع الانوار اثر قاضی سراج الدین محمود بن ابی بکر رموی م ۶۸۲ است که دارای شروحاتی است؛ اما آن چه که به عنوان متن درسی بوده است شرح قطب الدین محمود بن محمد رازی م ۷۶۶ است.
۴. مختصر منتهی السؤل والأمل فی علم الاصول والجدل اثر ابن حاجب است که شرح عضدی بر آن متن درسی بوده است.
۵. مراد تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد اثر شمس الدین محمود بن عبدالرحمن اصفهانی م ۷۴۶ ق است که مشهور به شرح قدیم است.
۶. الاشارات والتنبیحات اثر شیخ الرئیس ابوعلی سینا (۴۲۸ ق) در منطق و فلسفه که دارای شروح بسیاری است؛ اما آن چه که متن درسی بوده است شرح خواجه نصیرالدین طوسی است.
۷. اثر دیگری از ابوعلی سینا در حکمت بالمعنی الأعم.

شهدی از شکرستان هند (بخش چهارم)

✽ علی صدرایی خویی ✽

مقدمه

با عنایت حضرت باری، در شماره‌های قبل صد و پنجاه نسخه از آثار نفیس چاپ کهن شبه قاره معرفی گردید. در این شماره پنجاه نسخه دیگر تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

در میان این پنجاه نسخه آثار دانشمندان ایرانی که در هند منتشر گردیده، قابل توجه است که بیش از ۳۰٪ آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این آثار عبارت‌اند از: صحیفه شاهی، آثار عجم، اخلاق محمدی، خلاصه التجارب، حاشیه ذخیره المعاد، خسرو و شیرین، کلیات عراقی، ذخیره المعاد، دیوان قاسم منیجه (سبزواری)، شرح نصاب الصبیان، سفرنامه ناصرالدین شاه به اروپا (اولین سفر)، قطعات تاریخ ارتحال آقا سید علی طباطبایی، فردوسی و شاهنامه در حلیل زیبای حروف سربی نستعلیق، وقایع مسافرت و سیاحت دوم فرنگستان، صرف میر، نحو میر و تاریخ آل امجاد.

بسم

پنجاه نمونه دیگر از کتاب های سنگی و نفیس شبه قاره

۱۵۱. آثار عجم (جلد اول و دوم)

از: فرصت شیرازی. محمد نصیر. سید، فرصت الدوله (م ۱۳۳۹ق)

موضوع: تاریخ، تاریخ ایران، زبان: فارسی

کتاب معروفی است شامل اطلاعات باستان شناسی، جغرافیایی و تاریخی ایران و خصوصاً جغرافیای تاریخی استان فارس و شرح احوال رجال آن جا. مؤلف کتابش را در دو جلد قرار داده و جلد اول کتابش را آثار عجم و جلد دوم آن را شیرازنامه نامیده است. او در این دو جلد ابنیه و آثار باستانی و کهن ایران را که خود ملاحظه نموده گزارش کرده و متن کتیبه های میخی و کتیبه های دوره هخامنشی و ساسانی را نقل نموده است.

مؤلف در مقدمه عنوان نموده که قبلاً یکی از صاحبان دولت انگلیس به توسط شخصی پارسی به نام مانکجی که ازمانای شورای دارالخلافه بوده دستورالعملی فرستاده بود که وی بعضی از آثار قدیمه فارس را نقشه برداشته و پاره ای از مرتفعات را مهندسی نموده و برخی از اراضی را مساحت نموده به وی ارسال نمایم. لذا مدتی دردشت ها و بیابان ها گشته و آن را تهیه نموده و به تهران ارسال نمود. ولی بعد خبر رسید که آن شخص پارسی بدرود جهان گفته و کتاب چاپ نگردید. تا این که در سال ۱۳۱۰ق (سال ۴۶ سلطنت ناصرالدین شاه) علی اصغر خان امین السلطان که صدراعظم بوده به شیراز مسافرت و در ملاقات با مؤلف درخواست می کند که دوباره آن مطالب را تهیه نماید. لذا کتاب حاضر را تألیف نمود. او کتابش را در دو جلد قرار داده در جلد اول درباره آثار تاریخی فارس و ایران بحث نموده و جلد دوم را به جغرافیای تاریخی و طبیعی شیراز اختصاص داده. لذا آن را شیرازنامه خوانده و کتاب را در سال ۱۳۱۳ق به پایان رسانده است. مطالب مندرج در این کتاب چنین است:

- فهرس فنی کتاب (ص) در این فهرست مؤلف فهرستی هم برای اشعار خود که در کتاب

آورده، قرار داده است؛

- جلد اول کتاب (ص ۱-۴۲۲)؛

- جلد دوم (شیرازنامه) ص ۴۲۳-۵۷۲)؛

- ذکر سلاطین و حکام شیراز (ص ۵۷۳-۵۹۱)؛

مؤلف در این بخش قسمت آخر از کتاب تاریخ ایران کنت کینورا که مدتی وزیر مختار فرانسه



- در ایران بوده و کتابی با نام تاریخ ایران نوشته و در آخر آن فهرست حاکمان شیراز آن - که فهرستی از حاکمان شیراز از عبد الملک مروان تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه است.
- تتمیم از مؤلف در شرح حال میرزا ابوالحسن اصطهباناتی (ص ۵۹۲)؛
 - قطعه ای به فارسی از میرزا محمد حسین شعاع شیرازی در ۱۸ بیت (ص ۵۹۲-۵۹۳)؛
 - قطعه ای از سرکار میرزا حسن خان سرهنگ معلم فوج خلیج ساوه و نییره مرحوم میرزا فرج الله خان شیرازی خازن الاشعار منشی باشی ولیعهد متخلص به طرفه، در اتمام کتاب درسه بیت (حاشیه ص ۵۹۳)؛
 - شرح حال مؤلف از کاتب نسخه (محمد قدسی) (ص ۵۹۴-۵۹۶)؛
 - تقریظ شیخ مفید، به ثرو فارسی (ص ۵۹۶-۵۹۷)؛
 - تقریظ میرزا ابوالحسن قاجار ملقب به شیخ رئیس (ص ۵۹۷-۵۹۸)؛
 - تقریظ میرزا ابوالحسن اصطهباناتی (ص ۵۹۸-۵۹۹)؛
 - تقریظ بیان الملک میرزا عبد الوهاب آشتیانی (ص ۵۹۹-۶۰۰)؛
 - تقریظ میرزا مهدی خان وکیل الدوله (ص ۶۰۰-۶۰۱)؛
 - تقریظ نظم و نثر کاتب نسخه (محمد قدسی) در اتمام تحریر نسخه (ص ۶۰۲-۶۰۳).
- کاتب در این تقریظ گوید که این کتاب را در شیراز نوشته و در بمبئی به چاپ رسیده است.
- خاتمة الطبع به قلم مؤلف در سال ۱۳۱۴ ق (ص ۶۰۴).
- آغاز: بسمله. سپاس بی پایان و ستایش بی کران. شایان درگاه پاک یزدانی که از دست توانائی در نخستین روز بی اندیشه، گیتی را پدیدار نمود.
- نوع خط: نستعلیق. کاتب: ابوعلی محمد قدسی حسینی شیرازی فرزند حاج میرزا سلطان علی حسینی دارابی ملقب به شاهد. تاریخ کتابت: ۱۳۱۴ ق. به اهتمام: حاجی میرزا اسدالله تاجر شیرازی معروف به دلال و فرمایش السید محمد تاجر شیرازی.
- توضیحات: نمایه های فنی کتاب در آغاز نسخه در ۸ صفحه آمده است؛ صفحه عنوان مصدر به نام مظفرالدین شاه قاجار. تصاویر: مؤلف از آثاری که دیده تصویر کشیده و در لابه لای کتابش درج نموده که تعداد آن ها ۵۰ تصویر است.
- محل چاپ: هند؛ بمبئی. مطبعه: ناصری. تاریخ: محرم الحرام ۱۳۱۴ ق. تعداد صفحات: ۶۰۴+۸؛ اندازه: ۲۱*۲۷؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۰۸۴).

۱۵۲. مجموعه

۱. صحیفه شاهی (۲۵۷ ص)

از: حسین بن علی واعظ کاشفی

موضوع: ادبیات فارسی، منشآت، زبان: فارسی

کتاب معروفی است در منشآت فارسی، که مؤلف آن را برای تعلیم منشیان در چند صحیفه، در جد اولی تألیف نموده است.

آغاز: بسمله. (شعر)

شده مشهور ماه تا ماهی

ای به نامت صحیفه شاهی

نامورز تو گشت نامه من

نقش نام توزیب خامه من

عنوان نامه فصاحت نام خجسته فرجام مالک الملکیست.

۲. حاشیه سلم العلوم (ص ۱-۱۱)

از: محمد سعد الله

موضوع: منطق، زبان: عربی

حاشیه های کوتاهی است با عنوان «قال-اقول» بر کتاب سلم العلوم، که تألیف آن در سال

۱۲۴۸ ق صورت گرفته است.

آغاز: سبحانه ما احسن بیانه جل شانہ عن درک القیاس و تعالی احسانه عن حد المقیاس.

۳. الانصاف فی جواز منع الانصراف (الدرة البهية والكوكبة الدرية) (ص ۱۲-۱۸)

از: محمد سعد الله

موضوع: ادبیات عربی، زبان: عربی

رساله کوتاهی است در بیان جواز منع صرف به جهت ضرورت شعری. که تألیف آن در سال

۱۲۵۴ ق صورت گرفته است.

آغاز: سبحانه یا من جعل قلوبنا منصرفة نحو الایمان و حفظ السنن عن العلل المانعة عن

الاعراب والبیان.

۴. مصلقة البیان مما تنکدر به مصفاة الازهان (ص ۱۹-۲۸)

از: شیخ الاسلام احمد

موضوع: ادبیات عربی، زبان: عربی



رساله کوتاهی است در بیان جواز منع صرف به جهت ضرورت شعری. مؤلف در این رساله نظرات مولوی تراب علی صاحب رساله «مصفاة الاذهان في تحقيق السبحان» و مولوی مفتی محمد سعد الله صاحب رساله غایة البیان في تحقيق السبحان را که در همین موضوع تألیف نموده اند، مورد نقد و بررسی قرار داده است.

آغاز: بسمله. قال العبد المستهام احمد الشهير بشيخ الاسلام قد وقع النزاع والكلام في جواز امتناع صرف الكلمة لضرورة الشعر والنظام.

۵. الفوائد الواقعية في ردّ الاوهام الواهية (ص ۲۸-۳۲)

از: شیخ الاسلام احمد

موضوع: ردّیه، زبان: عربی

فاضل بهاری در حاشیه اش بر حاشیه سید هروی بر تحریر القواعد المنطقه في شرح الشمسية (شرح الرسالة القطبية) گفته که «روساء بضمّین جمع رئیس» و فاضل بکنی در رد وی گفته که «قوله بضمّین غلط والصحيح بضم الاول وفتح الثاني». بعد از آن این مسئله بین استاذ العلام مولانا مفتی محمد اسعد و معاصرہ القرم الہمام مولوی تراب علی، مورد مناظرہ قرار گرفته و تراب علی در رد محمد اسعد رساله التحقیقات البدیعة الشوکتیة في توهين الهفوات السعدیة نوشته و در آن به تشنیعات متوسل شده است. مؤلف در این رساله به دفاع از استادش (محمد اسعد) پرداخته و گفته های تراب علی را رد نموده است.

آغاز: بسمله. قال العبد المستهام الحمد المدعو بشيخ الاسلام قد جرى الكلام بين الاستاذ العلام ومعاصرہ القرم الہمام الوصلهما الله المنعم الى غاية المامول ومنتہی المرام.

۶. الحقایق الاسلامیہ في ردّ کفریات الترابیة (ص ۱-۱۴)

از: شیخ الاسلام احمد

موضوع: اعتقادات، زبان: عربی

رساله دیگری است که مؤلف در دفاع از استادش (محمد اسعد) و ردّ تراب علی، نوشته است. وی در مقدمه گوید که استادش «آن استاذنا قد تمق علی هوامش سید الاذکیاء المعمولة علی شرح جلال الحكماء حين قراءته تلك الهوامش بعض الفوائد الشريفة» و مولوی تراب علی این نظرات را رد نموده، لذا مؤلف در این رساله به دفاع از استادش پرداخته است.

آغاز: بسمله. اما بعد حمد لله ذي الانعام والصلوة والسلام علی سید الانام وآله الکرام واصحابه العظام فيقول العبد المستهام احمد المشتهر بشيخ الاسلام.

۷. شمس التحقیقات فی رد سراج الاغلاط (ص ۱-۲۹)

از: مولوی هادی حسن

موضوع: ردیه، زبان: عربی

ردیه ای است که مؤلف در دفاع از استادش مولوی محمد سعدالله نگاشته است. این ردیه بر رساله *سراج التحقیقات* تألیف سراج احمد که در ردّ مولوی محمد اسعد است نوشته شده است. در حاشیه این رساله گفته شده که *سراج التحقیقات* در حقیقت تألیف مولوی تراب علی است ولی وی برای اخفای نامش، آن را به شاگردش سراج احمد نسبت داده است. مؤلف می گوید به جهت سستی رساله *سراج التحقیقات* وی آن را «سراج الاغلاط» نامیده است. آغاز: بسمله. سبحان من علم الانسان سحرالبیان واعطاه اللسان ترجمان الجنان. نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: ولی محمد؛ با تصحیح مولانا سید اسدعلی.

توضیحات: رساله اول دارای جداولی (که در صفحات مختلف جدول ها با هم تفاوت دارند) که مطالب کتاب در داخل آن ها نوشته شده است.

محل چاپ: هند؛ لکهنو. مطبعه: محمدی. تاریخ: ششم جمادی الآخر ۱۲۵۹. تعداد صفحات:

۲۵۷+۳۲+۱۴+۳۰؛ اندازه: ۱۸*۲۷؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱/۱۰۸۱).

۱۵۳. اخلاق محمدی

از: محمدعلی یزدی (زنده در ۱۲۹۲ق)

موضوع: اخلاق، زبان: فارسی

کتاب مفصلی است در اخلاق در چهل باب، با این عنوان ها:

۱. در فضیلت طلب علم و بیان علماء باعمل و بی عمل ۲. در عبادت و تفکر و اخلاص و نیت ۳. در دعا و تضرع و خوف و خشیت ۴. در زهد و تقوی ۵. در صبر و شکر ۶. در توکل ۷. در خوبی قناعت و زشتی حرص و طمع ۸. در تعظیم مهمان و بی تکلفی و حق همسایگی ۹. در آداب سخن گفتن و طعام خوردن و حرکت و سکون ۱۰. در نکاح و حسن و قبح زنان و حقوق زوجه بر زوج و حقوق زوج بر زوجه و غیره ۱۱. در استهزاء و مزاح ۱۲. در اجابت سماع و بیان آن چه از آن حرام است و آن چه حلال است ۱۳. در سیاست تدبیر اولاد ۱۴. در حقوق والدین و خویشان ۱۵. در جد و جهد ۱۶. در سلطنت مشتمل بر پنج رکن ۱۷. در منظومه نقوش طاق



کسری لمؤلفه ۱۸. در شجاعت ۱۹. در جود و سخا ۲۰. در غمخواری مردم و رفع حاجات و احسانات ۲۱. در خلق و رفق و تواضع و احترام ۲۲. در خوبی حلم و عفو و زشتی خشم ۲۳. در تفکر عیوب خویش و منع عیب دیگران ۲۴. در سخن چینی و غمازی ۲۵. در خموشی و منفعت کم‌گویی ۲۶. در کتمان راز خود و دیگران ۲۷. در مشاورت و تدابیر ۲۸. در عزت و مخالفت ۲۹. در سفر ظاهر و باطن ۳۰. در خصلت ذمیمه کبر و نخوت ۳۱. در حسد ۳۲. در فراست ۳۳. در اخوت اختیار و راستی حیا ۳۴. در مذمت فجار و کردار سفه‌آلود و حماقت ۳۵. در حزم و احتیاط و عاقبت‌اندیشی ۳۶. در منفعت مال و میانه‌روی ۳۷. در عقل و صیانت ۳۸. در یادکردن موت ۳۹. در مذمت دنیا و اهل آن ۴۰. در وصایا.

مؤلف در اثنای کتابش خصوصاً در باب هفدهم، اشعاری از خود درج نموده و خاتمه کتابش را به نظم بیان کرده و در ۱۲۸۸ ق به پایان رسانده است.

در آخر کتاب نیز تقریظی منظوم به فارسی در ۸ بیت از عمرخان صاحب متخلص به عمر و یک رباعی از منشی سید ابراهیم و خاتمه طبع به تشریح از مصحح کتاب سید امجد حسین رضوی آمده است.

آغاز: بسمله. حمد و سپاس بی‌قیاس جناب ملك خلاق راسزد و نعت و ثنای بی‌منتها به متمم مکارم اخلاق و سرور انبیاء رسد صلوات الله و سلامه علیه و علی آله الطاهرین و اصحابه الطیبین اجمعین.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: و تصحیح سید امجد حسین رضوی. توضیحات: فهرست مطالب کتاب در ابتدای نسخه در دو صفحه و جدول مزین اغلاط که خود مؤلف آن را تنظیم نموده. در انتها در ۳ صفحه، درج شده است. محل چاپ: هند؛ لکهنو. مطبعه: منشی نولکشور. تاریخ: جمادی الثانی ۱۲۹۲ ق برابر با جولای ۱۸۷۵ م. تعداد صفحات: ۴ + ۳۷۶ + ۳؛ اندازه: ۱۶*۲۷؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۰۸۶).

۱۵۴. رفیق السالك

از مولوی حکیم دکتر عبد الله خان مقیم مستونگ (قلات بلوچستان)

موضوع: عرفان، اخلاق عملی، زبان: فارسی

رساله متوسطی است در سیر و سلوک نقشبندیه. مؤلف در مقدمه گوید: که بعد از تصنیف

گلشن حکیم بعد از دو هفته میرسرفرازخان بن میرجمال خان ساکن قصبه محمد شاهی علاقه مستونگ ازوی درخواست نموده که کتابی در راهنمایی سالکان بنویسد؛ لذا کتاب حاضر را نوشته است. اومی گوید در این اثرآن چه را که از استادش میان محمد صدیق نقشبندی قندهاری مستونگی و خواجه شیخ محمد صدیق اخذ نموده اظهار کرده، و کتابش را در ۲۸ رمضان ۱۳۲۳ق، به پایان رسانده است. این کتاب فاقد باب و فصل بوده و عنوان مطالب آن چنین است:

دریبت هدايات برای طالب راه سلوک؛ ترکیب استخاره کردن؛ در بیان طریقه تلقین نقشبندیه؛ در بیان لطائف سته؛ در بیان سبق های اسم ذات؛ در بیان ترتیب مراقبه که بعد از بیعت می کنند؛ بیان سبق دوم که در لطیفه روحی پخته می شود؛ در بیان ذکر نفی اثبات؛ در بیان ذکر جبروتی؛ ترکیب ختم خواجهگان نقشبندیه؛ نماز تهجد؛ نماز اشراق؛ ترکیب نماز ضحی؛ در بیان تعریف علم تصوف؛ در بیان تعریف صوفی؛ در بیان انوار تجلیات که از تاثیر اذکار جلوه گر می شوند؛ در بیان نفی خواطر؛ در بیان عقبات که راه سلوک می آیند؛ در بیان ترغیب شیخ کامل مکمل و اجتناب از شیخ ناقص؛ علامات شیخ کامل؛ در بیان کلمات قدسیه که معمول طریقه نقشبندیه است؛ در بیان رشته مرید با پیر؛ در بیان اثبات بیعت؛ در بیان سند طریقه نقشبندیه؛ در بیان طریقه وصول الی الله تعالی؛ العمل لنفی الفقرو توسعه الرزق.

مؤلف در اثنای کتابش اشعاری از شاعران مختلف از جمله از استادش محمد صدیق نقشبندی به فارسی درج نموده است.

آغاز: بسمله. در ثنای حق تعالی شانہ. الحمد لله الذي هدانا الى صراط مستقیم. غزل: (شعر)

بجر خدائیت زد جوش چوای کردگار گشت عیان هر طرف موج هزاران هزار

قبه چرخ فلک رفت به بالاسرش توده ریگ زمین هست گرفته قرار

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. به اهتمام: به ارشاد شیخ الهی بخش محمد جلال الدین. توضیحات: تمامی صفحه ها جدول دار؛ فهرست منشورات مطبوعه در موضوع عرفان به فارسی وارد و در پشت صفحه عنوان و دو صفحه آخر نسخه درج شده است. محل چاپ: پاکستان؛ لاهور. مطبوعه: نولکشور پریس. تاریخ: ۱۳۲۴ق. تعداد صفحات: ۸۸؛ اندازه: ۱۷*۲۷؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۰۹۰)

۱۵۵. خلاصه التجارب [مجربیات حکیم علوی خان دهلوی]

از بهاء الدوله بن میر قوام الدین قاسم نوربخش رازی (قرن ۱۰ق)

موضوع: پزشکی و داروسازی، زبان: فارسی

رساله مفصل و معروفی است در پزشکی و درمان و داروسازی. شامل بیست و پنج باب که مؤلف در سال ۹۰۷ ق در طرشت از حوالی ری تألیف آن را به پایان رسانده است.

در نسخه حاضر عنوان کتاب (مجربیات حکیم علوی خان دهلوی موسوم به خلاصه التجارب) چاپ شده، که درست نیست. از حکیم علوی خان شیرازی دهلوی قبلاً درش ۳۴۶ رساله مطب علوی خان یا خلاصه قوانین علاج معرفی گردیده است.

در خاتمة الطبع دوبیت به فارسی از منشی بهگواندیال صاحب متخلص به عاقل آمده که مشعر بر آن است حکیم علوی مؤلف کتاب نبوده است: (شعر)

درفن طب حکیم علوی خان گفت خوب این کتاب خوش اسلوب

سال تاریخ طبع او عاقل بی تکلف نوشت نسخه خوب

آغاز: بسمله. حمدی لا احصى حکیمی را که به کمال حکمت و وفور عنایت و قدرت ماهیت اشرف انسانی را از خزانه جود خلعت وجود پوشانید.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده.

توضیحات: تمامی صفحه‌ها جدول دار؛ صفحه اول سرلوح با کتیبه؛ خاتمة الطبع درص ۶۴۴ به فارسی در نصف صفحه و در آن آمده که قبلاً این کتاب چند در مطبع منشی نول کشور موسوم به اوده اخبار واقع در لکهنو و الان در مطبع منشی نول کشور واقع کانپور به سرپرستی منشی پراگ نراین صاحب بهارگو مالک مطبع، برای بار سوم به زیور طبع آراسته شد. محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: نول کشور. تاریخ: چاپ سوم ۱۳۲۳ ق برابر با ۱۹۰۹ م. تعداد صفحات: ۶۴۶؛ اندازه: ۱۸*۲۷؛ تعداد سطون: ۲۳. (نسخه ش: ۱۰۹۵).

۱۵۶. حاشیه ذخیره المعاد

از: سید محمد کاظم طباطبایی یزدی

موضوع: فقه شیعه، زبان: فارسی

حاشیه‌های فتوایی است که مؤلف بر ذخیره المعاد شیخ زین العابدین مازندرانی نگاشته و در نسخه حاضر در حواشی با شماره شاخص چاپ شده است.

در حاشیه صفحه اول تقریظ وی در اجازه عمل به ذخیره المعاد با ملاحظه حواشی، چاپ

شده است.

آغاز: بسمله. عمل به این رساله شریفه با حواشی حقیر بعد از ملاحظه تصحیح متن و

حواشی، ان شاء الله بی عیب است.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: حاجی سید ابوالقاسم کربلایی. تاریخ کتابت: ۱۳۱۸ق. به اهتمام: سید عابد علی رضوی وحسب فرمایش میرزا محمد حسن صاحب نجفی که قبل از اتمام طبع دارفانی را در سال ۱۳۱۷ق وداع گفته است.

توضیحات: فهرست مطالب کتاب در آغاز نسخه در ۶ص؛ تمامی صفحه‌ها جدول دار؛ ۷ص غلط نامه حواشی، در آخر کتاب؛ چاپ دست خط سید نجم الدین صاحب قبله در آخر کتاب؛ غلط نامه حواشی در ۷ص و غلط نامه متن در ۱۲ص در آخرین نسخه آمده و بین دو غلط نامه، تقریبی از سید نجم حسن صاحب قبله در تایید کتاب و این که مطابق با فتوای سید کاظم یزدی است، درج شده، در آخرین نسخه نیز سؤالی از سید درباره صحت این رساله عملیه شده و وی پاسخ داده که نسخه‌ای که در لکهنو برای سید نجم الحسن و نسخه‌ای که به حاج میرزا محمد حسن نجفی و سید محمد علی در نونهر فرستاده صحیح است. در اول نسخه تملك ابوالقاسم کاشانی نجفی در صفر ۱۳۲۵ق و فرزندش محمد حسن نجفی کاشانی در ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۲ق.

محل چاپ: هند؛ لکهنو. مطبعه: ریاض الرضا و مطبعه اثنی عشری. تاریخ: ۱۹ ذی قعدة ۱۳۱۸ق. تعداد صفحات: ۶+۳۲+۸+۱۲؛ اندازه: ۱۸*۲۷؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۰۹۶).

۱۵۷. مجموعه

مجموعه‌ای که در آن کتاب الهدیه السعیدیه فی الحکمة الطبیعیة مولوی محمد فضل الحق عمری حنفی ماتریدی چشتی خیرآبادی در متن چاپ شده و در پانوشت شرح آن به نام التحفة العلیة حاشیه الهدیه السعیدیه چاپ شده و سپس چند ضمیمه آن چاپ شده، به این ترتیب:

۱. الهدیه السعیدیه فی الحکمة الطبیعیة (ص ۲۴۴-۶)

از: مولوی فضل الحق خیرآبادی (م ۱۲۷۸ق)

موضوع: حکمت، زبان: عربی

کتاب معروفی است در حکمت که مؤلف آن را در یک مقدمه و سه فن شامل چند مبحث و فصل و یک خاتمه، تألیف نموده، با این عنوان‌ها:

مقدمه: فی تعریف الطبیعیة و بیان موضوعها؛ الفن الثانی: فی الفلکیات؛ الفن الثالث:

فی العنصریات؛



الخاتمة: في النفس وفيه مباحث:

المبحث الاول في ان النفس مغايرة للمزاج؛

المبحث الثاني في ان النفس مغايرة للبدن؛

المبحث الثالث في ان النفس الناطقة مجردة عن المادة وغواشيها؛

المبحث الرابع في ان النفس الناطقة هل هي حادثة او قديمة؛

المبحث الخامس في اتحاد النفوس بالماهية.

بعد از اتمام كتاب فرزند مؤلف، در ادامه مباحث خاتمه پنج مبحث (از مبحث ششم تا دهم را

نوشته) و نام آن را «ضميمه مباحث هدية السعيدية» نهاده است.

المبحث السادس: في ان النفوس تنتقل في الابدان أم لا؛

المبحث السابع: في ان النفس تبقى بعد خراب البدن ولا تفنى بفنائها؛

المبحث الثامن: اختلفوا في ان النفس هل هي المدركة للكليات والجزئيات أم لا؛

المبحث التاسع: في كيفية تعلق النفس بالبدن؛

المبحث العاشر: في مراتب النفس الانسانية في ادراكها.

مولوى محمد عبدالله بن حاج سيد آل احمد حسيني واسطى بلگرامى، براين رساله حاشيه نوشته،

ودر مقدمه حاشيه اش شرح حال كوتاهى از مؤلف آورده و از ديگر آثار ياد کرده، كه عبارت اند از:

- الجنس الغالى في شرح الجواهر العالى؛

- حاشية شرح سلم العلوم قاضى محمد مبارك جوفا موى؛

- حاشية افق المبين ميرداماد؛

- حاشية تلخيص الشفا ابن سينا؛

- رسالة في تحقيق العلم والمعلوم؛

- الروض المجود في تحقيق حقيقة الوجود؛

- رسالة في تحقيق حقيقة الاجسام؛

- رسالة في تحقيق الكلى الطبيعى؛

- رسالة فارسية في تحقيق التشكيك في الماهيات؛

- رسالة في تاريخ فتنه الهند.

برای آثار چاپ شده مؤلف رك: معجم المطبوعات العربية في شبه القارة الهندية

الباکستانیة منذ دخول المطبعة اليها حتى عام ۱۹۸۰م، اعداد الدكتور احمد خان، الرياض، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۰م، ص ۳۳۶-۳۳۸.

آغاز: بسملة. الحمد لله ولي النعمة والصلوة على نبي الرحمة المؤيد بالعصمة الامي المبعوث لتعليم الحكمة وعلى آله.

۲. التحفة العلية حاشية الهدية السعيدية (ص ۱-۵ متن و ۲۴۴-۶ پانوشت)

از: محمد عبدالله بن حاج سيد آل احمد حسيني واسطی بلگرامی (۱۳۰۵ق)

موضوع: حکمت، زبان: عربی

شرح مفصلي است با عنوان های «قوله-قوله» بر کتاب الهدية السعيدية في الحكمة الطبيعية تأليف مولوی محمد فضل الحق عمری حنفی ماتریدی چشتی خیرآبادی. شارح اثرش را در سال ۱۲۹۰ق به پایان رسانده و آن را به نواب حاج محمد کلب علی خان بهادر تقدیم نموده است. او شاگرد مؤلف بوده و در مقدمه شرح گوید که مؤلف کتابش را برای جدّ همین کلب علی خان تألیف نموده و چون نامش سعید بوده به الهدية السعيدية نام گذاری نموده و من نیز به نام نوه وی، یعنی همین کلب علی خان، التحفة العلية نام گذاری کردم.

در آخر خطبه محشی آمده که این حاشیه نامنظم بوده و مولوی جمیل بلگرامی، آن را تنظیم و تدوین نموده است. این حاشیه فقط بر مباحث اصل کتاب نوشته شده، و ضمیمه ای که پسر مؤلف نوشته، فاقد حاشیه است.

آغاز خطبه التحفة العلية: الحمد لمن هو مبدء هداية الحكمة البالغة وانوار ربوبيته في العالمين كالشمس البازغة.

آغاز متن التحفة العلية: قوله الحكمة بالكسر العدل والعلم والحلك كذا في القاموس و راست کاری و استوار کاری کذا يستفاد من الصراح.

۳. ضمیمه الهدية السعيدية (۲۳-۱ ص)

از: عبدالحق بن فضل الحق خیرآبادی (۱۳۱۶ق)

موضوع: حکمت، زبان: عربی

ضمیمه ای است در پینج مبحث، که مؤلف آن را در تکمیل کتاب پدرش الهدية السعيدية در پینج مبحث مبحث ششم تا دهم- نگاشته است. مؤلف این کتاب را به نام محمد کلب علی خان بهادر تألیف نموده است.

برای دیگر آثار مؤلف (مولوی عبدالحق) ر.ک: معجم المطبوعات العربية في شبه القارة الهندية الباكستانية، ص ۲۷۶-۲۷۸.

آغاز: بسملة. حامداً لله رب العالمين ومصلياً على سيد المرسلين وآله وصحبه الطيبين الطاهرين وبعد فهذه عجالة حررتها على سبيل الارتجال.

۴. متعلقة السعيدية (۴۸-۲۴ ص)

از: مولوی سید سلطان حسن بریلوی

موضوع: حکمت، زبان: عربی

مولوی مفتی محمد سعدالله مرادآبادی برمواردی از کتاب الهدية السعيدية في الحكمة الطبيعية نقد و نقضی نوشته بود. بریلویی این رساله را به نام محمد کلب علی خان بهادرتألیف نموده، و در آن به ردیه های مرادآبادی پاسخ داده است.

آغاز: بسملة. حامداً لله رب العالمين ومصلياً على سيد المرسلين وآله وصحبه الطيبين الطاهرين وبعد فهذه عجالة حررتها على سبيل الارتجال.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: حامد حسین فریدآبادی. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد عبدالعلیم و محمد عبدالاحد. توضیحات: فهرست کتاب در چهار صفحه در اول کتاب؛ تمامی صفحات جدول دار. محل چاپ: هند؛ دهلی. مطبعه: مجتبیایی. تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۳۲ق. تعداد صفحات: ۲۴۴ + ۴۸؛ اندازه: ۱۸*۲۷؛ تعداد سطون: ۲۷. (نسخه ش: ۱۰۹۸).

۱۵۸. المقدمة الباسولية (حاشية شرح ملا جامی) (ج ۱ و ۲)

از: ملا وسیم گل بن صمدگل بن نجیب الله باسولی

موضوع: ادبیات عرب، صرف، زبان: فارسی

حاشیه مفصلی است بر شرح جامی الفوائد الضیائیة فی شرح الکافیة، این حاشیه با عنوان های «قوله قوله» برگزار شده، و مؤلف آن را در دو جلد قرارداد و برای هر جلد خطبه ای جداگانه انشاء نموده است. او در خطبه جلد اول، نام کتابش را المقدمة الباسولية و در خطبه جلد دوم که از بحث مبنی شروع می شود کاشف شرح ملا نامیده است. ولی هر دو جلد به نام مقدمه باسولیه معروف شده است. مؤلف جلد دوم را چند سال بعد از جلد اول تألیف نموده است.

نام کتاب در صفحه عنوان چنین چاپ شده: نسخه شافیه المسمى بمقدمة الكافية المشهور به سؤال و جواب باسول.

آغاز جلد اول: بسملة. الحمد لله الذي جعل الانسان متكلماً بالكلمة والكلام.

نوع خط: نسخ. کاتب: ذکر نشده. به اهتمام: وفرمایش میان محمد صحاف و فرزندش محمد عبدالواحد خان.

توضیحات: مصحح مفتی عبدالرحیم پشاورى شاگرد مولوى محمدایوب محدث پشاورى و اتمام تصحیح در ذی حجه ۱۳۱۶ق که خاتمة الطبع (ص ۳۷۹) نیز به قلم وی می باشد؛ تمامی صفحات جدول دار؛ بعد از خاتمة الطبع عنوان شده که میان محمد صحاف طبع این کتاب را شروع کرده بود ولی قبل از اتمام آن درگذشته و فرزندش عبدالواحد کار او را ادامه داده و کار طبع کتاب از سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۶ق به درازا کشیده است، و مولی غلام رسول ساکن قریه عادلگره قطعه‌ای منظوم به فارسی در ۱۵ بیت و یک رباعی در تاریخ فوت وی سروده است؛ تمامی صفحه‌ها جدول دار؛ توضیح متن در حاشیه بعضی صفحه‌ها.

محل چاپ: هند؛ دهلی. مطبعه: جلد اول: مطبعه احمدی، تاریخ ۱۳۰۳ق؛ جلد دوم: مطبعه بلالی. تاریخ: ۱۳۰۹ق. تعداد صفحات: ۲۴۴+۳۸۰؛ اندازه: ۲۵/۵۰*۱۶؛ تعداد سطون: ۲۵. (نسخه ش: ۱۰۹۹)

۱۵۹. القول الغالب في حل قول ابن حاجب

از: قاضی غلام حسین بن قاضی محمد اسماعیل مهری

موضوع: ادبیات عرب، صرف، زبان: عربی

رساله مفصلی است در بحث از رفع «أفعل» تفضیل که ابن حاجب در کتاب الکافیة بیان نموده است.

آغاز: بسمله. الحمد لله الموصوف بأفعل التفضیل المرفوع عن سمات النقص والتعطیل.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. به اهتمام: در آخر رساله ماده تاریخ فوت مولوی عبدالحی صاحب از سید عمادالدین صاحب رفاعی بدین عبارت چاپ شده: «توفی المولوی ابوالحسنات عبدالحی ۱۳۰۴ق». توضیحات: ص اول دارای سرلوح و کتیبه؛ تمامی صفحه‌ها جدول دار. محل چاپ: هند؛ بمبئی. مطبعه: نیر. تاریخ: ۱۳۰۴ق. تعداد صفحات: ۱۶؛ اندازه: ۲۷*۲۷؛ تعداد سطون: ۱۹. (نسخه ش: ۱۰۹۹/۳).

۱۶۰. کلیات صهبائی

از: مولوی امام بخش صهبائی

موضوع: ادبیات، زبان: فارسی

کلیات نظم و نثر امام بخش صهبائی دهلوی (م ۱۲۷۴ق) فرزند محمد بخش تهنیسری است

که شاگردش دین دیال میرمنشی اجنتی بهوپالی در سال ۱۲۹۳ق، درسه جلد جمع آوری نموده، بدین ترتیب:

- واجب العرض مؤلف (میرمنشی بهوپال) (ص ۱):

آغاز: بنده هیچ میرزهیچ مدان دین دیال میرمنشی اجنتی بهوپال به عرض صدرآریان محفل جوهرشناسی و قدردانی و چمن پیرایان گلشن سخنوری و نکته رانی می رساند.

- فهرست رسایل کلیات (ص ۲):

- دیباچه مؤلف (میرمنشی بهوپال) (ص ۲):

آغاز: شیرازه بندی اوراق مشورصحیفه غرای سخن به حمد ناظمی ست که خورشید جهان افروز ایجاد نشاتین.

۱. ریزه جواهرمع فرهنگ به پیروی ازسه نثرظهوری، به نظم ونثر(ص ۶):

آغاز: بسمله. این لالی مشوربریزه جواهرمشهورسرمایه روشنایی ست.

۲. بیاض شوق پیام (دیباچه ها، تقریظ ها، خاتمه ها و نامه ها)، به نثر و نظم (ص ۵۳):

آغاز: بسمله. زنگ زدائی این اوراق حیرت سرانجام چهره نمایی زینت ترتیب بیاض شوق.

۳. رساله نحو فارسی (ص ۲۲۰):

آغاز: بسمله. سپاسی که تا ابد یکذره از آن ذخیره اندیشه والاخردان نگردد.

۴. دیوان صهبائی (ص ۲۳۷):

آغاز: بسمله. (شعر)

یارب آن کن به جنون دل دیوانه ما که شود بال پری ناله مستانه ما

۵. کافی در علم قوافی، به نثر: (ص ۲۹۹)

آغاز: بسمله. ریشه دوانی حروف درگلشن حمد بهارآرای افلاک و سنبل رسانی سطوردر

چمن زارستایش زبده فرع خوران خاک.

۶. وافی شرح کافی، به نثر، درمعما (ص ۳۹۴):

آغاز: بسمله. حمد ناظم کائنات که شخص خاتم رسل را روی قافیه وجود گردانیده.

۷. گنجینه رموز، درمعما (ص ۳۹۶):

آغاز: (شعر)

به نام آن که برعلمش هویدا است اگرچه رازدل مشکل معماست

۸. جواهر منظوم، درمعما (ص ۵۲۷):

آغاز: بسمله. نظم رباعیات معما از صهبائی هیچمدان مشتمل برنود ونه نام خالق انس و جان. شروع در بسم الله، (شعر)

از درّ عدن به است نظم گهرم
وز لولو تر خوش است سلكِ دررم
نظم از نام حق معما دارد
تسیح شمار ذکر اشعار ترم

۹. قطعه معمایی در بیرون کشیدن نام الله از نام علی (ص ۵۵۷)؛

آغاز: بسمله. (شعر)

منم نصیری آن هادی سبل که بود
ز جیب شاهد کنعان قدس چهره گشا
۱۰. مخزن الاسرار، در معما (ص ۵۶۱)؛

آغاز: بسمله. (شعر)

خامه سخن تا به میان آورد
نام تو اول به زبان آورد
۱۱. رساله نادره، در معما (ص ۶۱۵)؛

آغاز: بسمله. (شعر)

الهی سر نام ها نام توست
نعیم دو عالم ز انعام توست

۱۲. نتایج الافکار، تشریحهایی است (ص ۶۳۰)؛

آغاز: بسمله. خام طبیعی های خیالات هرزه صهبائی حیرت سر انجام گاهی برین داشت.

۱۳. غوامض سخن تألیف منشی دین دیال، در افاداتی که در محضر کسب کرده بود، در

موضوع لغات و محاورات (ص ۶۷۴)؛

آغاز: بسمله. هر چند دل دیوانه در شمار محمدت ایزد یگانه چون دانه تسیح دور تسلسل جاودانه دارد.

۱۴. اعلاء الحق در پاسخ احقاق سراج الدین علی خان آرزو (ص ۷۵۷)؛

آغاز: بسمله. هر چه از زبان قلم بر می آید انفعال ناشایستگی هایش بر روی صفحه سراپا

يك قطره عرق می گرداند.

۱۵. تقریظ هایی که بر کلیات صهبائی نوشته شده است (ص ۷۷۱) از این افراد:

- سید محمد صدیق حسن خان بهادر امیر کبیر ریاست بهوپال (۷۷۱)

- سید نور حسن صاحب فرزند محمد صدیق حسن خان؛

- سید علی حسن خان صاحب فرزند دیگر وی؛

- ممتاز الدوله میر محمد عبدالحی خان داماد وی؛



- حافظ خان محمد خان؛
 - حکیم محمد احسن؛
 - منشی گنج منوهر لال متخلص به نوش بخشی؛
 - شیخ محمد عباس رفعت بن شیخ احمد عرب صاحب نفحة الیمن مهتم دفتر تاریخ ریاست بهوپال؛
 - سید غلام مصطفی اله آبادی؛
 - مولوی اعظم حسین خیرآبادی؛
 - منشی محمد جعفر زمهری؛
 - فدای علی فارغ؛
 - منشی مولوی محمد امجد از احفاد خان بهادر قنوجی گوپاموی؛
 - منشی موتی لال میرمنشی رزیدنشی گوالیار؛
 - خواجه محمد بشیر مودودی لکهنوی؛
 - سید محمد امجد علی اشهری؛
 - خاتمة الطبع از محمد عبدالعلی مدراسی؛
 - صحت نامه کلیات صهبائی (ص ۸۱۶-۸۱۵).
 - نسخه حاضر کتاب ها و رسایل یاد شده را شامل است.
- در کتاب (کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، هند، پاکستان، بنگلادش، از ۱۱۶۰-۱۳۸۶ ش/ ۱۱۹۵-۱۴۲۸ ق/ ۱۷۸۱-۲۰۰۷ م)، ج ۴، عارف نوشاهی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۱ ش، شامل چهار جلد، ۳۰۱۵ صفحه، که در آن ۱۰۵۸۹ عنوان کتاب و رساله با ۲۰۶۲۸ نسخه چاپی، معرفی شده است. (ج ۳ ص ۱۹۴۲ رقم ۸۲۳۳، کلیات صهبائی راسه جلد معرفی نموده ولی در ذیل آن فقط يك نسخه معرفی نموده که مشخصات آن مانند نسخه حاضر است- که نسخه حاضر جلد اول آن می باشد و دو جلد دیگر -طبق گزارش آقای نوشاهی- شامل این مطالب هستند:
- جلد دوم، شامل:
۱۶. شرح هایی بر سه نثر ظهوری و مینا بازار ظهوری و پنج رقعہ ارادت خان و شب‌نم و شاداب ظهیرای تفرشی؛
- جلد سوم، شامل:

۱۷. شرح حسن و عشق نعمت خان عالی؛

۱۸. شرح معمای نصیرا؛

۱۹. شرح معمای جامی؛

۲۰. حل مقامات عبدالواسع هانسوی؛

۲۱. قول فیصل در پاسخ تنبیه الغافلین آرزو؛

۲۲. صرف و نحو اردو؛

۲۳. ترجمه حدایق البلاغه شمس الدین فقیر به اردو؛

۲۴. مخمس غزل قدسی.

بسمله. شیرازه‌بندی اوراق مشور صحیفه غرای سخن به حمد ناظمی است که خورشید جهان افروز.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. به اهتمام: محمد عبدالرحمن خان صاحب. توضیحات: صفحه اول دارای سرلوح و کتیبه؛ توضیح عبارت‌ها در حاشیه بعضی صفحه‌ها؛ تقاریظ و خاتمة الطبع در صفحه‌های آخر؛ دو صفحه صحت نامه کلیات صهبائی در دو صفحه در آخر نسخه؛ رجستری شده در تاریخ ۱۸۴۷ م، مهر و دست خط مالک مطبعه نظامی عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان حنفی در آخر نسخه چاپ شده است. محل چاپ: هند؛ شهر: لکهنو. مطبعه: نظامی. تاریخ: ۱۲۹۵ ق. تعداد صفحات: ۲+۸۱۶؛ اندازه: ۱۸*۲۷؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۱۰۰).

۱۶۱. سلسله عالیه

از: فیض احمد بن دلدار احمد بن امداد حسین بن عنایت حسین

موضوع: تاریخ، رجال، انساب، زبان: فارسی

حکیم سید عنایت حسین بن فتح‌الله بن مولوی محمد نصرالله مارهروی که از سادات بوده رساله‌ای با نام سلسله عالیه نگاشته و در آن نسب سیادت خود و اجدادش و خاندانش را که به سادات قریشی گنوه معروف و ساکن قصبه مارهره در هند هستند، شرح داده است. مؤلف رساله حاضر که نبیره وی می‌باشد. در این رساله متن سلسله عالیه را با عنوان «قوله» آورده و سپس تکمله و توضیح خود را در سادات این خاندان پس از مؤلف و دیگر مطالب، ذیل عنوان «اقول» بیان نموده است.



دیباچه از فیض احمد (ص ۲-۳)

آغاز کتاب فیض احمد: بسمله. (شعر)

ثناها خداوند افلاک را
فروزنده اختر خاک را
ستایش غنایم به یزدان پاک
درخشان نماینده تیره خاک

... اما بعد می گوید بنده آثم فیض احمد غفر الله له بن حکیم دلدار احمد.

آغاز سلسله عالیہ (تالیف حکیم عنایت حسین): بسمله. الحمد لله رب العالمین الذي خلق الانسان في احسن تقويم... اما بعد بر ماهران نسب و انساب و حقایق جویان انفس و آفاق جلوه پیرا باد... بناءً عليه این آواره دشت سخنوری عنایت حسین بن فتح الله بن مولوی محمد نصرالله ماهروی خواست که برخی از سوانحه حال فریق گبوهان بر صفحه بیان جلوه گر سازد. نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: فیض هاشمی. توضیحات: تمامی صفحات جدول دار. محل چاپ: هند؛ میرتهه. مطبعه: هاشمی. تاریخ: ۱۳۰۶ ق. تعداد صفحات: ۱۹۴؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۱۰۱)

۱۶۲. کشف الحجب والاستار عن اسماء الكتب والاسفار

از: سید اعجاز حسین بن سید محمد قلی النیسابوری الکتوری الشیعی

موضوع: کتاب شناسی، زبان: عربی

کتاب معروفی است در کتاب شناسی، که مؤلف در آن آثار شیعه امامیه را معرفی نموده است. وی ساکن شهر لکهنو در هند بوده، لذا گزارش این کتاب از آثار دانشمندان امامیه هند، اهمیت زیاد دارد. ثقة الاسلام تبریزی در مرآت الکتب و شیخ آقابزرگ در الدررعیه الی تصانیف الشیعه از این کتاب در موارد متعدد نقل نموده اند. ثقة الاسلام هنگام نقل از این کتاب، اشتباهات و لغزش های مؤلف را نیز یادآوری نموده، که در تصحیح این کتاب باید مورد توجه قرار گیرد. در این چاپ، این کتاب را محمد هدایت حسین بن علامه شمس العلماء ولایت حسین، مدرس السنه الشرقیه در پریسیدنسی کالج کلکنه، تصحیح نموده و به اهتمام اراکین ایشیاتک سوسایتی در کلکنه در سال ۱۳۳۰ ق به چاپ رسیده است.

این کتاب از روی همین چاپ در رقم از سوی کتابخانه آیت الله مرعشی (چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق)

به صورت افست، منتشر شده است.

کتاب حاضر شامل بخش های زیر است:

- مقدمه مصحح (۵ ص)؛

شامل معرفی کتاب و نسخه‌های آن و شرح حال کوتاهی از مؤلف؛
 آغاز دیباچه: بسمله. الحمد لله الولي المنعم والصلوة والسلام على رسوله خير الانام.
 - متن کشف الکتب والاسرار (ص ۱-۶۰۷)؛
 آغاز کتاب: بسمله. الحمد لله منزل الکتب والاسفار وکاشف الحجب والاسرار.
 - نمایه رجال واماکن (ص ۱۱۸)؛
 شامل: فهرست اسماء الرجال والاماکن پایان نسخه با ذکر کاربرد آن در صفحه‌های کتاب
 (ص ۱-۱۱۸).

نوع چاپ: سربی. به اهتمام: به امر اراکین ایشیاتک سوسایتی. توضیحات: صفحه‌های
 آغازین و پایانی کتاب اسیدی، فرسوده و از شیرازه جداگشته و نیاز به مرمت دارد. محل چاپ:
 هند؛ کلکته. مطبعه: پیپتس مشن پریس. تاریخ: ۱۳۳۰ ق. تعداد صفحات: ۵+۶۰۷+۱۱۸؛
 اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۱۰۲)

۱۶۳. ناصر العترة الظاهرة

از: حاج سید ابوالقاسم بن نقی منسوباً الی سید حسین رضوی قمی
 موضوع: حدیث شیعه، زبان: فارسی
 مؤلف در این اثر احادیث فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را از چهار کتاب حدیثی اهل سنت
 (مشکوٰة، ترمذی، مسلم و بخاری) استخراج و در این کتاب درج نموده است. او از این چهار
 کتاب تعبیر به صحاح اربعه اهل سنت نموده است.
 او کتابش را در یک مقدمه و چند باب بدون شماره برای باب‌ها تنظیم و به نام نواب
 ناصر علی خان مصدر نموده است. عنوان چند باب آن چنین است:
 مقدمه: در اسامی اهل بیت علیهم‌السلام ۱. باب الصلوة بر نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل او ۲. باب ائمه دوازده‌اند ۳.
 باب النص بر امامت ائمه اثنی عشر ۴. باب عصمت و طهارت ۵. باب افضلیت اهل بیت
 طهارت و عصمت ۶. باب وجوب محبت اهل بیت علیهم‌السلام ۷. باب محارب آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۸. باب
 امامت علی مجدی خم غدیر ۹. باب امامت علی بلفظ و هو ولی کل مومن ۱۰. باب النص بر
 امامت علی لایؤدی عنی.
 و در بقیه باب‌ها هم احادیثی را در فضایل علی علیه‌السلام و فاطمه زهرا علیها‌السلام و دیگر امامان
 دوازده‌گانه، از مصادر اهل سنت نقل نموده است.

مؤلف در آخرین کتاب (ص ۱۵۵-۱۶۲) رساله جاحظ را در اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام که اربلی در کشف الغمّه نقل نموده، از همان کتاب نقل و ترجمه نموده است. او در آخرین کتاب، شجره سیادت خود را چنین ذکر نموده:

سید ابوالقاسم بن سید حسین بن سید نقی بن سید حسین بن سید علی بن سید ابی الحسن - زاد فی سلسله بن سید احمد بن العلامه الفهامة الحاج محمد بن السید حسین القمی بن السید محمد بن السید احمد بن السید مناج بن السید جلال ابن السید علی و فی سلسله بن السید حسن بن السید قاسم فقط بن السید حبیب الله و فی سلسله بعد السید حبیب الله السید احمد ابن موسی وزاد فی سلسله اخرى السید حبیب الله ابن السید عبد الله ابن السید مهدی ثم اتفقت السلسله انه ابن السید الموسی المبرقع.

مؤلف این کتاب را در روز جمعه، جمادی الاولی ۱۲۹۵ ق در لاهور به پایان رسانده است. آغاز: بسمله. اللهم یا من تحیرت حبوب القلوب عن ادراك کیفیتک فلا یدور حول الهیتک. نوع خط: نسخ نستعلیق. کاتب: منشی قاسم علی. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: فیروزالدین. توضیحات: قطعه تاریخ از میرزا محمد اکبر خان سیستانی متخلص به خاور و از میرزا محمد شریف کابلی (ص ۱۶۷)؛ فهرست مندرجات کتاب (ص ۱۶۸). محل چاپ: پاکستان؛ لاهور. مطبعه: قادری پریس. تاریخ: ۳ ربیع الاول ۱۲۹۶ ق. تعداد صفحات: ۱۷۰؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۱۰۳)

۱۶۴. بهار باران شرح گلستان

از: مولوی غیاث الدین رامپوری مصنف غیاث اللغات

موضوع: ادبیات فارسی، زبان: فارسی

شرح مفصلی است بر گلستان سعدی. این شرح با عنوان های «قوله قوله» برگزار شده و در سال ۱۲۵۹ ق تألیف آن به پایان رسیده است. در آن چند ماده تاریخ در تألیف کتاب از منشی هیرالال آمده است.

آغاز: بسمله. گلچینی گلستان حمد سبحان نه یارای بیان انسان سراپا نسیان و ثمرافشانی محامد بستان محامد رحمن نه اندازه دست و زبان آدم ضعیف البیان.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: حسب ارشاد

مولوی عظیم الدین صاحب فرزند غیاث الدین رامپوری؛ به تحریک و عنایت مولوی عبدالله صاحب رجسترار رامپور.

توضیحات: نسخه حاضر چاپ دوم این کتاب است و چاپ نخست آن به تاریخ جنوری ۱۸۹۱ به طبع درآمده است؛ خاتمة الطبع به اردو به قلم محمد حسین صاحب مصحح سابق مطبع اوده اخبار (ص ۴۴۲)؛ فهرست کتاب های منتشره در موضوع ادبیات فارسی و تصوف در پشت صفحه عنوان و دو صفحه آخر نسخه آمده است؛ تمامی صفحات جدول دار؛ صفحات زوج رکابه دار.

محل چاپ: هند؛ لکهنو. مطبعه: نولکشور. تاریخ: جولای ۱۸۹۷م. تعداد صفحات: ۴+۴۴۲؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۱۱۰۴)

۱۶۵. عین الافادة في كشف الاضافة

از: مولوی سید محمد عبدالله بلگرامی

موضوع: ادبیات عرب، نحو، زبان: عربی

بحث مفصلی است درباره اضافه لفظی و معنوی در علم نحو نگاشته است. این رساله را مؤلف در شرح عبارت «اعلم ان الاضافة على قسمين اما معنويه فهی ان يكون المضاف غير صفة مضاف» از کتاب کافیة ابن حاجب نگاشته است.

آغاز: بسمله. حمد لمن هو مضاف اليه دائماً هو مجرور لדיه و صلوة على من هو منصوب لفعل الهداية و مرفوع اعلام شفاعته يوم القيامة.

نوع خط: نسخ و نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: سید محمد عبدالله بلگرامی.

توضیحات: فهرست کتاب های منتشره در موضوع ادبیات و اخلاق و تصوف در دو صفحه آخر نسخه آمده است؛ قطعه تاریخی به نظم و فارسی از مولوی محمد هادی در هشت در تاریخ طبع کتاب؛ تمامی صفحات جدول دار؛ موارد دشوار متن در حاشیه ها با شماره های شاخص شرح و توضیح داده شده است.

محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: منشی نول کشور. تاریخ: ۱۸۷۷م مطابق با ۱۲۷۰ق. تعداد صفحات: ۱۰۴-۱۲۰؛ اندازه: ۱۷*۲۵؛ تعداد سطور: ۱۱. (نسخه ش: ۳/۱۱۰۵).

۱۶۶. مجموعه



۱. کافیه ابن حاجب (متن ص ۱-۱۲۰)

از: ابن حاجب

موضوع: ادبیات عرب نحو، زبان: عربی

آغاز: بسمله. الكلمة لفظ وضع لمعنى مفرد وهي اسم وفعل وحرف.

۲. شرح فارسی کافیه ابن حاجب (حاشیه ص ۱-۱۲۰)

از: ناشناخته

موضوع: ادبیات عرب، نحو، زبان: فارسی

منتخبی است از شروح مختلف فارسی کتاب کافیه ابن حاجب. این منتخب اغلب از شروح فارسی این کتاب گزینش شده و با عبارتهای «قوله قوله» و با شماره‌های شاخص در حاشیه درونی و بیرونی کافیه تحریر شده است. گویا این انتخاب و گزینش توسط محمد عبدالاحد صورت گرفته است.

آغاز: بسمله. نحمده ونصلی علی رسولہ الکریم، قوله الكلمة الخ اگر گفته شود که سزاوار بود که شروع می کرد مصنف کتاب خود را بعد تسمیه بحمد الله سبحانه.

۳. مؤنثات سماعیه کمال پاشا (ص ۱۱۹)

از: ابن کمال پاشا

موضوع: ادبیات عرب، زبان: عربی

رساله کوتاهی است در تحقیق مؤنثات سماعیه در لسان عربی.

آغاز: بسمله. هذه رسالة في تحقيق المؤنثات السماعية لابن كمال پاشا رحمته الله قال المظهر مصنف

شرح المفصل معرفة المؤنثات السماعية متعسر على الاكثرون نحن نذكرها ههنا.

۴. مؤنثات سماعیه ابن حاجب (ص ۱۲۰)

از: ابن حاجب

موضوع: ادبیات عرب، زبان: عربی

منظومه کوتاهی است در ۲۳ بیت، که ابن حاجب در آن مؤنثات سماعیه را در زبان عربی

جمع آوری نموده است.

آغاز: بسمله. (شعر)

بمسائل فاحت كغصن البان

نفسی الفداء لسائل وافانی

هي یافتی في عرفهم ضربان

اسماء تأنیث بغير علامة

نوع خط: نسخ و نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد عبدالاحد. توضیحات: شرح لغات و اصطلاحات با شماره‌های شاخص در حاشیه تمامی صفحه‌ها به زبان فارسی. محل چاپ: هند؛ دهلی. مطبعه: مجتبیایی. تاریخ: ۱۳۲۶ ق مطابق با ۱۹۰۸ م. تعداد صفحات: ۱۲۰؛ اندازه: ۱۷*۲۵؛ تعداد سطور: ۸. (نسخه ش: ۴/۱۱۰۵).

۱۶۷. خسرو و شیرین

از: حکیم نظامی گنجوی

موضوع: ادبیات فارسی، منظومه‌ها، زبان: فارسی

منظومه مشهوری است در بیان عشق خسرو و شیرین که یکی از منظومه‌های پنج‌گانه نظامی است که به خمسه نظامی معروف است.

آغاز: (شعر)

خداوند در توفیق بگشای نظامی راه تحقیق بنمای

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده.

توضیحات: تمامی صفحات جدول دار و چهارستونی؛ صفحات زوج رکابه دار؛ قطعه‌ای منظوم در تاریخ طبع کتاب به فارسی؛ در پشت صفحه اول این نسخه اتمهای مخزن الاسرار نظامی است، که منظومه اول خمسه نظامی می‌باشد.

محل چاپ: کشور: ذکر نشده؛ شهر: ذکر نشده. مطبعه: داود میان. تاریخ: ۱۲۷۲ ق. تعداد صفحات: ۱۲۲؛ اندازه: ۱۷*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۷. (نسخه ش: ۱۱۰۷).

۱۶۸. مجموعه

مجموعه‌ای شامل چند رساله در آداب و اخلاق و عرفان، بدین ترتیب:

۱. صد پند سودمند لقمان حکیم (ص ۱-۱۲)

از: ناشناخته

موضوع: ادبیات فارسی، اخلاق، زبان: فارسی

آغاز: بسمله. صد پند سودمند لقمان حکیم برای تربیت فرزند پرورده ناز و نعیم اول آن که ای جان پدر خدای را عزوجل بشناس.

۲. رساله خواجه عبدالله انصاری (ص ۱۳-۲۶)



از: خواجه عبدالله انصاری

موضوع: ادبیات فارسی، عرفان، زبان: فارسی

گزیده‌ای از مناجات خواجه عبدالله انصاری است.

آغاز: بسمله. بسمك القدوس قدسني مني الهي اين چه فضيلت است که بادوستان خود کرده‌ای که هرکه تورا شناخت ایشان را یافت و هرکه ایشان را شناخت تورا یافت.

۳. تحفة الملوك (ص ۲۷-۴۰)

از: ناشناخته

موضوع: حکمت عملی، اخلاق، زبان: فارسی

همان کتاب ش (۳/۱۴۷)، ولی نسخه حاضر چاپ دیگری است.

آغاز: بسمله. حمدله... اما بعد بدان که این رساله‌ای است مشتمل بر آن که حکما از کتب قدما اختیار کردند.

۴. منهاج العارفين (ص ۴۱-۵۵)

از: میرسید علی همدانی

موضوع: ادبیات فارسی، عرفان، زبان: فارسی

رساله کوتاهی مشتمل بر پندها و نصایحی، که از کلام اهل معرفت جمع آوری شده است.

آغاز: بسمله. حمد بی حد و ثنای بی عد مرآفیدگاری را که سینه عارفان مخزن اسرار خود ساخته... بدان ای عزیز زنه‌اربه غیر حق اعماد نکمی تا پیشیمان نشوی.

۵. سعادت نامه (ص ۵۵-۶۲)

از: رابط

موضوع: حکمت نظری، اخلاق، منظومه‌ها، زبان: فارسی

منظومه است قریب به نود بیت، مشتمل بر نصایح و بیان هفتاد و سه افعال ذمیمه که ناظم

آن‌ها را از روی احادیث صحیح و کتب فقه، به نظم کشیده است.

شاعر در آغاز منظومه از خود با نام «رابط» یاد کرده، و گوید: (شعر)

یا الهی رابط شیرین کلام می کند نظم این در معجز نظام

رابط منظومه اش را در ۱۲۵۸ ق، به پایان رسانده است.

آغاز: بسمله. (شعر)

می سرایم نغمه حمد خدا آن که مرسل ساخت خیر الانبیاء

وه چه مرسل هادی جن و بشر
 ۶. مناجات فرخ آبادی (ص ۶۲-۶۴)
 از: مولوی محمد جمیل الدین فرخ آبادی
 موضوع: حکمت نظری، اخلاق، منظومه‌ها، زبان: فارسی
 مناجات منظومی است در بیست و دو بیت، مشتمل مناجات بر باری تعالی و توسل بر
 حضرت پیامبر ﷺ و خلفاء و صحابه آن حضرت.
 آغاز: بسمله. (شعر)

اهلی به حسن و جمال محمد ﷺ اهلی به فضل و کمال محمد ﷺ
 نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده.
 توضیحات: مطالب و واژه‌های دشوار متن در حاشیه با شماره شاخص توضیح و شرح شده است؛
 تمامی صفحات جدول دار؛ شرح لغات و اصطلاحات با شماره‌های شاخص در حاشیه بسیاری
 صفحه‌ها به زبان فارسی؛ خاتمه الطبع به فارسی در آخر مجموعه در نصف صفحه آمده است.
 محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: منشی نول کشور. تاریخ: ۱۸۵۴ م. تعداد صفحات: ۶۴؛
 اندازه: ۲۱*۱۳؛ تعداد سطور: ۹ و ۱۳. (نسخه ش: ۱/۱۱۰۸).

۱۶۹. دوحه الصنائع

از: امام الدین امامی بن شیخ ابوالمکارم نعمانی البیدوبوی
 موضوع: ادبیات فارسی، فنون ادبی، زبان: فارسی
 اثری است در بیان صنایع ادبی و شعری، مشتمل بر چند شعبه با این عنوان‌ها:
 شعبه اول: درسی و یک ثمره به تعداد حروف الفبا، و برای هر حرف یک قطعه، که ناظم در
 هر قطعه‌ای یکی از حروف الفبا را حذف نموده است.
 شعبه دوم: در صنایع علم بدیع، شامل شصت و یک ثمره.
 شعبه سوم: در صنعت لغز و معما و غیره، شامل چهل و هشت ثمره.
 مؤلف در اشعارش امامی تخلص می‌کند و این اثر را در سال ۱۰۸۴ ق در عهد اورنگ زیب
 عالمگیر، در شهر اله آباد، تألیف نموده است.

در چاپ حاضر مولوی سید محمد علی ملیح آبادی عضو انجمن ترقی علوم در حیدرآباد دکن
 آن را تصحیح کرده و در آخر آن ۲۵ تعلیقه با عنوان ضمیمه دوحه الصنائع از ص ۸۲-۸۷ به



اردو آورده است.

آغاز: بسمله. الحمد لله الواحد الاحد الملك الصمد مالك الملوك الكرام حاكم ملك دار السلام عالم اسرار هرکدام.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. توضیحات: تمامی صفحات جدول دار. محل چاپ: هند؛ حیدرآباد دکن. مطبعه: انوار الاسلام. تاریخ: ۱۳۲۴ق. تعداد صفحات: ۸۷؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطون: ۱۶. (نسخه ش: ۲/۱۱۰۸).

۱۷۰. بدایع الانشاء یا انشای یوسفی

از: یوسف بن محمد یوسفی هروی (م ۹۵۰ق)

موضوع: ادبیات فارسی، منشآت، زبان: فارسی

رساله‌ای که مؤلف در آن منشآت خود را برای یاد دادن آداب نامه‌نگاری به فرزندش حسین جمع‌آوری نموده است. نام کتاب در فهراس و کتاب‌شناسی‌ها بدایع الانشاء ذکر شده ولی در صفحه عنوان نسخه حاضر بدایع الانشاء چاپ شده است. (مشترک پاکستان، ج ۵، ص ۳۰-۳۸).

آغاز: بسمله. زینت عنوان هرنامه نامی و زیور دیباچه هر صحیفه گرامی حمد مبدعی است. نوع خط: نستعلیق و نسخ. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: به فرمایش شیخ غلام‌علی.

توضیحات: تمامی صفحات جدول دار؛ صفحات زوج رکابه دار؛ بعد از اتمام کتاب این بیت: (شعر)

رواج نامه برنام نظام است چوسرمه جا به چشم اندر دهدش

به صورت مرقع به خط رنگین لال تحریر شده است.

محل چاپ: هند؛ دهلی. مطبعه: هندو پریس پیاری لعل. تاریخ: ذکر نشده. تعداد صفحات:

۱۳۲؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطون: ۱۶. (نسخه ش: ۴/۱۱۰۸).

۱۷۱. مثنوی ناصرعلی (نقاش و صورت)

از: شیخ ناصرعلی سرهنندی

موضوع: ادبیات فارسی، زبان: فارسی

مثنوی عرفانی است در حدود هزار و چهارصد بیت. در برخی مصادر نام این منظومه نقاش

و صورت ذکر شده است.

آغاز: بسمله. (شعر)

الهی ذره دردی به جان ریز / شرور پنبه زار استخوان ریز
 نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد لطف علی خان
 به اعانت سید عبدالرشید خان بهادر فرزند نواب آصف نواز الملک بهادر معتمد صرف خاص
 پیشی خداوندی اعلی حضرت سرکار نظام دکن.

توضیحات: نسخه در عهد نظام الملک آصفجاه حضور پرنور علی خان پادشاه دکن به
 اختتام رسیده است؛ شرح لغات و اصطلاحات با شماره های شاخص در حاشیه برخی
 صفحه ها به زبان فارسی.

محل چاپ: هند؛ حیدرآباد دکن. مطبعه: سهیل دکن. تاریخ: جمعه ۴ شوال ۱۳۱۲ ق. تعداد
 صفحات: ۹۶؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۱۶. (نسخه ش: ۵/۱۱۰۸).

۱۷۲. حلّ المشكلات في شرح المعنیات

از: سید احمد رضا حسن بهاری بن راحت حسین (م ۱۲۸۳ ق)

موضوع: ادبیات فارسی، معما، زبان: فارسی

سید راحت حسین بن سید شاه غلام حسن در مقدمه ای که برای رساله نوشته، عنوان
 نموده که مؤلف این رساله سید مظهر احسن عرف احمد رضا- چهارمین فرزند وی بوده و در
 هنگام تألیف این رساله در نوزده سالگی در سال ۱۲۸۳ ق دارفانی را وداع گفته است. لذا وی
 این رساله را که تنها یادگار علمی فرزندش بوده- تنظیم و با مقدمه ای منتشر نموده است. راحت
 حسین سه فرزند دیگر خود را به نام های: سید مظهر حق عرف حسن رضا؛ سید نادر رضا
 معروف علی رضا؛ سید ظهور الحسن مشهور به محمدرضا، یاد نموده و عنوان کرده که متوطن
 موضع بیتهو متعلق ضلع بهار می باشد.

او هم چنین در مقدمه عنوان می کند که مؤلف این رساله فرزندش- بنا داشته در این رساله
 معماهای حدائق بلاغت و رساله کبیر و متوسط و صغیر عبدالرحمن جامی و معنیات ابو مسلم
 نگاری و حلال مطرز ملا شرف الدین یزدی و تذکره الشعرا محمد طاهر نصرآبادی متخلص به
 خیالی و معماهای ملا اهلی شیرازی و ملا میر حسین معمایی و ملا علی شغال و ملا بد خشی و
 سیفی بخاری و بحر الافکار را حل نماید ولی در این چند بخش آمده بدین ترتیب:

- دیباچه: از سید راحت حسین بن حضرت سید شاه غلام حسن (ص ۱-۶)؛

- حل معنیات حدائق البلاغت شمس الدین فقیر دهلوی (ص ۶-۲۵)؛



- شرح معنیات مولانا جامی (ص ۲۵-۳۴).

آغاز: بسمله. زبان به تحصیل ثنای سخن آفرینی که معمای کن فکان به اسم فخر موجودات گشاده کسی چه گشاید.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد عبدالرحمن بن محمد روشن خان.

توضیحات: تمامی صفحات جدول دار؛ مهر و امضای ناشر کتاب محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان حنفی - در آخر نسخه چاپ شده است؛ به موجب قانون ۱۸۴۷ میلادی رجستری شده است؛ تمامی صفحات جدول دار؛ غلط نامه در پایان نسخه در دو صفحه.

محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: نظامی. تاریخ: ذی حجه ۱۲۸۴ ق. تعداد صفحات: ۳۶؛ اندازه: ۲۵*۱۶/۵؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۱۱۱۰).

۱۷۳. کلیات عراقی

از: فخرالدین ابراهیم عراقی همدانی (م ۶۸۸ ق)

موضوع: ادبیات فارسی، دیوان‌ها، زبان فارسی

کلیات اشعار شاعر است، بدین ترتیب:

قصائد (ص ۲-۶۰)؛ غزلیات (ص ۶۰-۱۶۷)؛ رباعیات (ص ۱۶۷-۱۸۴)؛ مثنوی و

قطعات (ص ۱۸۵-۲۲۴).

آغاز: بسمله. (شعر)

ای جمالت عرش عزت جاودان انداخته گوی در میدان وحدت کامران انداخته

نوع خط: نستعلیق. کاتب: محمد فاضل. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: حسب

فرمایش شیخ الهی بخش محمد جلال‌الدین تاجران کتب کشمیری بازار لاهور.

توضیحات: به تصحیح مولوی کرم الهی قادری سلحلولی، ساکن لاهور محله تکیه سادھوان

گوچه گندی گلی؛ صفحه اول دارای سرلوحه و کتیبه؛ تمامی صفحه‌ها جدول دار و ستونی؛

فهرست منشورات مطبعه در پشت صفحه عنوان و دو صفحه پایان نسخه آمده است؛ نام

محمد حسین نقاش از عادل‌گره در بین نقش‌های صفحه عنوان دیده می‌شود.

محل چاپ: پاکستان؛ لاهور. مطبعه: اسلامیة سئیم پریس. تاریخ: ذکر نشده. تعداد

صفحات: ۲۲۴+۴؛ اندازه: ۲۵*۱۶؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۱۱۱۱).

۱۷۴. تاریخ کنج پوره

از: نیاز

موضوع: تاریخ، زبان: فارسی

تاریخ آبادی کنج پوره واقع در ضلع کرنال (پنجاب هند) که در سال ۱۱۳۶ ق به دست نجابت خان تاسیس گردید.

اصل کتاب فارسی است و مؤلف آن نیازی باشد. و در چاپ حاضر محمدباقر نیاز آن را تصحیح نموده و تعلیقات و مقدمه‌ای به انگلیسی بر آن اضافه نموده است.

نسخه‌ای که کتاب از روی آن تصحیح شده منحصر بوده و از آغاز و انجام افتادگی داشته، و به همین دلیل، مشخصات دقیق مؤلف، معلوم نشده است.

آغاز: [ص ۱] فصل اول مشتمل بر تشریف‌آوری خان صاحب نجابت خان از ولایت و آباد نمودن کنج پوره.

نوع چاپ: سربی.

توضیحات: نمایه کتاب در پایان نسخه تحت عنوان اشاریه در (ص ۱۱۹-۱۲۰)؛ غلط‌نامه در پایان نسخه (ص ۱-۴)؛ دیباچه در پایان نسخه از محمدباقر به زبان انگلیسی (ص ۱-۱۱).

محل چاپ: پاکستان؛ لاهور. مطبعه: اداره تحقیقات پاکستان دانشگاه پنجاب لاهور (انتشارات اداره تحقیقات پاکستان شماره ۳۰). تاریخ: اکتوبر ۱۹۷۳ م. تعداد صفحات: ۱۲۰+۴+۱۱؛ اندازه: ۱۶*۲۴؛ تعداد سطوح: ۲۸. (نسخه ش: ۱۱۱۳).

۱۷۵. شرح یوسف و زلیخای مشهور به شرح محمدیه

از: محمد بن غلام محمد گلهوی

موضوع: ادبیات فارسی، عرفان، زبان: فارسی

شرح معروفی است بر منظومه یوسف و زلیخای جامی. مؤلف از شارحین معروف متون فارسی در هند است و شرحی بر بوستان سعدی و شرحی بر سکندرنامه نامی نیز نوشته، که تمامی شروح وی به نام شرح محمدیه معروف است. شرح حاضر نیز که شرح یوسف و زلیخاست به شرح محمدیه معروف است. این شرح به صورت قوله-قوله برگزار شده و مؤلف از عارفان سلسله چشتیه بوده است. در آخرین نسخه (ص ۱۷۴) قطعه‌ای منظوم به فارسی از فقیرالله تاجر متخلص به فقیر در ۲۱ بیت در نعت رسول الله ﷺ چاپ شده است.



آغاز: بسمله. حمدله... اما بعد می گوید احقر عبادالله العلام الصمد محمد بن غلام محمد. نوع خط: نستعلیق. کاتب: نیازرقم نورالدین. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: منشی قادربخش؛ به فرمایش چراغ الدین تاجرکتب لاهور بازار کشمیری. توضیحات: به تصحیح مولوی کریم بخش صاحب ساکن لاهورکتب فروش بازار کشمیری؛ تمامی صفحات جدول دار. محل چاپ: پاکستان؛ لاهور. مطبعه: قادری. تاریخ: ۱۲۹۸ق. تعداد صفحات: ۱۷۶؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۲/۱۱۱۴).

۱۷۶. شرح سکندرنامه نظامی گنجوی

از: محمد نصیر بن سلطان سفیانی

موضوع: ادبیات فارسی، منظومه ها، زبان: فارسی

شرح مفصلی است به نشر منظومه سکندرنامه نظامی گنجوی. در این شرح قطعات سکندرنامه با علامت «م» و شرح آن با علامت «شرح» آمده است. آغاز: بسمله. حمد و سپاس متوافره و ثناء و تحیت متکاتره مرخالتی را که ظلمت کده حروف اشباح. نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. محل چاپ: کانیپور. مطبعه: منشی نول کشور. تاریخ چاپ دوم: ماه می ۱۸۷۴م. تعداد صفحات: ۲۵۶؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۳/۱۱۱۴).

۱۷۷. شرح مینابازار

از: امام بخش دهلوی متخلص به صهبائی

موضوع: ادبیات فارسی، زبان: فارسی

شرحی است بر رساله مینابازار که مؤلف برای یادگیری دوفرنشدهش عبدالعزیز و عبدالکریم نگاشته است. کلیات صهبائی قبل از این معرفی گردید ولی این شرح در آن نیامده است. اصل رساله مینابازار نیز در شماره (۱۲۲) معرفی شده است. آغاز: بسمله. رباعی: (شعر)

از بنده خضوع و التجا می زیبید بخشایش بنده از خدا می زیبید

گر من کم آن که آن زمن نازیباست توکن همه آن که آن تورا می زیبید

همدی که زبان از گزارش آن به عجز اعتراف نماید و نعتی که قلم از تحریر آن زبان به فروتنی برگشاید.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: وارث علی. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: لاله بشیشردیال.
توضیحات: فهرست منشورات مطبوعه در موضوع ادبیات در پشت صفحه عنوان و دو
صفحه پایان نسخه آمده است؛ تمامی صفحات جدول دار.
محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبوعه: منشی نول کشور. تاریخ: اپریل ۱۸۷۳ م. تعداد صفحات:
۱۳۰+۴؛ اندازه: ۱۵*۲۴؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۴/۱۱۱۴).

۱۷۸. ذخیره المعاد

از: شیخ زین العابدین مازندرانی حائری (م ۱۳۰۹ ق)

موضوع: فقه، زبان، فارسی

۲. همان کتاب شماره (۳۶ و ۲۰۶ و ۱۰۹۶)، ولی نسخه حاضر چاپ دیگر است. مطالب

نسخه حاضر چنین است:

- تقریظی از حاج سید نواب خان ذاکر حسنی حسینی مبنی بر آن که نسخه اصلی این
رساله را خود در نجف از مؤلف گرفته و به هند آورده است. (ص ۱ و ۲)؛

- فهرست مطالب کتاب (ص ۳-۱۰)؛

- تقریظ حاج سید مهدی بن سید محمد (ص ۱۱-۱۲)؛

- تقریظ امام جمعه و جماعت سید اصغر حسین بن علی صورتی (ص ۱۳-۱۷)؛

- صورت دست خط‌های حاجی سید ولایت علی خان صاحب سی آی ای و سید مهدی

شاه صاحب و شیخ زین العابدین مازندرانی در صحت عمل به این رساله (حواشی صفحه

اول متن کتاب)؛

- متن کتاب (ص ۲-۸۴۵)؛

- تقریظ از مؤلف که در آن عنوان نموده که حاجی سید نواب جان هندی عظیم آبادی این

رساله را مبوب و تصحیح و مقابله نموده و ابراز امیدواری کرده که این سؤال و جواب با نسخه

سؤال و جواب که به تبریز رفته چاپ شود تا شیعیان متفجع شوند (ص ۸۴۵)؛

- چند مسئله جدید که در سال ۱۲۹۶ ق از نجف از دست خط مؤلف رسیده است (ص

۸۴۶-۸۴۸)؛

- قطعات تاریخ طبع کتاب (ص ۸۴۸-۸۵۶) از این نویسندگان:

- قطعه منظوم فارسی درشش بیت از نواب مهدی علی خان صاحب مهدی،



- قطعه منظوم فارسی درسه بیت از نواب هادی علی خان فائزولد ارشد نواب مهدی علی خان،
- دو قطعه منظوم فارسی درهشت و پنج بیت از جناب میر مرتضی،
- قطعه منظوم فارسی در هفت بیت از نواب مولوی سید علی محمد صاحب شاد،
- قطعه منظوم فارسی در شش بیت از میر حامد حسین صاحب نکهت،
- دو قطعه منظوم فارسی در شانزده و هفت از سید امیرخان صاحب فرقی برادر سید نواب جان ذاکر،
- یک رباعی و یک دوبیتی فارسی از سید محمد تقی بن مولوی سید علی رضا صاحب،
- قطعه منظوم فارسی در هفت بیت از سجاد علی صاحب شهرتی فرزند سید امیر فرقی،
- قطعه منظوم فارسی در بیست و دو بیت از سید نواب جان ذاکر،
- قطعه منظوم فارسی در چهار بیت از شیخ علی باقر صاحب متخلص به آباد،
- خاتمة الطبع به نثر از سید نواب جان ذاکر در صفر ۱۲۹۶ ق در عظیم آباد پتته.
- غلط نامه کتاب (ص ۸۵۷-۸۷۷).

نوع خط: نستعلیق. کاتب و تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: وزیر علی حسب فرمایش حاج سید نواب جان صاحب ذاکر.

توضیحات: مهر مؤلف با سجع «عبدہ الراجی زین العابدین» در پایان نسخه چاپ شده است؛ این کتاب به موجب قانون بیستم سال ۱۸۴۷ رجستری شده و هرگونه حقوق طبع متعلق به سید نواب جان ذاکری است؛ تمامی صفحات جدول دار.

محل چاپ: هند؛ عظیم آباد پتته. مطبعه: صبح صادق. تاریخ: صفر ۱۲۹۶ ق. تعداد صفحات: ۱۷ + ۸۷۷؛ اندازه: ۱۶*۲۴؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۱۱۵)

۱۷۹. دیوان قاسم منیجه (سبزواری)

از: قاسم خان سبزواری منیجه (قرن ۱۱ ق)

موضوع: ادبیات فارسی، دیوان‌ها، زبان فارسی

این نسخه یک شماره از مجله علوم اسلامیة هست که به زبان اردو و از سوی اداره علوم اسلامیة مسلم یونیورسٹی علی گره منتشر می گردید. این نسخه شماره اول از جلد سوم آن بوده که در جون ۱۹۶۲ م انتشار یافته است. تمامی مقالات آن به اردوست ولی مقاله پنجم آن (بخش متون) تصحیح و تحقیق دیوان یکی از شاعران فارسی زبان است. مصحح آن دکتر محمد شمعون اسرائیلی است که از روی نسخه خطی منحصر آن که در کتابخانه دانشگاه علی گرنگهداری می شود آن را تصحیح و مقدمه ای به اردو بر آن نگاشته است.

این نسخه منتخبی از اشعار فارسی قاسم سبزواری هندی است که به قاسم منیجه معروف است. شایان ذکر است که وی غیر از قاسم گاهی است که دیوانش به چاپ رسیده است. این منتخب دارای ۱۲۸ غزل به ترتیب قوافی و بعد از چند سی و یک تک بیتی و نوزده رباعی را دربردارد. شاعر در اشعارش «قاسم» تخلص می کرده و همزلف جهانگیر پادشاه بوده و خواهر نور جهان بیگم زوجه او بوده است.

آغاز: دیوان قاسم خان منیجه، غزلیات، ردیف الف: (شعر)

یک نفس گریبگردد با دوست بس باشد مرا حاصل عمر عزیز این یک نفس باشد مرا

مرغ هر شاخی نیم ای باغبان بالم میند عندلیم سایه گلبن قفس باشد مرا

نوع چاپ: سربی

توضیحات: گروه نظارت مجله: پروفیسر عبدالعلیم، داکتر سید مقبول احمد، داکتر منیب الرحمن؛ ویراستار: دکتر مختارالدین احمد.

محل چاپ: هند؛ علی گره. مطبعه: مسلم یونیورسٹی. تاریخ: جون ۱۹۶۲م. تعداد صفحات:

۲+۱۵۴؛ اندازه: ۱۶*۲۴؛ تعداد سطور: ۲۶. (نسخه ش: ۱۱۱۶)

۱۸۰. شرح نصاب الصبیان [شرح دشت بیاضی]

از: حاجی محمد بن فصیح محمد معروف به کریم الدین دشت بیاضی

موضوع: ادبیات فارسی، فرهنگ های منظوم، زبان: فارسی

شرح معروفی است بر نصاب الصبیان ابونصر فراهی.

در خاتمه الطبع نسخه حاضر عنوان شده که شارح نبیره ابونصر فراهی است.

آغاز: بسمله. حمد و ثنایی نامحدود و شکر و سپاس نامعدود حضرت علیم معبود کریم

واجب الوجود را که نصاب صبیان لسان راتاج علم الاسماء بر سر نهاده.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: منشی بهگواندیا

صاحب عاقل به سرپرستی منشی پراگ نرائن صاحب بهارگورای بهادر مالک مطبعه. توضیحات:

تمامی صفحات جدول دار. محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: منشی نول کشور. تاریخ: چاپ ششم:

دسامبر ۱۹۱۱م. تعداد صفحات: ۱۷۰؛ اندازه: ۱۶*۲۴/۵؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۱۱۸)

۱۸۱. سفرنامه ناصرالدین شاه به اروپا (اولین سفر)

از: ناصرالدین شاه قاجار

موضوع: تاریخ، سفرنامه، زبان: فارسی

۲. همان کتاب شماره (۳۹۶)، ولی نسخه حاضر چاپ دیگر است.

در این چاپ میرزا محمدعلی کشکول شیرازی آن را تصحیح و تنقیح و تهذیب نموده و به خط خود نگاشته است. نسخه حاضر از آغاز افتادگی دارد و از صفحه ۳ شروع می شود.

آغاز نسخه (ص ۳): دوانی، امروز اسب دوانی هم هست رفتیم بالاخانه افواج و جمعیت زیادی از مرد وزن حاضر شده بودند، نهار آوردند، به میلی قدری صرف نمودیم.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: محمدعلی شیرازی مشهور به کشکول. تاریخ کتابت: هشتم ماه می ۱۸۸۰م مطابق با ۲۷ جمادی الاول ۱۲۹۷ق.

توضیحات: در لابه لای کتاب در چند صفحه سفید تصویر امپراطور روس، ملکه انگلیس، رئیس جمهور فرانسه، امپراطور ایتالیا، امپراطور نرسه و مجارستان، مسجد ایاصوفیه قسطنطنیه، سلطان عبدالعزیز امپراطور عثمانی، چسبانده شده است.

محل چاپ: هند؛ بمبئی. مطبعه: ذکر نشده. تاریخ: ۱۲۹۷ق. تعداد صفحات: ۲۱۶؛ اندازه: ۲۴*۱۶؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۱۱۹)

۱۸۲. مثنوی قران السعدین امیر خسرو

از: امیر خسرو دهلوی

موضوع: ادبیات فارسی، زبان: فارسی

مثنوی است عرفانی تاریخی که شاعر آن رابه پیروی از مخزن الاسرار، نظامی گنجوی، درباره رویداد دیدار معزالدین کقباد (پادشاه دهلی) سروده است. خسرو این مثنوی را در مدت شش ماه سروده و در رمضان ۶۷۸ق، به پایان رسانده است.

برای نسخه های خطی و شروع این مثنوی به فهرست مشترک پاکستان، ج ۷، ص ۳۴۷ (۷۲ نسخه) و فهرست دنا، ج ۸، ص ۱۷۳ (۲۳ نسخه)، مراجعه شود.

در این چاپ این مثنوی جزء (سلسله کلیات خسرو به سرپرستی اعلی حضرت حضور نظام عالی مقام) و با مقدمه و تصحیح مسترسید حسن برنی بی ای (علیگ) مهتم دفتر کلیات خسرو و جنرل سپرتندنت صدر دفتر تکمیل مسلم یونیورسیتی علیگره، منتشر شده، و مشتمل بر بخش های زیر است:

- فهرست مطالب (۶ ص)؛

- تهید مثنوی قران السعدین، به اردو، از سید حسن برنی بی ای، مهتم دفتر کلیات خسرو (ص ۶۱)؛
- مقدمه مثنوی قران السعدین، به اردو، از مولانا محمد اسماعیل صاحب مرحوم (ص ۱۶۶)؛
- فهرست مضامین قران السعدین، به اردو، از محمد مقتدی خان شروانی (ص ۱-۸)؛
- مثنوی قران السعدین (۲۵۶ ص).

آغاز: بسمله. (شعر)

شکر گویم که به توفیق خداوند جهان
بر سر نامه ز توحید نوشتم عنوان
نام این نامه والا است قران السعدین
کز بلندی به سعدین سپهر است قران
حمد خداوند سرایم نخست
تا شود این نامه به نامش درست

نوع خط: نستعلیق. کاتب: محمد احمد علی ثریا رقم. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد مقتدی خان شروانی؛ به تنقید مولوی محمد اسماعیل صاحب مرحوم میرتهی؛ حسب اجازت نواب میرسر عثمان علی خان بهادر فتح جنگ.

توضیحات: از صفحه ۲۳۰ به بعد را موریا نه آسیب رسانده و نیاز به ترمیم دارد؛ معانی لغات و شرح و توضیح کلمات دشوار با شماره شاخص دریاورقی صفحه ها به زبان فارسی، آمده است. محل چاپ: هند؛ علیگره. مطبعه: انسی تیوب علیگره. تاریخ: ۱۳۳۷ ق مطابق با ۱۹۶۸ م. تعداد صفحات: ۶+۶۱+۱۶۶+۸+۲۵۶؛ اندازه: ۱۶*۲۴؛ تعداد سطور: ۱۷. (نسخه ش: ۱۱۲۰)

۱۸۳. سَرُ الاجسام

از: حکیم سید قطب الدین صاحب حسینی رضوی قادری حیدرآبادی
موضوع: پزشکی، زبان: فارسی

رساله ای است در تعلیم پزشکی که مؤلف آن را به پیشنهاد برادرش مولوی سید صدرالدین صاحب حسینی رضوی تألیف نموده است. او گوید که آن را برای «تعلیم تلامذه فن طبابت و حصول تجربه تعلیح بالتخصیص در تباضی و قاروره شناسی، که مبتدیان را عند الاستعلام و التفهیم مدقق نیافتند» با عبارت های روان و سلیس نگاشته است.

مؤلف در مقدمه خود را سید قطب الدین حسینی بن سید بدرالدین بن سید شاه غلام علی احمد آبادی بن سید شاه عبدالله بخاری معرفی نموده، و مقدمه کتابش را به نام امیر محبوب علی خان بهادر و وزیر اعظم نواب مختار الملک شجاع الدوله میر تراب علی خان بهادر سالار جنگ، مصدر نموده است. او رساله اش را در سال ۱۲۹۶ ق تألیف نموده و آن را در یک مقدمه و



پنج باب و يك خاتمه تنظیم نموده، با این عنوان‌ها:

مقدمه در بیان حرکت نبض؛ باب اول: در اقسام نبض، شامل بیست و نه فصل؛ باب دوم: در بیان قاروره، شامل هژده فصل؛ باب سوم: در احوال بران، شامل سیزده فصل؛ باب چهارم: در بیان عرق، مشتمل بر ده فصول؛ باب پنجم: در بیان بذاق، مشتمل بر دوازده فصل؛ خاتمه تألیف. آغاز: بسمله. خیالی که در حجب نهانخانه متخیله در حرك دماغ درجه احتجاب یافته و قیاسی که در قعقور معقره متصوره صندوق حس مشترك، صورت انزوا پذیرفته.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: محمد غیاث الدین بن محمد صفدر. تاریخ کتابت: نهم شهر رجب شنبه ۱۲۹۹ ق. به اهتمام: سید حسین ابوالعالی.

توضیحات: در صفحه عنوان آمده: «در زمان سعادت توامان شاه جمجاه میر محبوب علی خان بهادر والی حیدرآباد دکن»؛ تمامی صفحات جدول دار؛ بعد از اتمام رساله چند تقریظ به نظم و نثر، آمده، بدین ترتیب:

- تقریظ خادم السلطنه محمد حسین، به نثر و فارسی؛

- تقریظ محمد رضی الدین متخلص به رضی؛

- تقریظ کاتب نسخه محمد غیاث الدین بن محمد صفدر؛

- خاتمه الطبع از سید حسین ابوالعالی صاحب مطبعه؛

- تاریخ از پاس صاحب دردو بیت به اردو.

محل چاپ: هند؛ حیدرآباد دکن. مطبعه: ابوالعالی. تاریخ: ذی حجه ۱۳۱۴ ق. تعداد

صفحات: ۹۲؛ اندازه: ۵/۱۵*۲۴؛ تعداد سطور: ۱۷. (نسخه ش: ۱۱۲۱)

۱۸۴. بهارستان شاعر

از: میر ناصر علی صاحب متخلص به شاعر (قرن ۱۳)

موضوع: ادبیات فارسی، دیوان‌ها، زبان: فارسی

دیوان اشعار سراج السالکین میر ناصر علی است که در اشعارش «شاعر» تخلص می‌کرد. در آغاز آن دیباچه کوتاهی به نثر فارسی آمده و بعد از آن سه رباعی از غلام حیدر صاحب شهور و يك رباعی از منشی محمد صدیق در تاریخ طبع کتاب (۱۲۹۷ ق) ذکر شده و بعد از آن دیوان شروع می‌شود.

در این دیوان ابتدا قصاید بعد غزلیات و رباعیات به ترتیب قوافی و در آخر قطعات آمده است.

آغاز دیباچه: بسمله. حمد و افریه آن ناصر حقیقی است که گل ناچیز را اشرف مخلوقات گردانیده به قول اقدس رباعی: (شعر)

در هژده هزار خلق ما را شرف است
دانشتن خویش هست دانستن رب
این فیض حصول نکته من عرف است
دیگر چو تکلف بود آن بر طرف است
آغاز دیوان: بسمله. (شعر)

انت ربی انت علام الغیوب
انت هادی انت ستار العیوب
انت شافی انت کافی یا کریم
انت معطی انت کشاف الکروب

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده.

توضیحات: به تصحیح و نظر ثانی میر عابد علی صاحب و میر حافظ علی صاحب فرزندان مصنف مرحوم؛ چاپ کتاب در عهد نواب میر محبوب علی بهادر پادشاه دکن بوده است که از وی به احترام یاد شده است؛ غلط نامه پایان نسخه (ص ۱-۲)؛

دیباچه از مصححان دیوان آغاز نسخه همراه با قطعه طبع از غلام حیدر صاحب و از منشی محمد صدیق صاحب (ص ۲)؛

در آخرین نسخه چند تقریظ منظوم در مدح کتاب و مؤلف آمده از این افراد:

- قطعه منظوم فارسی در پنج بیت از مولوی محمد انتظام علی صاحب مهتم موتوالی بلده؛
- چند قطعه منظوم فارسی (پنج بیتی و چهار دو بیتی و یک سه بیتی) از غلام حیدر صاحب متخلص به شهوار؛

- دو قطعه منظوم فارسی (سه بیتی و دو بیتی) از غلام محیی الدین صاحب شهیار.
محل چاپ: هند؛ حیدرآباد دکن. مطبعه: مطبع انجمن اخوان الصفا. تاریخ: رمضان ۱۳۰۰ ق.
تعداد صفحات: ۲+۲+۱۳۰+۲+۲؛ اندازه: ۲۵*۵/۱۵؛ تعداد سطوح: ۱۶. (نسخه ش: ۱۱۲۱).

۱۸۵. مجموعه

۱. تاریخ (۱۰۴ ص)

از مجموعه مؤلفین

موضوع: تاریخ، کتاب شناسی، زبان: اردو و فارسی

مجموعه ای است که در تاریخ شبه قاره و ایران، به فارسی و اردو منتشر شده است. نسخه حاضر حصه سوم و چهارم از جلد اول را دربردارد، و شامل مطالب زیر است:



یک) ایران قبل شیوع اسلام، پرفسور محمد هارون خان صاحب شروانی، اردو (ص ۱-۸)؛
 دو) مورخین هند عام تاریخین، حکیم سید شمس الله قادری، اردو (ص ۹-۵۷ ص)؛ در
 این مقاله سی و یک کتاب در تاریخ هند معرفی شده است.

سه) دکن مین مسلمان، مولوی سید حسن صاحب برنی بی ای ال ال بی (ص ۵۷-۷۳)؛
 چهار) نقود اسلامی، مولوی محمد جعفر صاحب مولوی کامل، اردو (ص ۷۴-۸۳)؛
 پنج) سلاطین قطب شاهیه دکن کی تعلقات خارجه، مولوی سید علی اصغر صاحب
 بلگرامی (۸۴-۹۲ ص)؛

شش) تبصری، اردو (ص ۹۳-۱۰۴)؛ در این مقاله کتاب های تاریخی چاپ هند معرفی
 شده است.

۲. تذکره مصنفین دهلی (۲۰ + ۲۸-۱ ص)

از: شیخ عبدالحق محدث دهلوی (م ۱۰۵۲ ق)

موضوع: تاریخ، کتاب شناسی، زبان: فارسی

رساله ای است که محدث دهلوی در بیان مصنفین شهر دهلی تألیف نموده است. او در آن نام
 بیست و هفت مؤلف را با اثر آن ها نام می برد. قبل از شروع رساله بیست صفحه به عنوان مقدمه
 در شرح حال مؤلف درج شده و در ۱۹ آن از کتاب طبقات شاه جهانی تألیف ملا محمد صادق
 همدانی در سال ۱۰۴۶ ق شرح حال محدث دهلوی را نقل نموده است.

آغاز: بسمله. پروردگار عالم جلّ جلاله و عمّ نواله به فرستاده خود و برگزیده درگاه خود
 صلی الله علیه وآله و صبه وسلم می فرماید.

۳. تألیف قلب الالیف بکتابته فهرست التوالیف (ص ۲۹-۴۴)

از: شیخ عبدالحق محدث دهلوی (م ۱۰۵۲ ق)

موضوع: تاریخ، کتاب شناسی، زبان: فارسی

رساله ای است از محدث دهلوی در بیان فهرست آثار خود. در این رساله او چهل و نه کتاب
 و هفتاد نامه از آثار خود را نام برده است.

آغاز: الحمد لله منزل الكتب السماوية والصحف المكرمة المرفوعة المطهرة على الاوراح القدسية.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده.

توضیحات: نمایه های کتاب تذکره مصنفین دهلی در آخر نسخه آمده است؛ در آخر نسخه

کتاب تذکره الملوك تصنيف ملا رفيع الدين ابراهيم بن نورالدين توفيق شيرازى نمبر ۳ از سلسله متون تاريخى و تاريخ سلطان محمد قطب شاهى نمبر ۴ از سلسله متون تاريخى، معرفى شده است.

محل چاپ: هند؛ شهر: ذکر نشده. مطبعه: ذکر نشده. تاريخ: ذکر نشده. تعداد صفحات: ۱۰۴+۲۰+۵۰+۲؛ اندازه: ۱۵*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۱۲۳).

۱۸۶. قطعات تاريخ ارتحال آقا سيد على طباطبايى

از: شاعران متعدد

موضوع: تاريخ، ادبيات، زبان: فارسى و عربى

قطعات منظوم عربى و فارسى كه دانشمندان و عالمان شيعه هند در رثاى ارتحال آقا سيد على طباطبايى بجزالعلوم (متوفى ۱۲۹۸ق)، از نوادگان بجزالعلوم سروده اند. اين رساله به دستور مولوى سيد على محمد صاحب ابن جناب سلطان العلماء، براى انطباع آمده است. اسامى اين شاعران عبارت اند از:

- سيد محمد عباس؛
- مولوى سيد محمد على حسن؛
- سيد مولانا سيد على نجفى؛
- تدبيرالدوله منشى سيد مظفر على خان صاحب متخلص به اسير؛
- سيد غضنفر على خان صاحب متخلص به حكيم؛
- افضل الدوله افضل على خان صاحب بهادر؛
- مولوى شيخ عبدالوهاب صاحب؛
- سيد ناصر حسين جونپورى؛
- سيد غلام حسين متخلص به قدر؛
- شيخ فداعلى صاحب متخلص به عيش؛
- حسين على ميرزاى اسدى صفوى معظم الدوله اميرالمملك معروف به حكيم آقا؛
- محمد ميرزا جان حنفى متخلص به محمود؛
- مولوى مير محمد باقر پيش نماز؛
- حكيم حسين على خان اسد.



آغاز: قطعه تاریخ عربی از منشدات حبر علام بحر طمطم ... (شعر)
لم صرت دات ظلالکم یا نسیم صبا کان نجم السماء العلم قد غربا
نوع خط: نستعلیق. کاتب: سید رضا بن سید یوسف حسینی کشمیری. تاریخ کتابت: ذکر
نشده. به اهتمام: سید عابد علی مالک مطبعه. توضیحات: تمامی صفحات جدول دارودو
ستونی. محل چاپ: هند؛ لکهنو. مطبعه: اثنا عشری حسینی. تاریخ: ۲۴ رجب ۱۲۹۸ ق. تعداد
صفحات: ۲۱؛ اندازه: ۵۱۵*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۱۲۴).

۱۸۷. فردوسی و شاهنامه در حلل زیبای حروف سربی نستعلیق

از: آقا سید عبدالکریم حسینی
موضوع: ادبیات فارسی، زبان: فارسی
متن: خطابه آقا سید عبدالکریم حسینی نماینده دولت علیه آصف جاهی نظامیه حیدرآباد
دکن است که در جشن هزارساله فردوسی ایراد نموده است. این خطابه دارای دو بخش است:
بخش اول: شرح حال فردوسی و تحلیل مطالب گفته شده درباره فردوسی مصادرکهن؛
بخش دوم: مستحبی از شاهنامه با عنوان نبرد رستم با سهراب و کشته شدن سهراب به دست رستم.
در عنوان این رساله آمده که شاهنامه فردوسی با حروف سربی نستعلیق که نوایجاد دولت
علیه آصف جاهی نظامیه است در دارالطبع دولت آصفیه حیدرآباد دکن به چاپ رسیده است.
آغاز: فردوسی؛ در ایام سلطنت سلاطین فرخ سیرال سامان از افق سمای طوس دریک خانواده
نجیب الاصل ایرانی انوارآمال آن خاک پاک و آفتاب شوکت و افتخار ملت مجیده ایرانی طلوع کرده.
نوع چاپ: سربی با حروف نستعلیق.
توضیحات: روی جلد آخر عنوان کتاب به زبان انگلیسی؛ در ظهر صفحه عنوان این
رباعی زیبا نوشته شده است:

تحقیق نمودم زالف باتا یا سری است نمی توان نمودن افشا
هر حرف تهجی است طومار رموز در وصف توای ابجد آل طاهرا

محل چاپ: هند؛ حیدرآباد دکن. مطبعه: دارالطبع دولت آصفیه. تاریخ: ۱۹۳۴ م. تعداد
صفحات: ۳۶؛ اندازه: ۱۵*۲۴؛ تعداد سطور: ۱۸. (نسخه ش: ۱/۱۱۲۵).

۱۸۸. انشای مداح

از: مولوی محمد کرم الهی مداح صاحب بن حکیم محمد نظام الدین

موضوع: ادبیات فارسی، منشآت، زبان: فارسی
صد مکتوب کوتاه از منشآت مؤلف است، که برای آموزش نامه‌نگاری برای طفلان فراهم آورده است.

آغاز: بسمله. (شعر)

حمد گوناگون ز منشی خرد
منشی انشای عالم راسزد
... اما بعد راجی رحمت ایزد فتاح بنده محمد کرم الهی مداح.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: علی محمد خان یکی از شاگردان سپهر رقم لکهنوی و عبدالسلام.

توضیحات: تمامی صفحات جدول دار؛ معانی و شرح لغات و اصطلاحات با شماره‌های شاخص در ذیل بعضی از صفحه‌های درج شده است.

محل چاپ: هند؛ علگریه. مطبعه: فیض عام. تاریخ: ماه می ۱۹۰۶م مطابق ربیع الاول ۱۳۱۳ق. تعداد صفحات: ۷۲؛ اندازه: ۱۵*۲۴؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۲/۱۱۲۵).

۱۸۹. وقایع مسافرت و سیاحت دوم فرنگستان

از: ناصرالدین شاه قاجار

موضوع: تاریخ، سفرنامه، زبان: فارسی

خاطرات سفر دوم ناصرالدین شاه قاجار به فرنگ است. این سفر از روز پنجشنبه آخر ربیع الاول ۱۲۹۵ق شروع و به روز جمعه نهم شعبان پایان یافته است.

در شماره ۳۹۶ سفرنامه اول ناصرالدین شاه به اروپا و در شماره ۶۳۵ سفرنامه سوم وی به اروپا معرفی گردید.

آغاز: بسمله. روزنامه سفر دویم فرنگستان است که به میمنت و مبارکی به خواست خداوند تعالی به شرط سلامت مزاج می نویسم.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: احتمالاً میرزا محمد علی شیرازی مشهور به کشکول. تاریخ کتابت: ۱۰ صفر ۱۲۹۸ق. به اهتمام: میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی.

توضیحات: در حاشیه برخی صفحه‌ها عنوان‌ها و نام اشخاص به رسم الخط انگلیسی چاپ شده است؛ در لابه لای صفحه‌ها تصاویر پادشاهان کشورهای گوناگون رسم شده است؛ مهر انگلیسی و فارسی میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی در پایان نسخه چاپ شده است؛ خاتمه



الطبع دردو صفحه به فارسی و نثر درآخرنسخه آمده و درآن از ناصرالدین شاه وظل السلطان مسعود میرزایاد شده است.

محل چاپ: هند؛ بمبئی. مطبعه: ذکر نشده. تاریخ: ۱۲۹۸ ق. تعداد صفحات: ۱۶۸؛ اندازه: ۱۶*۲۴؛ تعداد سطور: ۲۲. (نسخه ش: ۱۱۲۶).

۱۹۰. کلمات طیبات (مجموعه‌ای از مکاتبات عرفانی اخلاقی)

از: ابوالخیر محمد بن احمد مرادآبادی

موضوع: عرفان، اخلاق، زبان: فارسی

۲. همان کتاب شماره (۸۱۶)، ولی نسخه حاضر چاپ دیگر است.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد آله اجمعین.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. به اهتمام: محمد علی امجد و به سعی و اهتمام منشی

بن علی منیجر اخبار نیر اعظم مرادآباد؛ حسب فرمایش مولوی نجم الدین صاحب.

توضیحات: تحشیه از مولوی محمد قمرالدین صاحب مرادآبادی؛ کتاب رجستری گردیده است؛

فهرست کتاب‌های منشورات مطبعه در ظهر صفحه عنوان و دردو صفحه آخرنسخه آمده است.

محل چاپ: هند؛ مرادآباد. مطبعه: مطلع العلوم. تاریخ: در پایان نسخه ۱۸۹۴ م. تعداد

صفحات: ۲۱۷؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۱۱۲۷).

۱۹۱. عطایی نامه (غزلیات لامیه در بحور مختلفه)

از: شیخ شاه محمد قانون کوی پرگه ساندی متخلص به عطایی

موضوع: ادبیات فارسی، زبان: فارسی

سی و دو غزل فارسی است با قافیه لام، که شاعر در بحور مختلف سروده است. قافیه تمامی

غزل‌ها «لام» است ولی آغاز بیت‌های هر غزل به ترتیب حروف تهجی، با یک حرف (ببایات غزل

اول با الف؛ غزل دوم با باء و...) شروع می‌شود.

آغاز: بسمله. دو غزله الف: (شعر)

ای در عرق از عارض رنگین تو شد گل خجلت زده کاکل مشکین تو سنبیل

آیا خط سبزه است بگرد رخ گلرنگ یا سایه به خورشید گرفتست تو سئل

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد مصطفی

خان فرزند حاجی محمد روشن خان.

توضیحات: شرح لغات و اصطلاحات با شماره‌های شاخص در حاشیه تمامی صفحه‌ها به فارسی؛ بعضی صفحه‌ها را موریانه آسیب رسانده و نسخه نیاز به ترمیم دارد؛ تمامی صفحات جدول دار. محل چاپ: هند؛ لکهنو. مطبعه: مصطفائی محمد مصطفی خان. تاریخ: ۱۲۶۰ ق. تعداد صفحات: ۲۱؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۱۲۷).

۱۹۲. دستورالطباء

از: حکیم سید محمد قاسم آسرابادی ملقب به هندوشاه فرشته

موضوع: پزشکی، زبان: فارسی

کتاب مفصلی است در پزشکی و داروسازی که مؤلف آن را در عهد سلطان محمد ابراهیم شاه عادل در سال ۱۰۱۱ ق تألیف نموده است. او کتابش را در یک دیباچه و یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه قرار داده، با این عنوان‌ها:

دیباچه: در سبب تصنیف کتاب و بیان ترتیب بخش‌های آن، شامل نه فائده؛

مقدمه: در ذکر ارکان بدن و اخلاط و غیره، شامل بیست و سه باب؛

مقاله اول: در خواص ادویه و اغذیه مفرده، شامل پانزده فصل؛

مقاله دوم: در مرکبات مشهوره، صد و شصت فصل؛

مقاله سوم: در معالجات علل بطریق اجمال؛

خاتمه: در شرح انواع مزه و قسمت ممالک ربع مسکون.

در صفحه عنوان این کتاب چنین وصف شده: «دستورالطباء در بیان علوم و حکمت طبعی و اخلاط بدنی و ادویات مفرده و مرکبه و تشخیص امراض و علاج و تدابیر آن‌ها به قواعد هندی معه اصلاح طب یونانی و ترکیب مجرب نسخه جات و کشته جات معدنیات و غیره».

آغاز: بسمله. حمد مرخدایی را که بر حکم و ما ارسلناک الراحمة للعالمین رایات شوکت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم را مرتفع ساخته.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: حکیم مولوی نیاز علی خان تاجر کتب مالک مطبع افغانی امرتسر. توضیحات: چاپ از روی نسخه خطی نوشته شده در سال ۱۱۸۰ بوده است. محل چاپ: هند؛ امرتسار پنجاب. مطبعه: مطبع افغانی. تاریخ: ۱۳۱۹ ق مطابق با ۱۹۰۱ م. تعداد صفحات: ۲۴۸؛ اندازه: ۱۵*۲۴؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۱۲۹).

۱۹۳. مجموعه میزان الصرف و منشعب

ناشر (محمد عبدالرحمن شاکر مالک مطبع نظامی) می خواسته میزان الصرف را به عنوان کتاب درسی طلاب به چاپ برساند لذا به مولوی الهی بخش سفارش تصحیح و تحقیق داده و او نیز این کتاب را با دو نسخه خطی و چهار نسخه شرح شده منقح ساختند و به صلاح دید وی رساله منشعب را نیز بدان ملحق نمودند. بعد ناشر، از مولوی عبدالعلی مدرسی درخواست نموده که مباحث مغفول در میزان الصرف را نگاشته و به کتاب اضافه کند و او نیز ملحقات و جداولی را تألیف و به مباحث صرفی اضافه نموده که در ادامه کتاب آمده است.

ناشر در عنوان کتاب برای تبلیغ چاپ حاضر عنوان کتاب را چنین آورده: «مجموعه میزان الصرف، ضمیمه جدید، تکمله مفیده، منشعب منشور، تصاریف نافع، تبصره کامله، تتمه ابواب مزید، منشعب منظوم، شجر منشعب» آورده که برخی از آن‌ها عنوان‌هایی که ناشر به تعلیقات و مطالب افزوده شده آورده و در اغلب موارد از یک یا دو صفحه تجاوز نمی‌کند و رساله‌های اصلی این مجموعه میزان الصرف و المنشعب می‌باشند. ناشر در ابتدا دو صفحه به فارسی به عنوان دیباچه آورده است.

۱. دیباچه (ص ۲-۳)

از: محمد عبدالرحمن شاکر

موضوع: ادبیات عرب، صرف، زبان: فارسی

دیباچه‌ای که ناشر (محمد عبدالرحمن شاکر مالک مطبع نظامی) در آغاز مجموعه نوشته است.

آغاز دیباچه: بسمله. نقود حمد خالق افعال به میزان بیان نسنجد و جواهر شکر مبدع حرکات و سکنات در گنجینه تبیان نگنجد.

۲. میزان الصرف (ص ۳۲-۴)

از: وجه‌الدین بن عثمان بن حسین یا سراج‌الدین بن عثمان اودهی

موضوع: ادبیات عرب، صرف، زبان: فارسی

رساله کوتاه و معروفی است در علم صرف، شامل چند بحث و هر بحث در چند فصل.

شرحی بر میزان الصرف به نام تبیان فی شرح میزان از محمد عبدالحی لکهنوی انصاری در

ذیل شماره (۱/۳۳۴) معرفی گردید.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة علی رسوله محمد وآله

واصحابه اجمعین بدان اسعدك الله تعالى في الدارين که جمله افعال متصرفه برسه گونه است.

۳. ضمیمه جدیده؛

۴. تکمله مفیده؛

۵. منشعب منشور (ص ۳۳-۷۸)

از: ملاحمه بدیوانی

موضوع: ادبیات عرب، صرف، زبان: فارسی

رساله معروفی است در صرف صیغه‌های عربی. درباره مؤلف این رساله اختلاف هست به کتاب فهرست مشترک پاکستان ج ۱۳ ص ۲۶۷۷ مراجعه شود.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله
واصحابه اجمعین بدان اسعدك الله تعالى في الدارين که جمله افعال متصرفه و اسمای متمکنه از
روی ترکیب حروف اصلی بردو گونه است.

ملحقات عبدالعلی مدرسی بر این کتاب، درانتها و حواشی، آمده با این عنوان‌ها:

۶. تصاریف نافعه (حواشی ص ۶۸-۷۵)؛

۷. تبصره کامله (متن ص ۷۶-۷۴)؛

۸. تتمه ابواب مزید (متن ص ۷۸-۷۷)؛

۹. منشعب منظوم (ص ۷۸-۷۹)

از: ملاحمیدالدین بن ملاغازی الدین (م ۱۲۱۵ق)

موضوع: ادبیات عرب، صرف، زبان: فارسی

منظومه کوتاهی است در صرف عربی در حدود سی بیت. درباره مؤلف این رساله اختلاف
هست به کتاب فهرست مشترک پاکستان ج ۱۳ ص ۲۶۷۹ مراجعه شود.

آغاز دیباجه: منشعب منظوم: (شعر)

گوش کن از من ظلوم جهول

بعد حمد خدا و نعت رسول

شد مرکب دو نوع شد منقول

فعل زان رو که از حروف اصول

آغاز میزان الصرف: بسمله. حمدله ... بدان اسعدك الله تعالى في الدارين که جمله افعال

متصرفه برسه گونه است.

۱۰. شجر منشعب (ص ۸۰)

از: عبدالعلی مدرسی



موضوع: ادبیات عرب، صرف، زبان: فارسی
شجره‌ای است دریک صفحه با عنوان «شجره چهل و سه باب منشعب» در آن ابوابی که در صرف عربی از ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید غیر ملحق و رباعی مجرد و مزید و ثلاثی مزید منظومه منشعب می‌شود به صورت مشجر ترسیم شده است.
نوع خط: نسخ نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: حاجی محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان.
توضیحات: به تصحیح و تحشیه و تکمله مولوی الهی بخش صاحب؛ مهر و دست خط ناشر کتاب (محمد عبدالرحمن خان بن محمد روشن خان) در پایان نسخه چاپ شده است؛ کتاب حاضر به موجب قانون رجستری شده است.
محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: نظامی. تاریخ: ۱۲۹۵ ق. تعداد صفحات: ۸۰؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۷. (نسخه ش: ۱۱۳۱/۳).

۱۹۴. صرف میر (نسخه صرف میر، تکمله و تبصره)

از: سید شریف جرجانی

موضوع: ادبیات عرب، صرف، زبان: فارسی
مطبع نظامی به همان روش که در اول این مجموعه یاد شده، اقدام به چاپ صرف میر نموده و حاشیه‌های از مولوی محمد عبدالعلی آسی مدراسی و مولوی انور علی و دیگران در هاشم آن اضافه نموده و در اثنای چند صفحه به عنوان تکمله و تبصره در توضیحات متن کتاب، بدان افزوده و با عنوان بالا منتشر نموده است.
آغاز: بسمله. بدان ایدك الله تعالى في الدارين که کلمات لغت عرب بر سه قسم است: اسم و فعل و حرف.
نوع خط: نسخ نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان. توضیحات: نسخه از انجام افتادگی دارد. محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: نظامی. تاریخ: ۱۳۰۴ ق. تعداد صفحات: ۵۶؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: ۲۷. (نسخه ش: ۱۱۳۱/۴).

۱۹۵. مجموعه نحو میر (هشت رساله، چاپ مطبع نظامی)

همان مجموعه شماره (۴/۸۱۸) و (۱۰۸۵)، با همان هشت رساله، ولی نسخه حاضر چاپ

دیگری است.

۱. نحو میر (ص ۲-۳۲)

از: سید شریف جرجانی

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو، زبان: فارسی

رساله کوتاهی است در آموزش مسایل علم نحو برای مبتدیان در چند فصل و باب.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین اما بعد بدان ارشادك الله تعالى که این مختصریست در علم نحو که مبتدی را بعد از حفظ مفردات لغت.

۲. خلاصه (ص ۳۳-۳۶)

از: ناشناخته

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو، زبان: فارسی

رساله کوتاهی است در نحو بدون ابواب و فصولی.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین محمد وآله اجمعین اعلم ارشدنا وارشدك الله تعالى ارشادا تاما اللفظ العربي الموضوع للمعنی.

۳. جمل (ص ۳۷-۳۸)

از: ناشناخته

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو، زبان: فارسی

رساله کوتاهی است در بیان احکام و مسایل جمله در علم نحو.

آغاز: بسمله. نحمده مصلیاً ومسلماً باقتتاح هو المستعان اعلم ان اصل الجملة علی اربعة اوجه اسمیة وفعلیة و ظرفیة وشرطیة.

۴. تتمه (ص ۳۹-۴۲)

از: ناشناخته

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو، زبان: فارسی

رساله کوتاهی است در بیان و شرح اصطلاحات علم نحو برای مبتدیان.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة علی رسوله محمد وعلی آله واصحابه اجمعین اعلم با بنی اطال الله عمرک واعطاک علما نافعان المبتدا وخبیره مرفوعان.

۵. عوامل منظوم (ص ۴۳-۴۶)



از: ناشناخته

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو، زبان: فارسی

۲. همان کتاب شماره (۲/۶۲۵) ولی چاپ دیگر است.

۶. عمدة المرام في تحقیق الجملة والكلام (ص ۴۷-۶۰)

از: الهی بخش فیض آبادی

موضوع: ادبیات عرب، نحو، زبان: فارسی

رساله کوتاهی است در تحقیق مسایل جمله و کلام در علم نحو، که برای آموزش مبتدیان

ساخته شده است.

آغاز: بسمله. بهترین کلام حمد ملك العلام ست و خوشترین جمل نعت سید الانام علیه

وعلی آله واصحابه الف الف تحیة وسلام.

۷. شرح مائة عامل (ص ۶۱-۸۶)

از: عبد الرسول حنفی

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو، زبان: فارسی

رساله متوسطی است به نظم در شرح و توضیح صد عامل که بنای علم نحو بر آن است.

شایان ذکر است که این کتاب شرح مائة عامل شیخ عبدالقاهر جرجانی نمی باشد.

آغاز: بسمله. (شعر)

ابتدا سازم به نام پاك آن بی ابتدا درره ادراك او هر عقل را عجزانها

۸. شرح مائة عامل ملا جامی (ص ۸۷-۹۶)

شرح و توضیح منظوم صد عامل نحوی است.

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو، زبان: فارسی

از: ملا عبدالرحمن جامی

آغاز: بسمله. (شعر)

نوع اول هفده حرف جربود میدان یقین کاندترین يك بیت آمد جمله بی چون و چرا

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد عبدالرحمن

بن حاجی محمد روشن خان؛ حسب فرمایش محمد عبدالصمد مهتمم مطبع رزاقی.

توضیحات: شرح لغات و اصطلاحات با شماره های شاخص در حاشیه تمامی صفحه ها به

زبان فارسی؛ مهر و دست خط محمد عبدالرحمن بن محمد روشن خان در پایان نسخه چاپ

شده است؛ تمامی صفحات جدول دار.
محل چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: نظامی. تاریخ: ۱۳۱۴ق. تعداد صفحات: ۹۶؛ اندازه:
۱۶*۲۵؛ تعداد سطور: مختلف. (نسخه ش: ۱۱۳۱/۵)

۱۹۶. هزار و يك حديث

از: محمود عارف بك

موضوع: حديث، زبان: عربی و فارسی

مؤلف در کتاب حاضر هزار و يك حديث نبوی را به ترتیب حروف تهجی اول هر حديث، جمع آوری نموده است. اوسه حديث از این احاديث را (حديث ش ۵ و ۷ و ۸) از کتاب المنادی و بقیه را از جامع الصغیر سیوطی، انتخاب نموده و سند حديث ها را حذف کرده و در ذیل هر حديث توضیح کوتاهی در شرح و توضیح آن آورده است. او در دیباچه کتاب درباره علم حديث و چگونگی انتخاب احاديث و انگیزه تصنیف کتاب، توضیحی در دوازده صفحه آورده است.

انتخاب احاديث توسط محمود عارف بك از عالمان ترکیه صورت گرفته و ناشر و مترجم احاديث به ترکی عبدالرشید بن ابراهیم افندی می باشد. در نسخه حاضر متن احاديث به عربی آمده و توضیحات به فارسی آمده است. ولی معلوم نیست توضیحات ترکی به فارسی ترجمه شده یا این که در هند عالمی احاديث را به فارسی ترجمه و شرح نوشته است. در این نسخه یادی و نامی از مترجم یا مؤلف فارسی کتاب به چشم نمی خورد.

آغاز دیباچه: الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله.

آغاز متن: بسمله. قال رسول الله ﷺ انا الاعمال بالنیات وانما کل امرء ما نوای فن کانت...

هر عمل به موجب نیت است. شخص به هر نیتی که باشد همان را خواهد یافت.

نوع خط: نسخ نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. توضیحات: تمامی صفحات جدول دار؛ نسخه حاضر از انجام بعد از ص ۴۶۲ (حديث ش ۹۹۴) افتادگی دارد. محل چاپ: هند؛ شهر: ذکر نشده. مطبعه: کتاب خانه نعمانی. تاریخ: ذکر نشده. تعداد صفحات: ۱۴+۴۶۲ (نسخه بعد از ص ۴۶۲ افتادگی دارد)؛ اندازه: ۱۶*۲۴. تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۱۳۲).

۱۹۷. مخزن اکسیر (جلد ۱)

از: حکیم امام الدین صاحب مرحوم مغفور پاك پتی طیب شاهی ریاست کپورتله.

موضوع: پزشکی و داروسازی، زبان: فارسی

مؤلف در مقدمه خود را امام‌الدین بن شیخ پیرمحمد حکیم بن شیخ محمد عمر بن شیخ حکیم پاک پتی و از مریدان خواجه محمد سلیمان الله بخش تونسوی از اقطاب سلسله چشتیه معرفی نموده است.

مؤلف در این کتاب تجارب خود را در پزشکی و داروسازی که از طب هندی و طب یونانی به دست آورده بود، در یک مقدمه و پنج اکسیر و یک تکمله، جمع‌آوری نموده است. او تألیف این کتاب را در سال ۱۲۷۴ ق به پایان رسانده است.

نسخه حاضر جلد اول کتاب و مقدمه در پنج فائده و اکسیر اول: در کشته جات و مقتلات ذوی الارواح، را شامل است.

آغاز: بسمله. (شعر)

ای حکمت ز علم همه ماسواء سوا وی ذاتت از قیاس همه ماورا ورا
وز رحمتت به خاطر هر ناتوان توان وز قدرتت به هر مرض لا دوا دوا
... سبحان الله ربّ حکمت حکیم مطلق وجهی قدرت قادر بر حق که حضرت اسماء را بر
صفحه صحیفه.

نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. توضیحات: به تصحیح دکتر حکیم محمد نصیرالدین سند یافته میدکل کالج لاهور فرزند مصنف کتاب؛ صفحه‌های آغازین نسخه نیاز به ترمیم دارد. محل چاپ: پاکستان؛ لاهور. مطبعه: کاپریتو پریس. تاریخ: ذکر نشده. تعداد صفحات: ۱۹۸؛ اندازه: ۱۶*۲۵؛ تعداد سطوح: ۲۵. (نسخه ش: ۱۱۳۳)

۱۹۸. داستان ترک‌تازان هند (ج ۱)

از: میرزا نصرالله خان فدائی معروف به نواب دولت یار جنگ بهادر

موضوع: تاریخ هند، زبان: فارسی

کتاب معروفی در تاریخ پادشاهان تیموری هند است. مؤلف این اثر (نصرالله خان فدایی مخاطب به دولت یار جنگ بهادر) فرزند محمد حسین خوش‌نویس اصفهانی است. پدر مؤلف از ایران به حیدرآباد رفته و آموزگار میر محبوب علی خان بهادر گردیده است.

مؤلف این اثر را در تاریخ تیمویان هند در ظرف سه سال (۱۳۰۱-۱۳۰۳ ق) نگاشته و آن را در

یک دیباچه و چهار کاخ قرار داده، با این عنوان‌ها:

کاخ اول: از شکست مسلمانان در باخت در ۷۳۲ م تا درآمدن بابر به دهلی و پای نهادنش بر

تخت شهنشهی هند در ۹۳۲ق بادییچه ای در انگیزه نگارش؛
 کاخ دوم: از آغاز سرگذشت بابر در ۸۸۸ق تا ذکر تخت طاووس به زمان شاه جهان؛
 کاخ سوم: از تخت نشینی اورنگ زیب در سال ۱۰۶۹ق تا مرگ رفیع الدوله در سال ۱۱۳۱ق؛
 کاخ چهارم: از تخت نشینی محمد شاه در ۱۱۳۱ق تا مرگ آخرین پادشاه تیموری بهادر شاه
 ظفر در سال ۱۲۷۹ق و خالی شدن زمین هند از نشانه های خاندان تیمور
 (ر.ک: کتاب شناسی آثار فارسی شبه قاره، عارف نوشاهی، ج ۴، ص ۲۴۷۹).
 اثر دیگر مؤلف به نام دیوان قصائد میرزا نصرالله خان در شماره ۵۶۲ معرفی گردید.
 نسخه حاضر جلد اول کتاب و دییچه مؤلف و کاخ اول از کتاب را شامل است.
 آغاز: به نام یزدان مهربان دییچه این نامه که به نام یزدان پاک است از چهارگفتار آمیخته است.
 نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: مؤلف.
 توضیحات: عکس مؤلف در آغاز نسخه آمده؛ کتاب حاضر به موجب قانون بیست و پنجم
 سال ۱۸۶۷م رجستری شده است؛ فهرست مطالب کتاب بعد از دییچه در ۴۵ صفحه آمده و
 بعد از فهرست و قبل از شروع کتاب، سرگذشت سید مولا درویش ایرانی در روزگار جلال الدین
 فیروز خلیج درص ۴۴-۵۳ آمده است؛ غلط نامه در پایان نسخه در چهار صفحه؛ در اول
 نسخه عبارت «حضور پرنور میر محبوب علی خان بهادر» بعد از چاپ با دست خط نوشته شده
 که گویا به خط مؤلف بوده و نسخه حاضر را به وی تقدیم نموده است.
 محل چاپ: هند؛ بمبئی. مطبعه: در چاپخانه خانگی مشرز جهانگیر بی. مرزبان. تاریخ:
 ۱۳۰۹ق مطابق با ۱۸۹۲م. تعداد صفحات: ۲+۲+۴۶+۵۳+۵۱۸+۲+۴؛ اندازه: ۱۶*۲۴؛
 تعداد سطور: ۱۳. (نسخه ش: ۱۱۳۵).

۱۹۹. مناقب حافظیه

از: غلام محمد هادی علی خان صاحب چشتی کشمیری لکنوی
 موضوع: حکمت عملی، اخلاق اسلامی، عرفان، زبان: فارسی
 شرح احوال و مقاماتی که مؤلف درباره استاد خویش سید حافظ محمد علی خیرآبادی
 معروف به حافظ محرم علی حسنی حسینی چشتی خیرآبادی (م ۱۲۶۶ق/ ۱۸۵۰م) نگاشته
 است. او کتابش را در هفت باب تنظیم نموده است.

آغاز: بسمله. الحمد لله الذي خلقنا في بني آدم وجعلنا من أمة نبيه وحبيبه محمد صلى الله



وسلم حمد و سپاس فراوان مرحضرت احدیت جل جلاله را.
 نوع خط: نستعلیق. کاتب: ذکر نشده. تاریخ کتابت: ذکر نشده. به اهتمام: محمد عبدالصمد؛
 حسب فرمایش سید حافظ خادم حسین صاحب و مولوی سید محمد هادی حسین صاحب
 خیرآبادی. توضیحات: تمامی صفحات جدول دار؛ غلط نامه در پایان نسخه (ص ۱-۸). محل
 چاپ: هند؛ کانپور. مطبعه: احمدی متعلق به شیخ محمد یعقوب صاحب. تاریخ: رجب ۱۳۰۵ ق.
 تعداد صفحات: ۲۵۹ + ۸؛ اندازه: ۱۵*۲۴؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۱۳۶).

۲۰۰. تاریخ آل امجاد

از: محمد عباس شروانی (قرن ۱۴ ق)

موضوع: تاریخ، زبان: فارسی

تاریخ زندگانی چهارده معصوم است که مؤلف آن درپانزده نوروهرنور شامل هند لمعه
 تنظیم نموده است. او مطالب کتابش را از کتاب های زاد المعاد فی هدی خیرالعباد ابن القیم
 حنبلی، تاریخ الحمیس فی احوال نفس النفیس حسین دیاربکری، انسان العیون نورالدین بن
 برهان الدین حلبی شافعی، مدارج عبدالحق دهلوی، معارج النبوة ملامعین مسکین هروی،
 شواهد النبوه جامی، روضة الصفا محمد بن خاوند شاه، روضة الاحباب جمال الدین محدث،
 حبیب السیر خواند میر، ناسخ التواریخ محمد تقی خان سپهر و دیگر مصادر، جمع آوری نموده و در
 اثنای مطالب اشعاری به فارسی از خود نیز آورده است. او در آخر کتابش درباره تاریخ ختم
 کتاب چنین نوشته:

در سنه ۱۲۹۱ هجری قدسی برای فرزندان خود ابوالقاسم و ابوالحسن تألیف نمودم و
 سنه ۱۳۰۵ ق نظر ثانی نمودم... و چون صرف يك نسخه قلمی من بود این نسخه
 ثانی در ماه ربیع الثانی ۱۳۱۰ ق در باغ روح افزا واقع جلوخانه شوکت محل نواب
 بهوپال به تحریر آوردم و به هردو پسر خود يك يك نسخه دادم.

آغاز: بسمله. الحمد لله الذي لا يدركه الحواس ولا يقاس بمقياس القياس... بعد از این بر
 ضمیر مردان نیک نهاد مخفی و محتجب مباد که به فرمایش بعضی دوستان کمترین بندگان خدا
 هم نام علم برادر سید الشهدا این رساله از هر چه دائم بهتر.

نوع خط: نستعلیق نسخ. کاتب: عبدالمجید دهلوی. تاریخ کتابت: ربیع الثانی ۱۳۱۰ ق. به
 اهتمام: محمد عبدالمجید مالک مطبع انصاری.

توضیحات: تمامی صفحات جدول دار؛ بعد از پایان کتاب چند تقریظ خاتمه طبع و تألیف آمده، بدین ترتیب:

- تقریظ سید عبدالله شطاری از اولاد غوث بی لوث گوالیادری (متوفای ۲۷ ذیحجه ۱۲۹۵ ق در بهوپال)، به نثر فارسی، در شش سطر، که در تاریخ ۱۲۹۱ ق، تحریر نموده اند (ص ۱۰۳)؛

- تقریظ سید جعفری صاحب منشی امجد علی اشهری، به نظم و فارسی (ص ۱۰۳)؛

- تقریظ منشی سید جعفر بن حکیم سید عباس دیوبندی، به نثر فارسی (ص ۱۰۴)؛

- تقریظ مفتی رسول صاحب بهوپالی فرزند مفتی فضل الله نبیره مفتی خیرالله، به نثر فارسی (ص ۱۰۴)؛

- تقریظ مولوی محمد عبدالمجید مالک مطبع انصاری، به نظم و نثر فارسی (ص ۱۰۵-۱۱۰)؛

- قطعه تاریخ طبع در دو بیت به اردواز محمد کفایت الله منصرم مطبع انصاری (ص ۱۱۰).

- فهرست منشورات فارسی و اردوی مطبعه در موضوع فقه و حدیث و تصوف و متفرقه در

پشت صفحه عنوان و دو صفحه پایان نسخه آمده است.

محل چاپ: هند؛ دهلی. مطبعه: مطبع انصاری. تاریخ: ۱۳۱۲ ق. تعداد صفحات: ۱۱۲؛

اندازه: ۱۶*۲۴؛ تعداد سطون: ۱۷. (نسخه ش: ۱۱۳۹).



کتاب العمده ابن بطریق و تداول آن در میان زیدیه*

حسن انصاری و زاینه اشمیتکه، ترجمه محمد کاظم رحمتی

چکیده

بر اساس مجموعه خطی که بخشی از آن را عالم نامور یعنی عبدالله بن زید عنسی (متوفی ۶۶۷ق/۱۲۶۸م) و بخش دیگری از آن را خواهرزاده اش محمد بن اسعد کتابت کرده و مشتمل بر آثاری در خصوص آیات قرآنی نازل در حق علی بن ابی طالب و اهل بیت علیهم السلام و احادیث در شأن علویان به نقل از منابع سنی می باشد، تداول روایت کتاب العمده اثری تألیف شده توسط عالم امامی ابن بطریق حلی (متوفی ۶۰۰ق/۱۲۰۳-۱۲۰۴م یا ۶۰۱ق/۱۲۰۴-۱۲۰۵م) - یکی از سه کتاب آمده در مجموعه در میان زیدیان یمنی به تفصیل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در نوشتار حاضر نشان داده شده که اثر مذکور به همراه کتاب مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام تألیف ابن مغازلی (متوفی ۴۸۳ق/۱۰۹۰م) منابع اصلی در دسترس برای زیدیان یمنی تا انتهای ایام امامت المنصور بالله عبدالله بن

* انتشار مقاله حاضر در چهارچوب طرح اتحادیه اروپا با عنوان «بازیابی عقلانیت کلامی در تمدن اسلامی سده های میانه» اف پی هفت سامان یافته است. [این مقاله ترجمه ای است از:

Hassan Ansari and Sabine Schmidtke, "Between Aleppo and Şa dā The Zaydī Reception of the Imāmī Scholar Ibn al-Bitūq al-Ḥilī," *Journal of Islamic Manuscripts* 4 (2013) 158-198.]

حمزه (متوفی ۶۱۴ق/۱۲۱۷م) در نقل از احادیث مجامع شش گانه اهل سنت بوده است.

کلیدواژه‌ها: یمن، زیدیان، ابن بطریق حلی، عبدالله بن زید عنسی، المنصور بالله، ابن مغازلی.



در آغاز قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی، نزدیکی میان دو حکومت زیدی در نواحی کوهستانی یمن و نواحی خزری شمال ایران که از حیث سیاسی و فرهنگی از یکدیگر به مدت تقریباً سه قرن جدا بودند، آغاز شد که در نهایت به وحدت سیاسی دو جامعه انجامید. در ۱۱۰۸/۵۰۲ ابوطالب اخیر، نواده امام المؤید بالله (متوفی ۱۰۲۰/۴۱۱) در گیلان به ادعای امامت برخاست. چند سالی بعد و در ۱۱۱۷/۵۱۱ امامت او از سوی زیدیان یمنی نیز مورد پذیرش قرار گرفت. هرچند ابوطالب اخیر در ۱۱۲۶/۵۲۰ درگذشت، میراث او در نزدیکی دو جامعه زیدی پس از مرگ او نیز تداوم یافت.

در ۱۱۳۷/۵۳۲ احمد بن سلیمان (متولد ۱۱۰۶/۵۰۰، وفات ۱۱۷۰/۵۶۶) به نحو موفقیت آمیزی در یمن با عنوان المتوکل علی الله به ادعای امامت برخاست و آشکارا شایستگی امامت امامان زیدی نواحی خزری را پذیرفت و مدعی وحدت دو جامعه گردید. به علاوه چنین دعاوی، او انتقال میراث و دانش از ایران به یمن را دنبال نمود و شدت بخشید. جانشین او، امام المنصور بالله عبدالله بن حمزه (متوفی ۱۲۱۷/۶۱۴) که ادعای امامت در ۱۱۹۷/۵۹۳ توسط زیدیان یمنی و نواحی خزری مورد پذیرش قرار گرفت، با شدت و حدت بیشتری انتقال ادبیات مکتوب دینی به یمن را دنبال نمود. او کتابخانه‌ای در ظفار، شهری که او در آن سکونت یافته بود، بنا نهاد و برای آن کتابخانه، گروهی از عالمان و کاتبان به کار کتابت کتاب می پرداختند.

دامنه آثار مکتوبی که در این روند از شمال ایران به یمن انتقال یافته، در خصوص آثار معتزلی و ادبیات مکتوب زیدی کاملاً شناخته شده است. با این حال به علاوه آثار مذکور در جریان انتقال آثار مکتوب به یمن در ایام المنصور بالله و علی رغم روابط خصمانه میان زیدیه و شیعیان دوازده امامی، منابع شیعی نیز در جریان مذکور به یمن منتقل شده است.



المنصور بالله خود درگیر در مجادلات و منازعات با امامیه بوده و مبانی اصلی آن‌ها در مسئله امامت را در کتاب *العقد الثمین* مورد نقد قرار داده است.^۱ اما هم‌زمان با نگارش چنین آثاری، او شیفته و علاقه‌مند به شماری از تألیفات عالمان دوازده‌امامی که در ایامش به عین رسیده، بوده است. نمونه برجسته از این آثار کتاب *العمده فی عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار* تألیف عالم امامی ابوالحسین شمس‌الدین یحیی بن حسن بن حسین اسدی حلی (مشهور به ابن بطریق) (متوفی ۱۲۰۳/۶۰۰-۱۲۰۴ یا ۱۲۰۴/۶۰۱-۱۲۰۵) است.^۲ ابن بطریق عالم برجسته‌ای در فقه، حدیث و کلام، اهل حله بوده و نزد عالمان امامی برجسته روزگارش که از جمله آن‌ها عمادالدین محمد بن ابی‌القاسم طبری (متوفی پس از ۱۱۵۸/۵۵۳)، ابن شهرآشوب (متوفی ۱۱۹۲/۵۸۸) و سدیدالدین حمصی رازی (متوفی پس از ۱۲۰۴/۶۰۰) را می‌توان نام برد. در حالی که ابن بطریق اواخر عمر خود را در واسط و حله به سر برده، دانسته است که مدتی نیز در حلب سکونت داشته که یکی از مراکز اصلی شیعیان امامی در روزگارش بوده است.^۳

1. See Maher Jarrar, "Al-Manṣūr bi-Llāh's controversy with Twelver Shī'ites concerning the occultation of the Imam in his *Kitāb al-Iqd al-thamīn*," *Arabica* 59 (2012): 319-331.

برای تاریخ مختصر مجادلات ردّ و بدل شده میان دو گروه امامیه و زیدیه بنگرید به:

Hossein Modarressi, *Crisis and Consolidation in the Formative Period of Shi'ite Islam: Abū Ja'far ibn Qibā al-Rāzī and His Contribution to Imāmite Shī'ite thought* (Princeton NJ: The Darwin Press, 1993), 169ff.

در خصوص منابع امامی در دسترس نویسندگان و عالمان زیدی شمال ایران بنگرید به: حسن انصاری، «زیدیه و منابع مکتوب امامیه»، علوم حدیث، ۲/۵ (۲۰۰۱)، ص ۱۴۹-۱۶۱.

۲. درباره او بنگرید به: حسن انصاری، «ابن بطریق»، دائرة المعارف الاسلامیة الكبرى، ج ۲، ص ۴۸۳-۴۸۵. مطالب فزون‌تر در خصوص شرح حال ابن بطریق را کمال‌الدین ابوالبرکات مبارک ابن‌شعار موصلی، *قلائد الجمان فی فرائض شعراء هذا الزمان المشهور بالعمود الجمان فی شعراء هذا الزمان*، نه جلد، تحقیق کامل سلمان جبوری (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶/۲۰۰۵)، ج ۷، ص ۲۱۹-۲۲۲، شرح حال شماره ۹۱۴ آورده است. یادداشتی دال بر بلاغ به خط ابن بطریق بر نسخه‌ای از کتاب *اختیار معرفة الرجال* (رجال الکشی) تألیف شیخ طوسی که تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۵۷۷/۲۸ ژوئای ۱۱۸۱ را دارد و همان نسخه الف اساس تصحیح کتاب توسط حسن مصطفوی از *اختیار معرفة الرجال* است (مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۸ ش/۱۹۷۰م) نیز در دست است. تصویری از صفحه‌ای که دست خط بلاغ ابن بطریق آمده در صفحه ۲۲، مقدمه *اختیار معرفة الرجال* آمده است.

3. Cf. the introduction to our *The Reception of al-Shaykh al-Ṭūsī's Theological Writings in 6th/12th century Syria*. Facsimile Edition of Abd al-Rahmān b. Abū Mu-ḥammad al-Ḥusaynī's Commentary on al-Ṭūsī's *Muqaddama* (MS Atf Efendi 1338/1) (Tehran: Mīrāth-i maktūb, [in press]).

ابن بطریق آشنایی عمیقی با کتاب‌های حدیثی اهل سنت داشته و براساس آن‌ها کتاب *العمدة* را تألیف کرده که مشتمل بر احادیث فراوان بیانگر فضائل علویان است که از منابع حدیثی اهل سنت استخراج کرده است.^۱ ابن بطریق در تکمله‌ای با عنوان *المستدرک المختار فی مناقب الوصی المختار* (موجود به صورت خطی) کار قبلی خود را تکمیل کرده است. او هم چنین اثری با عنوان کتاب *خصائص الوحي المبين فی مناقب امیر المؤمنین* علیه السلام نوشته که در آن آیات نازل شده در حق علویان را گردآوری کرده است،^۲ در حالی که دو کتاب اخیر ظاهراً به یمن نرسیده (بنگرید به ادامه) اهمیت کتاب عمده ابن بطریق برای زیدیان یمنی از جمله المنصور بالله، بسیار است و به عنوان منبعی اصلی برای نقل احادیث اهل سنت در تأیید حقّ علی بن ابی طالب و اهل بیت علیهم السلام در منازعات و مجادلات آن‌ها با شافعیان یمنی که با شیعیان سر نزاع و ناسازگاری داشته‌اند، زمانی که زیدیان دسترسی مستقیمی به منابع حدیثی اهل سنت نداشته‌اند، اهمیت دوچندانی داشته است.^۳



زمانی که احمد بن سعدالدین بن حسین مسوری (متولد ۱۵۹۸/۱۰۰۷، متوفی ۱۶۶۸/۱۰۷۹) در کتاب *مجموع الاجازات خود از عالم، متکلم و فقیه نامور یمنی قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی عبدالله بن زید عنسی* (متولد ۱۱۹۶/۵۹۳-۱۱۹۷، متوفی

۱. کتاب چندین بار منتشر شده است: ۱. چاپ سنگی، تبریز ۱۳۰۹/۱۸۹۱: ۲. قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابع لجامعة المدرسين، ۱۴۰۷/۱۹۸۶-۱۹۸۷: ۳. تصحیح توسط ابراهیم بهادری و مالک محمودی بهبهانی (قم، مکتبۃ الامام القائد السيد الخامنیه ای فی الحج، ۱۴۱۲/۱۹۹۱-۱۹۹۲).

۲. کتاب دو بار منتشر شده است: ۱. تهران ۱۳۱۱ ش/ ۱۸۹۳ م همراه بانور الهدایة داوئی: ۲. تصحیح محمد باقر محمودی (قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۷/۱۹۹۶-۱۹۹۷). درباره کتاب هم چنین بنگرید به: آقابزرگ طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة* (بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳/۱۹۸۳)، ج ۷، ص ۱۷۵، شماره ۹۰۷.

۳. باید به این نکته توجه کرد که المنصور بالله از سدیدالدین عمرو بن جمیل یا جمیل هندی نیز اجازه روایت داشت که در آن اجازه برخی از آثار حدیثی سنی که در میان آن‌ها صحیح بخاری نیز آمده است. بنگرید به:

see our "Mu tazilism after Abd-ḥabbār (d. 415/1025): Abū Rashīd al-Nīsābūrī's *Kitāb Masā'il al-akhilāf fi l-uṣūl*, (Studies on the transmission of knowledge from Iran to Yemen in the 6th/12th and 7th/13th c. I)" *Studia Iranica* 39 (2010): 227-278.

هم چنین بنگرید به: عبدالله بن حمزة بن سلیمان، الشافی، چهار جلد، تحقیق مجدالدین بن محمد بن منصور مؤیدی (صعده: مکتبۃ اهل البیت، ۲۰۰۹/۱۴۳۰)، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۶ هر چند به نظر که المنصور بالله تنها از طریق ابن بطریق دسترسی مستقیم به کتاب صحیح بخاری و دیگر کتاب‌های صحاح سته داشته است.



شعبان ۶۶۷/آوریل ۱۲۶۸)^۱ سخن گفته، به تفصیل مجلدی را که عنسی کتابت کرده، توصیف کرده است.^۲ مسوری بیان کرده که مجموعه خطی که عنسی کتابت کرده مشتمل بر کتاب تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبيين از ابوسعید محسن بن محمد بیهقی بروغنی (حاکم جشمی، متوفی ۴۹۴/۱۱۰۱)، که پایان تاریخ استنساخ آن دوم ربیع الثانی ۶۴۴/۱۷ آگوست ۱۲۴۶، و کتاب العمده فی عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار تألیف ابوالحسین شمس الدین یحیی بن حسن بن حسین اسدی حلی (ابن بطریق) بوده که او آن را در هفتم جمادی الثانی ۶۴۴/۲۰ اکتبر ۱۲۴۶ کتابتش را به پایان رسانده و کار کتابت هر دو کتاب در صعه به پایان رسیده است.

میان دو اثر کتابت شده، مسوری در ادامه گفته که نسخه‌ای از کتاب عالم حنفی حافظ عبیدالله بن عبدالله بن احمد حاکم حسکانی نیشابوری (متوفی پس از ۴۷۰/۱۰۷۷-۱۰۷۸) یعنی کتاب شواهد التنزیل لتواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البیت بوده که توسط خواهرزاده عنسی، محمد بن اسعد به جز بخش اول کتاب تاسوره حج که خود عبدالله بن زید عنسی کتابت کرده، استنساخ شده است.

مسوری در ادامه گفته که مجموعه مشتمل بر اجازه‌ای بوده که در تاریخ رجب ۶۴۴/نوامبر ۱۲۴۶ احمد بن محمد بن قاسم اکوع (شعلة الاکوع)^۳ به عبدالله بن زید عنسی در حوث

۱. تمام تاریخ‌های میلادی به تقویم گریگوری بر اساس نرم‌افزار آمده در سایت زیر تغییر داده شده است.
www.oriold.uzh.ch/static/hegira.html.

۲. نسخه‌ای از مجموع الاجازات در یک کتابخانه شخصی عبدالرحمان شایم موجود است و مطالب مذکور در صفحات ۴۷۰-۴۷۶ آمده است. بنگرید به: عبدالسلام بن عباس الوجیه، مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی الیمن، دو مجلد (مک لین: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۲۰۰۲/۱۴۲۲)، ج ۲، ص ۱۲۷ به بعد، شماره ۱۷۸. درباره مسوری بنگرید به مقاله مشترکمان:

“The literary-religious tradition among 7th/13th century Yemenī Zaydīs: The formation of the Imām al-Mahdī li-Dīn Allāh Aḥmad b. al-Ḥusayn b. al-Qāsim (d. 656/1258),” *Journal of Islamic Manuscripts* 2 (2011), Appendix no. 7 (with further references).

برای عبدالله بن زید عنسی نیز بنگرید به تک‌نگاری در دست انتشارمان:

Zaydī Mu tazilism in 7th/13th century Yemen: The theological thought of Abd Aḥh b. Zayd al-Ansī (d. 667/1268).

۳. درباره او بنگرید به: ابن ابی الرجال، مطلع البدور ج ۱، ص ۴۵۴ به بعد، شرح حال شماره ۲۲۴. هم چنین بنگرید به مقاله مشترکمان:

“Transmission of Knowledge in 7th/13th century Yemen: The case of Abd Aḥh b. Zayd al-Ansī”.

داده است^۱ که مسوری آن را به طور کامل در مجموع الاجازات نقل کرده است.^۲ مجموعه نسخه خطی که اکنون به کتابخانه مکتبه آل عشری در صعده تعلق دارد را می توان با اطمینان همان مجموعه ای که مسوری توصیف کرده، دانست.^۳ مجموعه مذکور مشتمل بر ۲۹۹ برگ است و از آغاز و خاصه انجام افتادگی دارد و صفحات بی شماری از آن نیز جابه جا شده است. اجازه ای هم که مسوری از آن یاد کرده، اکنون در مجموعه موجود نیست. برگ های الف-۶، الف-۱۵، الف-۴۱،^۴ مشتمل است بر کتاب تنبیه الغافلین از حاکم چشمی که عبدالله بن زید عنسی کتابت کرده است.^۵ چند سطر از آغاز متن و صفحه عنوان افتاده است.^۶ متن مشتمل بر انجامه در پایان است (برگ ۴۱، ب، سطور ۲۸-۲۹) (تصویر نخست) که تاریخ ۱۳ ربیع الثانی ۶۴۴/۲۸ آگوست ۱۲۴۶ دارد. مطالب اخیر با تاریخی که مسوری داده (۲ ربیع الثانی ۶۴۴) تطابق دارد، جز آن که روز ماهی که کتابت در آن به پایان رسیده، متفاوت است:

۱. حوث در قلمرو حاشد قرار دارد و یکی از مهم ترین مراکز علمی در آن روزگار بوده است. بنگرید به: محمد بن احمد حجری یمنی، *مجموع بلدان الیمنیه و قبائلها*، چهار جلد، تحقیق اسماعیل بن علی اکوع (صنعاء: وزارت الاعلام والثقافة، ۲۰۰۹/۱۴۳۰، چاپ چهارم)، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۲۶، ۳۰۰؛ ابوفراس بن دعثم، *السیرة الشریفیة المنصوریة: سیرت الامام عبدالله بن حمزه*، ۵۹۳-۶۱۴، دو جلد، تحقیق عبدالغنی محمود عبدالعاطی (بیروت: دار الفكر المعاصر، ۱۴۱۴/۱۹۹۳)، سراسر کتاب.

۲. متن اجازه به همراه تحلیل و تصحیح انتقادی و توضیحات در خصوص آن توسط نگارندگان انجام شده و با عنوان «انتقال علم درین قرن هفتم: مطالعه موردی عبدالله بن زید عنسی» در دست انتشار است. "Transmission of Knowledge in 7th/13th century Yemen: The case of Abd Allāh b. Zayd al-Anṣ" (forthcoming).

۳. درباره کتابخانه بنگرید به:

Geoffrey Roper, *World Survey of Islamic Manuscripts. Volume II* (London: Furqān Foundation, 1994), 659f.

۴. شماره گذاری نسخه از نویسندگان است.

۵. کتاب چندین بار منتشر شده، هر چند در هیچ یک از آن ها نسخه حاضر مورد استفاده نبوده است: ۱. تحقیق محمدرضا انصاری قمی (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش/ ۱۹۹۹-۲۰۰۰)؛ ۲. تحقیق تحسین آل شیبب الموسوی (بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۲۰۰۰)؛ ۳. تحقیق ابراهیم یحیی درسی (صعده: مرکز اهل البیت للدراسات الاسلامیة، ۱۴۲۱/۲۰۰۰)؛ ۴. تحقیق حسین درگاهی (تهران: مؤسسه الضحی الثقافية، ۱۳۸۱ ش/ ۲۰۰۲).

۶. آغاز متن برابر است با تصحیح محمدرضا قمی انصاری، ص ۴، سطر ۳.

تم کتاب تنبیه الغافلین عن فضائل الطالبین / والصلوة علی محمد وآله يوم ثالث عشر من شهر ربيع الآخر الذي هو من شهور سنة أربع وأربعين وستمائة سنة. برگ های ۴۲ الف-۱۷۴ الف مشتمل بر کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البيت از عبیدالله حسکانی است که بخشی از آن توسط عبدالله عنسی (برگ های ۴۲ الف-۹۳ الف) و بخشی از آن را خواهرزاده اش محمد بن اسعد (برگ های ۹۳۶ ب-۱۷۴ الف) کتابت کرده است.^۱ در آغاز کتاب شواهد التنزیل، عبدالله عنسی (برگ ۴۲ الف، تصویر دوم) بیان کرده که:

کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل جمعه / الحاکم الإمام العالم أبو القاسم الحسکانی المحدث النیسابوری / رحمة الله علیه ورضوانه قنیه (؟) الفقیر الی رحمة ربّه / المهارب الیه من ذنبه عبدالله بن زید بن أحمد غفر الله له ولوالديه / وتقبل منه عمله وحشره فی زمره النبي محمد صلی الله علیه وآله وسلّم.

پس از این عبارت، دو متن کوتاه در چند سطر که به وضوح به دست خطی دیگر کتابت شده، آمده است. مطالب مذکور چنین است:

(الف) نسخه کتاب الحسن بن علی عليه السلام الی اهل البصرة فی القضاء والقدر وهو الكتاب الذي رجع الیه جميع اهل العلم بالبصرة (برگ ۴۲ الف: سطور ۶-۱۵) و (ب) اسماء اهل الكهف (برگ ۴۲ الف، سطور ۱۵-۱۹).

در حاشیه صفحه عنوان، چند سماع از سده بیستم به ترتیب با تاریخ جمادی الثانی ۱۳۳۷/ دسامبر ۱۹۵۷-ژانویه ۱۹۵۸ و ۱۳۷۷/۱۳۵۷-۱۹۵۸ و ۱۳۳۸/۱۳۵۸-۱۹۵۹ آمده که تداول مجموعه را در مطالعه حدیث نشان می دهد.

۱. کتاب توسط محمد باقر محمودی دوبار منتشر شده، هر چند او از نسخه حاضر بهره ای نگرفته است: ۱. بیروت: مؤسسة الاعلمي للطبوعات، ۱۹۷۴ (دو جلد در یک مجلد)؛ ۲. تهران: مؤسسة الطبع والنشر و مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۹۹۰ (چاپ تجدید نظر شده در سه جلد). درباره کتاب شواهد التنزیل هم چنین بنگرید به: Etan Kohlberg, A Medieval Muslim Scholar at Work: Ibn Tāwūs and his Library (Leiden: Brill, 1992), 330f. no. 542.

درباره حسکانی نیز بنگرید به:

Richard Bulliet, *The Patricians of Nishapur: A Study in Medieval Islamic Social History* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1972), 229f.



متن *شواهد التنزیل* با انجامه‌ای پایان یافته که در آن محمد بن اسعد (مورخ ۲ شوال ۱۰/۶۴۴ فوریه ۱۲۴۷) که در آن وی گفته است (برگ ۱۷۴ الف، تصویر سوم):^۱

وكان تمام كتاب *شواهد التنزیل* / *القواعد التفضیل* / *بخط الفقیر الی رحمة ربه محمد بن أسعد بن زید العنسی المذحجی* / بعد صلوة الظهر نهار الأحد ثاني عيد الفطر من شوال سنة / أربع وأربعین وستمائة / بمدينة صعدة المحروسة بالمشاهد المقدسة النبوية / على ساكنها أفضل السلام والتحية / وصلى الله على محمد خير البرية وعلى عترته الطاهرة المرضية / وسلم وشرف وكرم.

محمد بن اسعد بن زید بن احمد بن ابی الحسین (?) بن سلیمان بن ابی الحسین (?) بن کلب عنسی مذحجی به عنوان فردی کاتب شناخته شده است. او دو بار کتاب *المحجة البيضاء فی اصول الدین*، شاهکار دایی اش عبدالله بن زید عنسی را در صعدہ کتابت کرده است. نسخه‌ای مشتمل بر جلد دوم، سوم، چهارم کتاب *المحجة البيضاء* را که او کتابت آن‌ها را در ۲۰ ربیع الثانی ۱۷/۶۴۰ اکتبر ۱۲۴۲ به پایان رسانده، در همان روزی که مؤلف آن را زمان فراغت از تألیف کتاب ذکر کرده که دلالت دارد عبدالله عنسی کتاب را به احتمال فراوان از مسوده بر خواهرزاده اش املاء می‌کرده که منعکس‌کننده ارتباط تنگاتنگ آن دو است.^۲ نسخه‌ای دیگر از کتاب *المحجة البيضاء* از مجلدات اول تا چهارم که کتابت آن‌ها در ۱۴ ربیع الثانی ۱/۶۴۱ اکتبر ۱۲۴۳ به پایان رسیده باز به قلم محمد بن اسعد است.^۳ محمد بن اسعد هم چنین جلد‌های اول و پنجم *التهذیب فی التفسیر حاکم جشمی* را در ۶۴۴/۶۴۶-۱۲۴۶-۱۲۴۷ (جلد پنجم) کتابت کرده که در کتابخانه شخصی آل وزیر در هجرة السر موجود است.^۴

در همان سال محمد بن اسعد مجموعه‌ای خطی مشتمل بر کتاب *مفتاح الفرائض فی علم الفرائض* تألیف فضل بن ابی سعد عصفیری (حیات حدود ۶۰۰/۱۲۰۳) (برگ‌های ۳-۲۸ الف؛ از آغاز افتاده) و *المهذب فی فتاوی المنصور بالله عبدالله بن حمزه علیه السلام* را که محمد بن

۱. در برگ پایانی متن، چندین سماع و بلاغ قرائت آمده که جملگی به قرن بیستم تعلق دارد.

2. MS Bayerische Staatsbibliothek Munich, Cod. arab. 1273, f. 152b [Plate Seven]. Cf. Florian Sobieroj, Arabische Handschriften der Bayerischen Staatsbibliothek zu München unter Einschluss einiger türkischer und persischer Handschriften. Bd. 1, (Stuttgart: Steiner, 2007), 406-408 no. 214.

3. MS Bayerische Staatsbibliothek Munich, Cod. arab. 1286, f. 224b [Plate Eight]. Cf. Sobieroj, Arabische Handschriften, 433f. no. 226.

نسخه برگردان نسخه اخیر همراه با مقدمه و نمایه‌ها توسط نویسندگان حاضر در دست انجام است (تهران: میراث مکتوب).

۴. بنگرید به: وجیه، مصادر التراث، ج ۲، ص ۳۵۶ به بعد.



اسعد مرادی تألیف کرده، (برگ های ۲۸ ب- ۱۲۷ از آخر افتاده) کتابت کرده که در کتابخانه آمبروزیانا شهر میلان موجود است.^۱

برگ های ۱۷۵ الف- ۲۸۲ ب (= چاپ قم، ۱۴۰۷/۱۹۸۶-۱۹۸۷، ص ۱-۳۵۱، سطر ۴؛ برگ ۷ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۵۱، سطر ۴- ص ۳۵۴، سطر ۹؛ برگ ۹ = چاپ قم، ۱۴۰۷، ص ۳۵۷، سطر ۱۴- ص ۳۶۱، سطر ۳؛ برگ ۳ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۶۱، سطر ۳- ص ۳۶۸، سطر ۱۴- ص ۳۶۱، سطر ۳؛ برگ های ۲۸۴-۲۸۵ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۶۱، سطر ۳- ص ۳۶۸، سطر ۱۱؛ برگ های ۲۸۶-۲۸۷ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۷۴، سطر ۵، ص ۳۸۳، سطر ۱؛ برگ ۲۹۹ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۸۳، سطر ۱- ص ۳۸۶، سطر ۳؛ برگ ۸ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۸۶- سطر ۲- ص ۳۸۹، سطر ۶؛ برگ ۱۴ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۸۹، سطر ۶- ص ۳۸۲، سطر ۱۵؛ برگ ۱۰ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۹۲، سطر ۱۵- ص ۳۹۵، سطر ۱۹؛ برگ ۲۸۸-۲۹۷ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۳۹۵- سطر ۱۹، ص ۴۲۱، سطر ۸؛ برگ ۱۱ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۴۳۱، سطر ۸- ص ۴۳۴، سطر ۱۳؛ برگ ۱۳ = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۴۳۷، سطر ۱۹- ص ۴۴۰، سطر ۱۶؛ برگ های ۱۲ الف- ب = چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۴۵۸، سطر ۱۹- ص ۴۶۳، سطر ۲ که مشتمل بر نسخه ای ناقص از کتاب العمده فی عیون صحاح الاخبار فی مناقب الامام الابرار ابن بطریق است که عبدالله بن زید عنسی خود کتابت کرده (به جز برگ ۲۸۹ ب که به خط خواهرزاده اش محمد بن اسعد است). در آغاز متن (برگ ۱۷۵ الف، تصویر چهارم) عنسی خود را مالک نسخه معرفی کرده و نوشته است:

1. MS Ambrosiana H 70. Cf. Oscar Löfgren and Renato Traini, *Catalogue of the Arabic manuscripts in the Biblioteca Ambrosiana: Nuovo fondo, series F (nos. 1296- 1778)* (Milan: Silvana Editoriale, 2011, 244f. no. 1692).

محمد بن اسعد در برگ ۲۸ الف، یادداشت زیر را به تاریخ رجب ۶۴۴/ نوامبر دسامبر ۱۲۴۶ افزوده که بیان داشته او از نگارش *المقتاح فراغت* حاصل کرده و کتابت *المهذب* را آغاز کرده است:

«فرغ من نساخته الفقیر الی رحمة ربه محمد بن أسعد بن زید المدحجی / و فقه الله للخیر و ختم له به و لوالدیه و لمن قال آمین / یوم الثلاثاء الثانی من شهر رجب المعظم سنة أربع وأربعین و ستمائة / بمدینة صعدة المحروسة و الحمد لله وحده / و صلواته علی رسولہ سیدنا محمد النبی و آلہ الطاهرین و سلامه / یتلو ذلک کتاب المهذب فی فتاوی أميرالمؤمنین / و امام المسلمین أبی محمد عبد الله بن حمزة بن سلیمان بن علی (+) بن أبی هاشم که میان سطور اضافه شده است) بن رسول الله / صلواته علیه و علیهم أجمعین / تألیف القاضي الأجل الفاضل الكامل العالم العامل داعی أميرالمؤمنین محمد بن أسعد بن إبراهيم / المرادي طوّل الله عمره رحمه الله». کتاب به تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (عمان: مؤسسه الإمام زید بن علی الثقافیة، ۱۴۲۱/۲۰۰۱) منتشر شده است.

مالکه عبدالله بن زید بن أحمد غفر الله له ولوالديه صلى الله على محمد وآله. عبدالله بن زید کتابت بخش اول عمدہ ابن بطریق رادر جمادی الاولی ۶۴۴/ سپتامبر ۱۲۴۶ به پایان رسانده است. این مطلب با آن چه که مسوری آورده که کتابت تمام نسخه در هفتم جمادی الثانی ۶۴۴/ ۲۰ اکتبر ۱۲۴۶ به پایان رسیده، تطابق دارد، آخرین انجامه متن از نسخه افتاده است. نسخه با جزء اول کتاب پایان یافته و بیان آغاز کتابت جزء دوم (که به صورت یک خط در میان سیاه و قرمز کتابت شده) (برگ ۲۴۳ ب) (تصویر ششم) چنین است:^۱

نجز الجزء الأول من عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار علی بن /أبي طالب صلوات الله علیه وسلامه والحمد لله وحده وصلواته / علی سیدنا محمد النبی وآله وسلامه وافق الفراغ منه یوم الخمیس / أول خمیس فی شهر جمادی الأولى من شهر سنة أربع وأربعین وستمائة / ویتلوه الجزء الثاني أوله قوله صلى الله علیه وسلم لعلي عليه السلام خاصف النعل / الجزء الثاني من العمدة فی عیون صحاح الأخبار / فی مناقب إمام الأبرار أمير المؤمنين علي بن أبي طالب صلى / الله علیه وعلى ذریته الأطهار وسلم / تصنیف تاج العلماء سدید / النطق مفتی آل الرسول عليه السلام أبي الحسين يحيى بن الحسن / بن الحسين بن علي بن محمد البريق / الأسدی الحلبي ضاعف الله مجده وسدده / والحمد لله وصلواته علی سیدنا محمد وآله وسلامه.

تاریخ های مختلف انجامه ها دلالت دارد که عبدالله بن زید عنسی، نخست تنبیه الغافلین (۱۳ ربیع الثانی ۶۴۴) را کتابت کرده و پس از آن به استنساخ شواهد التنزیل پرداخته که او تنها بخش اول آن را استنساخ کرده و بخش قابل ملاحظه ای از نسخه را برای اتمام کتابت کتاب برای خواهرزاده اش سفید گذاشته است (در ۲ شوال ۶۴۴) و به کتابت عمدہ پرداخته که او کتابت آن را در ۷ جمادی الثانی ۶۴۴ به پایان رسانده است. جالب توجه است که عبدالله عنسی کتابت نسخه را در سنّ و سالی انجام داده که پیش از آن شأن و مقامی به عنوان یک عالم یافته است. نسخه در حقیقت خصلت عالم کاتب را که در این دوره در ین فراوان با آن مواجه می شویم را تأیید می کند.^۲

بسم

۱. آغاز مجلد دوم برابر است با صفحه ۲۲۴ از چاپ قم ۱۴۰۷/ ۱۹۸۶-۱۹۸۷ (الفصل الثامن والعشرون).

2. See our "Mu tazilism after Abd-abbār".



کتابت کتاب العمده ابن بطریق در مجموعه حاضر، مطلب مهم و قابل تأملی است. در حالی که دو کتاب دیگر، یعنی تنبیه الغافلین حاکم جشمی و شواهد التنزیل حاکم حسکانی که از آیات نازل شده در حق علی بن ابی طالب و اهل بیت علیهم السلام بحث می‌کنند، ابن بطریق در کتاب العمده به گردآوری احادیث بیانگر حق علویان از منابع حدیثی اهل سنت پرداخته و آیات قرآنی مربوط به آن‌ها را تنها در یک فصل گردآوری کرده است.^۱ به نظر مناسب‌تر می‌آمد که در این مجموعه خطی، کتاب خصائص الوحي المبين ابن بطریق که تماماً به بحث از آیات قرآنی نازل در حق اهل بیت علیهم السلام پرداخته، ذکر شود که به موضوع دو کتاب دیگر نزدیک‌تر است و وثیق‌تری دارد. این که چنین امری رخ نداده، دلالت دارد که کتاب خصائص در دسترس عالمان یعنی نبوده است.^۲

نسخه حاضر از کتاب العمده ابن بطریق که در تصحیح متن آن توسط مصححان چاپ قم مورد استفاده قرار نگرفته^۳ (اگرچه) کهن‌ترین نسخه از کتاب است حتی از نسخه‌های کتاب موجود در محافل و حلقه‌های امامیه از کتاب است.^۴

۱. فهرست کامل از منابع سنی به همراه طریق روایت ابن بطریق در آغاز کتاب العمده، چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۱۸-۲۳ آمده است (فصل في ذکر طرق اسانید هذا الكتاب).

۲. این را می‌توان بر اساس نبود هیچ ذکری از کتاب خصائص الوحي المبين در اجازات باقی مانده از عالمان یعنی قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی بیان کرد. برای مثال بنگرید به مقاله مشترکمان:

“The literary-religious tradition”.

۳. بنگرید به قبل، پی‌نوشت چهارم.

۴. مصطفی درایتی (فهرست‌واره دست‌نوشت‌های ایران (دنا)، دوازدهم جلد (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۲۰۱۰)، ج ۷، ص ۶۲۷، شماره‌های ۱۹۴۷۹۷-۱۹۴۸۱۸) که بیست و دو نسخه از کتاب موجود در کتابخانه‌های ایران را فهرست کرده و کهن‌ترین آن‌ها مورخ قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی است (کتابخانه مجلس، شماره ۸۹۸۱؛ نسخه به نظر می‌رسد که ریشه‌یمنی داشته باشد (تصاویر دوازدهم تا چهاردهم): ۵ رجب ۱۲۶۷/۲۶ مارس ۱۴۶۳ و ۱۰ شوال ۹۸۲/۲۳ ژانویه ۱۵۷۵ (هر دو نسخه در شیراز و کتابخانه علامه طباطبائی، شماره‌های ۹۵۱ و ۹۵۲ نگه‌داری می‌شوند) می‌باشند. نسخه ۲۹۹۷ کتابخانه آیت‌الله مرعشی که در ضمن مجموعه‌ای یمنی الاصل قرار دارد، علاوه بر تألیفات دیگر، مشتمل بر کتاب عمده ابن بطریق (برگ‌های ۶۹ب-۱۲۴ب) و شواهد التنزیل حسکانی (برگ‌های اب ۶۸الف) است. نسخه اخیر را یحیی بن حسین بن اسماعیل بن ابراهیم بن اسماعیل بن حسن بن سهیل در ۱۳ شعبان ۱۳۸۱/۲۰ ژانویه ۱۹۶۲ کتابت کرده است. بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی (قم: چاپخانه مهر استوار، ۱۳۵۴-؟ / ۱۹۷۵-؟)، ج ۸، ص ۱۶۹-۱۷۱. برای نسخه‌های عمده علیهم السلام

صفحه عنوان کتاب (برگ ۱۷۵ الف، تصویر چهارم) متن اجازه روایت متن که ابن بطریق حلی در حلب به عقیف الدین علی بن محمد بن حامد یمنی صنعانی و فرزندش یاقوت در جمادی الاول ۵۹۶/فوریه ۱۲۰۰ داده، آمده است. پس از آن نیز اجازه‌ای دیگر از علی بن محمد بن حامد به علی بن احمد بن حسین بن مبارک اکوع به تاریخ ۱۷ ذی الحجه ۵۹۸/۷ سپتامبر ۱۲۰۲ آمده است. کل مطالب آمده در صفحه عنوان چنین است:

کتاب العمدة فی عیون صحاح الأخبار فی مناقب / امام الأبرار أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وصي المختار / صلى الله عليه وعلى ذريته الأئمة الأطهار تصنيف / الشيخ الإمام الأجل الأوحده العالم الفاضل الفقيه شمس / الدين نجم الإسلام تاج العلماء سيد النطق مفتی آل الرسول / عليهم السلام أبي الحسين يحيى بن الحسين (?) بن الحسين بن علی بن محمد البطریق / الأسدي الحلبي ضاعف الله مجده وجدد سعده / وفي الأصل أيضاً (مشطوب) قرأ علي هذا الكتاب من أوله إلى آخره الشيخ الأجل العالم / عقیف الدین علی بن محمد بن حامد الیمنی صنعانی أیده الله وسمع / بقرائته ولده الموفق یاقوت وأجزت لهما روايته عنی متى یشاء (?) كتبه / يحيى بن الحسن بن الحسين بن علی بن محمد البطریق الأسدي الحلبي بحروسة / حلب في غرة جمادي الاولى من سنة ست وتسعين وخسمائة والله المنة والحمد / وفي الأصل أيضاً (مشطوب) ناولت علي بن أحمد بن الحسين بن المبارك الكوع هذا المجلد وهما يشتملان على مناقب أهل البيت عليهم السلام وأجزت لهما (كذا) روايتهما / عنی عن المصنف وكتب علي بن محمد بن حامد الیمنی صنعانی في سابع عشر / من ذي الحجة من سنة ثمان وتسعين وخسمائة والحمد لله وحده وصلواته على محمد وآله.

تعبیر ناولت و اجازات استنساخ شده از روی نسخه اصل (و فی الاصل ایضاً...) دلالت دارد که نسخه از روی نسخه ای بوده که علی بن محمد صنعانی آن را نزد ابن بطریق در حلب خوانده و همان نسخه به یمن رسیده و نسخه مادر و اساس کتابت برای عبدالله بن زید عنسی

اللهم در کتابخانه های ایران هم چنین بنگرید به: سید احمد حسینی، التراث العربی المخطوط فی مکتبات ایران العامة، چهارده جلد (قم: منشورات دلیل ما، ۲۰۱۰)، ج ۹، ص ۱۳۷. برای دو نسخه موجود از کتاب العمده در شیراز بنگرید به: محمد برکت، «فهرست الفبایی نسخه های تک کتابی کتابخانه علامه طباطبائی شیراز»، نسخه پژوهی، جلد دوم (۱۳۸۴/۲۰۰۵)، ص ۱۹۶ به بعد. نسخه شماره ۹۵۱ نیز به نظر می رسد که ریشه یمنی داشته باشد.

۱. تعبیر «واخاه» به احتمال بسیار اشاره به مجلد دوم کتاب عمده باشد.

بوده است. علی بن محمد بن حامد صنعانی در کتاب‌های تراجم‌نگاری زیدیان در میان محدثانی سنی که آثار آن‌ها محلّ مراجعه زیدیان بوده، یاد شده است.^۱ مطلب خاصی دربارهٔ گرایش و هویت دینی او دانسته نیست که بتوان به قطعیت بیان کرد. در حالی که ارتباط صنعانی با ابن بطریق در حلب شاید دلالت داشته باشد که وی شیعهٔ دوازده امامی باشد، در نسخهٔ خطی ۲۴۲۱ عاطف افندی از صنعانی و گرایش مذهبی او به تسنن و حنبلی یاد شده است.

نسخهٔ عاطف افندی مشتمل بر کتاب *مختصر نه‌ایة الأمل فی علم المجدل* از ابن معمار بغدادی است که در رمضان ۶۰۵ / مارس - آوریل ۱۲۰۹ توسط یاقوت بن عبدالله، غلام علی بن محمد بن حامد صنعانی همدانی (برگ ۱۵۶ ب) کتابت شده و پس از آن ابن معمار اجازه‌ای به یاقوت در آغاز شوال ۶۰۶ / اواخر مارس ۱۲۱۰ داده است. در این جا نیز در خصوص ارتباط میان یاقوت و علی بن محمد صنعانی به وضوح او به المضاف الی مولاه السید الاحد الصدر الکبیر عقیف الدین ابی الحسن علی الیمانی (برگ ۱۵۹ ب) معرفی شده است.^۲ بر این اساس گفتهٔ ابن بطریق که پنداشته یاقوت فرزند علی بن محمد (بن‌گرید به قبل) نادرست باشد.

اطلاعات بیشتر دربارهٔ علی بن محمد بن حامد در نسخهٔ یمنی که مشتمل بر کتاب مناقب *علی بن ابی طالب* تألیف ابن مغازلی واسطی (متوفی ۴۸۳/۱۰۹۰) که (به نحو غیرمستقیم) مبتنی بر نسخه اصل کتابت شده توسط عالم دوازده امامی ابوالحسن علی بن محمد بن حسن بن

۱. ابراهیم بن قاسم شهاری، *طبقات الزیدیه الکبری* (القسم الثالث) ویسمی بلوغ المراد الی معرفة الاسناد، سه جلد، تحقیق عبدالسلام بن عباس وجیه (مک لین، ویرجینیا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۲۰۰۱/۱۴۲۱)، ج ۳، ص ۱۵۲۳-۱۵۲۷، شمارهٔ ۸۶۴.

۲. برای توصیف مختصر از نسخه بن‌گرید به: رمضان ششن، مختار من المخطوطات العربیة النادرة فی مکتبات ترکیا (استانبول: ایسار، ۱۹۹۷)، ص ۱۵۸ به بعد، شمارهٔ ۲۲۲؛

Shīshīn, "Esquisse d'une histoire du développement des colophons dans les manuscrits musulmans," *Scribes et manuscrits du Moyen-Orient*, ed. François Deroche (Paris: Bibliothèque nationale de France, 1997), 200 no. 21.

نسخهٔ اخیر توسط میلر در رسالهٔ دکترایش نیز مورد استفاده و مراجعه بوده است. بن‌گرید به:

Larry B. Miller, *Islamic Disputation Theory: A study of the development of dialectic in Islam from the tenth through fourteenth centuries* (PhD thesis, Princeton, 1984), 170ff.

ابی نزار ابن شرفیه واسطی در ۵۸۵/۱۱۸۹-۱۱۹۰ در واسط، آمده است.^۱ راوی متن، عمران بن حسن بن ناصر شتوی عذری (متوفی پس از ۶۳۰/۱۲۳۲-۱۲۳۳) عالم زیدی برجسته قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی یعنی است^۲ که خود مناقب ابن مغزلی را نزد بهاء الدین علی بن احمد بن حسین اکوع بر اساس نسخه‌ای کتابت شده از نسخه ابن شرفیه در ۵۹۹/۱۲۰۳ کتابت کرده، خوانده و نسخه خود را از روی نسخه ابن شرفیه در ۶۲۳/۱۲۲۶

۱. نسخه ینی تبار در کتابخانه اسلامی در تهران بوده است. وضعیت کنونی کتابخانه مذکور و مکان نسخه نامعلوم است. تصویرهای از نسخه اصل در کتابخانه مرعشی (قم، نسخه عکسی ۱۸۷؛ بنگرید به: محمد علی حائری، فهرست نسخه های عکسی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۶۹ ش/۱۴۱۱/۱۹۹۰)، ج ۱، ص ۱۷۰ به بعد) و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸-۱۳۶۳ ش/۱۹۶۹-۱۹۸۴)، ج ۳، ص ۳۱) موجود است. هم چنین بنگرید به: عبدالعزیز طباطبائی، اهل البيت فی المكتبة العربية (قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۷/۱۹۹۶)، ص ۵۴۸-۵۸۴، شماره ۷۲۰؛ درایتی، فهرست وار، ج ۱۰، ص ۶۹، شماره ۲۷۳۵۷۴. نسخه خطی مشتمل بر اجازه داده شده ابن بطریق به علی بن محمد بن حامد و فرزندش یاقوت برای روایت عمده نیز هست که پس از آن اجازه داده شده علی بن محمد به علی بن احمد بن حسین اکوع (در حاشیه صفحه ۱ به دست خط متفاوتی آمده است (تصویر پانزدهم). بر اساس نسخه ینی، مناقب ابن مغزلی توسط محمد باقر مهبودی (تهران، ۱۳۹۴/۱۹۷۴) تصحیح و منتشر شده و مهبودی به تفصیل طریق روایت کتاب (ص ۳۲ به بعد) را ذکر کرده است. چاپ اخیر چندین بار در بیروت به همراه بخشی از مقدم، مصحح تجدید چاپ شده که معمولاً در چاپ ها حذف شده است. تصحیح دیگر متن بر اساس نسخه ای ینی (مورخ ۱۶ رمضان ۱۲۸۸/۲۹ نوامبر ۱۸۷۱) توسط ابو عبدالرحمان ترکی بن عبدالله وادعی (صنعا، دار الآثار، ۱۴۲۴/۲۰۰۳) انجام شده است. درباره ابن شرفیه که به خطا نویسنده کتاب عیون الحکم والمواعظ معرفی می شود و اثری مشتمل بر اقوال منسوب به علی بن ابی طالب علیه السلام است (تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش/۱۹۹۷) بنگرید به: حسن انصاری، «ابن شرفیه و کتاب عیون الحکم والمواعظ»، کتاب ماه دین، ۳۵ (۱۳۷۶ ش/۱۹۹۷)، ص ۱۲-۱۵. درباره ابن مغزلی نیز بنگرید به: «ابن مغزلی واسطی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۶۴۷ به بعد.

۲. درباره او بنگرید به: احمد بن صالح ابن ابی الرجال، مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیه، چهار جلد، تحقیق مجدالدین بن محمد بن منصور المؤیدی (صعده: مرکز اهل البيت للدراسات الاسلامیه، ۲۰۰۴)، ج ۳، ص ۳۹۵-۳۹۷، شرح حال شماره ۹۷۶؛ شهاری، طبقات الزیدیه الکبری، ج ۲، ص ۸۳۳-۸۳۹، شرح حال شماره ۵۲۷؛ عبدالسلام بن عباس الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه (مک لین، ویرجینیا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۰/۱۹۹۹)، ص ۷۳۶ به بعد، شرح حال شماره ۸۰۱؛ امین فؤاد سید، مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی (قاهره: المعهد العلمی للآثار الشرقیة، ۱۹۷۴)، ص ۱۲۶، شماره ۱۲.

کتابت کرده است،^۱ در آغاز آن طریق و اسناد روایت خود به کتاب در آغاز متن آورده است (عمران کسی است که عبارت اخبرنا در آغاز عبارت به او باز می‌گردد):

...أخبرنا الفقيه الأجل الزاهد بهاء الدين علي بن أحمد بن الحسين الأکوع قراءةً عليه وأنا أسمع في جمادى الآخرة من سنة تسع وتسعين وخمسمائة بمسجد المدرسة المنصورية بقرية حوث، قال: أخبرنا علي بن محمد بن حامد الصنعاني اليمني بمكة حرسها الله تعالى في العشر الوسطى من شهر ذي الحجة آخر شهور سنة ثمان وتسعين وخمسمائة مناولاً قال: أخبرنا أبو الحسن علي بن أبي الفوارس بن أبي نزار ابن الشرفية، قال: أخبرنا الشيخ المعمر صدر الدين المقرئ صدر الجامع بواسط أبو بكر ابن الباقلاني المقرئ والقاضي جمال الدين نعمت الله بن العطار، والقاضي الأجل العدل عزالدين هبة الكريم ابن الحسن بن الفرج بن علي بن حبان ش رحمه الله رواه في شهر الله الأصم رجب من سنة إحدى وتسعين وخمسمائة قال: أخبرني أبي العدل أبو الحسن علي بن محمد الجلابي الخطيب المصنف رحمه الله المعروف بابن المغازلي قال....

سلسله روایت طریق کتاب که عمران بن حسن آورده، اطلاعاتی را که در اجازه ابن بطریق به علی بن محمد بن حامد آمده تکمیل می‌کند. عمران بیان داشته که او متن کتاب ابن مغازلی را نزد استادش بهاء‌الدین اکوع در مدرسه منصوریه شهر حوث در جمادی الثانی ۵۹۹/فوریه مارس ۱۲۰۳ خوانده و بهاء‌الدین اکوع نیز متن را نزد علی بن محمد بن حامد در مکه (زمانی که صنعانی در مکه آن جا اقامت داشته پیش از آن که به بغداد برود، بنگرید به قبل) خوانده است.

براین اساس شاید حتی بتوان با اطمینان گفت که در مکه بوده که بهاء‌الدین اکوع کتاب العمده ابن بطریق را نزد علی بن محمد صنعانی خوانده و کتاب العمده و المناقب را با خود به ین برده و در آن جا به روایت کتاب برای شاگردانش پرداخته است. فزون تر آن که بر اساس مطالب عمران، علی بن محمد صنعانی، کتاب المناقب ابن مغازلی را نزد ابن شرفیه احتمالاً در واسط خوانده است.

۱. بنگرید به: ابن مغازلی، المناقب، تصحیح بهبودی، ص ۳۲۹. هم چنین بنگرید به نسخه عکسی مرعشی، شماره ۱۸۷ (تصویر شانزدهم).

بهاء الدین علی بن احمد بن حسین بن مبارک بن ابراهیم بن محمد بن ابراهیم اکوع (زنده در ۶۲۷/۱۲۲۹-۱۲۳۰) یکی از اصحاب امام المنصور بالله بوده که نزد او تحصیل می کرده، هرچند راوی برخی آثار برای امام زیدی نیز بوده است.

زمانی که بهاء الدین نزد المنصور رکن الدین سلیمان بن ناصر سحولی (متوفی پس از ۱۲۰۳-۱۲۰۴) کتاب *شمس الشریعة الاسلام فی فقه اهل البیت* را می خوانده،^۲ از ربیع الثانی ۶۰۱/دسامبر ۱۲۰۴ به بعد، بهاء الدین هم چنین فتاوی المنصور بالله را که او صادر می کرده، مکتوب می کرده است. فتاوی مذکور که به کتاب الکفاره رسیده، به نام اختیارات المنصورية نیز شناخته می شود.^۳

المنصور بالله در حقیقت خود کسی بود که بهاء الدین را به مکه فرستاد و در آن جا بهاء الدین موفق به دیدار علی بن محمد بن حامد شده بود و از طریق بهاء الدین بود که المنصور بالله از علی بن محمد صنعانی اجازه روایت داشت.^۴ سوای اختیارات المنصورية،

۱. درباره او بنگرید به: ابن ابی الرجال، *مطلع البدور* ج ۳، ص ۱۹۴-۱۹۸، شرح حال شماره ۵۸۱؛ شهری، *طبقات الزییدیه الکبری*، ج ۲، ص ۶۹۸-۷۰۳، شرح حال شماره ۴۱۶. پدرش احمد و فرزندش عبدالله نیز عالمانی مشهور بوده اند. درباره خاندان اکوع بنگرید به: القاضی اسماعیل بن علی الاکوع، *هجر العلم ومعاقله فی الیمن*، شش جلد (بیروت/دمشق، دار الفکر/دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۶/۱۹۹۵)، ج ۴، ص ۲۱۱۰-۲۱۲۷، شماره ۴۰۳. کتابخانه ملی برلین مجموعه ای از رسائل امام قاسم بن ابراهیم (نسخه خطی گلاسر ۱۰۱، کتابت شده در شعبان ۱۱۴۹/۵۴۴) را در اختیار دارد، بهاء الدین آن را خوانده است و در چند جای نسخه بلاغ قرائت به خط او نیز آمده است. برای توصیف مختصر مجموعه مذکور بنگرید به:

Wilhelm Ahlwardt, *Verzeichnis der arabischen Handschriften der Königlichen Bibliothek zu Berlin* 1-10 (Berlin: A.W. Schade, 1887-1899 [repr. Hildesheim: Olms, 1980-1981]), vol. 4: 290f. no. 4876.

۲. برای کتاب و مؤلفش بنگرید به: ابن ابی الرجال، *مطلع البدور* ج ۲، ص ۳۷۵-۳۷۷، شرح حال شماره ۶۴۲؛ شهری، *طبقات الزییدیه الکبری*، ج ۱، ص ۴۷۸-۴۸۱، شرح حال شماره ۲۸۱؛ سید احمد حسینی، *مؤلفات الزییدیه*، سه جلد (قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۳/۱۹۹۲-۱۹۹۳)، ج ۲، ص ۲۱۳ به بعد، شماره ۲۰۷۱. برای نسخه های موجود از کتاب بنگرید به: وجیه، *اعلام المؤلفین الزییدیه*، ص ۴۷۰-۴۷۱، شرح حال شماره ۴۶۶.

۳. کتاب به صورت خطی در دسترس است. بنگرید به: وجیه، *اعلام المؤلفین الزییدیه*، ص ۶۵۳ به بعد، شرح حال شماره ۶۸۰.

۴. بنگرید به: عبدالله بن حمزه، *الشافی*، ج ۱، ص ۱۴۹ و موارد متعدد دیگر.



بهاء‌الدین هم چنین کتاب الاخبار الاربعون الوسيلة الى رب العالمين من فضائل اميرالمؤمنين را نگاشته که به صراحت برگرفته از کتاب مناقب اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب ابن مغازلی است.^۱

عبدالله بن زید عنسی متن کتاب العمده را با بیان طریق متصل خود به مؤلف کتاب آغاز کرده است. براین اساس می‌توان دریافت که بهاء‌الدین علی بن احمد اکوع نیز به نوبه خود راوی کتاب برای شاگردش احمد بن محمد شعله (شعله الاکوع) بوده که او نیز اجازه روایت کتاب را به شاگرد عبدالله بن زید، کاتب نسخه حاضر از متن کتاب المناقب داده است که وی نسخه مادر حلبی کتاب المناقب را به عنوان نسخه اصل در اختیار داشته است. اسناد عبدالله بن زید عنسی (برگ های ۱۷۵ ب، سطور ۲-۸) (تصویر پنجم) در روایت کتاب چنین است:

أخبرنا الشيخ الأجل الفاضل العالم الكامل أحمد بن محمد المعروف بشعلة كتاباً و إجازة/ قال أخبرنا الفقيه الفاضل بهاء‌الدین علي بن أحمد بن الحسين المعروف بالأکوع مناوئة/ قال أخبرنا عفيف الدين علي بن محمد بن حامد اليميني الصنعاني مناوئة في سابع/ عشر من ذي الحجة من سنة ثمان وتسعين وخمسمائة قال أخبرني يحيى بن الحسن/ بن الحسين بن علي بن محمد بن بطريق الأسدي الحلبي بمحروسة حلب في غرة/ جمادى الأولى من سنة ست وتسعين وخمسمائة قراءة وهو المصنف لهذا/ الكتاب.

کتابخانه آمبروزیانا شهر میلان، نسخه‌ای دیگر از کتاب العمده ابن بطریق را در اختیار دارد که اطلاعات بیشتری در خصوص روایت کتاب در میان زیدیان یمنی در بردارد.^۲

۱. بهاء‌الدین علی بن احمد اکوع، الاخبار الاربعون الوسيلة الى رب العالمين من فضائل اميرالمؤمنين، تحقيق عبدالسلام بن عباس الوجيه (عمان: مؤسسة الامام زيد بن علي الثقافية، ۲۰۰۳). در آغاز متن (ص ۱۳ به بعد) او طریق روایت خود در نقل کتاب المناقب ابن مغازی را به تفصیل چنین ذکر کرده است: «فقد أخبرني الشيخ الأجل النجيب عفيف الدين علي بن محمد بن حامد اليميني الصنعاني أيداه الله بمكة حرسها الله في شهر ذي الحجة من شهر سنة ثمان وتسعين وخمسمائة، قال: أخبرنا الشيخ الإمام الأجل الأوحده العالم الفقيه شمس الدين نجم الإسلام تاج العلماء سديد النطق أبو الحسين يحيى بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمد بن بطريق الأسدي الحلبي ضاعف الله محده قراءة عن الشيخ المعمر صدرالدين المقرئ صدرالجامع بواسط أبو بكر بن عبدالله بن منصور بن عمران الباقلائي المقرئ عن القاضي العدل أبي عبدالله محمد بن علي بن محمد بن محمد الجلابي رحمه الله تعالى عن أبيه القاضي العدل أبي الحسين علي بن محمد بن محمد بن الجلابي الخطيب الشافعي المعروف بابن المغازلي الواسطي قال...». طریق ذکر شده نشان می‌دهد که اکوع تصمیم به نگارش گزیده‌ای از روایات آورده توسط ابن مغازلی را داشته که در کتاب العمده نیز آمده، جز آن‌که در کتاب اخیر او به طریق متصل به خود ابن مغازلی به روایت پرداخته است.

2. C 96. Cf. Oscar Löfgren and Renato Traini, *Catalogue of the Arabic Manuscripts of the Biblioteca Ambrosiana*. Vol. II: Nuovo Fondo: Series A-D (Nos. 1-830) (Vicenza: N. Pozza, 1981), 170 no. 352.

صفحه عنوان نسخه در آن جا (برگ ۲ الف، تصویرنهم) به همان شکل که در نسخه عبدالله بن زید عنسی آمده، ذکر شده است:

کتاب العمدة في عيون صحاح الأخبار/ في مناقب إمام الأبرار أمير المؤمنين /علي بن أبي طالب وصي المختار/ صلى الله عليه وعلى ذريته الأئمة الأطهار/ تصنيف الشيخ الإمام الأجل الأوحده العالم/ الفاضل الفقيه شمس الدين نجم الإسلام/ تاج العلماء سديد النطق مفتي/ آل الرسول ﷺ أبي الحسين / يحيى بن الحسن بن الحسن (كذا) بن الحسين بن علي بن /محمد بن البطريق الأسدي الحلبي ضاعف الله مجده.

متن نیز با همان سلسله سند که عبدالله بن زید عنسی آورده، آغاز شده است که دلالت دارد کتاب به طریق متصل به ابن بطریق به طریق علی بن محمد بن حامد الیمانی الصنعانی از علی بن احمد بن الحسین بن المبارک الاکوع از احمد بن محمد شعله (شعله الاکوع) (برگ ۲ ب، تصویردهم) روایت شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين أخبرنا الشيخ الأجل العالم الفاضل أحمد بن محمد بن القسم الأكوع قراءةً عليه قال أخبرنا الفقيه الفاضل الإمام بهاء الدين علي بن أحمد بن الحسين المعروف بالأكوع (رضي الله عنه، إضافة في الهامش) مناولاً قال أخبرنا عفيف الدين علي بن محمد بن حامد اليماني الصناني مناولاً في سبع عشر من ذي الحجة من سنة ثمان وتسعين وخمسمائة قال أخبرنا يحيى بن الحسين بن الحسن بن علي بن محمد البطريق الأسدي الحلبي بحروسة حلب في غرة جمادى الأولى من سنة ست وتسعين وخمسمائة قراءةً هو المصنف لهذا الكتاب...

متن استنساخ شده کتاب نیز به دو مجلد تقسیم شده و عبارات پایانی مجلد اول (برگ ۱۳۷ ب، تصویر یازدهم) نیز دقیقاً همان مطلبی است که در نسخه کتابت شده توسط عبدالله بن زید عنسی آمده است. در حالی که کاتب نسخه آمبروزیانا هویتش شناخته نیست، در حاشیه برگ ۱۳۷ ب نسخه، یادداشتی به قلم معاصر کهنسال تر عبدالله بن زید عنسی، یعنی حمید بن احمد بن محمد بن احمد محلی صنعانی (متولد ۵۸۲/۱۱۸۶، متوفی ۶۵۲/۱۲۵۴) آمده که خود عالم و فقیه برجسته زیدی بوده^۱ و بیان داشته که او کتاب را با نسخه ای دیگر که بر

۱. درباره او بنگرید به: ابن ابی الرجال، مطلع البدور، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۵۱، شرح حال شماره ۵۲۰؛ شهاری، طبقات الزیدیه الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۱-۴۲۴، شرح حال شماره ۲۴۷؛ وجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۴۰۷-۴۱۰، شرح حال شماره ۴۰۸؛ امین فؤاد سید، مصادر التاريخ اليمن، ص ۱۲۷ به بعد، شماره ۱۳.

بهاء الدین علی بن احمد بن حسین بن مبارک اکوع خوانده شده، مقابله کرده و کار مقابله نیز در اول شعبان ۲۴/۶۴۰ ژاویه ۱۲۴۳ به پایان رسیده است. حمید محلی در ادامه متذکر شده که او عمده رانزد علی بن احمد اکوع خوانده و از وی اجازه روایت کتاب را از او به طریق استادش به مؤلف اخذ کرده است. متن کامل مطالبی که محلی آورده، چنین است:

نجز الجزء الأول من عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار علی بن أبي طالب صلوات الله علیه وسلامه / يتلوه في الجزء الثاني قوله ﷺ لعلي عليه السلام خالص النعل والحمد لله رب العالمين وصلواته على سيد المرسلين محمد وعلى أهل بيته الطيبين وصحبه المكرمين وسلامه / قوبل على النسخة الواردة من الشبام وهي النسخة المسموعة لمن روينا عنه وأجازها لنا وهو الفقيه الفاضل بهاء الدين علي بن أحمد عليه السلام وصح ذلك بقدر الإمكان وفرغ منه في أول شعبان سنة أربعين وستمئة وكتب مالك الكتاب حميد بن أحمد بن محمد المحلي حامدًا لله تعالى على عميم نواله ومصلياً على سيدنا محمد وآله^۱.

عبارت‌های این یادداشت و شباهت‌های میان دو نسخه دلالت دارد که نسخه کتابت شده توسط عبدالله بن زید عنسی و نسخه تحت تملک حمید محلی از روی نسخه اصل کتابت شده از روی نسخه‌ای از روی نسخه اصل عمده ابن بطریق کتابت شده در حلب، کتابت شده و نسخه در اختیار حمید محلی، اندکی پیش از ۱۲۴۳/۶۴۰ توسط کاتبی ناشناس و توسط عنسی در ۱۲۴۶/۶۴۴ کتابت شده است.

فزون‌تر آن که در حالی که محلی نسخه رانزد بهاء الدین اکوع خوانده، عبدالله عنسی که ده یا پانزده سال جوان‌تر از محلی بوده، نسخه را با یک واسطه یعنی شعله الاکوع از بهاء الدین در روایت خود داشته است.

در کتابخانه آل الوزير در هجرت السرنسخه‌ای دیگر از کتاب عمده ابن بطریق وجود دارد که در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی یا هشتم هجری / چهاردهم میلادی کتابت شده و مشتمل بر دو مجلد کتاب است.

در پایان جلد اول اجازه ابن بطریق به علی بن محمد بن حامد ینی صنعانی گفته شده که از روی نسخه اصل کتابت شده است (فی نسخه علیها خط المصنف یحیی بن الحسن).

۱. هم چنین بنگرید به صفحه عنوان (برگ ۲ الف، تصویرنهم) که در آن جا محلی به عنوان مالک نسخه یاد شده است.

مشخص است که نسخه اخیر نیز (مستقیم یا غیرمستقیم) مبتنی بر نسخه مادر کتابت شده در حلب است.^۱

۱. بنگرید به: عبدالله محمد حبشی، فهرست مخطوطات بعض المكتبات الخاصة في اليمن (لندن، مؤسسة الفرقان، ۱۹۹۴)، ص ۶۷، شماره ۱۲۱؛ وجیه، مصادر التراث، ج ۲، ص ۳۷۰ به بعد، شماره ۲۳. نسخه برای نویسندگان مقاله قابل دسترسی نبود. گمان و ظن حبشی که نسخه در ۵۹۶ کتابت شده، بر اساس اطلاعات و توصیفات تفصیلی تر نسخه‌ای که وجیه آورده، نادرست است. در کتابخانه‌های یمن نسخه‌های دیگری از کتاب که در ادوار بعدی کتابت شده، موجود است: ۱. نسخه المكتبة الشرقية، شماره ۴۴۶، کتابت شده در ۱۷ رجب ۱۰۸۶/۷ اکتوبر ۱۶۷۵. بنگرید: احمد عبدالرازق رقیحی، عبدالله حبشی و علی وهاب آنسیف، فهرست مخطوطات مكتبة الجامع الكبير صنعاء، چهار جلد (صنعاء): وزارت الاوقاف والارشاد، ۱۹۸۴/۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۱۳. هم چنین بنگرید به: قائمه بالمخطوطات العربية المصورة بالميكروفيلم من الجمهورية العربية اليمنية (قاهره: مطبعة دار الكتب، ۱۹۶۷)، ص ۳۰ (میکروفیلم ۲۱۹۲)؛ ۲. نسخه خطی المكتبة الغربية، شماره ۲۶۶۴، مورخ محرم ۱۰۵۲/ آوریل مه ۱۶۴۲. بنگرید به: احمد محمد عیسوی و دیگران، فهرس المخطوطات اليمنية لدار المخطوطات المكتبة العربية بالجامع الكبير، صنعاء، دو جلد (قم: مكتبة سماحة آية الله العظمى المرعشي النجفي الكبرى، الخزانة العالمية للمخطوطات الاسلامية، مركز الوثائق والتاريخ الدبولماسی، وزارة الخارجية للجمهورية الاسلامية الايرانية، ۲۰۰۵/۱۴۲۶)، ج ۲، ص ۱۵۱۸؛ ۳. نسخه مكتبي محمد بن قاسم الوجیه، نسخه بدون تاریخ و ضمن مجموعه که هم چنین مشتمل بر جواهر العقدين في فضائل الشرفين تأليف نورالدين سمهودی شافعی (متوفی ۱۵۰۵-۱۵۰۶) (منتشر شده در دو جلد، بغداد: وزارت الاوقاف والشئون الدينية، ۱۹۸۴-۱۹۸۷)؛ مجموعه در زمان مسوری و المنصور بالله قاسم بن محمد بن علی و فرزندش المؤید بالله محمد همراه با بلاغ مسوری در دست بوده است. بنگرید به: وجیه، مصادر التراث، ج ۲، ص ۶۲۹؛ ۴. نسخه عبدالرحمان شایم، که مجموعه‌ای مشتمل بر تنبیه الغافلین حاکم جشمی (استنساخ شده در ۱۶۴۱/۱۰۵۱-۱۶۴۲) و عمده ابن بطریق بوده است. بنگرید به: وجیه، مصادر التراث، ج ۲، ص ۹۷. نسخه در اصل مشتمل بر شواهد التنزیل بوده و احتمالاً از روی مجموعه عنسی کتابت شده است. فزون تر ۵. دیگر نسخه کهن بی تاریخ از مجلد دوم متن که بمنی الاصل است و در کتابخانه آمبروزیانا نگه داری می شود (MS F245). بنگرید به:

Löfgren and Traini, Catalogue of the Arabic manuscripts in the Biblioteca Ambrosiana: Nuovo fondo, series F, 123 no. 1538.

مشخص نیست که نسخه در یمن کتابت شده یا در جای دیگر. ۶. کتابخانه ملی برلین نیز نسخه‌ای بمنی الاصل (گلاسر ۲۴) دارد که مشتمل بر منتخباتی از کتاب عمده ابن بطریق است که در ۱۷۳۶/۱۱۴۹ کتابت شده است. بنگرید به: Ahlwardt, Verzeichnis, vol. 9: 220f. no. 9687.

بخش مذکور از نسخه اخیر با عنوان «ابطال شبه التاویلین لنص ولاية امير المؤمنين لمؤلف مجهول» توسط محمد کاظم محمودی در ضمن میراث حدیث شیعه، تدوین مهدی مهریزی و علی صدرايي خویی (قم، مرکز تحقیقات دار الحدیث، ۱۳۸۰/۲۰۰۱)، ج ۶، ص ۸۳-۱۰۴ منتشر شده است. درباره این چاپ هم چنین بنگرید به: حسن انصاری، «ابوالقاسم بستی و کتاب منسوب به ابن بطریق»، کتاب ماه دین، شماره‌های ۵۳-۵۴ (۱۳۸۰-۱۳۸۱/۲۰۰۱-۲۰۰۲)، ص ۶۸.



عمده ابن بطریق یا مناقب ابن مغازلی به واسطه بهاءالدین اکوع در میان عالمان یعنی تداول گسترده‌ای یافته است. سواى المنصور بالله،^۱ حمید بن احمد محلی، احمد بن محمد شعله الاکوع (که بهاءالدین به وی اجازه روایتی در ۶۲۷/۱۲۲۹-۱۲۳۰ داده^۲ و عمران بن حسن شتوی عذری، بهاءالدین دانسته است که کتاب یا دو کتاب را به فرزندش، عبدالله بن علی بن احمد^۳ و علی بن حمید بن احمد بن ولید قرشی (متوفی ۶۳۵/۱۲۳۷-۱۲۳۸) تدریس می‌کرده است.^۴ بهاءالدین هم چنین مناقب ابن مغازلی را به محیی‌الدین محمد (یا حمید) بن احمد بن

۱. بر طبق گفته محمد بن متوکل علی الله مطهر بن یحیی بن مطهر بن قاسم (متوفی ۱۳۲۷/۷۲۸-۱۳۲۸) او مناقب ابن مغازلی را از طریق پدرش که او نیز به نوبه خود کتاب را از المنصور بالله روایت کرده، در روایت خود داشته است. بنگرید به: شهراری، *طبقات الزیدیه الکبری*، ج ۲، ص ۱۰۷۲ به بعد، شرح حال شماره ۶۷۸.

۲. بنگرید به: شهراری، *طبقات الزیدیه الکبری*، ج ۲، ص ۶۹۸-۷۰۳، شرح حال شماره ۴۱۶. هر دو کتاب به صراحت توسط شعله الاکوع در اجازه‌اش به عبدالله بن زید عنسی ذکر شده است. هم چنین بنگرید به مقاله مشترک در دست انتشارمان:

“Transmission of Knowledge in 7th/13th century Yemen: The case of Abd Allāh b. Zayd al- Aīṣ”.

فزون تر آن که امام المهدي لدين الله احمد بن حسين بن قاسم (متوفی ۱۲۵۸/۶۵۶) نیز کتاب عمده ابن بطریق را نزد شعله خوانده است. بنگرید به:

“The literary-religious tradition,” §7 (Arabic text).

۳. عبدالله خود نیز کتاب عمده را برای شاگردش بدرالدین محمد بن سلیمان بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن علی بن حسن معروف به ابن ابی‌رجال (متوفی ۱۳۲۹/۷۳۰-۱۳۳۰) یکی از برجسته‌ترین فقیمان عصرش روایت کرده است. بنگرید به: شهراری، *طبقات الزیدیه الکبری*، ج ۲، ص ۹۷۲ به بعد، شرح حال شماره ۶۱۵. بنگرید به همو، ج ۲، ص ۶۱۸ به بعد، شرح حال شماره ۳۷۳.

۴. او فرزند محیی‌الدین ابن ولید قرشی انف (متوفی ۱۲۲۶/۶۲۳) است (بنگرید به: وجیه، *اعلام المؤلفین*، ص ۶۷۷، شرح حال شماره ۷۱۳) و نویسنده کتاب *شمس الاخبار المنتقى من كلام النبي المختار*، کتابی که وی در آن طریق روایت خود در نقل کتاب عمده را چنین ذکر کرده است (هم چنین بنگرید به تألیف مشترک در دست انتشارمان:

Licence to transmit. The spread of Muṭaʿāzil and Zaydī thought as documented in ijāzas. Volume Two: Yemen up to the Imām Yaḥyā b. Ḥamza (d. 749/1348-1349), Text 4):

«ومن ذلك كتاب العمدة في عيون صحاح الأخبار تصنيف الشيخ الإمام الأجل الأوحى العالم الفاضل الفقيه شمس الدين فخر الإسلام أبي الحسن مجيبى بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمد البطريق الأسدي الحلبي والطريق في ذلك هو ما أخبرني الفقيه الأجل الفاضل بهاء الدين علي بن أحمد بن الحسين المعروف بالأكوع مناوئاً في مدة من سنة تسع وتسعين وخمسمائة بالمدرسة المنصورية بمحوت قال أخبرنا عفيف الدين علي بن محمد بن حامد اليمني الصنعاني مناوئاً في سبع عشر من ذي الحجة من سنة ثمان وتسعين وخمسمائة قال أخبرنا مجيبى بن الحسين المصنف يبلغ به النبي ﷺ».

علی بن ولید قرشی عنف (متوفی ۶۲۳/۱۲۲۶)،^۱ مفضل بن علی بن مظفر علوی عباسی (صفحه ۳۳۰ مناقب ابن مغازلی) وقاضی منصور بن اسماعیل بن قاسم طائی (ص ۳۳۰ مناقب ابن مغازلی) تدریس کرده است.^۲

از میان معاصران و شاگردان بهاء‌الدین، اهمیت ابن بطریق به عنوان راوی احادیث و کتاب‌های حدیثی اهل سنت و خاصه کتاب عمده او تأثیر شگرف و روشنی در کتاب‌های المنصور بالله دارد.

المنصور بالله در کتاب شرح الرسالة النافعة بادلّة الواقعة فی تبیین الزیدیه ومذاهبهم، ۱۸۰ حدیث سنی به نقل از کتاب العمده ابن بطریق نقل کرده و به علت حجم گسترده مطالب نقل شده از کتاب عمده ابن بطریق آن را حتی می‌توان تلخیصی از کتاب عمده در نظر گرفت.^۳ کتاب عمده ابن بطریق اهمیت مشابهی در نگارش کتاب الشافی المنصور بالله داشته است. اهمیت کتاب را از بیان طریق روایت آثار مختلف که المنصور بالله برای روایت از منابع سنی

۱. اسناد روایت کتاب مناقب ابن مغازلی در ابن ولید، جواب الناطق الصادق بحل الشبهه كتاب الفائق فيما خالف فيه ابن ملاحی مذاهب الزیدیه فی الامامة، تحقیق فیصل عون (قاهره: دار الآفاق العربیة، ۲۰۱۰)، ص ۱۲۲ آمده است. از گرگور شوارب (Gregor Schwarb) که متن کتاب را در اختیارمان قرار داد، تشکر می‌کنیم. برای مدرکی از این که ابن ولید خود نسخه‌ای از کتاب مناقب داشته بنگرید به: ابن مغازلی، مناقب، ص ۳۳۰؛ نسخه عکسی مرعشی ۱۸۷، ص ۱۵۷ (تصویر شانزدهم). درباره ابن ولید قرشی بنگرید به مقاله مشترکمان:

“Mu tazilism after Abd-abbār (d. 415/1025): Abū Rashīd al-Nīsābūrī’s *Kiāb Masā il at khilāf fi l-uṣūl*”.

۲. دو اجازه در مناقب، ص ۳۳۰ به بعد نقل شده است. هم چنین بنگرید به نسخه خطی مرعشی، عکسی ۱۸۷، برگ ۱۵۷ (تصویر شانزدهم). متن اجازه بر اساس آن چه که در نسخه آمده چنین است: «اللّه حسبی قد أجزت للأمر الأجل السيد الأمير نظام الدين ولي أمير المؤمنين المفضل بن علي بن مظفر العلوي العباسي كتاب المناقب لابن المغازلي، أن يرويه عتي على الوجه الصحيح بشروط السماع، وناولته ذلك، وكتبه علي بن أحمد بن الحسين الأكوغ في شهر الحجة من شهر سنة أثنى عشر وستمئة وكذلك أجزت ذلك للقاضي الأجل منصور بن اسماعيل بن قاسم الطائي على الوجه الصحيح في الوقت المؤرخ والسلام وصلى الله على محمد وآله».

۳. کتاب الرسالة النافعة بالأدلة الواقعة فی تبیین الزیدیه ومذاهبهم وذكر فضائل أمير المؤمنين عليه السلام وتقرير الأدلة على الإمامية وسنن من خرج عن الشيعة المحققين من الإمامية والباطنية والمطرفية در مجموع رسال الامام المنصور بالله عبدالله بن حمزة، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (صنعاء: مؤسسة الامام زيد بن علي الثقافية، ۲۰۰۲/۱۴۲۲)، ج ۱، ص ۳۸۱-۴۹۱. مصحح درپاورقی تخريج احادیث نقل شده از عمده ابن بطریق را متذکر شده است.

آورده،^۱ می‌توان دریافت که در اکثر موارد به طریق ابن بطریق است؛ بلکه بیان همان طریق اسانیدی است که ابن بطریق در آغاز کتاب عمده خود در بیان طریقتش به روایت آثار سنی آورده است.^۲ ابن بطریق هم چنین به عنوان منبع اصلی کتاب *العقد الثمنین* برای المنصور بالله بوده، کتابی که علیه امامیه نوشته شده است. علی‌رغم ماهیت جدلی آن، المنصور بالله هر جا که قصد روایت از احادیث سنی در باب فضائل را دارد، به ابن بطریق استناد کرده است.^۳ روایت از طریق ابن بطریق اهمیت خاصی در فصل اختصاص یافته به نقل احادیث درباره مهدی (احادیث فی المهدی علیه السلام)^۴ از کتاب *مفقود اوکشف الخفی فی مناقب المهدی*

۱. الشافعی، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۷۹ (به نحو معمول و متداول المنصور بالله از ذکر نام عمده به عنوان منبع خود به پرهیز کرده است)؛ ج ۳، ص ۳۹۲ در این جا المنصور بالله بیان داشته است: «وأخبرني الفقيه بهاء الدين أسعد الله مناوله ثم قراءة قال: أخبرنا علي بن محمد بن حامد مناوله في سابع عشر ذي الحجة سنة ثمان وتسعين وخمسمائة؛ قال: أخبرنا يحيى بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمد البطريق الأسدي بحلب سنة ست وتسعين وخمسمائة قراءة، وهو المصنف للكتاب كله...». المنصور بالله هم چنین برای روایت کتاب *المناقب* ابن مغازلی همان اسناد را به طریق ابن شرفیه (الشافعی، ج ۱، ص ۱۷۲ به بعد) چنین ذکر کرده است: «ومن ذلك إسناد كتاب المناقب لابن المغازلي: أخبرنا الفقيه الأجل الزاهد بهاء الدين علي بن أحمد بن الحسين الأکوع مناوله في شهر جمادي الأولى سنة تسع وتسعين وخمسمائة، قال: أخبرنا علي بن محمد بن حامد الصنعاني اليميني بمكة حرسها الله في العشر الوسطى من شهر ذي الحجة آخر شهر سنة ثمان وتسعين وخمسمائة مناوله، قال: أخبرنا أبو الحسن علي بن أبي الفوارس بن الشرفية، قال: أخبرنا الشيخ المعمر صدر الدين المقرئ صدر الجامع بواسط أبو بكر بن الباقلاني المقرئ، والقاضي جمال الدين نعمته الله بن العطار، والقاضي العدل عزالدين هبة الكرم بن الحسن بن الفرج بن علي بن حبان رحمة الله تعالى رواه في شهر الله الأصعب رجب سنة إحدى وسبعين وخمسمائة، قالوا: أخبرنا القاضي أبو عبد الله محمد بن علي بن محمد بن الطيب الجلابي رحمه الله تعالى قال: أخبرني أبي العدل أبو الحسن علي بن محمد الجلابي الخطيب المصنف رحمه الله تعالى».

۲. ابن بطریق، عمده، چاپ قم ۱۴۰۷، ص ۱۸-۲۴.

۳. به عنوان مثال بن‌گرید به: *العقد الثمنین فی احکام الأئمة الهادیین*، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (مک لین، ویرجینا، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۲۰۰۱/۱۴۲۱)، ص ۷۱ به بعد که وی این سلسله سند را ذکر کرده است:

«أخبرنا الفقيه الأجل الفاضل بهاء الدين علي بن أحمد بن الحسين المعروف بالأکوع في مدة من سنة تسع وتسعين وخمسمائة مناوله قال: أخبرنا عفيف الدين علي بن محمد بن حامد اليميني الصنعاني مناوله في سابع عشر من ذي الحجة من سنة ثمان وتسعين وخمسمائة قال: أخبرنا يحيى بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمد البطريق الأسدي الحلبي بحمروسة حلب في غرة جمادى الأولى من سنة ست وتسعين وخمسمائة قراءة قال...».

۴. *العقد الثمنین*، ص ۲۰۴-۲۱۷.

ابن بطریق، برای المنصور بالله داشته است.^۱ دیگر فقیه یمنی که از ابن بطریق فراوان بهره برده، حمید بن احمد محلی در کتاب محاسن الازهار فی مناقب امام الابرار ووالد الائمة الأطهار الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۲ وی طرق خود در روایت از احادیث سنی را به شکل حمید محلی از بهاء الدین ابوالحسن علی بن احمد بن حسین از عقیف الدین علی بن محمد بن حامد یمنی صنعانی از یحیی بن حسن بن حسین بن علی بن محمد بطریق اسدی حلی ارایه کرده است...^۳ محلی هم چنین از مناقب ابن مغزلی به طریق ابن شرفیه مطالبی نقل کرده است: حمید محلی از بهاء الدین ابوالحسن علی بن احمد بن حسین اکوع از عقیف الدین علی بن محمد بن حامد یمنی صنعانی از علی بن ابی الفوارس ابن شرفیه...^۴

۱. بنگرید به: انصاری، «زیدیة و منابع مکتوب امامیه»، ص ۱۵۶ به بعد. درباره کتاب کشف الخفی ابن بطریق هم چنین بنگرید به:

Kohlberg, *A Medieval Scholar*, 213f. no. 258.

بر اساس نقل قولها از کتاب کشف الخفی که در کتاب العقد الثمین المنصور بالله آمده، سید محمد رضا حسینی جلالی کتاب را بازسازی کرده است. بنگرید به: «الطریق الی استخراج کتاب المفقود لابن بطریق»، علوم الحدیث، شماره ۱۳ (۲۰۰۴-۲۰۰۵)، ص ۱۷۷-۲۲۸، [ص ۲۲۹-۳۰۰ (که متن بازسازی شده کتاب آمده است)]. [مترجم]

۲. تصحیح محمد باقر محمودی (قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۲۲/۲۰۰۱-۲۰۰۲).

۳. محاسن، ص ۹۶ به بعد (هم چنین بنگرید به ص ۳۰۵): «وأخبرنا الفقیه الفاضل بهاء الدین أبوالحسن علی بن احمد بن الحسن علیه السلام وإجازةً ومناولةً، قال: أخبرنا عقیف الدین علی بن محمد بن حامد الیمینی صنعانی مناولةً فی سابع عشر من ذی الحجة من سنة ثمان وتسعين وخمسائة، قال: أخبرنا یحیی بن الحسن بن الحسن بن علی بن محمد البطریق الأسدی الحلبي بحروسة حلب فی غرة جمادى الأولى من سنة ست وتسعين وخمسائة قراءةً علیه، قال: أخبرنا الشیخ السید الأجل محمد بن یحیی بن محمد بن أبی السبط ابوالواعظ البغدادی فی صفر سنة خمس وثمانین وخمسائة عن الفقیه أبی الخیر أحمد بن اسماعیل بن یوسف القزوینی الشافعی المدرس بمدينة النظامیة ببغداد فی شعبان من سنة سبعین وخمسائة...».

۴. محاسن الازهار، ص ۴۴ به بعد (هم چنین بنگرید به صفحه ۷۵ به بعد): «أخبرنا به الفقیه الأجل الزاهد العالم المجاهد بهاء الدین أبوالحسن علی بن أحمد بن الحسن الأکوع علیه السلام مناولةً وإجازةً قال: حدثنا عقیف الدین علی بن محمد بن حامد الیمینی صنعانی قال حدثنا ابوالحسن علی بن أبی الفوارس بن أبی نزار بن الشرفیة قال: حدثنا القاضی الأجل العدل عزالدین هبة الکریم بن الحسن بن الفرج بن حبان علیه السلام فی شهر الله الأصم رجب فی سنة إحدى وسبعین وخمسائة، قال: أنبأني جدي القاضي أبو عبد الله محمد بن علي بن محمد بن الطيب الجلابي علیه السلام قال: أخبرني أبی العدل أبوالحسن علی بن محمد الجلابي الخطیب...». هم چنین بنگرید به: حمید محلی، الحدائق الوردیة فی مناقب الائمة الزیدیة، تحقیق المرتضی بن زید المخطوری (صنعاء: مکتبه مرکز بدر العلمی والثقافی، ۲۰۰۲)، ج ۱، ص ۸ و ۲۰ به بعد.



المنصور بالله حسن بن بدرالدین محمد بن احمد^۱ نیز از کتاب عمده ابن بطریق و مناقب ابن مغزالی به نحو گسترده‌ای در کتاب *انوار الیقین فی امامة امیر المؤمنین* که در ۱۲۴۰/۶۳۸-۱۲۴۱ از تألیف آن فراغت حاصل کرده، نقل قول کرده است. تأثیر و اهمیت ابن بطریق در قرون بعدی نیز تداوم داشته که به صورت ملموس و بارزی می‌توان آن را در کتاب *الإعتصام بحبل الله المتین و حرمة التفرق فی الدین* تألیف المنصور بالله قاسم بن محمد بن علی حسنی صنعانی (متوفی ۱۰۲۹/۱۶۲۰) دید که به کرات از کتاب *العمده* نقل قول کرده است.^۲ فزون تر آن که حسن بن قاسم بن المؤید بالله (متوفی ۱۱۵۶/۱۷۴۳) نیز دانسته است که کتاب را قرائت کرده است.^۳



۱. او برادر شرف‌الدین حسین بن بدرالدین (متوفی ۱۲۶۴/۶۶۳-۱۲۶۵) و مؤلف کتاب *ینایع النصیحة فی عقائد الصحیحة* (صنعاء: دار الحکم الیمنیة، ۱۴۱۸/۱۹۹۸) است. برای کتاب *انوار الیقین* که به صورت نسخه‌های خطی موجود است، بنگرید به: سید احمد حسینی، *مؤلفات الزیدیه*، ج ۱، ص ۱۷۶، شماره ۴۷۴.
۲. قاسم بن محمد بن علی، *الإعتصام بحبل الله المتین و حرمة التفرق فی الدین*، بما شرعه سبحانه و تعالی فی کتابه الذکر المبین و علی لسان رسوله محمد خاتم النبیین و یلیه کتاب *أنوار التمام فی تامة الإعتصام* للسید العلامة احمد بن یوسف زیارة (صعدة: مکتبة الیمن الکبری، ۱۹۸۷)، ج ۱، ص ۴۵ و ۱۴۴. درباره نویسنده که امام زیدی و بنیان‌گذار سلسله قاسمی است بنگرید به: وجیه، *اعلام المؤلفین الزیدیه*، ص ۷۷۷-۷۸۲، شرح حال شماره ۸۳۹.
۳. بنگرید به: شهراری، *طبقات الزیدیه الکبری*، ج ۱، ص ۳۲۵ به بعد، شرح حال شماره ۱۸۴.

سهر الله الرحمن الرحيم رَبِّ دَعْنِي عَمَّا وَهَجًا وَدَعْنِي عَمَّا لَا يَنْجِيهِ
 احمر السبح بصل اعاطل اعلم اعلم اجعل من محرابي نور وبقدرتك يا ارحم
 والرحيم الغني العاطل بها اذن على من اجبر من الحسن الحسن وان كان كرايم حاطه
 فالجبر اعطاه الذين على من اجبر من جابر الصعاب انما ولا وسامع
 عمن من دك الخرم من سده بان وسع من جبره ان فالصعاب من جبره
 بن الحسين بن علي بن محمد الطيريق الا سويك الجلي ونوه جبره في يوم
 جهادي الاولي من سده سبت وسعني وجسنا به فراه وهو الغني له ما
 الكاب م قال ليدركه سن الجبل الاويه واسمها ابريغابيه وتعالى
 حش الآويه ودفعه الى الواجب من كراهه وخصه بوعده يوم القايه وتعالى
 لانه غير ما عن اناك القره اعلم لغتبه بنه من كراهه من جبره
 الزكوا بان انما عن سوا العوه وخط الله على سراسر اجبره في اليوم وسعني
 الحسن وعلى له من العلامه في العلامه في العلامه في العلامه في العلامه
 لما انما خلاف الناس في العلامه في العلامه في العلامه في العلامه
 عليه وتلاه به وذهب الناس في العلامه في العلامه في العلامه في العلامه
 على قد ترؤسعه وخط فني وصال الممنوعه وند انتهه وان احلفه في
 في الاعمال الامانه من عدم والخير من ان سارا اهل بالسلم محمد في
 العول يا ماسه انا عالا بدله شوق غرام ولا صغر من جبر انما بل غايه
 المؤخره التي في طابها الجفت في الروى اذ هو في ناس في جبر هو في
 ومن جنى واجاع من عدو ويلي ورايتنا اظلمه العلم الا نعم الله
 كسب من علمه سعال على ما وضع لهم من طهر من الحسين والاصول
 والفرع اجلا منهم الى اجه العليله واظروا حاطه طهره النظر في جبر
 الربل من الوصل الذين هانتهم اصل الله اوال اسيد بن اجبره
 لسن محمد فاس ولا جبر بل هو موست عاب كاب اساع وادع من
 الرسول الحسن ابن بن ابراهيم نائب العلم من عيسى سبه وفتح واؤه
 من جبره به ولبله انما في كبره ما مع ما كان من بين من العليله السامه

(تصوير بياض)

والمعروف بالله عند استواء القطر فإذا زاد الجاه عن اجزائه اليك
 وهو اسحقان لكاه به حاله حوا اعظمه بسط على وقد صفاها في هذا
 على الوجه الثالث والاذان المبرين هو الارام الصبر في الزمطه وصوره
 عليه ولا يصير انخص هذه القوه بالمولود من على ان يطاب عليه السامه
 لم يمن السها من حيا فابشركنا انه قلا صلاله العرفق ورايه عليه ودين
 عليه ورايه احصاه فمدا السطه به دون غيره
 في جبره وحين اجترق نقول انما نوحان ما ننتزله
 واسوه المشتمل انما انما ادب من قاله الا القليله
 نحو القول الاول من صوم صحاح ارحا ترصا صا امام الولا زعاس
 اطال صلوات الله عليه وسلامه والجره وحى وصوله
 عيسى سيدا يحيى اليه وانا وسلامه وانما في الفروع من وجهه
 والجميع شهن جاني لا اله الا في حقه من اذيعه في جبره في حقه
 ولسه الوراثة في اماره فاصلحه عند الله وسلامه في السلم خالصه
الحذر من الشك من العمد في غمور صحاح الاخبار
في مناقب ائمه الاخوان اذنا التوضيح على في حقه
الله عليه وعلى ذريته الطهاره وسلم
 تصريف الفروع في حقه الاوصيا العالي انما السامه
منعش الدين حقه الاستلام باج العاصم
 النطق في حقه التوضيح على في حقه
بن الحسن بن الحسين بن علي بن محمد الطيريق
 والحمد لله وفضلونه على منتدنا محمد والدمتوا

(تصوير ششم)



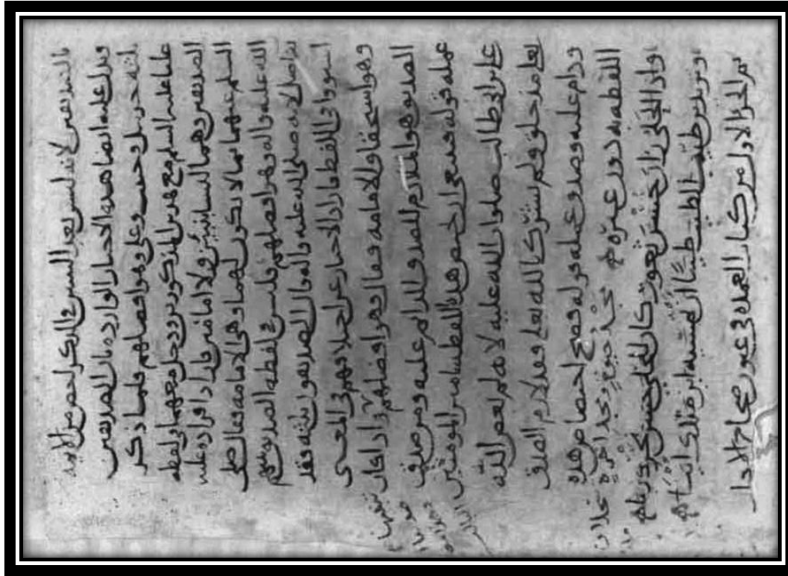
كتاب الصدق في عمود صحاح كتاب
 في كتاب امام الاثر: في عمود
 في كتاب طباطب وصف الطهارات
 في كتابه عليه وعلى آله وصحبه
 في كتابه الشريف الامام الاجل الصالح العالم
 الفاضل الفقيه شمس الدين نجم الاشراق
 اعلمنا بحمد الله تعالى
 في كتابه الشريف الامام الاجل الصالح العالم
 الفاضل الفقيه شمس الدين نجم الاشراق
 اعلمنا بحمد الله تعالى
 في كتابه الشريف الامام الاجل الصالح العالم
 الفاضل الفقيه شمس الدين نجم الاشراق
 اعلمنا بحمد الله تعالى

(تصوير ٦٦)

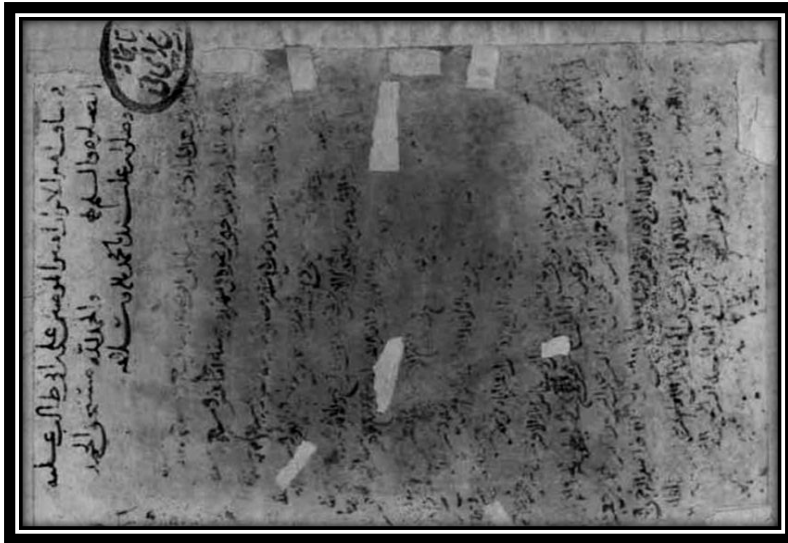
من الله الرحمن الرحيم
 في كتابه الشريف الامام الاجل الصالح العالم
 الفاضل الفقيه شمس الدين نجم الاشراق
 اعلمنا بحمد الله تعالى
 في كتابه الشريف الامام الاجل الصالح العالم
 الفاضل الفقيه شمس الدين نجم الاشراق
 اعلمنا بحمد الله تعالى
 في كتابه الشريف الامام الاجل الصالح العالم
 الفاضل الفقيه شمس الدين نجم الاشراق
 اعلمنا بحمد الله تعالى
 في كتابه الشريف الامام الاجل الصالح العالم
 الفاضل الفقيه شمس الدين نجم الاشراق
 اعلمنا بحمد الله تعالى

(تصوير ٦٧)





(تصویر سیزدهم)



(تصویر چهاردهم)



توضیحات تصاویر

تصویر اول: مجموعه عنسی، برگ ۴۲ الف (آغاز کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البیت که عبدالله بن زید عنسی کتابت کرده است).

تصویر دوم: مجموعه عنسی، برگ ۴۱ ب (آخرین برگ تنسیه الغافلین حاکم جشمی که عبدالله بن زید عنسی کتابت کرده است و با ذکر انجامه (سطور ۲۸-۲۹) با تاریخ ۱۳ ربیع الثانی ۶۴۴ / ۲۸ آگوست ۱۲۴۶ است.

تصویر سوم: از مجموعه عنسی، برگ ۱۷۴ الف (انتهای کتاب شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازلة فی اهل البیت با انجامه کتابت شده توسط محمد بن اسعد مرادی به تاریخ ۲ شوال ۶۴۴ / ۱۰ فوریه ۱۲۴۷.

تصویر چهارم: از مجموعه عنسی برگ ۱۷۵ الف (صفحه عنوان کتاب العمدة فی عیون صحاح الاخبار فی مناقب الامام الابرار از مجموعه عبدالله بن زید عنسی است). در این جا عنسی خود را مالک نسخه کتابت شده معرفی کرده است.

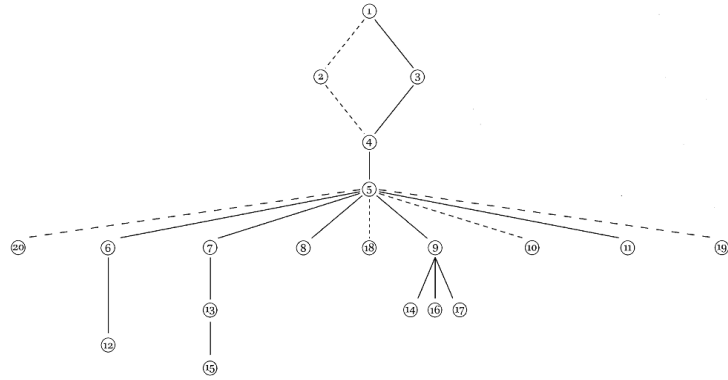
تصویر پنجم: مجموعه عنسی برگ ۱۷۵ ب (آغاز کتاب العمدة ابن بطریق در مجموعه عبدالله بن زید عنسی که در آن عبدالله بن زید عنسی طریق خود به مؤلف کتاب را ذکر کرده است).

تصویر ششم: مجموعه عنسی برگ ۲۴۳ ب (انجامه بخش اول از نسخه العمدة ابن بطریق متعلق به عبدالله بن زید عنسی که آغاز نگارش مجلد دوم را با جوهر سیاه و قرمز که یک در میان نوشته شده، ذکر شده است).

تصویر هفتم: نسخه خطی کتابخانه بایریش مونیخ، نسخه های عربی، شماره ۱۲۷۳، برگ ۱۵۲ ب (پایان نسخه کتاب المهجة البيضاء فی اصول الدین که محمد بن اسعد مرادی شاهکار دایی اش عبدالله بن زید عنسی را کتابت کرده و در انجام تاریخ ۲۰ ربیع الثانی ۶۴۰ / ۱۷ اکتبر ۱۲۴۲ ذکر شده است).

تصویر هشتم: نسخه خطی کتابخانه بایریش مونیخ، نسخه های خطی عربی، شماره ۱۲۸۶، برگ ۲۲۴ ب (پایان نسخه کتاب المهجة البيضاء فی اصول الدین شاهکار عبدالله بن زید عنسی، دایی محمد بن اسعد مرادی با تاریخ ۱۴ ربیع الثانی ۶۴۱ / ۱ اکتبر ۱۲۴۳).

تصویر نهم: نسخه خطی کتابخانه آمبروزیانا، میلان، نسخه شماره ۹۶، برگ ۲ الف (صفحه عنوان نسخه ینی العمدة ابن بطریق).



- ① = Ibn al-Maghāzilī (d. 483/1090)
(author of *Manāqib ‘Alī b. Abī Ṭālib*)
- ② = Abu l-Ḥasan ‘Alī b. Muḥammad
b. al-Ḥasan b. Abī Nizār Ibn al-
Sharafīyya al-Wāsiṭī
- ③ = Abu l-Ḥusayn Shams al-Dīn
Yahyā b. al-Ḥasan b. al-Ḥusayn
al-Asadī al-Ḥillī (“Ibn al-Bitrīq”)
(d. 600/1203–1204 or 601/1204–1205)
(author of *‘Umdat ‘uyūn shihāh
al-akhbār*)
- ④ = ‘Afif al-Dīn ‘Alī b. Muḥammad b.
Ḥāmid al-Yamanī al-Ṣan‘ānī
- ⑤ = Bahā’ al-Dīn ‘Alī b. Aḥmad b.
al-Ḥusayn b. al-Mubārak b. Ibrāhīm
b. Muḥammad b. Ibrāhīm al-Akwa’
(alive in 627/1229–1230)
- ⑥ = ‘Abd Allāh b. ‘Alī b. Aḥmad b.
al-Ḥasan al-Akwa’ (son of Bahā’
al-Dīn al-Akwa’)
- ⑦ = al-Manṣūr bi-llāh ‘Abd Allāh b.
Ḥamza (d. 614/1217)
- ⑧ = Ḥumayd b. Aḥmad b. Muḥammad
b. Aḥmad al-Muḥallī al-Ṣan‘ānī (b.
582/1186, d. 652/1254)
- ⑨ = Aḥmad b. Muḥammad Shu‘la
(Shu‘la al-Akwa’)
- ⑩ = ‘Imrān b. al-Ḥasan b. Nāṣir al-
Shatawī al-‘Udhri (d. after 630/1232–
1233)
- ⑪ = ‘Alī b. Ḥumayd b. Aḥmad b. al-
Walīd al-Qurashī (d. 635/1237–1238)
- ⑫ = Badr al-Dīn Muḥammad b.
Sulaymān b. Aḥmad b. Muḥammad
b. Aḥmad b. Muḥammad b. Aḥmad
b. ‘Alī b. al-Ḥasan *al-ma‘rūf* bi-bn Abi
l-Rijāl (d. 730/1329–1330)
- ⑬ = al-Mutawakkil ‘alā llāh al-Muṭah-
har b. Yahyā b. al-Muṭahhar b. al-
Qāsim
- ⑭ = ‘Abd Allāh b. Zayd al-‘Ansī (b.
593/1196–1197, d. Sha‘bān 667/April
1268)
- ⑮ = Muḥammad b. al-Mutawakkil
‘alā llāh al-Muṭahhar b. Yahyā b. al-
Muṭahhar b. al-Qāsim (d. 728/1327–
1328)
- ⑯ = Imām al-Mahdī li-Dīn Allāh
Aḥmad b. al-Ḥusayn b. al-Qāsim
(d. 656/1258)
- ⑰ = the unknown scribe of MS Ambro-
siana C 96.
- ⑱ = Muḥyī al-Dīn Muḥammad (or:
Ḥumayd) b. Aḥmad b. ‘Alī b. al-Walīd
al-Qurashī al-Anf (d. 623/1226)
- ⑲ = al-Mufaḍḍal b. ‘Alī b. al-Muzaffar
al-‘Alawī al-‘Abbāsī (p. 330 f.)
- ⑳ = *al-qāḍī* Manṣūr b. Ismā‘īl b. Qāsim
al-Ṭā‘ī (p. 330 f.)



شرح حال و فهرست آثار آیت الله سید راحت حسین گوپال پوری

* ترجمه سید تنویر حیدر رضوی

حجت الاسلام سید رسول احمد گوپال پوری * ترجمه: سید تنویر حیدر رضوی

جایگاه ولادت در یکی از روستاهای عالم پرور هند، نزدیک شهر سیوان، واقع در ایالت بهار، به نام گوپال پور سادات می باشد. او پنجم ماه رجب المرجب، روز ولادت امام علی نقی علیه السلام

* مرحوم آیت الله سید راحت حسین بن سید ظاهر حسین مرقعی رضوی گوپال پوری هندی (۱۲۹۷-۱۳۷۶) شیخ اجازه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام بوده که متن اجازه وی در *المسلسلات فی الاجازات* ج ۱ ص ۹۴-۹۹ درج شده و شرح حال خودنوشت وی نیز در همان جا ج ۲ ص ۵۹-۶۶ آمده است. شرح حال حاضر که به قلم شاگردش حجت الاسلام والمسلمین سید رسول احمد گوپال پوری نگارش یافته و در کتاب *توشه آخرت* چاپ شده بود، از آن جا انتخاب و به زبان فارسی ترجمه شده است.

** سید سعید اختر رضوی در *مستدرک مطلع انوار* ص ۷۳۹ چاپ آستان قدس رضوی درباره ایشان می نویسد:

رسول احمد فرزند سید حسین احمد طبق تاریخ های اعلامیه مجلس چهلم (اربعین) وی در سال ۱۹۰۳ م به دنیا آمد. وطنش گوپال پور بود. پس از تحصیل ابتدایی به مدرسه سلیمانیه پتته وارد شد و از همان جا مدرک «فاضل» گرفت. سپس تا سال ۱۹۴۵ م به تدریس در همان مدرسه مشغول شد. بعداً در مدرسه ناظمیه لکهنوء، مدرس شد و تا سال ۱۹۶۰ م در آن جا سکونت داشت. پس از آن در گجرات، مهوا و مهاونگر وظیفه امامت جمعه و جماعت را به عهده داشت. در سال ۱۹۷۰ م پس از بازگشت از سفر حج و زیارت دوباره به مدرسه ناظمیه آمد و تا آخر عمر، همان جا مدرس بود. وی در پی بیماری شدید به وطن بازگشت و در ۱۴ محرم ۱۳۹۹ ق مطابق ۱۵ نومبر ۱۹۷۸ م درگذشت. من [سید سعید اختر رضوی] بر جنازه اش نماز گزاردم و مجلس اربعین را هم خطاب کردم. او شاگردهای بی شمار داشت. من هم در تعطیلات تابستانی نزد وی *انهار العرب* را خوانده بودم. هم چنین تحت سرپرستی او در حالی که هم اتاق بودیم، در مدرسه سلیمانیه امتحان فوقانیه دادم. کتابی درباره فقه از وی به یادگار مانده است. فرزند بزرگش مولانا سید لیاقت حسین که واعظ مدرسه الواعظین بود، در حال حاضر در گجرات سکونت دارد. دومین فرزند وی مولانا سید لطافت حسین صدر الافاضل مدرس مدرسه سلیمانیه در پتته است.

سال ۱۲۹۷ ق دیده به جهان گشود. از سن پنج سالگی، شروع به مکتب رفتن نمود. کتاب اردو را نزد پسردایی خود آقای سید سخاوت و کتاب فارسی را پیش پسرعمویش آقای سید امیرحسن فراگرفت. سپس به کهجوارفت و کتاب‌های ابتدایی عربی یعنی *میزان الصرف* و *صرف میرانزد حجت الاسلام والمسلمین سید باخدا سید حسن* که شخصی باتقوا، عالم باعمل و پدر عالم جلیل القدر، *حجت الاسلام والمسلمین آقای سید علی اظهر* بود، در پنجم رجب ۱۳۱۱ آغاز کرد.

یازدهم ماه رجب سال ۱۳۱۲ به غرض تحصیل علم، با *حجت الاسلام آقای محمد ضامن* به حسین آباد رفت که در شهرستان مونگیر واقع است، نحو میر و شرح *مأه عامل* را تا حرف جر خواند. و پس از آن به شهر مظفرپور رهسپار شد و در مسجد کمره محله اقامت گزید و شروع به تحصیل نمود. از شرح *مأه عامل* روزی دو درس می‌گرفت، یکی از *حجت الاسلام والمسلمین آقای سید عابد حسین* که استادی بی نظیر در آن منطقه بود. و دیگری را از استاد سید خالق بخش، در طول دو ماه شرح *مأه عامل* را به اتمام رساند و به همین منوال *هدایه النحور* را شروع کرد. یک درس را نزد *حجت الاسلام والمسلمین آقای سید عابد حسین* می‌خواند و درس دیگر را از صاحب *لواعج الاحزان*، *حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمد مهدی علیه الرحمه* فرا می‌گرفت. کتاب *شرح جامی و تهذیب* را نیز نزد استاد عابد حسین فراگرفت. و درس ریاضی را از نواب عمدوجان، و درس قرائت و تجوید را از قاری گران قدر آقای میرزا محمد آموخت. خلاصه او تا سال ۱۳۱۵ ق مشغول خواندن این کتاب‌ها بود.

سپس در مدرسه ایمانیه بدهن پوره که در شهر مظفرپور واقع است و مؤسس آن آقای نواب امیرحسن بوده است، به عنوان مدرس اعلی (مدیر) استخدام گردید. او در کنار تدریس در مدرسه مذکور، از *حجت الاسلام والمسلمین آقای سید نظیر حسن* خواندن کتاب‌های *ملاحسن* و *مختصر المعانی* را آغاز نمود. او تا سال ۱۲۱۹ ق در آن جا قیام کرد. و درس خود را تا کتاب *الحج شرح لمعه* پیش برد. در ضمن، کتاب‌های تفسیر و احادیث را نیز خودش مطالعه می‌کرد. او کتاب *حق‌الیقین* علامه مجلسی علیه الرحمه را چندین بار با دقت خواند. کتاب *طب* را که به زبان فارسی نوشته شده بود به گونه‌ای مطالعه کرد که مسائل کلیات طب در حافظه‌اش جای گرفت و او به نوشتن نسخه بیماری‌های عمومی قادر گردید.

او در ابتدای ماه ذی قعدة سال ۱۳۱۹ق برای ادامه تحصیل به سوی شهر لکهنؤ کوچ کرد و آن جا در مدرسه حسین آباد که الآن به نام سلطان المدرس معروف است، پذیرفته شد. اتفاقاً ایام امتحانات نزدیک بود و مواد امتحانی او کتاب الطهارة شرح لمعه بود. او در طول دو ماه خود را برای امتحان آماده ساخت و نفر دوم هم دوره خویش گردید. از این به بعد در تمام امتحانات که در آن جا می داد نفر اول می شد. او پس از فارغ شدن از امتحانات، در درس شرح لمعه حجت الاسلام والمسلمین [آیت الله العظمی] آقای سید محمد باقر شرکت می کرد و از حجت الاسلام والمسلمین [آیت الله] آقای ظهور الحسن، درس حماسه، متنبی، مطول و حمد الله را می خواند. وقتی استاد دلسوز حجت الاسلام والمسلمین آقای سید عابد حسین به سمت مدرس دوم آن مدرسه مقرر گردید دیگر نیازی ندید که به جای دیگر برود. همان جا پیش استاد بزرگوارش حمد الله، تصریح شرح تصریح الافلاک، قاضی مبارک، صدرا، نجات العباد و شرح تجرید علامه را خواند و نزد حجت الاسلام والمسلمین [آیت الله العظمی] آقای سید محمد باقر، شرح لمعه تا کتاب المیراث، قوانین تا اواخر بحث اوامر و نهج البلاغه را فرا گرفت.

از آن جا که او از حافظه قوی و فهم و شعور بالایی برخوردار بود، هر چه را که استاد درس می داد، حفظ می شد. همواره در گروه خود ممتاز می شد. او در دوران قیام خود در لکهنؤ، هر هفته بعد از ظهر روز جمعه ها با دوستان مباحثه علم کلام راه انداخته بود که تا سال های متمادی ادامه داشت. و هم چنین از سال ۱۳۲۳ق برای یادگیری علم طب زحمات زیادی کشید. و علاوه بر دروسی که در مدرسه می گرفت، کتاب های متعددی امثال مختصر المعانی، شرائع الاسلام، حمد الله و... را به طلاب دارالعلم تدریس می کرد. هم چنین کتاب های طبی امثال اقصرائی، سدیدی و مفردات نفیسی را نیز تدریس می کرد و خود نیز در درس طب حکیم آقای سید امیر حسن شرکت می کرد. او در علم منطق، فلسفه و ادبیات عرب تبحر و تسلط پیدا کرده بود و در مسائل طبی هم با مطالعه کردن کتب فارسی، مهارتی به دست آورده بود که هر روز قبل از رفتن به مدرسه در کنار اسطوی زمان، حکیم شیخ عابد علی، نسخه می نوشت تا ماه رجب ۱۳۲۳ق کتاب قانون شیخ الرئیس را به اتمام رساند و از دو حکیم بزرگوار آقای سید امیر حسین و آقای شیخ عابد علی، اجازه طب دریافت نمود و سپس به معالجه مریض پرداخت و از دست ایشان مریض هایی شفا یافتند که دکترها جوابشان کرده بودند و آن ها از زندگی خودشان مأیوس گشته بودند.

او در ماه ذیقعد سال ۱۳۲۴ق برای ارتقای علم خود و تفقه در دین به نجف اشرف، بازگاه ملکوتی مولای متقیان، عزیمت نمود. با این که قوانین، شرح لمعه و بعضی دیگر کتب رادر هندوستان خوانده بود ولی تصمیم گرفت از ابتدا بالخصوص این دو کتاب را دوباره بخواند. بخشی از این دو کتاب را نزد آیت الله میرزا محمد علی رشتی و قسمتی از آن را نزد آقای سید محمد آقازاده آیت الله طباطبائی خواند و باقی مانده آن را نزد آیت الله سید حسن به اتمام رساند. هم چنین بخشی از تهذیب الاحکام شیخ طوسی و کتاب الطهاره و کتاب الصلاة شرح کبیر را نزد آیت الله آقای سید حسین بروجردی فراگرفت. و میراث شرح کبیر را فقط با دوستان مباحثه کرد و پس از آن بحث اصل اشتغال از کتاب رسائل و بحث بیع تا آخر بیع فضولی از کتاب بیع شیخ انصاری را نزد آیت الله شیخ محمد ابراهیم اردبیلی خواند.

سال ۱۳۲۹ق خبر وفات پدرش را شنید و به وطن خود بازگشت و وقتی بعد از یک سال به نجف اشرف برگشت استاد بزرگوارش نیز از دنیا رفته بود؛ لذا باقی مانده اصل اشتغال را نزد آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی تکمیل نمود و از بحث استصحاب تا آخر کتاب را نزد نوه شیخ انصاری فراگرفت.

بعد از آن مدام در درس خارج اصول و فقه آیت الله آقای سید ابوالحسن اصفهانی شرکت می کرد. وقتی با آیت الله شیخ علی گونابادی آشنا گردید، اخلاق و همدردی او نسبت به شاگردان را وسیع یافت و درس خارج فقه او را مفید ارزیابی کرد، رفتن به درس ایشان را برگزید. علاوه بر این جلد اول کفایة الاصول را کامل و از جلد دوم آن بحث حجیة قطع و ظن و بحث استصحاب را پیش ایشان خواند و هم چنین در علم درایه، کتاب رجال بافروشی، توضیح المقال و در علم رجال، کتاب رجال مستدرک الوسائل تا آخر کتاب، شاگرد ایشان بود. او در کنار درس خارج، رجال میرزا محمد علیه الرحمه را نیز نزد ایشان شروع کرد. ولی هنوز قسمتی از آن را خوانده بود که ناگهان استاد بزرگوارش به رحمت الهی پیوست.

بعد از فوت استاد بزرگوارش، چون دروس سطح پایان یافته بود و درس خارج دیگر که برقرار بود، به نظرش چندان مفید نبود، لذا روزها فقط به درس خارج فقه آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و شبها به درس خارج اصول آیت الله شیخ محمد کاظم خراسانی معروف به آخوند خراسانی اکتفا کرد. شرکت در این دروس از ماه شعبان ۱۳۲۷ق تا ماه صفر ۱۳۳۴ق ادامه یافت و در کنارش کتاب شفای شیخ رئیس، شرح تجرید قوشجی و شرح تجرید ملا عبدالرزاق را با مطالعه به اتمام رساند. علمای نجف خصوصاً آیات عظام آقای محمد علی رشتی،



شیخ علی گونابادی، سید کاظم طباطبایی و شیخ الشریعت اصفهانی اعلی الله مقامهم به خاطر فهم و شعور و عقل و درایت بالای او، علاقه شدید نسبت به او داشتند و اظهار محبت می کردند. آیت الله طباطبایی، تمام امور طلاب هند را به او واگذار کرده بود. آقای شریعت اصفهانی در مقدمه کتاب *تفسیر جن و جان علی ما علمه الرحمن* [که آن را آیت الله راحت حسین بر رد کتاب سرسید مؤسس دانشگاه مسلم علی گرنوشته بود] از او بسیار تعریف و تمجید نموده است. و نه نفر از آیات عظام نجف به او اجازه اجتهاد داده اند. ماه صفر سال ۱۳۳۴ ق به خاطر جنگی که رخ داد [جنگ جهانی اول]، او به وطن خویش بازگشت و نتوانست از آقایان دیگر اجازه اجتهاد دریافت نماید. وقتی دوباره به غرض زیارت به نجف رفت، برخی از علما از دنیا رفته بودند و بعضی از عراق هجرت کرده و به کشورهای دیگر رهسپار شده بودند.

او هم چنان که بر تفسیر، حدیث، درایه، رجال، فقه و اصول تسلط کافی داشت، در منطق، فلسفه، کلام، هیئت و طب نیزید طولانی داشت و به همین خاطر در میان تمام طلاب همدوره خویش محبوب بوده و مورد احترام قرار می گرفت. من در قرن چهاردهم از علمای هند جز چهار نفر را نمی شناسم که بعد از اتمام دروس حوزه هند و با کسب فضل و کمال راهی نجف اشرف شده باشند و در طول نه یا ده سال به درجه اجتهاد رسیده و به هند بازگشته باشند. آن چهار نفر از بزرگان عبارت اند از آیت الله سید امجد حسین اله آبادی، آیت الله باقر العلوم، آیت الله سید سبط حسین و آیت الله سید راحت حسین گوپال پوری اعلی الله مقامهم.

او در نجف اشرف کرسی تدریس نیز داشت. برخی بزرگان حوزه امثال آقا سید محمدرضا شاه عبدالعظیمی، آقای سید جواد عرب نجفی، آقای شیخ عبدالعلی آملی ذوالنورین، آقای شیخ محمد آملی در درس تصریح، شرح تصریح الافلاک ایشان شرکت می کردند. چون آن ها از این فن بی بهره بودند. و بعضی از طلاب هندی و کشمیری در دروس *معالم الاصول*، شرح *لمعه*، *قوانین*، *رسائل* و *مکاسب* شرکت می کردند و کسب فیض می نمودند.

آیت الله سید امجد، چون از خطابت و بیان عاجز بود، فضل و کمال او آن چنان که باید شکوفا می شد، نشد. آیت الله سید راحت حسین نیز چون در یک روستا گوشه نشین گردید و هم چنین بسیاری از تصنیفات او به خاطر کمی بودجه به چاپ نرسید، با آن که نوشتار او خصوصاً در زبان اردو بسیار سلیس و شیرین و در عین حال دقیق و عمیق بوده است، لذا مردم از فضل و کمال و استعداد های او بی بهره ماندند.^۱

۱. ایشان تا ۱۹۴۰م در حسین آباد ساکن و مشغول فعالیت علمی و مذهبی بود ولی در سال ۱۹۴۰م از حسین آباد به وطن برگشت و مشغول تصنیف و تألیف شد. ۶۵

او تألیف و تصنیف را از همان زمانی که در شهر مظفرپور اقامت داشت، شروع کرد. و آثار او نزدیک چهل کتاب است که برخی از آن‌ها به عنوان رساله و بعضی دیگر به صورت کتاب می‌باشد. البته چند تا از آن‌ها ناتمام مانده است ولی بیشتر آن‌ها کامل است که تفصیلاً بدین قرار است:

۱. رساله سبیل الهدی به زبان اردو، این رساله راجع به فضائل علم و علما می‌باشد که در دوران اقامت بدین پوره واقع در مظفرپور، در سال ۱۳۱۸ ق به چاپ رسید.
۲. رساله مختصر القواعد العربی، این رساله جامع جمیع مسائل علم نحو است که در دوران اقامت او در شهر لکهنؤ در سال ۱۳۲۲ ق چاپ گردید.
۳. تفسیر جن و جان علی ما علمه الرحمن، این کتاب در رد کتاب آقای سرسید احمد خان دهلوی به نام تفسیر جن و جان علی ما فی القرآن است و به زبان فارسی می‌باشد. این تفسیر را در سال ۱۳۲۴ ق نگاشت که در آن زمان در شهر لکهنؤ اقامت داشت و شرح لمعه می‌خواند.
۴. رساله در تحقیق صحیح صادق به زبان عربی و به نام البراح می‌باشد، و در سال ۱۳۲۵ ق در نجف اشرف به رشته تحریر درآورد.
۵. شرح میراث تبصره علامه حلی، این نیز به زبان عربی و در سال ۱۳۲۵ ق در نجف اشرف نگاشت، ولی متأسفانه ناتمام ماند.
۶. حواشی رسائل اربعه در اصول، این هم به زبان عربی و در سال ۲۷-۱۳۲۸ ق در نجف اشرف نوشت ولی متأسفانه ناتمام ماند.
۷. رساله تحقیقی در نجاست عرق جنب به حرام به زبان عربی و در سال ۱۳۲۶ ق در نجف اشرف نگاشته.
۸. رساله اجتهاد و تقلید، به زبان عربی در سال ۱۳۳۰ ق در نجف اشرف تصنیف کرده.

لله در حدود ۱۹۵۰م وقتی به قصد زیارت به قم آمد و با مرحوم آیه الله العظمی سید حسین بروجردی ملاقات کرد، ایشان از او خواست که بعضی از کتاب‌های خودش را به عربی ترجمه کند تا مردم ایران و عراق هم بهره‌مند شوند. وی پس از بازگشت از سفر، دوازده رساله خودش را که مربوط به بحث کلامی و فقه استدلالی بود از اردو به عربی ترجمه و در یک جلد به نام الاثنا عشریه چاپ کرد و چند نسخه پیش آیه الله بروجردی فرستاد. پس از درگذشت علامه عدیل اختر مدیر مدرسه الواعظین لکهنؤ، وی ریاست مدرسه الواعظین را به عهده گرفت و چهارینچ سال این مسئولیت را به نحو احسن انجام داد. ولی به سبب مرض دیابت مجبور شد به وطن برگردد، و در ۲۶ ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶ ق در وطن دارفانی را وداع گفت.



۹. رساله در زکاة به زبان عربی و در نجف اشرف، سال ۱۳۳۰ ق نوشته.
۱۰. رساله در شکیات نماز، به زبان عربی در نجف اشرف و سال ۱۳۳۰ ق نگاشته.
۱۱. هدایة العقول الی مطالب الاصول به زبان عربی تا بحث اوامر در نجف اشرف و در سال ۱۳۳۲ ق به دست تحریر در آورده.
۱۲. حواشی متفرقه بر کتاب الصوم از کتاب نجات العباد، به زبان عربی در نجف اشرف در سال ۱۳۳۲ ق تصنیف نمود.
۱۳. هدایة المؤمنین، این کتاب را به زبان اردو و در مورد فضائل علم و علما و شناخت علما و در سال ۱۳۳۵ ق، در دوران اقامت خود در حسین آباد نوشته است.
۱۴. رساله قاطع لجاج در میراث ازواج، این اثر نیز به زبان اردو می باشد و در حسین آباد، سال ۱۳۳۶ ق نوشته و طبع گردید.
۱۵. رساله افحام الجاحد در رد مسئله الواحد لا یصدر عنه الا الواحد، در جواب سؤال نصرانی در حسین آباد سال ۱۳۳۶ ق تصنیف کرده و چاپ گردید.
۱۶. رساله محفل افروز و القام حجر در بیان نوروز ۲۱ مارس در حسین آباد، سال ۱۳۳۷ ق تصنیف نمود.
۱۷. کتاب تحریف قرآن همه شواهد این کتاب از کتب اهل سنت است و به زبان اردو می باشد، در حسین آباد، سال ۱۳۳۸ ق نوشته است.
۱۸. رساله تحقیقی در تیمم مجنب معذور از غسل به عنوان شرح رساله مولانا و سیدنا آقای سید محمد کاظم طباطبایی اعلی الله مقامه در نجف اشرف، سال ۱۳۳۰ ق تصنیف کرد.
۱۹. ثمره اعمال، این اثر را به زبان اردو، در حسین آباد، سال ۱۳۳۸ ق نوشته است.
۲۰. بغیة الطالبین شرح معالم الدین در اصول فقه، این کتاب به زبان فارسی، مشتمل بر تحقیقات نفیسه، در حسین آباد در سال ۱۳۴۰ ق تصنیف شد و دارای دوازده جزء می باشد، ولی ناتمام مانده است.
۲۱. کتاب مرشد امت در مسئله (سیکون بعدی اثنا عشر خلیفة و کلهم من قریش)، به زبان اردو و در مناظره می باشد. این کتاب دارای چهار جلد و از لحاظ تحقیق و نوآوری بی نظیر است و در طول پنج سال از سال ۱۳۴۱ ق تا سال ۱۳۴۵ ق و در حسین آباد نوشته شده است.
- جلد اول راجع به فضائل ائمة اهل بیت علیهم السلام از کتاب خدا و احادیث رسول صلی الله علیه و آله و اقوال علما و خلفای اهل سنت می باشد.

- جلد دوم در مطاعن جمله صحابه مطلقاً و شیخین خاصة از کتاب خدا و احادیث رسول ﷺ و اقوال خلفای یعنی طعن یکی به دیگری است.
- جلد سوم در مورد مطاعن ابوبکر می باشد.
- جلد چهارم درباره مطاعن خلفای بنی امیه و بنی عباس می باشد
۲۲. رساله تحقیقی در بداء، به زبان اردو تحقیقی جالب و در حسین آباد، در سال ۱۳۴۹ ق نوشت.
۲۳. رساله در حجاب زنان به نام کاشف حجاب به زبان اردو در حسین آباد سال ۱۳۴۸ ق نگاشت.
۲۴. رساله در حجاب زنان به نام معلم شرافت در حسین آباد، در سال ۱۳۵۱ ق نوشته و به چاپ رسید.
۲۵. رساله غنا و اسلام که در اثبات حرمت غنا و بازی با ورق و شطرنج می باشد. این رساله را در وطن خود و در سال ۱۳۴۹ ق نوشت.
۲۶. رساله در انساب سادات در گوال پور، پالی و کهجوه، این را نیز در وطن خود و در سال ۱۳۴۸ ق نگاشت.
۲۷. رساله مرآة قادیانی. در زندگی نامه احمد قادیانی که ادعای نبوت و امامت کرده بود. بعنوان رد او، در شیخ پوره، به زبان اردو، در سال ۱۳۴۵ ق نوشته است.
۲۸. مسائل متفرقه اصولیه و فقهیه و شرح بعضی از احادیث و مناظره‌ها، به زبان اردو و عربی هر دو نوشته شده است.
۲۹. رساله در حرمت کارمند شدن کفار با ادله اربعه شرعیه، به زبان اردو، در وطن خود، سال ۱۳۳۵ ق به تحریر در آورده است.
۳۰. رساله شکیات نماز، مطابق فتوای خود، به زبان اردو، در سال ۱۳۲۸ ق تصنیف و چاپ شد.
۳۱. رساله طهارت و صلاة، به صورت توضیح المسائل، به زبان اردو، با حواشی خود در حسین آباد، سال ۱۳۵۰ ق نگاشت [و در سال ۱۳۵۴ ق به چاپ رسید].
۳۲. رساله طهارت به زبان اردو، مطابق فتوای خود، در حسین آباد به سال ۱۳۳۸ ق نوشت.
۳۳. رساله اصول فقه به نام سبائک الذهب، در حسین آباد، در سال ۱۳۶۰ ق به رشته تحریر در آورده است؛ البته ناتمام ماند.
۳۴. رساله سفرنامه خراسان سال ۱۳۴۶ ق که پس از بازگشت به وطن خود مرتب نمود.



۳۵. تحقیق در متعہ کہ مطالب جالب و با کمال دقت در حسین آباد در سال ۱۳۴۹ ق نوشته است.

۳۶. رسالہ در عدم جواز بستن دست ہا در نماز ہمراہ با ادلہ آن، و باز نمودن دست ہا، ہمراہ با ادلہ جواز بلکہ با ادلہ وجوب، در حسین آباد در سال ۱۳۵۳ ق بہ رشتہ تحریر در آورده است [و بہ چاپ رسیدہ].^۱

بہ



۱. دارای چند کتاب دیگر بہ شرح ذیل می باشد: تعدیۃ النکاح اردو مطبوع. الانتصار فی حرمة الادبار اردو. منازل آلام، مربوط بہ منازل سفر امام حسین علیہ السلام اردو مطبوع. رافع التباس از سند زیارت ناحیہ اردو مطبوع. تفسیر انوار القرآن [نا تمام] در سہ جلد: جلد اول مقدمہ تفسیر حدود ۲۰۰ صفحہ، جلد دوم تفسیر سورۃ الحمد حدود ۲۰۰ صفحہ و جلد سوم از اول سورہ بقرہ تا حدود آخر سورۃ آل عمران در حدود ۹۰۰ صفحہ چاپ شدہ است. متأسفانہ اجل مہلت نداد کہ این را بہ اتمام برساند و این تفسیر ناقص ماند.

تکمله پیر تعلیم چند استقبال دیگر از قصیده شینیه خاقانی

سیدرضا باقریان موحد

مقدمه

مرادل پیر تعلیم است و من طفل زبان دانش دم تسلیم سرعشرو سرزانو دبستانش
قصیده مرآت الصفای خاقانی که با نام «قصیده شینیه» شهرت یافته است از همان آغاز
سرایش تاکنون، مورد توجه بیشتر شاعران به ویژه شاعران عارف مسلک قرار گرفته و
استقبال‌های بسیاری از آن در طول تاریخ ادبیات فارسی انجام پذیرفته که در تاریخ ادبیات
فارسی کم نظیر است.

در شماره ۶۳-۶۴ فصلنامه میراث شهاب، گزارشی از ۱۱۰ استقبال از این قصیده مشهور از

قرن ششم تا عصر حاضر با عنوان «پیر تعلیم» منتشر شد. اینک بعد از گذشت دو سال از
انتشار آن مقاله، تکمله‌ای شامل فهرست برخی دیگر از قصاید استقبالی و متن کامل قصیده
شینیه شرعی شیرازی (قرن ۱۱ق) در منقبت امام صادق علیه السلام به خوانندگان عرضه می‌شود.

شرعی شیرازی از عالمان و شاعران گمنام عصر صفویه است که از زندگی و اندیشه او اطلاع
چندان به دست ما نرسیده است. نسخه خطی دیوان اشعار او به شماره ۷۰۰۹ در کتابخانه
مجلس شورای اسلامی موجود است.

در دیباچه این دیوان آمده است:

ابلق البلغا و افصح الفصحا، بلبل گلشن معنی طرازی، ملاشرعی شیرازی... سعدی از
سعادت همشهری بودنش بلبل گلستان مسرت و عرفی از میکده قرابتش باده‌نوش

قراچه عشرت. درد ساغر خیالش آب روی طبع زلالی و صید ضعیف فکرش
جلوه آموز غزال غزالی...



فهرست استقبال‌های نویافته

میرامانی (قرن ۱۰ق)

درین گلشن، دل خون‌گشته‌ای پیدائی گردد
نشان گرزان دهان خواهی دلا نیکو تامل کن
(تذکره هفت‌اقلیم، ج ۲، ص ۶۷۴)

معلوم تبریزی (قرن ۱۱ق)

ندانم با که دارد گفتگو چشم سخندان
که می پوشد زره از زخم دل مژگان به مژگان
(فصلنامه دانش، شماره ۹۳، ص ۱۷)

رضا قلیخان (غافل) متوفی ۱۲۸۹ق

بنایی را که نبود عشق در بنیاد بنیانش
مباش اندر پی آبادیش بگذار ویرانش
(تحفة الفاطمیین، ج ۳، ص ۴۱۰)

سید زمان الدین عدیم شعنائی (۱۲۸۲-۱۳۷۸ش)

معارف عالم افروز و معلم پرتو افشان
الهی تا جهان باقیست باقی باد دوران



معلم قابل قدر است و قدر و عزت و شأنش
فرا تر دامن از مهر و مه و برجیس و کیوانش



معلم کیست گر گویم نشان از رتبه و شأنش
ز روی علم و دانش فضل افزون داد یزدانش



معلم گر کشد رنج و کند خواننده ناخوانش
شود دانسته و استاد هر شاگرد نادانش

(اشک حسرت، ص ۲۱۲)

بر اتعلی فدایی هروی (۱۳۰۸ش)

پری رویی که من دلبسته‌ام در بند زلفانش
سمن مویی که من سرگشته‌ام از داغ هجرانش

(دست‌نوشته شاعر)



دل من بحر عرفان است و شور عشق طوفانش
خرد روح و بنان کشتی، سخن موج خروشانش
(گنج درویرانه، ص ۴۴)

سید عادل حسین مشفق
چه خوش باشد اگر گویم سخن از نام و عنوانش
که تا دست طلب خیزد رود بر سوی دامانش



بهار از راه دور آمد چو بیرون شد زمستانش
به موج گل چه می بینی که بلبل شد غزلخوانش
(دست نوشته شاعر)

طفیلی کشمیری

دل صد پاره ام باغ است و تیغ او خیابانش
بود از قطره های خون دل گل های خندانش



چو مینا در رکوع بندگی پیوسته مستانش
چو تاک از دانه انگور مستان سبوح گردانش



نمی گردد تسلی دست زرافشانش
بود از آسمان گردامن سایل به دورانش
(نسخه خطی)

ذوقی اردستانی

دل من طفل نادانست و عشق استاد پر دانش
سبق خون خوردن و حسرت بود کج دبستانش
(نسخه خطی)

نصرالله اصلانی (فانی)

فضای درگزین از خرمی چون باغ رضوانش
زنهت می توان خواندن عروس ملک ایرانش
(نسخه خطی)

حیرتی قمی

سر خون ریختن دارد سپهر و چرخ گردانش
به یاد آمد مگر خونریزی قاضی کاشانش
خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۹۹

رحمت الله تائب بادغیسی

معلم کیست پرگنج درویشی دبستانش
سبق نفی سوای و نفس انسانی سبق خوانش



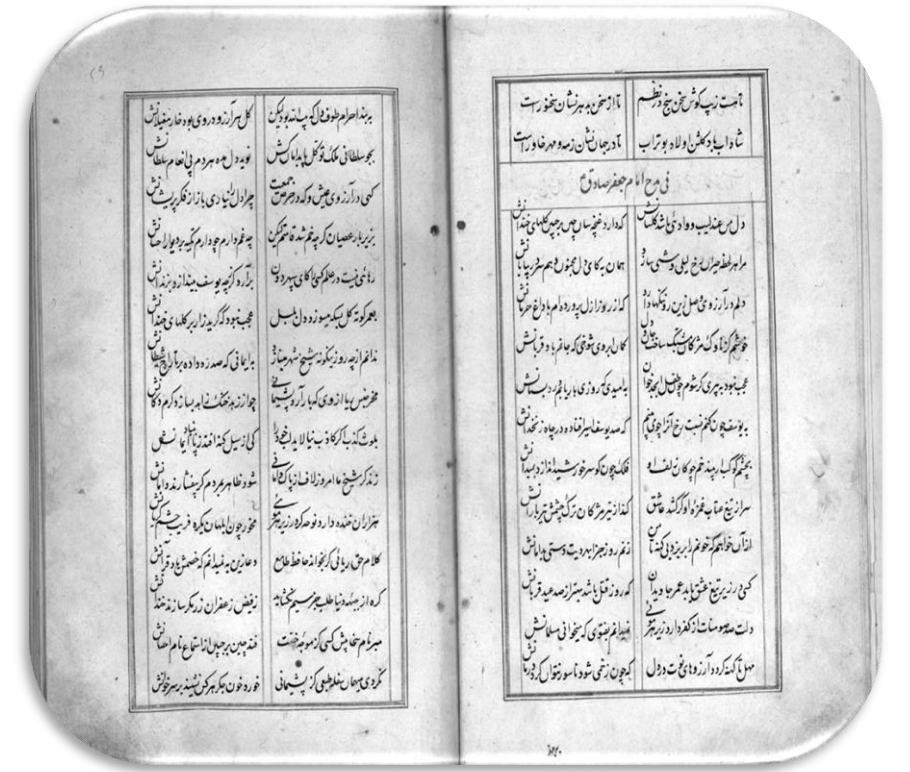
فی مدح امام جعفر صادق علیه السلام

شرعی شیرازی (قرن ۱۱ق)

دل من عندلیب و وادی ای باشد گلستانش
 مرا هر لحظه حیران رخ لیلی وشی سازد
 دلم در آرزوی وصل زمین روننگ ها دارد
 خوشم کز ناوک مژگان مشبک ساخت جان و دل
 عجب نبود به پیری گروم چو طفل ابجدخوان
 به یوسف چون کنم نسبت رخ آن را چومی بینم
 به چشم کوکب اربیند خم چو گان زلف او
 سراز تیغ عتاب غمزه او گر کشد عاشق
 از آن خواهم که خونم را بریزد بی گنه تا من
 گهی در زیر تیغ عشق یابد عمر جاویدان
 دلت صد سومنات از کفر دارد زیر هر مویی
 مهل تا که نه گردد آرزوهای نوت در دل
 ببند احرام طوف دل که بیت الله بود لیکن
 بچو سلطانی ملک تو گل پای به دامن کش
 گهی در آرزوی عیش و گه در حرص جمعیت
 به زیر بار عصیان گرچه خم شد قامت لیکن
 رهایی نیست در عالم کسی را کاین سپردون
 به عمر کوتاه گل بس که می سوزد دل بلبل
 ندانم از چه روزین گونه شیخ شهرمی نازد
 مخرجنس ریا ازوی که بار آرد پشیمانی
 به لوث کذب اگر کاذب نیالاید لب خود را
 زند گرشیح ما امروز لاف از پاکدامنی
 هزاران خنده دارد نوحه گرد زیر هر مویی
 کلام حق ریایی گر بخواند حافظ طامع

که دارد غنچه سان چین بر جبین گل های خندان
 همان به کای دل مجنون دهم سرد ریابانش
 که از روزازل پرورده ام با داغ حرمانش
 کمان ابروی شوخی که جانم باد قربانش
 به امیدی که روزی باریابم در دبستانش
 که صد یوسف اسیر افتاده در چاه زخندانش
 فلک چون گوهر خورشید اندازه به میدانش
 کند از تیر مژگان ترک چشمش تیر بارانش
 زخم روز جزا بهر دیت دستی به دامنش
 که روز قتل باشد بهتراز صد عید قربانش
 نمی دانم به فتوای که می خوانی مسلمانش
 که چون زخمی شود ناسورت توان کرد درمانش
 گل هر آرزو در روی بود خار مغیلانش
 نوید دل مده هر دم پی انعام سلطان
 چرادل را نیاری بازا از فکر پیریشانش
 چه غم دارم چو دارم تکیه بر دیوار احسانش
 بر آرد گرز چه یوسف بیند از به زندانش
 عجب نبود که گرید زار بر گل های خندان
 به ایمانی که صد ره داده بر تاراج شیطان
 چو از زهد خنک زاهد بسازد گرم دگانش
 کی از سیل گنه افتد زیبا بنیاد ایمانش
 شود ظاهر به مردم گریفشانزد دامنش
 مخور چون ابلهان یک ره فریب چشم گریانش
 دعا زین به نمی دانم که خصمش باد قرآنش

گره از جبهه دنیا طلب جزسیم نگشاید
 مبرنام سخاپیش کسی کز موجه خست
 نگردی مهمان سفله طبعی کز پیشیمانی
 مجودر دید و وادید کس انبار از در دونی
 نیشانی به امید سحاب جود او تخمی
 بیا ای دل تماشابین که در پیش خران دایم
 ندیدم طامعی را تیز دندان طمع یک دم
 دلا زین گفتگو بگذر بگو مدح فلك قدری
 امام مشرق و مغرب، شه دین جعفر صادق
 به جای خوشه گندم جواهر روید از مزرع
 سپهر مکرمت کان سخا کز پاکی طینت
 پریشان سنبلی را گر کند امداد جمعیت
 ز روی مهربانی ها کند حاجت روا او را
 پی آزار موری از مروّت نیست چون راضی
 اگر دریا گهر بخشد ولی از رشك جود او
 ندانم از چه گوهر شد، مخمّر طینت پاکش
 به مدحش مطلع چون خورد مید از مشرق طبعم
 برابر کی شود با بهر دست گوهر افشانش
 برآید طفل را در بطن مادر از شعف دندان
 حسود جاه او در شرع خونس بی دیت باشد
 سیه روسرنگون سرگشته گردد چون قلم دایم
 سخن را ختم کن «شرعی» ببند از گفتگولب را
 همیشه تا نشان باشد ز هستی در جهان پیدا
 بهارستان جاهش تازه چون باغ ارم بادا
 ز فیض زعفران زرمگرسازند خندان
 فتد چین برجبین از استماع نام احسانش
 خورد خون جگر هر کس نشیند بر سر خوانش
 کز اسباب بزرگی ها نباشد غیر دربان
 که کشت دهر گردد خشک از باران احسانش
 همان خر عتّی دارد که رنگین است پالانش
 که محسک از ترش رویی نسازد کند دندان
 که خورشید است کم از ذره پیش روی رخشان
 که کشت دهر شد شاداب از باران احسانش
 به یاد ابر دست او چوریزد تخم دهقان
 بتابد از جبین هر صبح دم خورشید تابانش
 نسیم صبح دم دیگر نمی سازد پریشان
 برای مطلبی هر کس زند دستی به دامانش
 فلك آورده در زیر رنگین ملک سلیمان
 خجل گردد چو ببیند قطره باران احسانش
 که در خلقت بدین خوبی ندیده چشم دوران
 کز آن کس بضیا چون مه کند خورشید تابانش
 سراسر روزگار دود گر آرد حاصل کانش
 به گوش او رسد گرمزده از نعمت خوانش
 چو میرد حاسدی از رشك و بر کس نیست تاوانش
 هر آن کج رو که پایرون نهد از خط فرمانش
 نیاید چون ز تو مدحی که باشد درخورشانش
 بود تا چرخ بازی ها درون پرده پنهانش
 ره باد خزان یارب مبادا در گلستانش
 (نسخه خطی دیوان شرعی به شماره ۷۰۰۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی)



منابع

۱. اشک حسرت، سید زمان الدین عدیم شعنائی. راولپندی، بی نا، ۱۳۸۰ ش.
۲. تحفة الفاطمیین فی ذکر احوال قم و قمیین، حسین بن محمد حسن قمی، تحقیق محمد حسین درایتی. قم، نور مطاف، ۱۳۹۱ ش.
۳. تذکره هفت اقلیم، تصحیح سید محمد رضا طاهری. تهران، سروش، ۱۳۷۸ ش.
۴. خلاصه التواریخ، قاضی احمد بن شرف الدین حسینی قمی، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ ش.
۵. فصل نامه دانش، شماره ۹۳، تابستان ۱۳۸۷.
۶. گنج درویرانه، براتعلی فدایی. مشهد، بدخشان، ۱۳۹۱ ش.
۷. نسخه خطی دیوان شرعی به شماره ۷۰۰۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.



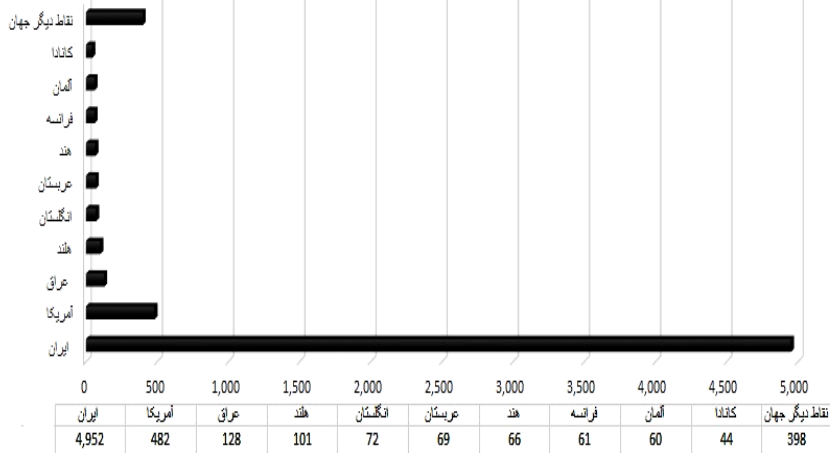
گزارشی از سایت شهاب نیوز WWW.SHAHAB-NEWS.COM

سید حامد مطبوعه چی

یکی از مهم ترین ابزارهای رسانه ای دنیای جدید در جهت پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی و پروژه های تحقیقی که به وسیله مجلات پژوهشی از جمله مجله میراث شهاب دنبال می شود، فضای مجازی است تا بدین وسیله مجلات تخصصی بتوانند با مخاطبان فرهیخته خود ارتباط بیشتری برقرار کنند. آن چه در عصر جدید از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، ارتباط نه یک سویه بلکه دوسویه بین طرفین يك فضای ارتباطی است و دستیابی به این مهم برای فصل نامه میراث شهاب با ژرف اندیشی مدیر محترم کتابخانه جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ تحقق یافت. این مجموعه تحت هدایت نسخه پژوه و استاد گران قدر حجت الاسلام حافظیان قرار دارد و هدف اصلی آن ایجاد پایگاهی دسته اول برای محققان و علاقه مندان حوزه کتاب شناسی و نسخه پژوهی است. از توفیقات این پایگاه در همین مدت اندک موج گسترده ارجاع به این پایگاه و مطالبش توسط مجموعه های اطلاع رسانی هم چون پایگاه کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مرکز میراث مکتوب و دیگر مراکز است. این پایگاه تا به تاریخ نگارش این گزارش مختصر حدود ۶۵۰۰ بار بازدید از سراسر جهان داشته است که از کشورهای مختلف بوده است.

این پایگاه با آدرس www.SHAHAB-NEWS.com در هر ساعتی و از هر نقطه از جهان قابل دسترسی است.

آمار بازدید کننده گان



پایگاه به چند کارگروه علمی و پژوهشی تقسیم شده که عناوین آن‌ها به اختصار چنین است:

۱. تبارشناسی (انساب) ۲. قم پژوهی ۳. چاپ‌های سنگی ۴. نسخ خطی ۵. کتاب‌شناسی
۶. فهرس نسخ خطی ۷. رساله‌های تصحیحی ۸. سفرهای علمی ۹. تراجم ۱۰. ادبیات
۱۱. اجازات و تقریظ‌ها ۱۲. سفرنامه‌ها ۱۳. آموزش فهرست‌نگاری

کارگروه‌های مذکور محیطی علمی و آموزشی برای مخاطبان فراهم آورده و هر یک از مخاطبان بر طبق ذوق و علاقه خود می‌توانند به مطالب مورد نظرشان دست یابند. این مجموعه هر شماره از مجله میراث شهاب را در آرشيو پایگاه به صورت پیوسته و در هر کارگروه به صورت تخصصی گسترش داده تا کاربران بتوانند علاوه بر اطلاع از داشته‌های هر شماره، مقالات حوزه تخصصی مورد علاقه‌شان را دنبال کنند.

کاربران محترم می‌توانند در پایگاه ثبت نام نمایند و مقالاتشان را از طریق پایگاه ارسال نمایند. به هر حال این پایگاه در ابتدای راه است و مدیران آن برای بهره‌وری بیشتر در حال تلاش اند. شما می‌توانید با مراجعه به این پایگاه و ارسال نظرات خود موجبات ارتقاء علمی آن و دلگرمی دست‌اندرکاران را فراهم آورید.



اثری نویافته از ابن ابی جمهور احسائی

ابوالفضل حافظیان

محمد بن علی بن ابراهیم بن حسن بن ابی جمهور احسائی از علمای نامدار شیعی در سدهٔ نهم هجری، آشنا با علوم مختلف اسلامی از جمله فقه، اصول فقه، حدیث، کلام و عرفان و صاحب تألیفات متعدّد در زمینه‌های مذکور، شخصیت ذوابعدی است که مطالعات گسترده‌ای پیرامون شرح حال و شناسایی آثار و بررسی افکار و نظریات وی در شرق و غرب عالم صورت گرفته و هنوز ابعاد مهمی از زندگی وی مجهول مانده و نیاز به بررسی بیشتر در صورت دستیابی به منابع جدید دارد.

شاید یکی از جامع‌ترین تحقیقات دربارهٔ زندگی ابن ابی جمهور کتاب «کلام، فلسفه و

عرفان در اندیشهٔ شیعهٔ اثنی عشری سدهٔ نهم هجری: جهان اندیشه‌های ابن ابی جمهور احسائی» اثر دکتر زابینه اشمیتکه باشد که در سال ۲۰۰۰ میلادی در لیدن به چاپ رسیده و پیوست مربوط به «فهرست نوشته‌های ابن ابی جمهور» به وسیله دوست گرامی احمد رضا رحیمی ریس به ترجمه شده و با اضافات در نسخهٔ پژوهی، دفتر یکم، صص ۲۹۱-۳۰۹ به چاپ رسیده است.

اخیراً نیز فهرست مصتفات ابن ابی جمهور به همت دوستِ فاضل شیخ عبدالله غفرانی به وسیله جمعیهٔ ابن ابی جمهور الاحسائی لإحياء التراث به چاپ رسیده است.

ضمن نسخه‌های جدید خریداری شده کتابخانهٔ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله کتابی از تألیفات ابن ابی جمهور به دست آمد که به نظر می‌رسد اثر جدیدی از کارهای وی باشد که

گرچه شباهت‌هایی با اثر مشهورش المجلی مرآة المنجی دارد ولی غیر از آنست. در این کتاب کلامی هم چون دیگر آثار ابن ابی جمهور تأثیرپذیری از سهروردی و سیدحیدر آملی در نقل‌های طولانی از این دو آشکار است.

نسخه از آغاز یکی دو برگ افتادگی دارد و در حاشیه صفحه اول چنین معرفی شده است:
 «شرح توحید ابن ابی جمهور احسائی با تفسیر سورة توحید».

کتاب مورد گفتگو شرح مزجی است بر متنی از خود ابن ابی جمهور و انتساب کتاب به ابن ابی جمهور آشکارا در انجامة کتاب آمده است:

قد اتفق كتابة هذا الشرح بعد اتمام اصله بقريب خمسة عشر ليلة من فراغه من الشهر الذي فيه تاريخه في تلك السنة بالمشهد الغروي به المقدس وكان وقوع ذلك الأصل والشرح في المدة القصيرة من روحانية صاحب المشهد المعظم الحجة الكبرى والحجة العظمى ابوالسادة النجباء خامس اهل الكساء العروة الوثقى امير المؤمنين عليه افضل الصلوات وأكمل التحيات وعلى ذريته الطاهرين بعد الصلاة على سيد الأولين والآخرين محمد خاتم النبيين والمرسلين والحمد لله رب العالمين وكان الفراغ من هذه النسخة تبييضاً من المسودة المعمولة بالمشهد في منتصف ليلة الأحد في العشر الأواخر من صفر ختم بالخير والظفر أحد شهور سنة ثلاثة وتسعين وثمان مائة ببلدة الاحساء حماها الله من الاسواء بقرية التنميه حفت بالأطاف الالهية على يد مؤلفه الفقير الى الله الغفور محمد بن علي بن ابراهيم بن حسن بن ابی جمهور الاحساوي اصلاً ومنشئاً ومسكناً بمنزله والحمد لله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً...

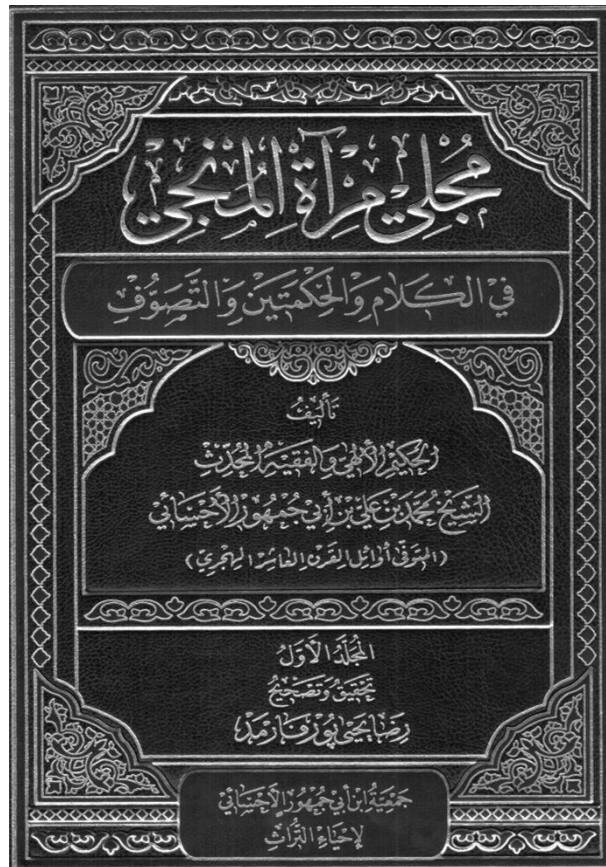
بدين ترتيب رساله متن را در نجف تأليف کرده و اين شرح را در روستای تنميه در احساء در شب یکشنبه او اخر صفر ۸۹۳ به پایان رسانده است. کتابت نسخه مورد گفتگو در روز دوشنبه از ماه ذی القعدة ۱۰۷۶ به انجام رسیده و با نسخه مؤلف مقابله شده است چنان که در بلاغ مقابله به خط محیی الدين طریحی آمده است:

بلغ مقابلة بنسخة المصنّف التي كتب منها وقد كانت النسخة غير سليمة من السهو والسقط والاهمال في بعض المواضع وكثير من المواضع تبين وجه الصواب فيها على خلاف ما اثبتته بحظه وكان هذا واقع في العبارات التي نقلها المصنّف من كتب من

تقدمه كما أشار إليه ولم يتفطن لضيق المقام لتصحيحها والله اعلم وكتب عبد الله الغني محيي الدين الطريحي المسلمي الغريبي (؟) في الثاني عشر من ربيع الثاني أحد شهور سنة ثمان وسبعين وألف من الهجرة وصلى الله على محمد وآله الطاهرين. در انتهای نسخه، پس از پایان کتاب، رساله کوچکی است در چند برگ در تفسیر سوره توحید که در فراز صفحه آغاز رساله چنین معرفی شده است:

هذه التبعة من التفسير بخط مصنف الكتاب في مثل هذا الموضع من الكتاب. از کتاب نخست و رساله بعدی در فهرست آثار ابن ابی جمهور یاد نشده و گمان می بریم اثر تازه ای از وی باشد که بررسی دقیق تر مضامین آن همت بیشتر محققان علاقمند به آثار ابن ابی جمهور را می طلبد و ما علینا الا البلاغ.

بسم



اصح صحف با الزوار الحقیقه سید حمید علی شمشیر ۳۸۸

گورافا تکمالک وعین مدخله فان ما منه من الجنان الی انک
 التفرقة فا رسد تک وحیثه فی دستور وجمته
 وطرحه بین بدیک فاستقم به خبر و تم بواجب
 حقه غایه التیام واعرف قدره عاریة العروة فانه
 کما یجلیل فی فیه عجیب فی جنبه قلیل و فوج
 و ذیقیر اینه بنده و کرمه علی بدی منه نام تیسر
 علی بدی عنبر یعی ما تالی و ذلک من فضله و طریقتا
 لدی فانه اشکر کثیرا و له الجز فا ضل و فضله بها
 انطا فیه عن غیر اهله و لا یکن با الظیون به علی بن
 عرف محله و محل اهله و لا یکن فی الحکمة غیر اهله یکن
 من اهل ظیها و لا یضمها اهله فیکون من الایمان
 احسن الظن یجمع ما فیه و لا یشترع بالورد و لا یکار

للعساه تفسر علیک العلم بکون نه فان و فیه مکتوبات
 کثیر و عبادات لطیف و محتاج فی معرفتها الی لطیف
 السرو اصلاح الارواح بل فدان عمل علی مشکلات
 الاعمال و یصح الابدان کشف و اما فیه فان هان الکتب
 واصرا به لیس ففرضیه البحث لصر ف و لا یحقا لکل
 الاخطا بما صد بل قد یصح بین الحکیمین و فانما یفین
 و لیس لای اهل الجرد الدعوی بالمرئفة ایمنه و انما
 بما خذ علی جهتها لاجتجاج الامل کجه بذاک فانه
 بهر فیه و یحقق عنده فظهور فیه و علی قدره و فانه یطلب
 شد فی حق من ما و در و فیه علیک من العول علی الیه
 علی و هنک و انما انه ما ظهرت علیه و الفقه من
 الطوارق و الصور لکرمیه فانک اذا فادقت هذه
 الطریق و یضغها فی الحشما و را ما عرفت عن من
 الکتاب و یحقق عنده لک علم بالانتقال علی من الحکمر
 الی هی لب حلل صده افق الاله الله من لاد من
 و لب فکار اهل البحث من امد فقیه نام النظر
 و صد فی الطلب و عمل ما فیه انصل الی یستویک
 فتم علی ما فیه لای الحشما لصر فای عینک فای طلب
 التال و فوج کل التوفیر علی الشراط المذکوره فی
 الکتاب لتق و من مقاما سالجورا و با خط الوجود
 و یحرف فی سلاک انبیا الله و اولیائه فایوم احسن
 و اعمله تالی و انکون علی ما یسیر الی علی بدی



طرحه و طریقتا

هذه النية في النفس على مستند لا تكافئ له في الوجود
 في الانتخاب هكذا حفظ النفس على
 قولها القادح الوجودي الذي لا يفرق بينه وبينه
 فان كان فان هو يشترطه مشروطة فحتى لا ينفرد
 وكان فان هو يشترطه مشروطة فحتى لا ينفرد
 فوجوده مشروطة وكله فان وجوده مشروطة و
 تكونه مشروطة فان كل مشروطة مشروطة والشيء الذي لا يوجد
 الوجود واجب كقولنا في مشروطة وجوده فان كان
 هو يشترطه مشروطة فحتى لا ينفرد
 هو لانه فان وجوده مشروطة فان واجب الوجود هو الذي لا
 انه هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة هو الذي لا يوجد
 فواجب الوجود هو الذي لا يوجد فان الوجود لا يوجد
 وانما يشترطه مشروطة لم يكن مشروطة الا بالضرورة والواجب
 انما يشترطه مشروطة هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 ليس به و الاكل في الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 وذلك هو الذي لا يوجد فان الوجود هو الذي لا يوجد
 ولا يشترطه مشروطة هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 لا يشترطه مشروطة فان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 الى غير ذلك فان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 كما انها وعظمتها الا بانها هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 كغيرها فان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 ونشأ ان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة

لا يشترطه فان اسم الله تعالى منها وانها جميعا لا يشترطه
 فانه هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة هو الذي لا يوجد
 لا يشترطه فان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 الا ان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 عن ان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 وعقله كقولنا في الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 انما كان في نفس الذات في الوصف ولم يشترطه المشروطة
 فغيره كقولنا في الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 التي لا يشترطه فان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 للواجب وهو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 الصانع في الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 ومنها ان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 مشروطة فان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 كل وجه لا يشترطه مشروطة هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 فغيره مشروطة هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 في الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 فلهذا شرارة الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 فلهذا ان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 فلهذا ان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 فلهذا ان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة
 فلهذا ان الوجود هو الذي لا يوجد فوجوده مشروطة

بشر



MIRAS-E

SHAHAB

The Journal of

the Grand Library of Ayatollah Al-ūzmā Mar`ashi Najafi
- The world Treasure of Islamic Manuscripts -

Managing Director: Dr. Seyed Mahmoud Mar`ashi Najafi

Chief editor: Abulfadhl-E Hafeziyān-E Babuli

Typesetting and Layout: Mohammad hossein-E Khorshidi

Address: Ayatollah Marashi Najafi st.

Qom - 3715799473. I.R.IRAN

Tel: + 025 - 37741970- 8 , 37738264

Fax: + 025 - 37743637

[http:// WWW.Shahab-news.com](http://WWW.Shahab-news.com)

E-mail: A.Hafezian@Aol.com

● **Miras-e Shahab**, covers the news of the Grand Library of

Ayatollah Al-ūzmā Marashi Najafi, as well as the following issues:

- To introduce Manuscripts of the Library.
- To introduce the incunabuals kept in the Library.
- To introduce the publications of the Library.
- Reports from tours by Library`s researchers.
- Articles on Criticism and Authorship.
- Articles on Librarianship and Bibliography.
- Articles on introducing various Libraries.

● The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.

● The views presented in this journal are those of the authors.

● The received articles will be edited technically by the editorial board.

● **Miras-e shahab** is published quarterly at the end of each season.